فهرست تکالیف مندرجه اختصاراً

تمت بحول الله و قوته

صورة اجازة اخرى لمؤلف هذا الكتاب

من العالم العامل حجة الاسلام وملاذ الانام اعلم العلماء العاملين وافقه الفقهاء الكاملين
الحاج ميرزا محمد حسين المجتهد الاعلم نجل المرحوم المبرور العالم العامل الحاج ميرزا خليل
الطهراني النجفي ادام الله ظله العالي على رؤس الاعاظم والاداني بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي رفع درجات العلماء بان جعلهم ورّاث الانبياء ونواب الاوصياء وفضل مدادهم
على دماء الشهداء والصلوة والسلام على اشرف الانام محمد صلى الله عليه وآله الذي اجتهد في
تبليغ الاحكام وعلى آله المعصومين الغر الكرام ما اشرق صبح ودجى ظلام ولعنة الله على
اعدائهم الى يوم فصل الخصام وبعد فلا يخفى على من تدين بدين الاسلام ان من عناية الله
تعالى على الانام احداث العلماء العظام والفقهاء الكرام لاحكام الاحكام وارشاد
الناس الى الحلال والحرام في كل عصر من الاعصار وصونا للشريعة عند الانام وممن سعى
في نيل هذا المرام العالم العامل والفاضل الكامل قدوة ارباب التحقيق ونخبة اهل
التدقيق عمدة العلماء وزبدة الفقهاء الحاج ميرزا علي اكبر صدر الاسلام الهمداني
ايده الله ببلوغ الآمال وايده بجنود الاقبال واسعده في جميع الاحوال قد بذل جهده
في احكام الاحكام الشرعية وعرق جبينه في اتقان القواعد الدينية والمسائل
الشرعية وحضر عندنا وعند العلماء الراشدين والاساتيد المتبحرين حتى بلغ بحمد الله
مبلغا عظيما ووقف من هذا الوادي موقفا جسيما فصار بحمد الله عالما ربانيا
معلما روحانيا فحقيق ان يقتدى بافعاله الدينية وان يؤخذ باقواله الشرعية
وحيث تدبرت له الرجوع الى وطنه المانوس لاحياء ما اندرس من مراسم النفوس استجاز
مني تاسيا بالمتقدمين وارشاد المتاخرين ولما ان وجدته اهلا لذلك اجزته
ان يروي عني جميع ما سمع مني وجمعته وروايته من مشايخي العظام بطرقها المتصلة
في محلها موصيا اياه بلزوم الاحتياط ومجانبة التفريط والافراط وان لا ينساني
من الدعاء في مظان استجابة الدعوات فانه دال الحسنات وقد استاذن مني في
مباشرة الامور الحسبية فاذنت له التصدي لها مع كون المصلحة في تصديه في
تركه مع رعاية الاحتياط فانه سبيل النجاة وكان ذلك في السادس والعشرين
من رجب الاصم من شهور سنة ١٣٢٣ الراجي عفو ربه الجليل نجل المرحوم الحاج
ميرزا خليل قدس سره الراجي محمد حسين

(تكاليف الانام فی غيبة الامام عليه الصلوة والسلم)

در زمان دولت وسلطنت پادشاه جمجاه سليمان دستگاه شاهنشاه اسلام پناه السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان اعليحضرت ظل الله السلطان مظفر الدين شاه خلد الله ملكه وسلطانه وابد الله عيشه ودولته وشوكته وشانه الى ظهور امام العصر وناموس الدهر صاحب العصر والزمان روحى وارواح العالمين فداه اين كتاب مستطاب تاليف شد اميد است كه مطبوع ومقبول نار بگاه ودر گاه آن حضرت ظل الله گردد كتبه مؤلفه ومصنفه وفقه الله

اذل الانام صدر الدين صدر الاسلام طاهر ... على اكبر ... [illegible]

بسمه تعالى

صورة اجازة [illegible] لمؤلف الكتاب

والمولى المعظم والاستاد الاعظم اعلم العلماء المحقق [illegible]

العالمين واكمل الفقهاء السالفين [illegible] العالم الربانى [illegible] العالمين [illegible]

الصداق [illegible] الاسلام [illegible] جميع العلوم [illegible]

[illegible]

فليروِ عنى ما احب كيف احب حرره العبد المسىء حسين بن محمد تقى النورى الطبرسى فى شعبان سنة ١٣١٢ (حين منى وانا راحين)

اقول وهذه صورة خطه الشريف وخاتمه فى ظهر كتاب دار السلم فيما يتعلق بالرؤيا والمنام وانا اذل الانام صدر الاسلام صدر الدين على اكبر بن [illegible] محمد بن محمد بن محمد طاهر الهمدانى النجفى وفقه الله تعالى الاستفادة من رضاته وايده بتاييداته سنة ١٣١٧

صورة اجازة اخرى لمؤلف الكتاب من السيد الجليل والسند النبيل عمدة العلماء وزبدة الفقهاء العالم العامل المجتهد الكامل سيد [illegible] السيد محمد الهندى النجفى دام ظله العالى بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

[illegible]

امعج

یا صاحب الزمان ادرکنی ووفقنی وسددنی

کتاب
تکالیف الانام فی غیبة الامام علیه الصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد واله المعصومین والصلوات الزاکیات
والتحیات النامیات علی حجة الله فی الارضین والسموات الغائب عن الابصار والحاضر فی مضمار الا
والمطلع علی الافکار سید وصولای ودینی وایمانی ووضوئی وصلوتی وحجی وجهادی
وزکوتی ودنیای واخرتی ابی القاسم محمد بن الحسن العسکری
امام الانس والجان صاحب العصر والزمان علیه وعلی ابائه المعصومین صلوات الله الملک المنان
ثم الصلوة والسلم علی اولاده وعترته وذریته ونوابه واوتاده وابداله وخدامه
والمنائه وخواصه وامرائه وجنوده وعساکره وعلی حججه ورواة احادیثهم الذین هم
فی غیبته ینفون عن الدین تحریف الغالین وتاویل الجاهلین وانتحال المبطلین اللهم
یا خالق قائم المحمد صلی الله علیهم اجمعین اسئلک بحق قائم المحمد ان تصلی علی قائم المحمد
وتعجیل فرج

وتعجیل فرج قائم المحمد وارزقنی رؤیة قائم المحمد واجعلنی من اعوانه وانصاره المستشهدین
بین یدیه ولا تفرق بینی وبینه طرفة عین ابدا ولا اقل من ذلک ولا اکثر یا ارحم الراحمین
بمحمد واله الطاهرین ای اقای من تو دانی که مرا چه مقصودی ومنظوری در این کتاب است
وهم تو دانی که چون مرا دست رس بحضرت اقدس نمی باشد لهذا شوق محبت تو را مجملا
ومیخواهم کلا وتمام زابنوشتن نام مقدس وذکر احادیث مشغول کنم وقلب وزبان را
بیاد مبارکت مکلّفم ذکر تو از زبان من فکر تو از خیال من کی برود که رفته
در رگ ودر مفاصلم یا سیدی ومولای این اوقات که ارجحف اشرف علی شرفها الاف
التحیة والتحف دور واز آن آستان مقدس مهجور گردیده خاطرم شوریده وظاهرم پریشان
حالم منقلب واحوالم مضطرب حواسم پریشان وحالتم پریشان یکدم نمیرود که در
خاطر منی ای آقای من خود در اول ملاقات فرمودی در غم تو از جهان
گذشتم واز جمله جهانیان گذشتم الحال دور روز شب یاد تو میکند دیده
اداوم بذکرک من الغداة الی العشاء یا للعجب مرا چه افتاده که از وصالت محروم
وازمشاهده جمالت مهجور گردیده ام شبی نمیگذرد که از غمت نمیکند در شرار
اهم از انجم فغانم از افلاک از دوری دیدارت نه روز آرام دارم ونه شب قرار
وازمهجوری رخسارت نه حالت صبر دارم ونه طاقت انتظار چشمی نمناک

و جسمی در دنبالت نه رفیقی و نه انیسی و نه شفیقی و نه جلیسی نه جرئت اظهار
اشتیاق و نه قدرت کتمان الم فراق نه همزبانی که من زبانی بدو شمارم
غمی که دارم نه شکیبائی که گاه‌گاهی زحمت من بپوشد غم که دارد ای و الله یا سیدی

اخاف علیک من غیری ومنی | ومنک ومن مکانک والزمان
ولو انی جعلتک فی عیونی | الی یوم القیمة ما کفانی
ومستخبرا عن سر لیلی اجبته | بعمیاء من لیلی بلا تعیین
یقولون خبرنا فانت امینها | وما انا ان خبرتهم بامین
طلب الحبیب من الحبیب رضاه | ومنی الحبیب من الحبیب لقاه
ابدا یلاحظه بعین قلبه | والقلب یعرف ربه ویراه
یرضی الحبیب من الحبیب بقربه | دون العباد فما یرید سواه
سر عشقت داشتم پنهان ولیک | زاه سرد و ناله جان سوز من
صح عند الناس انی عاشق | غیر ان لم یعلموا عشقی لمن
یا حسرة تقلع الاحشاء ذکرتها | علی بقاء امام العصر والزمن
تکاد تنشق نفسی لو عدة واسی | ان خاننی فیک دهر واقتضی زمنی
هانو تتحصل فی علی تقدمی | وحسن ذکرک یحیینی ویلومنی

ایا عجل الله

ایا عجل الله الذی لیس جارنا | بغیر الذی یرضا سابق اقدار
ویا من مقالید الزمان بکفه | وناهیک من مجد به خصه الباری
اغث حوزة الایمان واعمر ربوعه | فلم یبق منها غیر دارس آثار
وانقذ کتاب الله من ید عصبة | عصوا وتمادوا فی عتو واصرار
وانعش قلوبا فی انتظارک قرحت | واضجرها الاعداء ایة اضجار
وخلص عباد الله من کل غاشم | وطهر بلاد الله من کل کفار
وعجل فداک العالمون باسرهم | وبادر علی اسم الله من غیر انظار

ای برادر دینی و ایمانی من بیا مدتی از برای یکدیگر زار دل گوئیم بیا سوز درون
گو دهم اینم که قدر سوزه دل دلسوزه دونی ما شیعه را که خداوند تبارک
و تعالی در غیبت امام عصر عجل الله فرجه در تیه حیرت خلود فرموده و بدین سبب
ما را بمعرض امتحان آورده بموجب حدیث ما را غربال نمایند و بمحک امتحان الاید
که صادق از کاذب و منافق از موافق و مخالف از موالف جدا شود و حق
از روی دقت ملاحظه شود اختبار و امتحان ما ها در این زمان غیبت از شد
از امتحان و آزمایش سایر مردم در ازمنه سالفه بیشتر شد از اینجهت است که ثواب
و اجر ما ها هم در این زمان غیبت اعظم از اجر و ثواب سایر مؤمنان و موالیان

سایر ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین است موافق نص احادیث که حاضر نیست بدیگر آنها
آمده ام که خود تو بصیرت داشته باشی پس در این صورت نمیدانم چرا ما ها
ابدا در عقیده دین و ایمان و متذکر امام زمان خود ارواح العالمین له الفدا نباشیم ما
معتقد هستیم که امام ما عجل الله فرجه اگرچه غایب از ابصار است لکن حاضر
در امصار است و ناظر در افکار است می بیند انچه را که بجا می آوری و میداند
انچه را که خیال میکنی یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور اگر شک
کنی در عقیده و محبت و معرفت تو در حق امام قصور و فتور است در
کتاب اکمال الدین روایت شده از اسحق که راوی توقیع مبارک است از
ابو جعفر محمد بن عثمان عمری قدس الله روحه که گفته است بی انکه سؤال نمایم
توقیعی از جانب حضرت حجة عجل الله فرجه بمن رسید باین مضمون بسم الله الرحمن الرحیم
لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین علی من استحل من اموالنا درهما یعنی لعنت خدا
و ملائکه و تمام مردمان بر کسیکه از اموال ما یکدرهم حلال بداند اسحق راوی
توقیع میگوید بخاطرم چنین خطور کرد که اینحکم در حق کسی است که یکدرهم از مال
ناحیه را حلال بداند نه در حق کسی است که از آن بخورد و لیکن حلال نداند و در نفس
خود گفتم که اینحکم در حق انکسی است که مطلق حرام را حلال بداند خواه از

خواه مال امام باشد و خواه غیر آن اختصاص ندارد بکسی که مال امام علیه السلام را حلال بداند پس خارج
مر حجت را بر دیگران چه فضیلت زیرا که چه باشد پس بکر کند الایکهم بخدائیکه محمد را صلی الله علیه و آله
براستی برای بشارت بسوی خلایق فرستاده هر آینه چنانا آن توقیع نگاه کردم دیدم که توقیع تغیر یافته
و بهمان نحو شد که در دل من خطور کرده بود بسم الله الرحمن الرحیم لعنة الله و الملائکة و الناس
اجمعین علی من اکل من اموالنا درهما حراما یعنی لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی باد
که از مال ما یکدرهم بوجه حرام بخورد ابو جعفر محمد بن محمد خزاعی گفته که ابو علی بن حسین اسدی این
توقیع را آورد بما نشان داد که آن نگاه کنیم و از آن خواندیم انچه گفته شد برای اطمینان قلب شما
ذکر کردم و الا میدانم و میدانید امام تو از روز حیات کمتر از موسی و عیسی علیهما السلام نیست در خبر است که
آنچه معلوم در عالم برای خیر و شر کرد فوقها خبر میدهد و دیده ام که بنده عرض اعمال تو در روز
پنجشنبه بر پیغمبر بسبب سیاه و ائمه هدی علیهم السلام میشود و آنچه در عرض تعبیه کرده تمام شد
با کنها سلام الله علیهم عرض میکنند نور ایمان طبیب نفسم امیدوارم شک و ریب بدل راه ندهی و ایمان تبدیل
و بمقام بنور چه ارای پیغمبر خود داماد ان حضرت سلام الله علیها بانسته ب زکاتی شئونات ایشان
علیهم السلام خیال کنی شماری در طرفیت ما و شما از انها بالاتر است انچه لطف کرده بتقدیر حضرت
ظرفیت درک نمایش عقلش شرع و شما بعهده دیگران شئونات بود جای تر کلاب عظمت
و جلال محمد و آل محمد سلام الله علیهم اجمعین باشند بجرات و ظرفیت ما و شما مانند سبو

بهیهات ره پیمائی بجد در بحر عمیق خیرمیش خلاصی کاری کن که چشم یا زبان را از خود فردا

از در غافل مباش تو هم از ارادتمندان باشی و تسلیم بدان که ما یلفظ من قول الا

لدیه رقیب عتید و یقین بدان هر رقیب و عتید هم از جمله خادمان و غلامان

و چاکران امام تو است علیه صلوات الله الملک المتعالی و این نیست الا از کمال تفضل و شفقت که

حضرت آنحضرت جدت شانه دربارهٔ موالیان تو و علیم و سلیم دارد چون چنین عقیده را خالصاً

مخلصاً از روی کمال اخلاص و خلوص عقیدت دارا شدی در این هنگام به کمال تشکر

و افتخار رواست که حضرت جدت شانه نعمت عظمائی بتو ارزانی فرموده جای بیشتر در عالی کبری حق اراند

توجه و علاوه سلب این نعمت عظمی را از تو نمایند در آنصورت چنان خوارم که آنی دقیقه

برای تو تغافل و تسامح ننمایند که امام خود علیه السلام فرجه ننمایی هرگاه به این درجه عظمی

و موهبت کبری فائز و نائل شدی تمام امورات دنیا و آخرت تو بر وفق کلام تو خلد شد

و برای بعض حاجات و علاوت در بیس حاضر باشد در تمرد خود سوا خواهی و دارای نتایج آن

در ظاهر و باطن تو بروز و ظهور خواهند شد شاید اگر که برای تو مقامی حاصل شود

که ما فوق تمنا و آرزوی تو باشد و البته منتظر آن مقام و مرتبت باشد و خود را لایق

آن مقام نموده باشی و از این فقرات تحاشی و استغراب منما که ان الله لذو فضل علی الناس

ولکن اکثر الناس لا یشکرون و لا یعلمون و لا یفقهون

ایقاظ بدانکه مخفی نماند

ایقاظ

بدانکه مخفی نماند که در غیبت کبرای امام عصر عجل الله فرجه و سهل مخرجه و طلوع شرایط در دریای فیض امام عصر

فاطیس ... از اخبار و شیعیان چه چیزی طائفه و چند صنف طائفه از خود پسندند و طائفه

از عوام و این طائفه منشعب و متفرع بچندین شعبه و فرقه صنفی اشرف و اعلم آنحضرت اند

و صنفی محرم اسرار آنحضرتند و صنفی خدام آنحضرتند و صنفی

اهل و عیال آنحضرتند و صنفی اولاد و نوادگان آنحضرتند و صنفی

کارکنان و کارگذاران آنحضرتند و صنفی شاگردان و اصحاب آنحضرتند و صنفی

رواة احادیث آنحضرت و وکلاء منصوبین آنحضرتند و صنفی حکام و نواب یعنی مجتهدین

و قضاة و فقهاء از طرف آنحضرتند و حجة بر خلایقند و صنفی رعایای آنحضرتند

و بعضی آنحضرت را ملاقات می بینند و بعضی ندیده و نمی شناسند الا اسمی از آنحضرت و صنفی

با آنحضرت بی واسطه و در باب باطنی راه دارند که باطناً از آنحضرت با آنها فیوضات میرسد

و میدانند و ملتفت هستند و صنفی دیگر با آنحضرت بی واسطه و در باب ظاهری راه دارند

و ظاهراً و باطناً با آنها فیوضات مخصوصه میرسد بعضی از آنها مأذون با اظهارند نزد اهلش

و بعضی از آنها ممنوع از اظهار و مأمور بکتمانند و بعضی هستند ساکت و بعضی هستند ناطق

و بعضی هستند که قائل و مصدق آنحضرتند در غیبت کبری لساناً و بعضی قائل

و بصدق اکثر شد لسانا و قلبا و بعضی قائل و بصدق اکثر شدند لسانا و قلبا

و ارکانا. و این طوایف و انواع مذکوره را هر یک تکلیفی است مخصوصه و خلافی

منصوصه در هیچ یک از تکالیف خود نباید که در و تخطی نمایند چنانکه هر یک از این طوایف

و اصناف از تکالیف و وظایف خود سر موئی تخلف نمایند مقصر و مفرط در نزد خدا

خواهند بود مگر آنکه احدی از آنها از درجه ادنی بدرجه اعلی ترفع و ترقی نماید بفضل خود

و از برای آن هم شواهدی است ظاهره و باطنه که در طی این عجاله بعون الله تعالی مکشوف خواهد شد

و چون این خادم العلماء و تراب اقدام الفقهاء دبیر الدین صدر الاسلام علی اکبر

الهمدانی اصلا و النجفی مسکنا و مدفنا وفقه الله لابتغاء مرضاته

و ایده بتائیداته در این عصر و زمان مشاهده نمود که امر دین هرج و مرج و

از وجود اقدس امام علیه الصلاة و السلام غفلت تمام است و عموم مردم از تکالیف مقرره خود تغافل

و تجاهل دارند فرضیه ذمت خود دانستم در جمع از تکالیف امام در غیبت بجهت

امام علیه و علی آبائه المعصومین آلاف التحیة و السلام بنگارم و حتی المقدور بعض از تکالیف مولا

را نسبت با امام عصر ارواح العالمین فداه در این غیبت کبری و مصیبت عظمی بشمارم شاید

بعضی از خواص از خواب غفلت و تجاهل و تکاهل بیدار و بعضی از عوام از سکر تغافل

و تساهل هوشیار شوند و بدانند که امروز در این عصر و زمان الی ظهور مولانا و امامنا

صاحب العصر والزمان

صاحب العصر والزمان تکلیف امام کل چه امر واجب است و چگونه بار ادا کرده و زحمت

اما تکالیف طایفه خواص

که از جمله خصیصین و محرم اسرار آن حضرت صلی الله علیه و علی آله المعصومین که اینها را از

اخبار و احادیث و شواهد عقلیه و نقلیه چندین اشخاص شمرده اند یکی

حضرت خضر علیه السلام و دیگری الیاس نبی علیه السلام و دیگری حضرت جبرائیل

و دیگری حضرت اسرافیل و دیگری حضرت میکائیل و دیگری حضرت

عزرائیل علیهم السلام و عموم روحانی ملکه ارضین و سموات و عموم

رؤسای مسلمانان در شان جن و دیگری اباصالح که یکی از رؤسای اجنه است

از موکلین در قفار و براری است برای هدایت گمراهان و دیگر حمزه از موکلین

در بحار است که صاحب مکارم مجلسی در کتاب آداب و سنن

نقل نموده در خصوص اباصالح که او بهمین کیفیت است و این بیان

کشف از خصیصان نور جن است که اینها بجهت ملکوت و گمراهان است

در اسم اعظم طلب ابا صالح در تجم ثابت از ائمه

ذکر الله ۷ و دیگری ارواح نواب اربعه آن حضرت در غیبت صغری

خاصه آن حضرت در میان شیعیان و دیگر ارواح سایر سفرائی که

غیبت صغری از سید محمد و مانند شرقیه بطوریکه او پنهان و واسطه و وسیله قضاء حوائج و دفع حاجات
و حوائج بعض و غیرها باشد **و دیگر** کسانی که در غیبت کبری نادر و معدوم این مرتبت عظمی شان اند
و می‌شوند مثل شیخ سید محمد نعمت‌الله که توقیعات عجیبه از جهة ایشان در غیبت کبری از حضرت رسیده است
و دیگر شتی نوعی که هیچ با آنحضرت رسیده و آنها اکثر مردم شنیده **و دیگر** اولاد و احفاد آنحضرت
و نوادگان آنحضرت که بعضی در بلاد معموره مشهوره معموره حکومت و نیابت از طرف دیگر و غیره
آنحضرت دارند و بعضی از آنها مانند موسی برادر آنحضرت و اولاد و نوادگان ...
و ظاهر و ارادتمند و عبدالرحمن و هاشم و شمس الدین محمد عالم و غیرهم این قسم از اشخاص
تکالیف ذات متغیره و مخصوصه که از تکالیف و مستعدم از آن تکالیف در وظایف برای ...
که ما دون ذات پست‌تر از رتبه آنها هستند مقرر نموده و لکن آنها که از تکالیف آنها کسی استفسار
حاصل کند که با آنها عمل نماید زیرا که مکلف بتکلیفات آنها نیستند بلکه در حوزه و در رتبه دور هستند
آنها را مختص نموده که تکالیف آنها تغیر و تبدیل خواهد شد **اما طایفه عوام**
که منبع تجدید نسخه **صنفی** هستند که دائم در حضور و واضح است که تکالیف آنها از ...
تکالیف است و ... **همچنین خدام** آنحضرت
و همچنین اهل و عیال آنحضرت که از اولاد ... دیگر است **و همچنین صنفی** که
کارکنان و کارگذاران آنحضرت که در هر روز و در هر شب ... و ... اکثر شده

بالنسبه بمحمود شاه

چنانکه در حدیث طویل ابن مهزیار ... مذکور است

بالنسبه بمحمود شاه باب مرحوم در تکالیف مخصوصه که مادون آنها مامور با آنها هستند
و شاید آنها را ابدال و اوتاد و رجال الغیب و نقباء و نجباء گویند و این اسم در اخبار وارد شده
و در لسان شرع اسامی آنها مختلف ذکر شده مثل ابدال و اوتاد و سیاح و عباد و مخلصین و زهاد
و اهل حمد و اجتهاد و غیر ذلک و مطلب این اشخاص بالنسبه بیکدیگر مختلف و متوقف بر تعریف
و تعداد بعض از آن اشخاص علمای اعلام بیان نموده اند که با کمال معلوم نیست مستند آن چه باشد
اما اصناف رواة احادیث و حکام و قضاة و فقهاء این اصناف هم در مراتب و تکالیف
شخصیه مختلفند بالنسبه بیکدیگر **بعضی** از آنها مقاماتی دارند که از آنحضرت بلاواسطه می‌شنوند
و اخذ مسائل بلاواسطه از آن وجود مقدس مینمایند در هر وقت بخواهند در خواب یا بیداری بحضور
آنحضرت مشرف میشوند **برای بعضی** از آنها که ظاهر نیستند و مشهور دعوی مشاهده نمودن بعض
حرام است **و برای بعضی** از آنها که مستورند و مغمور و خامل الذکر کما فی التوقیع الرفیع
وهم معشر يطلعون بمحاول الذلة والاستكانة وهم عند الله ...
اعزاء يبرزون بانفس مختلة محتاجة وهم اهل القناعة والاعتصام
شاید نمودن بعضی از آنها دعوی مشاهده حلال باشد **و بعضی** هستند که بواسطه
و وسایل این صنف مذکور با آنحضرت راه دارند **و بعضی** هستند که بدون واسطه و وسیله
این صنف مذکور با طنا با آنحضرت راه دارند **و بعضی** هستند که ابدا تشخیص و ظاهرا

... الرفیع ... الذکر ...

نه باطناً راهی با آنحضرت نرسیده الا توسّط و محبت و معرفت آنحضرت ارواح العالمین له الفداء
و همین قدر اکتفا نکرده‌اند و همین درجه را متروک‌اند و بعضی هستند که به لوازمات این درجات
نرسیده اسمی از آنحضرت شنیده و اقرار با بابیت و ولایت آنحضرت داشته بیشتر از آن ادراک نشده
از غیر مذکوره و این اشخاص هم در درجات و حالات مختلفند مثل اشخاصی که در زمان حضور آنحضرت
علیه السلام و الصلوة بودند بعضی آنحضرت را شجاع و بطل و دلیر میدانستند و بعضی او را عالم
متبحر بی‌نظیر میدانستند و بعضی او را اعلم و اورع و ازهد کسانی میدانستند و بعضی او را ولی
کائنات و خلاصه موجودات میدانستند و بعضی او را خالق آسمان و زمین و پروردگار عالمین
می‌انگاشتند هلمّ جرّاً اشخاصی که در این زمان غیبت کبری واقع شده‌اند در معرفت امام
شناسی درجات مختلفه دارند که هر فرد آحاد و افراد آنها ثابت مختلف و متشتت میباشد
و از برای عموم طوایف و اصناف مزبوره که در مقابل خواص قرار داده‌ایم تکالیفی است لازم
و مندوبه که باید از قرار آن تکالیف معینه مقرره معمول در شمار نمایند و در مرتبه تغافل و تکاهل
گردان نباشند تا اینکه شاید از برکت توجهات مقدسه آنحضرت از در حالا منظور نظر
الطاف و اعطاف آقا و مولای خود صلوات الله و سلامه علیه شوند لذا این حقیر تکالیف را از این
اصناف مزبوره را که فعلاً در زمان غیبت کبری آنحضرت عجل الله فرجه به تعدد مختصر قلم شرح داده
بطور استقصا بیان مینمایم شاید این مذاکرات سبب تذکر و تنبه بعضی گردد که اسباب

ترقیات و نجات ابدی

اسباب ترقیات و نجات ابدی دارین برای آنها شود)

تکلیف ۱

از جمله تکالیف واجبه که در غیبت کبری امام عصر و ناموس دهر ارواح العالمین فداه واقع شده از سنت
که خداوند تعالی بفرماید اِنّی جاعلٌ فی الارض خلیفةً از زمان خلقت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام
خلیفه و جانشینی و نایبی از جانب خود برای مردم در روی زمین نصب فرموده و هیچوقت زمین خالی نبوده
از حجتی یا ظاهر و مشهور یا خائف و مغمور تا اینکه مردمان در هر عصر و زمان ایراد و حجت بر خدا
نگیرند که ما جاهل بودیم و نادان و تو را حجتی و برهانی نبود که از او کسب تکالیف و رفع احتیاج
خود را نمائیم بلکه حجت بالغه الهیه عز شأنه و برهانه بر مردم تمام باشد که در هر عصر و زمان حجت از جانب
خود روشن و برهانی بر من برای شما فرستادم و شما را مأمور نمودم که در وجوب شناسائی کسب معالم
و تکالیف دینیه دنیویه و اخرویه و ظاهریه و باطنیه و صوریه و معنویه از او بنمائید و تعلل
و تساهل نورزید اگر حجتی معلوم نباشد یا در عصر ما نبود نخواهند گویند ما از حجت ظاهر
و ناطق و مشهود و ملموس نیست تحقیقی است باطل و از درجه اعتبار و احتمال عاطل است زیرا که پیغمبر خدا
صلی الله علیه و آله و سلم در وقت رحلت خود دستور العملی داد که بعد از او دست مرحومه را شمار نمایند
بهم چنین حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و بر سایر اوصیای منتظرین او که هر یک در زمان خود حجج
قاهره باهره الهیه بودند واحداً بعد واحدٍ دستور العمل امتی که در زمان آنها بودند داده‌اند

تا آنکه نوبت رحلت بحضرت امام همام حجة الحق علی الخلق امام حسن عسکری علیه الصلاة والسلام
رسید و آنحضرت نیز بهنگام رحلت در خصوص حجت بعد از خود دستور العمل مرحمت فرمود و حجة الله
بر حق بعد از خود که محمد بن الحسن العسکری ولده سلام الله علیه آنحضرت بود در سن چهار سالگی
دارای رتبه امامت و ولایت گردید مانند عیسی و یحیی علیهما السلام بمردم نشان داد چنانکه بسند صحیح
از شیخ ثقه محمد بن عثمان عمری قدس سره روایت است که او گفت حسن بن علی علیهما السلام روزی
از روزها پسر خود محمد مهدی صلوات الله علیه را بما عرض کرد و ما نفر آن وقت در مجلس چهل
و ما چهل نفر بودیم در منزل آنحضرت حاضر بودیم و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود که این فرزند من
پس از من امام و پیشوای شما است و خلیفه است از جانب من بر شما فرمان ببرید او را و پس از من پراکنده
و متفرق نشوید و بطرق دیگر نروید که هلاک خواهید شد و بعد از امروز شما او را دیگر محمد مهدی را نخواهید دید
و محمد بن عثمان گفت چندی نگذشت که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از دار دنیا رحلت فرمود و بعد از رحلت
آنحضرت امام الانس والجان صاحب العصر والزمان محمد بن الحسن صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین
امام و خلیفه و جانشین آنحضرت شد و از جهة خوف سلاطین جور که میخواستند آنحضرت را بقتل رسانند
خود را از مردم پنهان میداشت ولی بعضی نوابان در زمان غیبت صغری آنحضرت بطور پنهان خدمت آنحضرت
مشرف میشدند و بعضی دستورات میگرفتند اما بتوسط کسانیکه بحضور مبارکش درک شرف وصول
مییافتند عرائض و مطالب و حوائج خود را عرضه میداشتند و جواب نیز میگرفتند تا آنکه از آن

حضرت دستور العمل رسید که چون خوف زیاد شده و ارتباط مشکل گردیده از جانب خود نایب مخصوصی
برای شما قرار دادیم که عموم شما عرائض و حوائج خود را بتوسط او بمن برسانید و او شیخ ثقه معتمد عثمان
بن سعید عمری [illegible] است که در زمان حضرت امام علی النقی و حضرت امام حسن عسکری علیهما الصلاة والسلام
هم منصب وکالت داشت و شیخ ثقه مزبور قدس سره تا مدت [illegible] سال بمنصب نیابت و وکالت آنحضرت
از طرف حضرت حجة عجل الله فرجه و سهل مخرجه بر قرار بود و در سنه [illegible] روح پرفتوحش بعالم قدس پرواز نمود
و بعد از او بامر حضرت حجة عجل الله فرجه ولد ارشدش عثمان بن سعید ثقه جلیل القدر محمد بن عثمان
بعد از فوت پدر بمنصب نیابت و وکالت اول منصوب [illegible] مرجع شیعیان بود
تا مدت پنجاه سال دیگر تا نوبت او هم بسر آمد پس از رحلت محمد بن عثمان [illegible] که نایب دوم بود باز
بامر امام عصر ارواحنا فداه شیخ جلیل [illegible] شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی قدس سره بمنصب نیابت
و وکالت در میان شیعیان منصوب گردید تا او هم پس از [illegible] ۸ [illegible] حق کرد و او پس از [illegible]
بعد پس از آن بامر حضرت بمنصب نیابت و وکالت تعیین شد ابوالحسن محمد بن علی سمری قدس سره [illegible] شد
و نایب خاص آنحضرت بود وقتی که خواست از دار فانی بسرای جاودانی رحلت نماید شش روز قبل
از فوت او [illegible] توقیع رفیع از طرف قرین الشرف امام زمان ارواحنا فداه [illegible] رسید و دستور العمل
در توقیع مبارک بمضمون ذیل [illegible] غیبت فرموده کما فی الاحتجاج بسم الله الرحمن الرحیم
یا علی بن محمد السمری اعظم الله اجر اخوانک فیک فانک میت ما بینک

۷ بروایتی در عالم [illegible] سنه سیصد و پنج و بروایتی [illegible] در سنه سیصد و چهار [illegible]

۸ [illegible] در ماه شعبان سنه سیصد و [illegible] و شش هجری

[illegible]

وبين ستة ايام فاجمع امرك ولا توص الى احد يقوم مقامك بعد وفاتك فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره وذلك بعد طول الامد وقسوة القلب وامتلاء الارض جورا وسيأتي شيعتي من يدعي المشاهدة الا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفياني والصيحة فهو كاذب مفتر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم انتهى وشيخ محمد سمري

(٣٢٩)

هم بعد از شش روز در ماه شعبان سنه سيصد و بيست ونه برحلت ابن طاوس قدس سره ٣ وفات کرد

٧٤

واين غيبت صغرى هفتاد و چهار سال طول کشيده و در طول اين مدت دستور العملی کافی و شافی

برای شيعيان ... بعد از اين در غيبت کبری خواهند کرد تا ظهور نور انور در خود حضرت فرموده اند ...

قرار داده اند علاوه بر تکليفی که از لا کرش عليهم السلام ... در غيبت کبری ...

... موافق آن دستور العمل ... از جمله دستور العملهای که ...

سلام الله عليهم اجمعين ... کتاب الاحتجاج روی عن علي بن محمد انه قال لولا من يبقى بعد غيبة قائمكم من العلماء الداعين اليه والدالين عليه والذابين عن دينه بحجج الله والمنقذين لضعفاء عباد الله من شباك ابليس ومردته ومن فخاخ النواصب لما بقي احد الا ارتد عن دين الله ولكنهم الذين يمسكون ازمة قلوب ضعفاء الشيعة كما يمسك صاحب السفينة سكانها اولئك هم الافضلون

عند الله عز وجل انتهى

عند الله عز وجل انتهى از جمله دستور العملهای که خود آن حضرت عجل الله فرجه مرحمت فرموده اند

برای مردم و تکليف خلق را معين فرموده اند در زمان غيبت کبری در امر دين و احکام و عمل

در فروع خود چه قسم رفتار کنند توقيعی است که در زمان محمد بن عثمان رضی الله عنهما بيرون آمد

در جواب مسائل اسحق بن يعقوب رحمه الله چنانچه در احتجاج و اکثر کتب معتبره است اما الحوادث

الواقعة فارجعوا الى رواة احاديثنا فانهم حجتي عليكم وانا حجة الله

الخبر پس امام عجل الله فرجه امر و مقرر فرموده اند در حوادث وارده و واقعه رجوع نمايند

به راويان احاديث آنها سلام الله عليهم و اين راويان و دانندگان احاديث را حجت خود قرار داده

هر که رجوع کند در امر دين خود بآنها حجت ... آنها ... حجت ...

تکليف دوم

پس از جمله تکاليف مردم بعد از معرفت و شناسائی شخص مقدس امام عليه السلام معرفت و شناسائی و پيروی

در زمان ... راويان و دانندگان احاديث و اخبار اهل بيت عصمت صلوات الله عليهم ... و اين نوع

از رواة احاديث و حديث دانان که درجات متفاوت و متعدد ... و اقرار ... نوع آنها

لازم و تقليد و پيروی کردن هر کس از مجتهدين آنها بر مقلد و جبر است الحال اگر خواهيم

رشته سخن ... آن شخص ... صاحب ... اخبار ... علماء

و عمل باید داشته باشد اصل عرض حقير از اين نسخه ... محتاج ...

کتابت خواهم شد همین قدر اجمالاً عرض میکنم که اول در ترتیب سر رشته و عمامه بسیار جوهر آن شخص
باید عالم باشد عاقل باشد عامل باشد عادل باشد صاحب اخلاص باشد اگرچه مخفی
هم در خطر عظیمند و برای نشر محمد و آل محمد صلی الله علیه و علیهم اجمعین رفتار نماید نه موافق سر
ملوک و ابنای ملوک و اهل دنیا چه که جمیع و در آخر این نسخه انشاء الله ذکر لطیف [illegible] خواهد شد
و این نوع اشخاص مانند پاره از الماس هستند که در میان مشتی شیشه و بلور ریخته شود که
اهل خبره نیستی نتوانی آن پاره الماس ملاحظه کنی مگر آنکه بری نزد اهل خبره و خبره بمجرد
نگاه کردن و خبره بودن او در آن کلالیط و موازین و صفات شعره معهوده پاره الماس را
از آن شیشه و بلورها جدا میکند و تو [illegible] بلکه قیمه و قیراط او را هم [illegible]
اگر از اهل خبره نیستی فَاسْئَلُوا اَهْلَ الذِّکْرِ اِنْ کُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

تکلیف ۳

بدانکه یکی از تکالیف مقرره مشکله تو در غیبت امام عصر عجل الله فرجه مشکل ترین تکالیف است حالت
مراقبه است با خدای خود جل جلاله و کیفیت آن در عبادات شرعیه مدون و مضبوط و جمع در کتاب
[illegible] و نظر آن مراقبه با امام عصر ارواحنا فداه است و این بیت مراقبه را
معنی آن است که در تمام حرکات و سکنات و افعال و اعمال و اقوال خود مراقب امام عصر عجل الله فرجه
باشی و بطور یقین بدانی که امام تو عالم است همه جا با تو همراه است آنی و دقیقه از تو جدا نیست

وانفکاک و تخلف ندارد

وانفکاک و تخلف ندارد چه که تا [illegible] تصور کن [illegible]
شاغل از اکثر امورات خیالیه و باطنیه تو و تصور و [illegible] همه را بآن مرشد [illegible]
تو را بخدا ملاحظه کن تا چه اندازه و درجه ظاهر او باطنت از آن مرشد ملاحظات داری و ادب او را
نگاه میداری در مواظبت و مراقبت خود هستی در ظاهر او را اعتنا غیاباً و شهوداً خلاف ادب یا خلاف مروت
از حیث نشست و برخواست در رفتار و کردار در اکل و شرب در خواب و در طهارت در حضور غیب از نظر او نمیکنی
و خود را در میان داری از اختیار او و اضطرار او با اعمال و کردار و رفتار حسنه و [illegible] از اعمال ناشایسته طوعاً
اوکرهاً و مبادا [illegible] او بجهت ظاهر با باطن او از تو ناخوش شود و آن مرشد تو را ملامت و شناعت
نماید یا از مصاحبت و مجالست تو کناره جوئی کند یا از مرتبه تو نزد او چیزی کاسته شود
خواهش بر این است که اکثر مردم امام زمان خود را [illegible] در این عصر [illegible]
میدانند و گمان میکنند که امام زمان از ما غایب است چون از انظار غایب است این خلق منکوس
در قید غیبت و اختفا محجوب و محبوس است از ظاهر و باطن مخلوق بی خبر و بی اطلاع است و حال اینکه
حاضر در امصار است و ناظر در افکار و غایب از ابصار و در توقیع رفیع شریف بشیخ مفید رحمه الله
فرمود فَاِنَّا نُحِیطُ عِلْماً بِاَنْبَائِکُمْ وَلَا یَعْزُبُ عَنَّا شَیْءٌ مِنْ اَخْبَارِکُمْ
و در موضعی دیگر وَاِنَّا غَیْرُ مُهْمِلِینَ لِمُرَاعَاتِکُمْ وَلَا نَاسِینَ لِذِکْرِکُمْ
وَلَوْلَا ذَلِکَ لَنَزَلَ بِکُمُ اللَّاْوَاءُ وَاصْطَلَمَتْکُمُ الْاَعْدَاءُ و در دعای [illegible] ماه
لَاصْطَلَمَتْکُمُ اللَّاْوَاءُ وَاحَاطَتْ بِکُمُ الْاَعْدَاءُ

رمضان است و معصوم خطاب بحضرت فرموده اللهم صل على محمد و آل محمد و ادفع
عن وليك و خليفتك و لسانك القائم بقسطك و المعظم لحرمتك و المعبر عنك
و الناطق بحكمك و عينك الناظرة و اذنك السامعة و شاهد عبادك و
حجتك على خلقك الدعا و گمان مکنید که تمام آنها مختص بماه رمضان است [illegible] که اینها مردم بچه کار مشغولند
در روز و شب خود مشغول بچه قسم از لهو و لعب میگذرانند و از آنجمله چه بی اعتنائیها با امام زمان حضرت [illegible]
میکنند و چه مخالفتها با آن وجود مقدس و انواع و اقسام اذیتها بآنحضرت میرسانند و از اسباب اعراض
و اشمئزاز آنحضرت سلام الله علیه فراهم میآیند در هر ساعتی بلکه در هر دقیقه و در هر آنی
از کثرت حرکات لغو و لهو و کارهای ناشایسته تمام خود را مهموم و مغموم مینمایند در هر لحظه همی بر همّ
آنحضرت و غمی بر غم آنجناب [illegible] میافزایند با وجود این خود را از مطیعان و شیعیان
آنحضرت میدانند و لاف و گزاف میزنند و شیعه بعضی و جان نثاری در رکاب آنحضرت میزنند
و [illegible] از خدا و رسول و ائمه و امام زمان خود سلام الله علیهم شرم نمینمایند و چنین می پندارند که امام از اعمال آنها
غفلت دارد و از حرکات ناشایسته آنها خرسند است **خلاصه** چنانچه [illegible] مراقبه را
از اصول ملحوظ و منظور داشته باشی البته بجا آماده میشود لم یخطر علی قلب بشر [illegible]
تمام حرکات تو موافق رضای آنحضرت خواهد شد و رضای آنحضرت رضای خدا است [illegible]
همین قدر باید قطع نمائی هر صبح ولیتر از اولیاء و هر صبح صدیقی از صدیقین [illegible]

مرحله [illegible] بحد یقین [illegible] رسیدی [illegible] از دولت مراقبه پس ثمر آن است که بتکلیف خود در حرکات
و سکنات ظاهره و باطنه خود عمل نمائی و عقیده تو بطور یقین این باشد که تمام اعمال و افعال
و اقوال تو نزد امام تو [illegible] ظاهر است و [illegible] از روی غفلت [illegible] بعد از عرض اعمال
در هر روز و هر شب و در تمام ایام هفته در روز دوشنبه و پنجشنبه با امام زمان تو [illegible] ائمه هدی و پیغمبر خدا و
[illegible] سلام الله علیهم [illegible] و تمام آنها مطلع و مستحضر از اعمال تو هستند [illegible]

تکلیف ۴

بعد از اینکه بمرتبه حالت مراقبه شدی کم کم برای تو مقام انس و استغراق و محبت صمیمی حقیقی با امام و لا
و ولایت عجل الله فرجه حاصل خواهد شد باید محبت تو از روی صمیم قلب باشد و عشق تو عشق حقیقی باشد
نه مجازی و عشقی فانی در محبت و ولای آن محبوب حقیقی ارواح العالمین له الفداء [illegible]
و [illegible] محبت و محبت [illegible] عاریه و مجازی [illegible] باشد [illegible]
و رسیده [illegible] در کشف المحجة [illegible] عارف [illegible]
[illegible] محمد [illegible] از این کتاب [illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله
و صیت [illegible] آن بزرگوار [illegible] علیهم السلام [illegible]
مخالف عقیده [illegible] **از جمله آنکه** [illegible]
غلامی یا کسی یا درهم [illegible] ظاهر و باطن [illegible] مشغول [illegible] بطلب آن مفقود [illegible]

در تحصیل آن گشته منتهای کوشش و جهد و جهد خود را و تقدیم مرحله در آوردن این بزرگوار
عظیم الشأن بجهت صلاح دین و ایمان و قطع شئون دنیا و ایّام کفر و عدوان خواطر آن
شخص را مشغول نمود بعوارض دیگر بجهت محبوبات دنیا نمود پس چگونه اعتقاد میکند کسی که این طور با
و معارف حقّ خدا و رسول است ایده و الله و معتقد با ما ثبت الحضرت شده انطور صادق در حکم
و سؤالات و گفته را بی در سعادت او باشد   و از جمله آنکه هیچ کسی که اعتقاد او
بوجوب رعایت در ظهور مهدی است و انتقام حکم او را لازم میداند اگر صله برسد او را از شخصی
با او خواه سلطان باشد یا غیر سلطان چونکه آن صله با او رسیده پیوسته دلش بعقبای آن سلطان
یا غیر او بسته و مشغول شود و از مهدی علیه السلام غافل خواهد شد   و از جمله آنکه من هم
کسانی که ادّعای وجوب سرور و سرور در ظهور مهدی دیده میکنند که الحضرت علیه السلام می‌آید میشنوند که
در دعا است و آنچه در دست ملوک و سلاطین است از دست مهدی بیرون کرده است و اعتقاد او است
این شعرا   با در چه این نمی بینیم شیعه نشو مثل آنها او اگر باید ای از خود او در همه بادعای
یا ملکی یا عقاری نمرد   پس کار است در چه مرد بسیو نیست و العیاذ بالله بادعای باطل و بدعت
با خدا و رسول و ائمه سلام الله علیهم اجمعین الی آخر کلامه   پس چنانچه تمام اسرار استغراق برای او حاصل شد
باید بعضی شرایط و اسباب ظاهره را بطه موجب انفصال و انقطاع این مقام و تقدم نشود که
لذک نذک تبادر حجّ و تعقل انجیلیت بلا اثر نشود بلکه ملکه راسخه برای او حاصل شود

پس از حصول ملکه

پس از حصول ملکه راسخه از دوستی و ولای الحضرت او را دخانواده خاص و لا غش و شوبی بعشق او درستی
و محبّت الحضرت و نی بحق و بی شوبی و انیّت بمجرد قول و زبان نباشد بلکه قلبش خود را از محبّت الحضرت
پر نمائی و از محبّت غیر خالی و صاف و خالص نمائی و در شیعه‌گری که دستت از آن آیا باش که امام علیه السلام
سوگند و الله اگر شما را امتحان کنیم یک نفر از شما خالص پیدا نمی‌شود بلکه از آنها بشی که امام علیه السلام
اگر شمشیر بر خیشوم ایشان بزنم از دوستی ما دست بر نمی‌دارند بعد از آنکه سرمایهٔ کامل ایشان را در روی
و دارای این نعمت عظمی شدی و چنین مقامی را پیدا کردی و خالصاً مخلصاً ولای الحضرت سلام الله
و در دلهای داری آن وقت این اکسیر احمر و کیمیای اعظم سریان و جریان مینماید به تمام اعضا و جوارح
ظاهره و باطنه تو و تمام اعمال تو را خالص از شائبه نموده و در آن هنگام پس از تحصیل این
این مقام تکلیف تو آن است در مرتبهٔ یقین قدم گذاری و تحصیل مقام یقین بنمائی ولو بقدر ذرّه باشد
و محال است که مقام سابق تمام شود الا بانضمام درجهٔ یقین چنانچه شکّاکان مردود و بیگانه
در مقام تولّا شکّاک باشد مطلوب خدا نخواهد بود و از درگاه او مخذول خواهد بود

تکلیف ۵

از جمله تکالیف تو اگر سوار عرضیت نداری و ذوق مطلب حقیقی داری باید پس از محبّت و ولای
الحضرت سلام الله علیه برتبهٔ محقّقه بمانی و بخوانی بعض کلمات علمای عاملین و محبّین صادقین سلام الله
که بعض مکنونات قلبیه سلام الله بر صحایف و اوراق نگاشته اند و در حقیقت عوالم محبّت

و منها محبوبیت خود را بصورت کتابت بیادگار گذاشته اند مانند دستمال اعظم ادام الله ظله العالی
علی رؤس الادانی والاعالی و در نجم ثاقب میفرمایند انسان متعرض وصول بدرجه ایمان بخدا
نه بمجرد قول بزبان صادق نباشد جز آنکه محبتش بموالیانش چنان باشد و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرموده خواجه شیخ صدوق در امالی و شیخ طوسی در امالی و ابن شیرویه در فردوس نقل کرده اند که ایمان
نیاورده بنده تا اینکه بوده باشم من محبوب تر نزد او از جان او و اهل من محبوب تر نزد او از اهل او
و عترت من محبوب تر نزد او از عترت او و ذات من محبوبتر نزد او از ذات او پس شخصی
بعبد الرحمن که راوی حدیث است گفت تو پیوسته حدیثی میآوری که خداوند دلها را با آن زنده میکند
و شاید انتقام اول درجه ایمان باشد محبتش با موالیانش چون محبت او باشد با یکی
از اخص اولاد و اقرب و اکمل اشیا این نزد او و آلا عارف بخصایص ذاتیه و کمالات نفسانیه
و نعم و احسان غیر متناهیه است که لا بعباد کارش بحب اندازه دانش و معرفتش با کجا کشیده
و چرا آن حضرت معظم علیهم السلام کسی قابل محبت در خلق نیست و اگر چه بجهه اسباب
و علاقه دوستی هر چند جزئی باشد با آنکه نقطه رحمت و عظمت و اگر این قلاع
از شربت گوارای محبت بکام خود را چشیده و رشته تعلقش حسب فطرت از اطناب مهتر
بحضرت عترتش کشیده از آنچنان مهموم شود با فراق چنین که جواب سلام از چشم بر دل
از طعام و شراب و در خصال من لا یحضره الفقیه از جناب صادق علیه السلام مروی است که از جعفر

پنج نفرند که نمیخوابند

پنج نفرند که نمیخوابند اول کسیکه شب درآید آنها متحیر راکه سر برتب بمعارفش جنب حبیب خود است و حسن شعر
البته اگر مفارقت مبتلا شود با تمامش بیش و قلقش بی اندازه و اضطرابش زیاد و دوام
دراحت مسلط باشد هرگز فراموش نمایم هر شخص این عظمت و جلالت در برگه و رافت و حب ان و عطوفتش
و مهربانی تر از هزار چند خود و ناظر و لکن چنان در پرده حجابی از حجابها الهیه نهان و پوشیده
که نه دستی بدامانش رسد و نه چشمی بجمالش افتد و نه از مقر سلطنتش خبری و نه از محل اقامتش
و جلیتش اثری هر چون دستی سلامتیه جز آنکه جز او کسی را بگزیند و هر لغو و نا ملایم دیگر کلامی شنوند
جز سخنی از آنکه جز او تخلص کسی سخن گوید و در عیون از جناب رضا علیه السلام مرویست در ضمن
خبری متعلق بآنجناب که فرمود چه بسیار مؤمنه و چه بسیار مؤمن که متأسف و حیران و محزونند
در وقت فقدان ماء معین یعنی حضرت حجه علیه السلام و در فقرات شریفه دعای ندبه معروفه که
در عید چهار رفیع و در جمعه و شاید اشاره باین معانی در انتقام و در محل مضمون بعضی از آنها
این است بعد از ذکر پاره از اوصاف و شمایل آن جناب از خون دلها که کاش میدانستم که تو در کجا
اقامت میکنی و کدام زمین و خاک ترا برگرفته یا بر رضوی جای داری یا بزی طوی گران است بر من
رضیتم سلام ببینم و تو دیده نشوی و نشنوم از تو نه آوازی و نه رازی گران است بر من
که احاطه کند تو بلا نه من و نرسد بتو از من نه ناله و نه شکایتی جانم فدای تو غایبی
که از ما کنار نشدی جانم فدای تو دور شده که از ما دوری نکرده جانم فدای تو

که آرزوی هر مشتاق آرزومندی از مردوزن که ترا بالا آورند و ناله کننده گران دیر من
بر من رب تو کریم و خلق از تو دست کشیده باشند گران است بر من اینکه جاری شود بر تو
آنچه جاری شده بر ایشان این سخنی است که طولانی کنم با آنکه گریه و ناله را آغاز کن
کننده است که من از برای ذکر عیش یاری کنم هر آنگاه در خلوت باشد ای چشم خاشاکی که در چشم
من است یا آنکه آزار دهد این سخن را از کتاب شیخ احمد احسائی علیه الرحمة [illegible]
در حضور جنابت شرف شود تا متصل شود روزها از تو بفرزندی او پس محظوظ و بهره برم که
ملاقات شوم در چشمه سارهای سیراب کننده پس سیراب شوم که سیراب شوم از آب گوارای تو
که تشنگی بطول انجامیده که صبح و شام نخبه محبت خواهم رسید که تو مارا بی خبر در ما تو سلام
و حال آنکه لوای ظفر و نصرت بر افراشته شد تا آنکه روی که نور است از درد دل اکنون جمعی
از چشمه محبت انجاب نوشیده و بلاد ارث از آنکه با مثال این کلمات در درد دلی که در آتش
هجرانش کفی از آب شور پاشیده انتهی

تکلیف ۶

از جمله تکلیف انام در غیبت امام علیه الصلوة والسلام در حق اشخاصی که جرعه از محبت آن جان جهانیان
نوشیده و رداء نمیرکه آن مولای عالمیان را پوشیده و بغیر از دل چشم آتش حسرت از
تمام عالم امکان پوشیده بیدار بودن شبها و بیاد امام خود بودن و با او گفتگو در درد دل

ومناجات منظوم اینست فانتبه ایها النائم الغافل وتنبه ایها
السکران الجاهل وتذکر غیبة امام العصر والزمان وتدبر
بعدک من حضرة ذلک السلطان وتامل فی مدة الفرقة والهجران
وقل ما قال بعض المحبین العاشقین بل الکاملین الواصلین فی بعض
ندوبتاته لمحجة النائمین وبهجة العاشقین فی کتابه المسمی
بدار السلام علی مؤلفه الالف التحیة والسلام ثم یری ان لا طریق له
الی مولاه الذی الیه ینتهی المکارم ومنه منبع الفوائد والغنائم ولا سبیل له
الی مقدس حضرته ولا علم له بموضع خیمته واقامته قد ضربت بینه وبین مستقره
المطهر استار لا تهتک وحیل بینهما بحار وقفار لا تسلک اسدلت دون
حرمه الشریف حجب الالهیة لا ترتفع بالامانی والامال وارخیت دون
ظلال قصره المنیع کلل تقصر عن الوصول الیها الایدی ویکل الخیال فهیهات
من لقیا حبیب تعرضت لنا دون لقیاه مهامه بید هذا والجور قد مد باعه
واسفر الظلم ذراعه وعطلت الحدود والاحکام وخفیت معالم الدین
وشرایع الاسلام وهجمت جنود الاباطیل علی ثغور الشریعة وصارت اذل
الطوایف عصابة الشیعة تعضهم من کل ناحیة کلاب عاویات

لقیا بکسر اول و تشدید یعنی دیدار و ملاقات

مهامه جمع مهمه ای المفازة [illegible] بید بکسر اول الصحراء جمع بیداء [illegible]

[illegible]

وترضهم عساكر الكفر والنفاق بخيول غاديات صار المعروف اشد المنكرات
والمنكر معروفا لا قبح فيه عند البريات اقبلت الفتن من كل جانب
واظلمت نور الحق شبهات الاجانب لا يمكن تحصيل ما بقي من الدين الا
بجهد كثير وعناء وصار حفظ ما وجد منه اصعب من استمساك جمر الغضا
تكشف تلك الكروب لو يكون نور وجهه من حجب الغيوب وتحرق جموع
الشياطين وشبهات المعاندين لو اشرقت بضياء طلعته المباركة ظلمات
الارضين لكاد يتفتت قلبه ويطول لبثه ويتعب فكره فكيف بان
يستلذ طيب المنام ويهجع عليه وما والفراق كل يوم في اضطرام وفي
الاكمال عن سدير الصيرفي قال دخلت انا والمفضل بن عمر وداود بن كثير
الرقي وابو بصير وابان بن تغلب على مولانا ابي عبد الله جعفر بن محمد الصادق
عليه السلم فرأيناه جالسا على التراب وعليه مسح خيبري مطوق بلا جيب
مقصر الكمين وهو يبكي بكاء الواله الثكلى ذات الكبد الحرى قد نال الحزن
وجنتيه وشاع التغير في عارضيه وابلت الدموع محجريه وهو يقول
سيدي غيبتك نفت رقادي وضيقت علي مهادي وابتزت مني
راحة فؤادي سيدي غيبتك وصلت مصابي بفجائع الابد

وفقد الواحد

وفقد الواحد بعد الواحد نفناء الجمع والعدد فما احس بدمعة ترقى من عيني
وانين يفتر من صدري عن دوارج الرزايا وسوالف البلايا الا مثل
لعيني من غوابر اعظمها وافظعها وبواقي اشدها وانكرها ونوائب
مخلوطة بغضبك ونوازل معجونة بسخطك قال سدير فاستطارت
عقولنا ولها وتصدعت قلوبنا جزعا من ذلك الخطب الهائل والحادث
الغائل فظننا انه سمت لمكروهة قارعة او حلت به من الدهر بائقة
فقلنا لا ابكى الله يا ابن الورى عينيك من اية حادثة تستنزف دمعتك
وتستمطر عبرتك واية حالة حتمت عليك هذا المأتم قال فزفر الصادق
عليه السلم زفرة انتفخ منها جوفه واشتد عنها خوفه فقال ويلكم نظرت
في كتاب الجفر صبيحة هذا اليوم وهو الكتاب المشتمل على علم المنايا والبلايا
وعلم ما كان وما يكون الى يوم القيمة الذي خص الله تقدس اسمه محمدا والائمة
من بعده عليهم السلم به وتاملت فيه مولد قائمنا وغيبته وابطائه
وطول عمره وبلوى المؤمنين من بعده في ذلك الزمان وتولد الشكوك في
قلوب الشيعة من طول غيبته وارتداد اكثرهم عن دينهم وخلعهم ربقة الاسلام
عن اعناقهم التي قال الله تعالى وكل انسان الزمناه طائره في عنقه يعني الولاية

توبهم بين الناس مختفين وقد اشرنا الى بعضهم فى مطاوى هذا الكتاب وليت الله
يوفقنا لاستقصاء جماعة منهم فى رسالة مفردة تحن اليها قلوب اولى الالباب
فلو شاهدتهم فى الاعمال والاقوال وصرت كاحدهم فى الافعال والاحوال
كنت معهم عند تقسيم هذا النوال لكنك تدثرت بجلباب اعدائه واتخذت
راحلتك بغيرها انه تصبحين وتمسين ولا يجرى ذكره على قلبك ولسانك و
تبتغين مرضات رب العالمين وفضله ولا تعتمر فى ايامك فاتخذتموه وراءكم
ظهريا فكانه عليه السلام صار نسيا منسيا فصرت محروما من خصايص لطفه
ونفحات رحمته فابك طويلا فقد عظم المصاب وطال العذاب والى الله
المشتكى من اتصال الغفلة وسوء المآب

تکلیف ۷

بعد از آنکه دانستی در تعالیم گذشته تکلیف تو آن است که سر بر درگاه حضرت احدیت جل جلاله
مشتاق نما که ترا در این مقامات ثابت و راسخ بدارد و سلب این نعمت عظمی در غیبت کبری
از تو نفرماید و در یاری نمودن آن حضرت در غیبت و ظهور از خدا بخواهد و از استبدال بغیر [illegible]
مخصوص غیبت دیگر بخوان ولا تستبدل بنا غيرنا فان استبدالك بنا
غيرنا عليك يسير وهو علينا كبير و از جمله کسی نباشی که از دین خود تا تغییر دادگان

بردن نهد زیرا که استبدال نمودن غیر با خدای تعالی آسان است و بر باد شود امید است که خدای تعالی
از برکت وجود مبارک آن حضرت و آباء کرامش سلام الله علیهم ترا ثابت و برقرار بدارد بل ارجو
بحول الله ما یشاء و یثبت و گمان ندارم کسی که در عقیده حقه نسبت بامام حق
خالص و مخلص باشد و خدای تعالی براند از نعمت او دوستی و راستی را و سلب این نعمت را اراده فرماید
مگر آنکه خدای نکرده در عقیده او خللی و خطائی باشد و ایمان او نسبت بخدا و رسول و ائمه سلام الله علیهم
متزلزل و ناپایدار شود نه مستقر بخدا قسم اگر از روی حقیقت در این مسئله تفکر و تدبر
کنی خون جگر خواهی خورد [illegible] خاطر پریشان [illegible] از اغیار و خوار و خاشاک صحرا
بر سر خاطر پریشان و خلل [illegible] زیرکان دین تو [illegible] که ای کاش ما مرغی
در هوا بودیم و می پریدیم و ای کاش گوسفندی بودیم در بیابان چرا میکردیم و ای کاش ما از ما سلا
لائیده نبود و در این تکالیف متعدده قصور میکردیم

تکلیف ۸

از جمله تکالیف لازم در غیبت امام علیه الصلوة والسلام همه روزه تجدید عهد نمودن با حضرت خدای عز و جل
در نبوت خاتم الانبیاء و در ولایت ائمه هدی سلام الله علیهم و بیعت خود را با ایشان و عرض عقاید
حقه خود را بخدا و رسول و ائمه سلام الله علیهم نمودن و ایشان را به پاکی و طهارت ستودن با حال
خضوع و خشوع و استمداد از ایشان و استقامت عقاید خود را از خدا و اهل بیت مسئلت کردن در این مسئله

بگوید جهد و عرض عقاید را هر روز بعد از استحباب آن مخمسات که خاتمه‌ای طینه را در دستور العمل [illegible]

و لطریقه دادآب آن را در اثنوله و ذکر جمله ای که در دستور العمل در وظیفه همه روزه تو باشد شاید [illegible]

و رسایل و روابط و طرق شعرها به اسباب تقرب برای تو کمال شود و با مرکوب صدق و اخلاص [illegible]

علم و عمل خود را به منزل حقیقی خود رساند پس دولت عشق و شب دلگرمش بعد از آنکه از آتشی [illegible]

در شخص تو هست در محضر تمام خود را در خبرها اگر ظاهر را حضور ندادی و تو تمام خود را نمی‌بینی و از حال [illegible]

اطلاع نداری از تحول در جمیع هستی تو آنچه دور حضرت او هست حتی و آن خوفی است از اموری ظاهره

باطنه تو از حضرت او در دفترها غایب نیست پس تکلیف تو آن است پس از معرفت چنین [illegible]

که هر روز و هر شب محاسن خود یکباری و مطالب جان سوزی خود سالک در یکتا [illegible]

کشوف و سیر دینداری در روابط مختلفه حسن خدمت و انتظار رضایت و [illegible]

قلب دل را و جان را و ما بعد تمامی واقع و خیره کنید قسم بقسم آن است که هر یک سالک در ذیل [illegible]

عمرم سر این و چنین خدمتم کو از آن و دوستیه

تکلیف ۹

یکی از معانی کلام تو شما آن است که عدم عیان نشان که بحسب ظاهر و در آن [illegible]

و باشد فرضا او را سفری در رساله باشد و از برای او دستور العمل و تکالیفی متعین مقرر کرده باشد

که باید همه روزه در هر منزلی که وارد شدی بیاید و بنهاد این دستور العمل را بکنی و [illegible]

و از قرار کله مرقوم

و از قرار کله مرقوم در هر روز معمول و سلوک در رفتار نماید چنانچه کلاهی بحالات خود رفتار کند بخطرات

عظیمه گرفتار خواهد شد و بیم ذهاب جان و مال تو خواهد بود بلکه دنیا و آخرت تو بر باد خواهد رفت

پس چنین عبدی را میرسد که در این سفر پرخطر و غنیمت از حضور مولای خود تابع هوای خود نبوده

بر سر خود رفتار کند بدستور العمل مولا و آقای خود سلوک را پرورش کند و به دستاویزهای [illegible]

بدستور العمل مولای خود نماید و من خوف نفیه صاحب عقل و شعور و رای و اجتهاد خود نیست

در امر سفر در رفتار در کردار و حرکات و سکنات خود هستم زیرا که این غرور اسباب هلاکت و خسارت

دارین او را خواهد شد پس تکلیف چنین عبدی آن است که رای و سلیقه و اجتهاد و استنباط خود را

یکسو نهاده در این وادی پرخطر را هیچ و بر جوح و غیرها حذر نموده در آن قرار دستور العمل مولای خود

حذو النعل بالنعل در تمام منازل این سفر معمول در رفتار نماید تا تحصیل المرام بمقصد خود نائل شود

تکلیف ۱۰

چون این عبارات بسط شد گرفتی دنیای خود را این که دانستی که در عالم عادت و حرکات

و سکنات خود مراقب میل مولای خود رفتار کنی و آنچه در لحظه در تمام اوقات شبانه و روز خود

از مولای خود تعاقب در تو هر نمائی و هیچ در نظر داشته باشی که مقدم بکلم امام [illegible] طلبنی

وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي ۷ پس چون شرح سیاحت سلوک و آداب

و منضم خود بودی که آن بعض عبارات و از کار ادعیه‌ای قرآنیه را که در کتب آداب و سنن شفاها

رضوان الله علیهم منصوص است و انتخاب کنی از اذکار و اوراد آنچه را که نام مقدس
و ذکر او در آن است مثلاً دعای «یا بقیة الله فی الارضین» و صلوات ارواحنا فداه تو بجا آوری تا ذکر مبارک آن
بزرگوار باشد اگر چه روح تمام کتاب ورد تو است و جلوه مقدس او مخاطب تو است مثلاً در بعضی از ادعیه السلام علیهم
در زیارت مخصوصه سرداب مطهر است میخوانی اشهد ان بولایتک تقبل الاعمال
وتزکی الافعال وتضاعف الحسنات وتمحی السیئات و در تمام و تصحیح ...
و سلم است و خبر داده که ان الله تجلی لعباده فی کلماته ولکن انتم لا تبصرون

از آنجمله دعائیست که در حفظ دین کتب معتبره ضبط است و حضرت امام صادق علیه السلام
فرموده که چون اراده خواب نمائی دست راست خود را بگذار در زیر خد راست خود و بگو
جنبی لله علی ملة ابرهیم ودین محمد وولایة من افترض الله طاعته
ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن الخبر پس فرموده که هر که این را بگوید در وقت
خواب خدا او را حفظ فرماید از دزد و غارت و خراب شدن خانه و استغفار نمایند
ارباب الحکمة **و در ثواب الاعمال** از حضرت صادق علیه السلام فرموده که هر که در وقت
خوابیدن تمام مسبحات قرآن را بخواند نمیرد تا آنکه حضرت امام محمد مهدی را درک نماید و اگر
در جوار پیغمبر صلی الله علیه وآله خواهد بود **و واضح است** که ولایت کسیکه مفترض الطاعت است در این ایام
محبت کبری امام عصر تو است ارواحنا فداه پس اگر در رساله قصد نمائی ظاهراً کامل در خوابیدن تو

هم باذن و رضاء و رضای آن حضرت بجا بیاوری **و نیز بگوید** آنچه را که در فلاح السائل
ابن طاوس قدس سره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که هر شخص فرموده چون در فراش
خود رفتی برای خوابیدن بگو اللهم انی اشهدک انک افترضت علی طاعة
علی بن ابی طالب والائمة من ولده وسمّیهم واحداً بعد واحد حتی تنتهی
الی الامام الذی فی عصره ثم مات فی تلک اللیلة دخل الجنة انتهی و الصحیح در این عصر
در زمان که امام تو حجة بن الحسن امام ما است والا انتظار غیبت او شما باید بشمارید همه ائمه را
تا منتهی شود بامام عصر صاحب العصر والزمان صلی الله علیه و آبائه الطاهرین و تنها که هر شب ساعت
ائمه خود احیاء و اموات بخواب بروی و کانه ... شهادت ...
... حضرت حجة ... اگر روح ...
در ارسال ... الطاهرین

تکلیف ۱۱

چون شب بعد از خواب بیدار شوی اولا سجده شکر بجا بیاور ... النبی صلی الله علیه وآله وسلم
وانکه خداوند تعالی از روی کمال رحمت و کرمت دارد برکت وجود مقدس امام عصر ارواحنا فداه روح ترا
برگردانید و ترا زنده کرد و در خواب قبض روح ترا نفرمود و بیدار شوی در حالتیکه بامحبت و ولای
موالیان خود ثابت و مستقر هستی و خیر تو این است که روز را بشام و شام را بروز برسانی

محبت و ولای اهل بیت ... پس تمام این تعقیبات ... [illegible]

ادعیه ... پس بعد از آن سجده شکر کن ... [illegible]

و چون شب از خواب بیدار شوی بگو الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده واعبده

و از جمله در حضرت رسول صلی الله علیه و آله که چون بیدار میشدند میخواندند الحمد لله الذی احیانی

بعد ما اماتنی والیه النشور پس شکر کن ... [illegible]

صلی الله علیك یا صاحب الزمان ورحمة الله وبركاته الحمد لله الذی

احیانی بولایتك وولایة آبائك الطاهرین و چون بشنوی صدای خروس ...

... که میگویند اشهد

ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا سید النبیین

وان وصیه سید الوصیین وان الله سبوح قدوس رب الملائكة

والروح ... [illegible]

... پس از آن همان نظر کن ... [illegible]

... سبحان من جعل فی

السماء بروجا وجعل فیها سراجا وقمرا منیرا وجعل لنا نجوما وقبلة

نهتدی بها الی التوجه الیه فی ظلمات البر والبحر اللهم كما هدیتنا

الى التوجه اليك

الی التوجه الیك والی قبلتك المنصوبة لخلقك فاهدنا الی نجوم ملك

التی جعلتها امانا لاهل الارض ولاهل السماء حتی نتوجه بهم الیك

فلا یتوجه المتوجهون الیك الا بهم ولا یسلك الطریق الیك من

سلك من غیرهم ولا لزم المحجة من لم یلزمهم الدعا ... [illegible]

... و مؤید این است ... [illegible]

... [illegible]

... محمد بن عثمان عمری ... [illegible]

... واما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فكالانتفاع

بالشمس اذا غیبها عن الابصار السحاب وانی لامان لاهل الارض كما ان النجوم

امان لاهل السماء الخبر پس مسواک کن در وضو ... [illegible]

... [illegible]

... چون ... بسم الله وبالله والی الله

ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم اجعلنی من زوار وعمار

مساجدك وافتح لی باب توبتك واغلق عنی باب معصیتك

وكل معصیة والحمد لله الذی جعلنی ممن یناجیه اللهم اقبل علی

بِوَجْهِكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ واز جمله آداب اقبال نمودن بخدا بوجه خویش بتوسل بسیار

بوجه خدا است که انوار طیبه محمد وآل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و توجه بسوی ایشان علیهم السلام توجه بسوی

خدا است لاغیر و برای توجه بسوی آنحضرت بجهت حاجتی دعائی است مقبول ایشان که مروی است در مکارم الاخلاق

و ذکر شد این است دعای توجه که در تحفة الرضویه است مستحب است بعد از هر نماز شب خواندن

و آن این است اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَبِالْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ

الْمَهْدِيِّينَ مِنْ آلِ طٰهٰ وَيٰس وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهاً

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَلَا تُعَذِّبْنِي بِهِمْ وَارْزُقْنِي بِهِمْ وَلَا

تُضِلَّنِي بِهِمْ وَارْفَعْنِي بِهِمْ وَلَا تَضَعْنِي بِهِمْ وَاقْضِ حَوَائِجِي بِهِمْ فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ و نیز بخواند دعائی که از آنحضرت

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چون شب از خواب برخیزی بگو سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ

النَّبِيِّينَ وَإِلٰهِ الْمُرْسَلِينَ وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فانه اذا قال ذلك يقول الله تبارك وتعالى صدق

عبدي وشكر مجلسی علیه الرحمة والرضوان در بحار الانوار تفسیر فرموده مستضعفین را بائمه

علیهم السلام باستشهاد آیه قول خدای تعالی که وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا

فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)

تکلیف پس از جمله تکالیف

تکلیف ۱۲

پس از جمله تکالیف آن است در خواندن نماز شب آن است که در افتتاح و اختتام هر یک از رکعتین توجه

و اقبال نمائی بامام خود عجل الله فرجه و بخوانی دعوات مأثوره که قبل از هر رکعت و بعد از هر

دو رکعت سیره از جمله دعاهائیست که در مصباح شیخ طوسی است که در بعد از هر دو رکعت

نماز شب بخواند و ابتدای آن این است اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلُكَ

تا آنجا که میفرماید وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَتُعَجِّلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ که بسبب

تمسک بر آنحضرت از خدا خواستار تعجیل ظهور فرج آنحضرت و از خدا بخواهی خزی دشمنان آنحضرت

نفرین کنی و همچنین در تمام رکوع و قنوت و سجود حال توجه آنحضرت را بخاطر آوری و در تمامی

صلی الله علیهم اجمعین داشته باشی و هنگام خواندن دعوات و مناجات صلوات و سلام آنحضرت

فرستی و اکثر دعوات خود را در حق آنحضرت مسألت نمائی و ابتدای هر دعائی را برای خود دانی

و حیران می نمائی و هر حاجتی از حوائج دنیا و آخرت برای آنحضرت را مقدم بر نفس خود

قرار دهی و آنحضرت را از نفس خود و تمام اعزه خود محبوبتر بدانی و ختم دعای خود را بآنحضرت

ختم کنی و در اثنا تصور نمائی حال آنحضرت را در هر نقطه از نقاط ارض باشد

مشغول نماز شب و تضرع و زاری است و همیشه در ذکر آنحضرت که بسبب صلوات و سلام آنحضرت

و در قنوت نماز شفع قرار بده و نوع دیگر آنست که در شفع در قضاء حوائج و طلب ... دنیوی و اخروی تو ... بدار که دعا و سلام و صلوات تو را آنحضرت محبوب باشد و دعای که از او اعراض نماید زیرا که آنحضرت مناجات تو را در آن دل شب می‌شنود و چیزی از جهر و ثنا و صلوات تو از او مخفی نیست ای والله کما ورد فی التوقیع الشریف الی الشیخ سدید مفید رضوان الله علیه فرموده فقد کنا نظرنا مناجاتک عصمک الله بالسبب الذی وهبه لک من اولیائه الخ و در قنوت وتر بخواند دعوات مخصوصه که متضمن صلوات و سلام و تعجیل ظهور آنحضرت و نفرین بر دشمنان او است از جمله قنوتی که صدوق در کتاب ... ذکر نموده از حضرت امام جعفر علیه السلام در قنوت وتر رسیده اللهم تم نورک فهدیت الی ان قال اللهم انا نشکوا الیک غیبة نبینا و ولیّنا وشدة الزمان علینا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الاعداء وکثرة عدونا وقلة عددنا فافرج ذلک یا رب بفتح منک تعجله ونصر منک تعزه وامام عدل تظهره اله الحق آمین یا رب العالمین و نیز بخوان دعائی که در فقه الرضا وارد شده در وتر بخواند چون اکثر ادعیه طولانیست از ذکر آن بجهت اختصار ... ابتدای آن اینست لا اله الا الله الحلیم الکریم الی ان قال اللهم اظهر الحق واهله واجعلنی ممن اتوا به

وانتظره اللهم قوم

وانتظره اللهم قوم قائم آل محمد واظهر دعوته برضا من آل محمد اللهم اظهر رایته وقوّ عزمه وعجّل خروجه وانصر جیوشه واعضد انصاره وابلغ طلبته وانجح امله واصلح شانه وقرّب اوانه الخ و بخوان قنوتی را که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام اهل قم را امر فرمودند بخواندن آن و آن قنوت مشتمل است بر دعا کردن در تعجیل فرج حضرت حجة عجل الله فرجه و مضامین ... که ... از ... ذکر آن ... ابتدای آن را از فقره اللهم والداعی الیک والقائم بقسطک من عبادک الخ ... آن را ادا کن

تکلیف ۱۳

پس از اتمام نماز شب و شفع و وتر و خواندن دعوات ... در قنوت و تعقیب بفعل توان ... که در رکعت ... بجا آورد که ... از کتاب دعوات ... ادعیة الحسنا ... عامل شاید ... باشد بعد از آن طلوع فجر صادق در اول وقت ... ملائکه ... شریفه وقرآن الفجر ان قرآن الفجر کان مشهودا ... صبح ... ملائکه ... چون کسی نماز صبح را با طلوع فجر ... بجا آورد ... کنند

آلاء ملکه لیل که میخواهند صعود بآسمان نمایند و ملکه نهار که تازه از آسمان فرود آمده اند و شاید
بعضی از نفوس مترتبه بر کسب هم نزول و صعود ملکه را ملتفت باشند و بعد از آنکه سلام داده شد
ملکه سلام خود را که بعضی از صالحین که رشته متصف نبوده پس باید قطع و یقین بر آنکه این ملکه اعمال
تو را میبرند خدمت امام عصر ارواحنا فداه یا باذن امام و فرشتگان باذن امام علیهم السلام بحضرت حق میبرند
پس سزاوارست که بمجرد طلوع فجر در این روز تازه خود را مستعد نماند و خطاب الهی را جواب دهی
چنانکه در حدیث است از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که نیست روزی تازه که بیاید بر پسر آدم
مگر آنکه میگوید آن روز تازه ای پسر آدم من روز تازه هستم و من بر تو شاهد هستم پس در من کار خیر کن
و عمل خیر بجا بیاور تا شهادت دهم برای تو در روز قیامت بدرستیکه هرگز نخواهی دید مرا بعد از این
لذا بجهت اینست که امام تو [illegible] جعفر بن محمد الصادق علیه السلام در دعای صبح [illegible] میفرماید وهذا یوم
حادث جدید وهو علینا شاهد عتید ان احسنا ودعنا
بحمد وان اسانا فارقنا بذم را از خدا تعالی مسئلت نماند که در امروز توفیق
بدارد برای طاعات و عبادات خیرات و حفظ فرماید از سیئات و عثرات و زلات
تمسک بجوی بامام زمان خود عجل الله فرجه و کلمات بعضی دعوات ماثوره بعد از فجر را در [illegible]
بر دعاء ثنای آنحضرت ارواحنا فداه شب [illegible] القدر و در کتاب مصباح از حضرت
ابی عبدالله علیه السلام منقول است بخواند [illegible] بعد از صبح [illegible] بعد میفرماید اللهم انی

اَصْبَحْتُ اَسْتَغْفِرُكَ فِي هٰذَا الصَّبَاحِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ لِاَهْلِ رَحْمَتِكَ وَاَبْرَءُ
اِلَيْكَ مِنْ اَهْلِ لَعْنَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَصْبَحْتُ اَبْرَءُ اِلَيْكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي
هٰذَا الصَّبَاحِ مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرَانَيْهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ
اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَا اَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ
فِي هٰذَا الصَّبَاحِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ بَرَكَةً عَلٰى اَوْلِيَائِكَ وَعَذَابًا عَلٰى
اَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاكَ وَعَادِ مَنْ عَادَاكَ اَللّٰهُمَّ اخْتِمْ لِي
بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ اَوْ غَرَبَتْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ
وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ اِنَّكَ تَعْلَمُ مُنْقَلَبَهُمْ وَمَثْوٰيهُمْ
اَللّٰهُمَّ احْفَظْ اِمَامَ الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْاِيمَانِ وَانْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ
فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لِاِمَامِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا
اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْفِرَقَ الْمُخَالِفَةَ عَلٰى رَسُولِكَ وَالْمُتَعَدِّيَةَ لِحُدُودِكَ
وَالْعَنْ اَشْيَاعَهُمْ وَاَتْبَاعَهُمْ وَاَسْئَلُكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ
وَالْاِقْرَارَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ وَالتَّسْلِيمَ لِاَمْرِكَ وَالْمُحَافَظَةَ
عَلٰى مَا اَمَرْتَ بِهِ لَا اَبْتَغِي بِهِ بَدَلًا وَلَا اَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

اللهم اهدني فيمن هديت وقني شر ما قضيت انك تقضي ولا يقضى
عليك ولا يعز من عاديت ولا يذل من واليت تباركت وتعاليت
سبحانك رب البيت الحرام تقبل مني دعائي وما تقربت به
اليك من خير فضاعفه لي يا رب اضعافا كثيرة وآتني من لدنك
اجرا عظيما رب ما احسن ما ابليتني واعظم ما اعطيتني واطول
ما عافيتني واكثر ما سترت علي فلك الحمد يا الهي كثيرا طيبا
مباركا ملاء السموات وملاء الارض وملاء ما شاء ربي
وكما يحب ربي ويرضى وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله ذي الجلال والاكرام

چون این عبارات یعنی اللهم احفظ امام المسلمین بحفظ الایمان قصد نمائی حضرت صاحب العصر
والزمان ارواحنا فداه را و متعرض معانی آن باشی و از روی غفلت حرکت بآن ندهی زبان بعضی تعبیر ماشاء
پس سلام کنی بر آن حضرت و تجدید عهد نمائی از روی صمیم قلب و کمال خلوص عقیدت با خدای
و پیغمبر و ائمه و امام عصر خود علیهم السلام چنانکه بعد از این ذکر خواهد شد پس از آن سلام کنی بر روی راست
در جنب گوئی السلام علیکم یا ملائکه کاتبین و ملائکه حافظین رحمة الله و برکاته پس از آن قصد کنی که بر ملائکه تو
سلام الله علیهم اجمعین فرموده‌اند و سلام کنی بر انبیاء و اولیاء و صدیقین و شهداء و صلحاء
از مؤمنین انس و مؤمنین جن با همه اینها از روی صمیم قلب تجدید اخلاص و ارادت

و حسن عقیدت و اظهار ایمان و حب نمائی بواسطه اینکه تمام اینها در هر طبقه که هستند از جمله بندگان
درگاه خدا و دوستان و شیعیان و موالیان امام تو امام عصر عجل الله فرجه می‌باشند و با امامت آن حضرت
اقرار دارند و در رکاب معرفت آنها مراتب از درجه معرفت تو بالاتر و والاتر است و از این سلام
و صلوات تو بآنها مسرور می‌شوند و باعث آن خواهد شد که آنها نیز ترا بدعا و یاد نمایند
و صلوات و سلام تو فرستند که از موالیان و شیعیان امام عصر عجل الله فرجه هستی و حسنات
و فضائل دیگر دارد که مجال ذکر آنها نیست و ثواب آن بی‌حد شدن

تکلیف ۱۴

سابقاً مذکور شد که یکی از تکالیف مردم نسبت بامام عصر علیه السلام تجدید عهد است در هر روز
و در هر شب و بعضی از ادعیه تجدید عهد را هم ذکر کردیم پس چون داخل روز تازه شدی
باید متوجه امام خود عجل الله فرجه شده از روی کمال خلوص عقیدت تجدید عهد و بیعت با آن حضرت
نمائی و چنان تصور کنی که امام تو ارواحنا فداه در پرده اختفا پنهان است و در مسند سلطنت
جلوس فرموده و تو در حضور آن حضرت شرفیابی و در حضور انور آن حضرت بسلام اکتفا نمائی
چنانکه آباء گرامش علیهم السلام فرموده‌اند تو هم بگوئی پس ابتدا سلام کنی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
باین نحو چنانکه در قرب الاسناد و غیره از کتب معتبره از حضرت امام رضا علیه السلام
بسند صحیح روایت است که نظر با آن حضرت عرض کرد صلوات و سلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله

بعد از هر نماز چگونه زیارت حضرت فرمود آنکه سلام فرستادن برآنحضرت باین قسم زیارت بگو

السلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا محمد بن

عبد الله السلام علیک یا خیرة الله السلام علیک یا حبیب الله السلام

علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله اشهد انک رسول الله

واشهد انک محمد بن عبد الله واشهد انک قد نصحت لامتک

وجاهدت فی سبیل ربک وعبدته حتی اتاک الیقین فجزاک الله

یا رسول الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد

وآله افضل ما صلیت علی ابرهیم وآل ابرهیم انک حمید مجید

زیارت مختصر دیگر که مخصوص بعد از نماز صبح جمعه است انشاء الله تعالی بعد از این در جای خود ذکر

خواهد شد وبعد از آن سلام نماید بآنحضرت از راه خضوع [illegible]

مخصوصین [illegible] بآنحضرت [illegible] که بعد از این در کیفیت سلام فرستادن بآنحضرت

(باید [illegible] در موضع خود خواهد آمد) پس از آن [illegible] بحق [illegible] رسول و آل او علیهم السلام

بدعای قربت که مذکور است [illegible] اللهم انی

اتقرب الیک بمحمد رسولک ونبیک وبعلی وصیه والائمة من ولده

الطاهرین الحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر

وعلی بن موسی

وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی ومحمد بن الحسن صاحب

العصر والزمان صلوات الله علیهم اجمعین اللهم انی اتقرب الیک بهم و

اتولاهم واتبرء من اعدائهم واشهد اللهم بحقائق الاخلاص

وصدق الیقین انهم خلفاؤک فی ارضک وحججک علی عبادک و

الوسائل الیک وابواب رحمتک اللهم احشرنی معهم ولا تخرجنی

من جملة اولیائهم وثبتنی علی عهدهم واجعلنی بهم عندک

وجیها فی الدنیا والآخرة ومن المقربین وثبت الیقین فی قلبی

وزدنی هدی ونورا اللهم صل علی محمد وآل محمد واعطنی من خیر

ما اعطیت عبادک المؤمنین ما آمن به من عقابک واستوجب به

رضاک ورحمتک واهدنی الی ما اختلف فیه من الحق باذنک انک

تهدی من تشاء الی صراط مستقیم واسئلک یا رب فی الدنیا حسنة

وفی الآخرة حسنة واسئلک ان تقینی عذاب النار بعد از آن بخواند

دعائی که در [illegible] است و در تعقیب هر نماز باید خواند و چون این [illegible] اللهم

احفظ ولیک [illegible] اللهم احفظ ولیک القائم الحجة صلوات الله علیه

وعلی آبائه الطاهرین [illegible] بسوی آنحضرت [illegible] ازروی [illegible]

رضیت بالله ربا و بمحمد نبیا و بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا
و بعلی و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر
بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی
بن محمد و الحسن بن علی و الحجة بن الحسن ائمة اللهم ولیک القائم
الحجة فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله
و من فوقه و من تحته و امدد له فی عمره و اجعله القائم بامرک
و المنتصر لدینک و اره ما یحب و تقر به عینه فی نفسه
و ذریته و فی اهله و ماله و فی شیعته و فی عدوه و ارهم
منه ما یحذرون و اره فیهم ما یحب و تقر به عینه و اشف
به صدورنا و صدور قوم مؤمنین بعد از آن توجه شو بجای خود
و از الله عهد و پیمان تازه بگیر و عهد و پیمان تازه کن و اینچنان است که کفعمی و شیخ طبرسی
اعلی الله مقامهما و سایر علمای اعلام روایت کرده‌اند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
که روزی آنحضرت باصحاب خود گفتند آیا عاجزید که هر صبح و شام نزد خداوند عالمیان
عهدی بگیرید گفتند چگونه عهد بگیریم فرمودند که این دعا را بخوانید که این دعا را بخواند مهر
بر آن میزنند و در زیر عرش الهی میگذارند چون روز قیامت شود منادی ندا کند که کجایند آنان

که نزد خداوند رحمن

را نزد خداوند رحمن عهدی دارند پس آن عهد را بایشان دهند و آن عهد را داخل بهشت شوند
اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة و الرحمن الرحیم
انی اعهد الیک فی هذه الدنیا انک انت الله لا اله الا انت
وحدک لا شریک لک و ان محمدا صلی الله علیه و آله عبدک
و رسولک اللهم فصل علی محمد و آله و لا تکلنی الی نفسی طرفة
عین ابدا و لا الی احد من خلقک فانک ان وکلتنی الیها تباعدنی
من الخیر و تقربنی من الشر ای رب لا اثق الا برحمتک
فصل علی محمد و آله الطیبین و اجعل لی عندک عهدا تؤدیه
الی یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد بعد از آن متوجه شو بجای خود و مشغول شو
و دیگر بدانکه دعای عهد دیگر هم هست که در اول این شهر و سایر ازمنه خوانده میشود و بخوانی عهدی است که از حضرت
ابو جعفر علیه السلام روایت است و در مصباح ابن طاوس و سایر کتب دعوات مسطور است و ثوابش اینست
هر کس از موالیان ما در عمر خود یکمرتبه این دعا را بخواند نوشته میشود در رق عبودیت
و بسته میشود در دیوان حضرت قائم ارواحنا فداه پس چون ظهور فرماید حضرت قائم عجل الله فرجه بعد از
سفر باید باسم خواننده این دعا و اسم پدرش رسیده باو آن نوشته که در رق
عبودیت نوشته شده و گفته شود با آنکس بگیر این کتاب عهد خود را که در دنیا

٨٠

با با معاهده منوی بعد حضرت ابی جعفر علیه السلام فرمودند این است قول خدا عز و جل در محکم

الا من اتخذ عند الرحمن عهدا بخوان این دعا را در حالتی که طاهر باشی اللهم

یا اله الآلهة یا واحد یا احد یا آخر الآخرین یا قاهر القاهرین یا علی

یا عظیم انت العلی الاعلی علوت فوق کل علو هذا یا سیدی عهدی

وانت منجز وعدی فصل یا مولای عهدی وانجز وعدی آمنت بك وعدی

واسألك بحجابك العربی وبحجابك العجمی وبحجابك العبرانی وبحجابك

السریانی وبحجابك الرومی وبحجابك الهندی واثبت معرفتك وثبت خ ل

بالعنایة الاولی فانك انت الله لا تری وانت بالمنظر الاعلی واتقرب

الیك برسولك المنذر صلی الله علیه وآله وبعلی امیر المؤمنین صلوات الله

علیه الهادی وبالحسن السید وبالحسین الشهید سبطی نبیك وبفاطمة

البتول وبعلی بن الحسین زین العابدین ذی الثفنات ومحمد بن علی الباقر

عن علمك وجعفر بن محمد الصادق وصدق بمیثاقك وبمیعادك الذی [illegible] وبمیعادك خ

وبموسی خ ل

وموسی بن جعفر الحصور القائم بعهدك وبعلی بن موسی الرضا الراضی

بحکمك وبمحمد بن علی الحبر الفاضل المرتضی فی المؤمنین وبعلی بن محمد

الامین المؤتمن هادی المسترشدین وبالحسن بن علی الطاهر الزکی

٨١

خزانة الوصیین واتقرب الیك بالامام القائم العدل المهدی

المنتظر المهدی خ المنتظر امامنا وابن امامنا صلوات الله علیهم اجمعین یا من جل

فعظم واهل ذلك فعفی ورحم یا من قدر فلطف اشکو الیك

ضعفی وما قصر عنه املی من توحیدك وکنه معرفتك واتوجه

الیك بالتسمیة البیضاء وبالوحدانیة الکبری التی قصر عنها

من ادبر وتولی وامنت بحجابك الاعظم وبکلماتك التامة العلیا

دار البلاء خ ل التی خلقت منها دار البلی واحللت من احببت جنة المأوی

وامنت بالسابقین والصدیقین واصحاب الیمین من المؤمنین الذین

تولنی خ ل

خلطوا عملا صالحا واخر سیئا الا تولنی غیرهم ولا تفرق بینی

وبینهم غدا اذا قدمت الرضا بفصل القضاء امنت بسرهم وعلانیتهم

وخواتیم اعمالهم فانك تختم علیها اذا شئت یا من اتحفنی بالاقرار

بالوحدانیة وحبانی بمعرفة الربوبیة وخلصنی من الشك والعمی

رضیت بك ربا وبالاصفیاء حججا وبالمحجوبین انبیاء وبالرسل ادلاء

وبالمتقین امراء وسامعا لك مطیعا و بعد از آن توجه بسوی امام عصر [illegible]

دعا کن حضرت معاهده جدیده نمائید با امام خود عهد و میثاق خود را این نذر جدید [illegible]

٨٢

باید متوجه مضامین عالیه عبارات این دعای عظیم القدر جلیل الشأن که از کنوز الرحمه
و مخزونات غیبیه سرمدیه است باشی تا که در ادای این عبارات کمال توجه و التفات
قلبیه را داشته باشی که بالاعتقاد الله از روی کتب دعا باشد و این عهد را سید بن
طاوس و کفعمی و دیگران در مصابیح و کتب معتبره از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت کرده اند
در آن حضرت فرموده اند که هر که در چهل روز بخواند این عهد چهل صباح از انصار حضرت قائم علیه السلام
میشود و اگر قبل از ظهور آن حضرت بمیرد و آن حضرت را ادراک نکند خداوند او را
از قبرش زنده میکند یعنی رجعت میکند در زمان ظهور آن حضرت حاضر شود و خداوند تعالی
بهر کلمه هزار حسنه برای او بنویسد و هزار گناه از او محو کند اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ العَظِیمِ وَرَبَّ
الکُرْسِیِّ الرَّفِیعِ وَرَبَّ البَحْرِ المَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰیةِ وَالإِنْجِیلِ وَالزَّبُورِ
وَرَبَّ الظِّلِّ وَالحَرُورِ وَمُنْزِلَ القُرْآنِ العَظِیمِ وَرَبَّ المَلٰئِکَةِ المُقَرَّبِینَ
وَالأَنْبِیَاءِ وَالمُرْسَلِینَ اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الکَرِیمِ وَبِنُورِ وَجْهِکَ
المُنِیرِ وَمُلْکِکَ القَدِیمِ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ وَبِاسْمِکَ الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ
السَّمٰوَاتُ وَالأَرَضُونَ یَا حَیّاً قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَیَا حَیّاً بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ یَا حَیّاً لَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الإِمَامَ الهَادِیَ المَهْدِیَّ القَائِمَ بِأَمْرِکَ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَعَلٰی آبَائِهِ الطَّاهِرِینَ عَنْ جَمِیعِ المُؤْمِنِینَ وَالمُؤْمِنَاتِ

فی مشارق الارض

٨٣

فِی مَشَارِقِ الأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّی وَعَنْ
وَالِدَیَّ وَوَلَدِی وَإِخْوَانِی مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ وَمِدَادَ کَلِمَاتِهِ
وَمَا أَحْصَاهُ کِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اَللّٰهُمَّ إِنِّی أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَةِ
هٰذَا الیَوْمِ وَمَا عِشْتُ بِهِ فِی أَیَّامِ حَیٰوتِی عَهْداً وَعَقْداً وَبَیْعَةً لَهُ
فِی عُنُقِی لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ أَنْصَارِهِ وَ
أَعْوَانِهِ وَالذَّابِّینَ عَنْهُ وَالمُسَارِعِینَ فِی حَوَائِجِهِ وَالمُمْتَثِلِینَ لِأَوَامِرِهِ
وَنَوَاهِیهِ وَالسَّابِقِینَ إِلٰی إِرَادَتِهِ وَالمُحَامِینَ عَنْهُ وَالمُسْتَشْهَدِینَ
بَیْنَ یَدَیْهِ اللّٰهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَیْنِی وَبَیْنَهُ المَوْتُ الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلٰی
عِبَادِکَ حَتْماً مَقْضِیّاً فَأَخْرِجْنِی مِنْ قَبْرِی مُؤْتَزِراً کَفَنِی شَاهِراً
سَیْفِی مُجَرِّداً قَنَاتِی مُلَبِّیاً دَعْوَةَ الدَّاعِ فِی الحَاضِرِ وَالبَادِی
اَللّٰهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَةَ الرَّشِیدَةَ وَالغُرَّةَ الحَمِیدَةَ وَاکْحُلْ بَصَرِی بِنَظْرَةٍ
مِنِّی إِلَیْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَاسْلُکْ بِی مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ
أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَزْرَهُ وَقَوِّ ظَهْرَهُ وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلَادَکَ وَأَحْیِ
عِبَادَکَ فَإِنَّکَ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الحَقُّ ظَهَرَ الفَسَادُ فِی البَرِّ وَالبَحْرِ بِمَا
کَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ وَأَظْهِرِ اللّٰهُمَّ وَلِیَّکَ وَابْنَ وَلِیِّکَ وَابْنَ

نبيك المسمّى باسم رسولك صلى الله عليه وآله في الدنيا والآخرة
حتى لا يظفر بشيء من الباطل إلا مزّقه ويحقّ الله الحق ويحقّقه
اللهم فاجعله مفزعاً للمظلوم من عبادك وناصراً لمن لا يجد ناصراً
غيرك ومجدّداً لما عطّل من أحكام كتابك ومشيّداً لما ورد من
أعلام دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم
ممن حصّنته من بأس المعتدين اللهم وسرّ نبيك محمداً صلى الله عليه وآله
واجعله اللهم ممن حصّنته من بأس المعتدين اللهم وسرّ نبيك محمداً
صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم استكانتنا
من بعده اللهم اكشف هذه الغمّة عن هذه الأمّة بحضوره وعجّل
اللهم ظهوره إنهم يرونه بعيداً ونريه قريباً برحمتك يا أرحم الراحمين
پس سه مرتبه دست بر زانوی راست بزن و بگو العجل العجل العجل یا مولای
یا صاحب الزمان بعد از آن بشتاق لقای آن حضرت ارواح العالمین فداه
در خواب یا بیداری و تجدید عهد و میثاق با امام خود ارواحنا فداه از روی کمال محبت
و مودت و اتحاد و خلوص عقیدت و دولتخواهی بخوانی دعای عظیم القدر را که حضرت
صادق علیه السلام فرموده که هر که بخواند بعد از هر فریضه بدرستیکه می بیند امام محمد بن الحسن علیه

و علی آبائه السلام را

و علی آبائه السلام را یا در بیداری یا در خواب و سید بن طاوس قدس سره در مهج نقل فرموده که امام عصر علیه السلام
در هر روز بعد از نماز فجر باید زیارت کرد این است بسم الله الرحمن الرحيم اللهم بلّغ
مولانا صاحب الزمان أينما كان وحيثما كان من مشارق الأرض
ومغاربها سهلها وجبلها عني وعن والديّ وعن ولدي وإخواني
التحية والسلام عدد خلق الله وزنة عرش الله وما أحصاه
كتابه وأحاط به علمه اللهم إني أجدّد في صبيحة هذا اليوم
وما عشت فيه من أيام حياتي عهداً وعقداً وبيعة له في عنقي
لا أحول عنها ولا أزول اللهم اجعلني من أنصاره ونصّاره والذابّين
عنه والممتثلين لأوامره ونواهيه في أيامه والمستشهدين
بين يديه اللهم فإن حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على
عبادك حتماً مقضيّاً فأخرجني من قبري مؤتزراً كفني شاهراً
سيفي مجرّداً قناتي ملبّياً دعوة الداعي في الحاضر والبادي
اللهم أرني الطلعة الرشيدة والغرّة الحميدة واكحل بصري
بنظرة مني إليه وعجّل فرجه وسهّل مخرجه اللهم اشدد أزره
وقوّ ظهره وطوّل عمره واعمر اللهم به بلادك وأحي به

عِبادَكَ فَاِنَّكَ قُلتَ وَقَولُكَ الحَقُّ ظَهَرَ الفَسادُ فِي البَرِّ وَالبَحرِ بِما كَسَبَت
اَيدِي النّاسِ فَاَظهِرِ اللّهُمَّ لَنا وَلِيَّكَ وَابنَ بِنتِ نَبِيِّكَ المُسَمّى بِاسمِ
رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وَآلِهِ حَتّى لا يَظفَرَ بِشَيءٍ مِنَ الباطِلِ
اِلّا مَزَّقَهُ وَيُحِقَّ اللهُ الحَقَّ بِكَلِماتِهِ وَيُحَقِّقَهُ اَللّهُمَّ اكشِف هذِهِ الغُمَّةَ
عَن هذِهِ الاُمَّةِ اِنَّهُم يَرَونَهُ بَعيداً وَنَريهُ قَريباً بعد از آن عرض
عقاید حقهٔ خود را باید بملکه صادره در دو کعبه لازم نمائی که عقاید حقهٔ تو را بنویسند در جزو
اعمال امروز تو و بهتر ... که سعد ... جفر برنه و بهترین دعاهائی
که مشتمل بر شهادت بوحدانیت خدا و نبوت خاتم انبیاء و وصایت تمام ائمه است
و اکثر عقاید حقه است و متضمن حوائج دنیا و آخرت است دعای عظیم القدر است که سید بن طاوس
در مهج الدعوات از موسی بن جعفر صلوات الله و سلامه علیه روایت کرده و مجلسی علیه الرحمه در زاد المعاد و رضوان
در بحار الانوار از کتاب عتیق نقل نموده و مشتمل است بر دعای اعتقاد اِلهي اِنَّ ذُنُوبي
وَكَثرَتَها قَد غَبَّرَت وَجهي عِندَكَ وَحَجَبَتني عَنِ استِيهالِ رَحمَتِكَ
وَباعَدَتني عَنِ استِنجازِ مَغفِرَتِكَ وَلَولا تَعَلُّقي بِآلائِكَ وَ
تَمَسُّكي بِالرَّجاءِ لِما وَعَدتَ اَمثالي مِنَ المُسرِفينَ وَاَشباهي
مِنَ الخاطِئينَ وَنَهَيتَ القانِطينَ بِقَولِكَ يا عِبادِيَ الَّذينَ اَسرَفُوا

عَلى اَنفُسِهِم لا تَقنَطُوا

عَلى اَنفُسِهِم لا تَقنَطُوا مِن رَحمَةِ اللهِ اِنَّ اللهَ يَغفِرُ الذُّنُوبَ جَميعاً اِنَّهُ هُوَ الغَفُورُ
الرَّحيمُ وَحَذَّرتَ القانِطينَ مِن رَحمَتِكَ فَقُلتَ وَمَن يَقنَطُ مِن رَحمَةِ
رَبِّهِ اِلَّا الضّالُّونَ ثُمَّ نَدَبتَنا بِرَحمَتِكَ اِلى دُعائِكَ فَقُلتَ ادعُوني
اَستَجِب لَكُم اِنَّ الَّذينَ يَستَكبِرُونَ عَن عِبادَتي سَيَدخُلُونَ جَهَنَّمَ
داخِرينَ اِلهي لَقَد كانَ ذُلُّ الاِياسِ عَلَيَّ مُشتَمِلاً وَالقُنُوطُ
مِن رَحمَتِكَ بي مُلتَحِفاً اِلهي قَد وَعَدتَ المُحسِنَ ظَنَّهُ بِكَ ثَواباً
وَاَوعَدتَ المُسيءَ بِكَ ظَنَّهُ عِقاباً اَللّهُمَّ وَقَد اَسبَلَ دَمعي
حُسنُ الظَّنِّ بِكَ في عِتقِ رَقَبَتي مِنَ النّارِ وَتَغَمُّدِ زَلَّتي وَاِقالَةِ
عَثرَتي وَقُلتَ وَقَولُكَ الحَقُّ لا خُلفَ لَهُ وَلا تَبديلَ يَومَ نَدعُوا
كُلَّ اُناسٍ بِاِمامِهِم وَذلِكَ يَومُ النُّشُورِ اِذا نُفِخَ فِي الصُّورِ
وَبُعثِرَ ما فِي القُبُورِ اَللّهُمَّ اِنّي اُقِرُّ وَاَشهَدُ وَاَعتَرِفُ وَلا
اَجحَدُ وَاُسِرُّ وَاُظهِرُ وَاُعلِنُ وَاُبطِنُ بِاَنَّكَ اَنتَ اللهُ الَّذي لا اِلهَ
اِلّا اَنتَ وَحدَكَ لا شَريكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبدُكَ وَرَسُولُكَ
وَاَنَّ عَلِيّاً اَميرُ المُؤمِنينَ وَسَيِّدُ الوَصِيّينَ وَوارِثُ عِلمِ النَّبِيّينَ
وَقاتِلُ المُشرِكينَ وَاِمامُ المُتَّقينَ وَمُبيرُ المُنافِقينَ وَمُجاهِدُ

الناكثين والقاسطين والمارقين و امامي ومحجتي ومن لا
اثق بالاعمال وان زكت ولا اراها منجية لي وان صلحت
الا بولايته والايتمام به والاقرار بفضائله والقبول من
حملتها والتسليم لرواتها اللهم واقر باوصيائه من ابنائه
ائمة وحججا وادلة وسرجا واعلاما ومنارا وسادة
وابرارا وادين بسرهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم
وميتهم وشاهدهم وغائبهم لا شك في ذلك ولا
ارتياب ولا تحول عنه ولا انقلاب اللهم فادعني
يوم حشري وحين نشري بامامهم واحشرني في زمرتهم
واكتبني في اصحابهم واجعلني من اخوانهم وانقذني بهم
يا مولاي من حر النيران فانك ان اعفيتني منها كنت من
الفائزين اللهم وقد اصبحت في يومي هذا لا ثقة لي و
لا مفزع ولا ملجأ ولا ملتجأ غير من توسلت بهم اليك
من آل رسولك صلى الله عليه وآله علي امير المؤمنين وسيدتي
فاطمة الزهراء والحسن والحسين والائمة من ولدهم والحجة

المستورة من ذريتهم

المستورة من ذريتهم المرجو للامة من بعدهم وخيرتك عليه
وعليهم السلام اللهم فاجعلهم حصني من المكاره ومعقلي من
المخاوف ونجني بهم من كل عدو طاغ وفاسق باغ ومن
شر ما اعرف وما انكر وما استتر علي وما ابصر ومن شر
كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم
اللهم بتوسلي اليك بهم وتقربي بمحبتهم افتح علي ابواب
رحمتك ومغفرتك وحببني الى خلقك وجنبني عداوتهم
وبغضهم انك على كل شيء قدير اللهم ولكل متوسل ثواب
ولكل ذي شفاعة حق فاسئلك بمن جعلته اليك سببي و
قدمته امام طلبتي ان تعرفني بركة يومي هذا وعامي هذا
وشهري هذا اللهم فهم معولي في شدتي ورخائي و
عافيتي وبلائي ونومي ويقظتي وظعني واقامتي و
عسري ويسري وصباحي ومسائي ومنقلبي ومثواي
اللهم فلا تخلني بهم من نعمتك ولا تخيبني بهم من نائلك
ولا تقطع رجائي من رحمتك ولا تفتني باغلاق

جعلتهم خ ل
قدمتهم خ ل

۹۰

ابواب الارزاق وانسداد مسالکها وارتتاج مذاهبها
وافتح لی من لدنک فتحاً یسیراً واجعل لی من کل ضنک
مخرجاً والی کل سعة منهجاً برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم
واجعل اللیل والنهار مختلفین علیّ برحمتک ومعافاتک
ومنّک وفضلک ولا تفقرنی الی احدٍ من خلقک برحمتک
یا ارحم الراحمین انک علی کل شیءٍ قدیر وبکل شیءٍ محیط وحسبنا الله
ونعم الوکیل پس از اذان بخوان تعقیب بعد از نماز صبح را که در مصباح شیخ
وکفعمی و فلاح السائل و مکارم الاخلاق و بحار الانوار و سایر کتب معتبره باسناد صحیحه
از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت کرده‌اند و این دعای جلیل القدر عالیة المضامین
نیز مشتمل است بر شهادات بوحدانیت حضرت ربّ تعالی عظم شأنه و بر رسالت و نبوت
حضرت خاتم الانبیاء و وصایت تمام اوصیاء و عرض عقاید حقه و ذکر امام و تولای
او و اظهار تبرّی و ذکر حوائج دنیا و آخرت و غیره ابتدای آن چنین است بسم الله الرحمن
الرحیم وصلی الله علی محمد وآله (واهل بیته) الطاهرین الاخیار الانقیاء الابرار
و آخر دعا این است الحمد لله الذی قضی عنّی صلوة کانت علی المؤمنین
کتاباً موقوتاً ولم یجعلنی من الغافلین چون دعا طولانی است ترک شد

۹۱

تکلیف ۱۵

پس از آن توجه نمودی بسوی زیارت قبه معظم امام خود عجل الله فرجه و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه اول
المعصومین زیرا که ساعت از طلوع فجر تا وقت طلوع آفتاب موافق تقسیم ساعات بر ائمه کائنه
بر دوازده امام علیهم السلام متعلق بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و در این وقت مناسب است که
توجه و اقبال نمائی بسوی امام اول خود و او را در کفر ساعت واسطه و وسیله و شفیع و کانج قضای حاجات دنیا و آخرت
و دنیویه خود نمائی و زیارت نمائی آنحضرت را بزیارت ... او کثیر سیّما بخواندن این دعا در خصوص ساعت متعلقه بآنحضرت که از
شیخ طوسی در تهذیب و ابن باقی در مصباح و کفعمی و اکثر علمای امامیه مثل شیخ ابن فهد در عدة الداعی و مجلسی در تحفه الصلوة و زاد المعاد
و غیره و غیره رضوان الله تعالی علیهم در دعای ساعت مجرب گفته‌اند از طلوع صبح است تا طلوع آفتاب مقرر شده
و تعیین شده که الآن در دعای ساعت بحتی در کتب معتبر ثبت شده دعای مزبور این است اللهم رب الظلام
والفلق والفجر والشفق واللیل وما وسق والقمر اذا اتّسق خالق
الانسان من علقٍ اظهرت قدرتک ببدیع صنعتک وخلقت
عبادک لما کلّفتهم من عبادتک وهدیتهم بکرم فضلک الی
سبیل طاعتک وتفرّدت فی ملکوتک بعظیم السلطان وتوددت
الی خلقک بقدیم الاحسان وتعرّفت الی بریّتک بجسیم الامتنان
یا من لا یسئله من فی السموات والارض کل یوم هو فی شأن

أَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ الَّذي نَزَلَتِ الرُّوحُ عَلىٰ قَلْبِهِ لِيَكُونَ
مِنَ الْمُنْذِرينَ بِلِسانٍ عَرَبِيٍّ مُبينٍ وَبِأَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبيطالِبٍ
ابْنِ عَمِّ الرَّسُولِ وَبَعْلِ الْكَريمَةِ الْبَتُولِ الَّذي فَرَضْتَ وِلايَتَهُ عَلَى
الْخَلْقِ وَكانَ يَدُورُ حَيْثُ دارَ الْحَقُّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ
جَعَلْتُهُمْ وَسيلَتي وَقَدَّمْتُهُمْ أَمامي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي أَنْ تَغْفِرَ
ذَنْبي وَتُطَهِّرَ قَلْبي وَتَسْتُرَ عَيْبي وَتُفَرِّجَ كَرْبي وَتُبَلِّغَني مِنْ
طاعَتِكَ وَعِبادَتِكَ غايَةَ أَمَلي وَتَقْضِيَ لي حَوائِجَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ
يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ دعای قدیم در زیارت [illegible] که مستحب است اَللّٰهُمَّ رَبَّ
الْبَهاءِ وَالْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِياءِ وَالسُّلْطانِ أَظْهَرْتَ الْقُدْرَةَ كَيْفَ شِئْتَ
وَمَنَنْتَ عَلىٰ عِبادِكَ بِمَعْرِفَتِكَ وَتَسَلَّطْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَرُوتِكَ وَعَلَّمْتَهُمْ
شُكْرَ نِعْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ الْمُرْتَضىٰ لِلدّينِ وَالْعالِمِ
بِالْحِكَمِ مَجارِي التُّقىٰ إِمامِ الْمُتَّقينَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلينَ
وَالْآخِرينَ وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا بعد حاجت خود را ذکر کند [illegible]

وان تنتقم لی ممن ظلمنی وبغی علی [illegible] یا ناصر المظلوم [illegible] یا عظیم [illegible] الانتقام [illegible]

تکلیف ١٦

پس از آن در خط [illegible]

پس از آن [illegible] در خط [illegible] که [illegible] تو کدام یک از ایام هفته است [illegible]
و نسبت این روز بکدام یک از حجج طاهرین سلام الله علیهم اجمعین [illegible] اعمال [illegible]
[illegible] آن روز شوی و حوائج دنیویه و اخرویه و دفع بلایا و قضایا و شرور
شیاطین انس و جن را بواسطه صاحب و متعلق آن از خداوند طلبی و تفصیل نسبت ایام
هفته را سید بن طاوس قدس سره در جمال الاسبوع ذکر کرده باسناد خود از حضرت امام علی النقی
صلوات الله علیه که حضرت فرمود شنبه اسم رسول خداست صلی الله علیه و آله و یکشنبه
اسم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و دوشنبه امام حسن و امام حسین علیهما السلام و سه شنبه
حضرت سجاد و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام و چهارشنبه حضرت موسی
الکاظم و حضرت رضا و امام محمد تقی و امام علی النقی علیهم السلام و پنجشنبه حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام و جمعه حضرت صاحب العصر والزمان روحی و ارواح العالمین له الفدا
پس ابن طاوس قدس سره ذکر نموده زیارات مخصوصه هر یک را در هر یک از ایام مخصوصه
ایشان سلام الله علیهم اجمعین [illegible]

زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز شنبه

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُهُ
وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ

ربك ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل الله بالحكمة والموعظة
الحسنة وادّيت الذي عليك من الحق وانك قد رؤفت بالمؤمنين
وغلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين
فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين الحمد لله الذي استنقذنا
بك من الشرك والضلال اللهم صل على محمد وآله واجعل صلواتك
وصلوة ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وعبادك الصالحين
واهل السموات والارضين ومن سبح لك يا رب العالمين
من الاولين والآخرين على محمد عبدك ورسولك ونبيك
واميتك ونجيك وحبيبك وصفيك وصفوتك وخاصتك
وخالصتك وخيرتك من خلقك واعطه الفضل والفضيلة
والوسيلة والدرجة الرفيعة وابعثه مقاما محمودا يغبطه
به الاولون والآخرون اللهم انك قلت ولو انهم اذ ظلموا
انفسهم جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا
الله توابا رحيما الهي فقد اتيت نبيك مستغفرا تائبا من
ذنوبي فصل على محمد وآله واغفرها لي يا سيدنا اتوجه بك

وباهل بيتك الى الله تعالى ربك وربي ليغفر لي پس سه مرتبه بگو
انا لله وانا اليه راجعون بگو اصبنا بك يا حبيب قلوبنا
فما اعظم المصيبة بك حيث انقطع عنا الوحي وحيث فقدناك
فانا لله وانا اليه راجعون يا سيدنا يا رسول الله صلوات الله
عليك وعلى آل بيتك الطيبين الطاهرين هذا يوم السبت وهو
يومك وانا فيه ضيفك وجارك فاضفني واجرني فانك
كريم تحب الضيافة ومامور بالاجارة فاضفني واحسن ضيافتي
واجرني واحسن اجارتي بمنزلة الله عندك وعند آل بيتك
وبمنزلتهم عنده وبما استودعكم الله من علمه فانه اكرم
الاكرمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

زیارت حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیهما در روز یکشنبه که منسوب بانهاست

السلام على الشجرة النبوية والدوحة الهاشمية المضيئة المثمرة
بالنبوة المونعة بالامامة السلام عليك على ضجيعيك آدم
ونوح السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين

السلام علیک وعلی الملائکة المحدقین بک والحافّین بقبرک یا مولای
یا امیر المؤمنین هذا یوم الاحد وهو یومک وباسمک وانا ضیفک
فیه وجارک فاضفنی یا مولای واجرنی فانک کریم تحب الضیافة
ومأمور بالاجارة فافعل ما رغبت الیک فیه ورجوته منک بمنزلتک
وآل بیتک عند الله ومنزلته عندکم وبحق ابن عمک رسول الله صلی الله
علیه وآله وسلم وعلیکم اجمعین

پس قصد زیارت زهراء علیها السلام نماید و بگوید

السلام علیک یا ممتحنة امتحنک الذی خلقک فوجدک لما امتحنک
صابرة انا لک مصدق صابر علی ما اتی به ابوک ووصیه
صلوات الله علیهما وانا اسئلک ان کنت صدقتک الا
الحقتنی بتصدیقی لهما لتسر نفسی فاشهد انی طاهر بولایتک
وولایة آل نبیک صلی الله علیه وآله

و یافتم این زیارت را بروایت دیگر بزیادتی آنهم

السلام علیک یا ممتحنة امتحنک الذی خلقک قبل ان یخلقک
وکنت لما امتحنک به صابرة ونحن لک اولیاء مصدقون

ولکل ما اتی به

ولکل ما اتی به ابوک صلی الله علیه وآله واتی به وصیه مسلّمون
ونحن نسئلک اللهم اذ کنا مصدقین لهم ان تلحقنا بتصدیقنا
بالدرجة العالیة لنبشر انفسنا بانا قد طهرنا بولایتهم علیهم السلام

زیارت حسنین علیهما السلام در روز دوشنبه

اول قصد زیارت امام حسن را علیه السلام نمود و بگوید

السلام علیک یا ابن رسول رب العالمین السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین
السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء السلام علیک یا حبیب الله السلام
علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا حجة الله
السلام علیک یا نور الله السلام علیک یا صراط الله السلام علیک
یا بیان حکم الله السلام علیک یا ناصر دین الله السلام علیک ایها السید
الزکی السلام علیک ایها البر الوفی السلام علیک ایها القائم الامین
السلام علیک ایها العالم بالتأویل السلام علیک ایها الهادی المهدی
السلام علیک ایها الطاهر الزکی السلام علیک ایها التقی النقی
السلام علیک ایها الحق الحقیق السلام علیک ایها الشهید الصدیق
السلام علیک یا ابا محمد الحسن بن علی ورحمة الله وبرکاته

۹۸

پس از آن بقصد زیارت حضرت امام حسین علیه السلام

السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک
یا ابن سیدة نساء العالمین اشهد انک اقمت الصلوة وآتیت
الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وعبدت الله
مخلصا وجاهدت فی الله حق جهاده حتی اتیک الیقین
فعلیک السلام منی ما بقیت وبقی اللیل والنهار وعلی آل بیتک
الطیبین انا یا مولای مولی لک ولآل بیتک سلم لمن سالمکم
وحرب لمن حاربکم مؤمن بسرکم وجهرکم وظاهرکم وباطنکم
لعن الله اعدائکم من الاولین والآخرین وانا ابرء الی الله تعالی منهم
یا مولای یا ابا محمد یا مولای یا ابا عبد الله هذا یوم الاثنین
وهو یومکما وباسمکما وانا فیه ضیفکما فاضیفانی واحسنا
ضیافتی فنعم من استضیف به انتما وانا فیه من جوارکما فاجیرانی
فانکما مأموران بالضیافة والاجارة فصلی الله علیکما وآلکما
الطیبین **زیارت حضرت علی بن الحسین و محمد بن علی**

وجعفر بن محمد سلام الله علیهم

۹۹

وجعفر بن محمد صلوات الله علیهم اجمعین
در روز سه شنبه

السلام علیکم یا خزان علم الله السلام علیکم یا تراجمة وحی الله السلام علیکم
یا ائمة الهدی السلام علیکم یا اعلام التقی السلام علیکم یا اولاد
رسول الله انا عارف بحقکم مستبصر بشأنکم معاد لاعدائکم
موال لاولیائکم بابی انتم وامی صلوات الله علیکم اللهم انی اتوالی
آخرهم کما تولیت اولهم وابرء من کل ولیجة دونهم واکفر بالجبت
والطاغوت واللات والعزی صلوات الله علیکم یا موالی ورحمة الله
وبرکاته السلام علیک یا سید العابدین وسلالة الوصیین السلام علیک
یا باقر علم النبیین السلام علیک یا صادقا مصدقا فی القول والفعل
یا موالی هذا یومکم وهو یوم الثلثاء وانا فیه ضیف لکم ومستجیر بکم
فاضیفونی واجیرونی بمنزلة الله عندکم وآل بیتکم الطیبین الطاهرین

[illegible]

زیارت موسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی
وعلی بن محمد صلوات الله علیهم روز چهارشنبه

السلام علیکم یا اولیاء الله السلام علیکم یا حجج الله السلام علیکم یا نور الله

في ظلمات الارض السلم عليكم صلوات الله عليكم وعلى ال بيتكم
الطيبين الطاهرين بابي انتم وامي لقد عبدتم الله مخلصين وجاهدتم
في الله حق جهاده حتى اتيكم اليقين فلعن الله اعدائكم من الجن والانس
اجمعين وانا ابرء الى الله واليكم منهم يا مولاى يا ابا ابراهيم موسى
بن جعفر يا مولاى يا ابا الحسن علي بن موسى يا مولاى يا ابا جعفر محمد بن
علي يا مولاى يا ابا الحسن علي بن محمد انا مولى لكم مؤمن بسركم وجهركم
متضيف بكم في يومكم هذا وهو يوم الاربعاء ومستجير بكم فاضيفوني
واجيروني بال بيتكم الطاهرين

زيارة حضرت امام همام الحسن بن علي العسكري صلوات الله عليه روز پنجشنبه

السلم عليك يا ولي الله السلم عليك يا حجة الله وخالصته السلم عليك
يا امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين صلى الله عليك
وعلى ال بيتك الطيبين الطاهرين يا مولاى يا ابا محمد الحسن بن علي
انا مولى لك ولال بيتك وهذا يومك وهو يوم الخميس وانا ضيفك
فيه ومستجير بك فاحسن ضيافتي واجرني بحق ال بيتك الطيبين الطاهرين

زيارة امامنا وسيدنا صاحب العصر والزمن

محمد بن الحسن صلوات الله عليه وعلى ابائه الطاهرين در روز جمعه

السلم عليك يا حجة الله في ارضه السلم عليك يا عين الله في خلقه السلم عليك
يا نور الله الذي به يهتدي المهتدون ويفرج به عن المؤمنين
السلم عليك ايها المهذب الخائف السلم عليك ايها الولي الناصح
السلم عليك يا سفينة النجاة السلم عليك يا عين الحيوة السلم عليك
صلى الله عليك وعلى ال بيتك الطاهرين السلم عليك عجل الله لك
ما وعدك من النصر وظهور الامر السلم عليك يا مولاى انا مولاك
عارف باولاك واخراك اتقرب الى الله تعالى بك وبال بيتك
وانتظر ظهورك وظهور الحق على يديك واسئل الله ان يصلي على محمد
وال محمد وان يجعلني من المنتظرين لك والتابعين والناصرين لك
على اعدائك والمستشهدين بين يديك في جملة اوليائك يا مولاى
يا صاحب الزمان صلوات الله عليك وعلى ال بيتك هذا يوم الجمعة
وهو يومك المتوقع فيه ظهورك والفرج فيه للمؤمنين على يديك
وقتل الكافرين بسيفك وانا يا مولاى فيه ضيفك وجارك

وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَأَضِفْنِي
وَأَجِرْنِي صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ

در خصوص نماز هدیه بجهت هر یک از معصومین سلام الله علیهم اجمعین بعد از این در شرح خود ذکر خواهد شد انشاء الله

تکلیف ۱۷

باید عقیده تو این باشد که روح نماز و روزه و حج و جهاد و عموم اعمال و تکالیف واجبه و مستحبه خیریه ولایت
اهل بیت معصومین است علیهم السلام و دوستی ایشان علیهم السلام پس عمل طاعتی و عبادتی از احدی
قبول نخواهد شد چنانکه سابقا اشاره شد که در زیارت امام عصر ارواحنا فداه میخوانی اشهد ان
بولایتک تقبل الاعمال و تزکی الافعال و تضاعف الحسنات پس هر کس درجه محبت
و مودت و خلوص عقیدت او افزون تر باشد تقرب او بخدا و رسول و ائمه طاهرین صلی الله علیهم اجمعین
زیادتر است در این صورت تکلیف تو آن است که قبل از نماز متوجه شوی و متذکر گردی امام عصر حجة الله را
حالت روح تمام عبادات تو و از برکت وجود مبارک آنحضرت توفیق شرعی یافته ای نماز
و از برکت وجود مقدس آنحضرت نماز تو مقبول خواهد شد و اگر تو ملتفت آنحضرت نباشی نماز تو
ابدا مقبول نخواهد شد اگرچه العیاذ بالله عبادت کنی مانند مرغ پوسیده شوی زیرا که در زیارات
ایشان سلام الله علیهم اشهد انکم صوم و صلوة و حج و جهاد زیرا که فرموده حضرت
ابی عبدالله علیه السلام با ابی بصیر یا داود نحن الصلوة فی کتاب الله عزوجل

ونحن الزكوة

ونحن الزكوة ونحن الصيام ونحن الحج ونحن الشهر الحرام ونحن البلد الحرام
ونحن كعبة الله ونحن قبلة الله ونحن وجه الله قال الله تعالى فاينما
تولوا فثم وجه الله الخبر و در دعای افتتاح صلوات میخوانی و دعای توجه بسلام
امام وارد اختیار در جواب حمیری در جواب رقعه او ... دعای توجهی
که سنت موکده است و اجماعی است بلا خلاف وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ
السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا عَلَى مِلَّةِ إِبْرٰهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهُدَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ
اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ الخ متذکر ولایت امام عصر و اولاد او علیهم السلام باشی زیرا که
کلمه حنیف ولایت است دین متعلق بمحمد است صلی الله علیه و آله و هدایت مخصوص امیر المؤمنین
و اعقاب اوست سلام الله علیهم اجمعین الی یوم القیمة کما یجیئ در قنوت دعائی
امام زمان خود را عجل الله فرجه بخوانی از قنوتات ائمه اهل بیت معصومین است علیهم السلام
بخصوص قنوتی که مخصوص خود آنحضرت است از انجمله در شب ... دعائی
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْرِمْ أَوْلِيَائَكَ الخ بجای آن دعائی که ...
بیست و سیم ماه مبارک رمضان و در هر حال و در هر زمان بخوانی اللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ

القائم بامر الله الحجة بن الحسن الخ چنانکه تمام آن در دعوات مخصوصه آن وجود مبارک ذکر خواهد شد

تکلیف ١٨

و باید چنان مشغول نماز باشی و پس از نماز منتظر بودن حضرت با نهایت حاجت شود در هر رکعتی ناله و تعجیل
تصور کنی که امام تو از دوا خبر یا نشسته و می بیند که تو چه قسم نماز میخوانی مانند نماز
حماد نباشد که شصت سال از عمر او گذشته بود و در حضور حضرت صادق علیه السلام توانست
نماز صحیح بکند. همچنین در قیام و قعود و رکوع و سجود. همچنین در تشهد و سلام سیدی یا صاحب الزمان
و آل او صلوات الله علیهم اجمعین متذکر امام خود و از خدا راضی باشی. و چون بگوئی در تشهد آنچه را که در اخبار وارد است
سطور است در سنی همچنین اللّهمّ صلّ علی محمّد المصطفی و علیّ المرتضی و فاطمة
الزهراء والحسن والحسین وعلی الائمة الراشدین من آل طه و یس متذکر
امام زمان خود و از خدا راضی شوی. و چون برسی باین فقرات اللّهمّ صلّ علی الهادین
المهدیین الراشدین الفاضلین الطیبین الطاهرین الاخیار الابرار
متذکر امام عصر و آگاه کن امام را صلوات الله علیهم اجمعین شوی. و چون بگوئی السلام علینا
وعلی عباد الله الصالحین متذکر امام زمان خود باشی. و چون بگوئی السلام علیکم
ورحمة الله وبرکاته متذکر محمد و آل محمد خصوصا امام زمان خود و سایر مؤمنین جن و انس
شوی در سلام تا لغو نباشد. و چون سجدهٔ شکر بجا آوری نیز دعا در حق او

ارواحنا فداه کنی چنانکه

ارواحنا فداه بکنی چنانکه حضرت صادق علیه السلام در سجده حق دعا نموده و دعای غریب تمام آن در [illegible] ارشد

تکلیف ١٩

از جمله تکالیف امام عصر غیبت امام علیه الصلاة والسلام دعا نمودن است در حق امام زمان خود ارواحنا فداه
بعد از هر نماز و متوسل شدن بآن حضرت و شفاعت نمودن در درگاه حضرت احدیت جل جلاله
و قسم دادن که نماز تو مقبول شود و تضرع نمائی که اعمال تو را از برای او دعا که بامام تو
عرضه میدارند اعمال و صلوات ترا قبول فرماید و از حضرت مبارک بگذرانند و عمده تعقیبات
بعد از هر نماز را دعا نمودن بوجود مقدس امام خود قرار دهی یا بدعوات مخصوصهٔ ماثوره
یا بدعائی که خود انشاء و اختیار نمائی و مخصوصا سلام فرستادن و زیارت آن حضرت و آباء
معصومین او علیهم السلام بعد از هر نماز چنانکه سیره و دأب اهل اسلام است ترک ننمائی

اما تعقیبات مخصوصه

و بعد از هر نماز از ائمه معصومین علیهم السلام بسیار رسیده و مختص است بدعا نمودن بوجود اقدس
امام عصر ارواحنا فداه بسیار است. از جمله دعائی است که در تعقیب هر دو رکعت نماز شب
و بعد از نماز شفع و نماز وتر و قنوتات آنها وارد شده. و از جمله دعائی است که بعد از
دو رکعت نماز نافلهٔ فجر و بعد از نماز صبح وارد شده. و بعضی از آن دعوات لاسابق ذکر الکلام
در بهار کمال الاهتمام را در همراه و تسابق آنها نموده دعا نمائی از قرائت و مراقبت آنها نمود

و بعضی را بجهة طول آنها ترک کردیم هر که بخواهد رجوع بکتب مخصوصه و غیرها نماید

از جمله دعوات

معتبر است در تعقیب نماز ظهر بخوانند دعائی است که سید بن طاوس قدس سره در فلاح السائل ذکر نموده
که از مهمات عقیب نماز ظهر اقتدا کردن است به حضرت صادق علیه السلام در دعا برای ظهور حضرت صاحب علیه
چنانچه روایت کرده بسند معتبر از عباد بن محمد مداینی که گفت داخل شدم بر ابی عبدالله علیه السلام در مدینه در وقتی که
فارغ شده بود از نماز ظهر و دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و گفت اَیْ سامِعَ کُلِّ
صَوْتٍ اَیْ جامِعَ کُلِّ فَوْتٍ اَیْ بارِئَ کُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ اَیْ
باعِثُ اَیْ وارِثُ اَیْ سَیِّدَ السّادَةِ اَیْ اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ اَیْ جَبّارَ
الْجَبابِرَةِ اَیْ مَلِکَ الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ اَیْ رَبَّ الْاَرْبابِ اَیْ مَلِکَ
الْمُلُوکِ اَیْ بَطّاشُ اَیْ ذَا الْبَطْشِ الشَّدیدِ اَیْ فَعّالًا لِما یُریدُ
اَیْ مُحْصِیَ عَدَدِ الْاَنْفاسِ وَنَقْلِ الْاَقْدامِ اَیْ مَنِ السِّرُّ عِنْدَهُ
عَلانِیَةٌ اَیْ مُبْدِئُ اَیْ مُعیدُ اَسْئَلُکَ بِحَقِّکَ عَلیٰ خِیَرَتِکَ مِنْ
خَلْقِکَ وَبِحَقِّهِمُ الَّذی اَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلیٰ نَفْسِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ السّاعَةَ بِفَکاکِ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَاَنْجِزْ
لِوَلِیِّکَ وَابْنِ نَبِیِّکَ الدّاعی اِلَیْکَ بِاِذْنِکَ وَاَمینِکَ فی خَلْقِکَ
وَعَیْنِکَ فی عِبادِکَ وَحُجَّتِکَ عَلیٰ خَلْقِکَ عَلَیْهِ صَلَواتُکَ

وَبَرَکاتُکَ وَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اَیِّدْهُ بِنَصْرِکَ وَانْصُرْ عَبْدَکَ وَقَوِّ اَصْحابَهُ
وَصَبِّرْهُمْ وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصیراً وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَاَمْکِنْهُ
مِنْ اَعْدائِکَ وَاَعْداءِ رَسُولِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ در بعض نسخ بجای ای
همه جا یا حرف ندا است راوی گوید گفتم فدای تو شوم آیا برای نفس خود دعا کردی فرمود
بتحقیق دعا کردم از برای نور آل محمد علیهم السلام و سابق ایشان و انتقام کشنده
بامر خدا از دشمنان آل محمد علیهم السلام گفتم فدای تو شوم که خروج او خواهد بود
فرمود هر زمان اراده نماید خدائی که از برای اوست خلق و امر الخبر

از جمله دعوات

که نیز سید قدس الله روحه در فلاح السائل ذکر نموده باسناد خود از حضرت ابی عبدالله علیه السلام
از جمیل بن دراج که گوید مردی که خدمت آن حضرت علیه السلام عرض کرد ای سیدی
سنّم بالا رفته و خویشان من همه مرده اند و مونسی ندارم میترسم که مرگ
دریابد مرا حضرت فرمود برادران مومن صالح برای انس گرفتن بهترند از اقارب
و اگر زیادتی عمر خود و خویشان در بستان خود را خواهی بعد از هر نماز بگو
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُولَکَ الصّادِقَ الْمُصَدَّقَ
صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ قالَ اِنَّکَ قُلْتَ ما تَرَدَّدْتُ فی شَیْءٍ اَنَا

فاعله کثرة ذکری فی قبض روح عبدک المؤمن یکره الموت وانا اکره مسائته
اللهم فصل علی محمد وآل محمد وعجل لولیک الفرج والعافیة والنصر ولا
تسؤنی فی نفسی ولا فی احد من احبتی و اگر خواهی بگیر از دوستان خود
نام ببر و بگو ولا فی فلان ولا فی فلان راوی گفت چون این دعا را تعلیم گرفتم
چندان عمر یافتم که از زندگانی ملول شدم مجلسی قدس سره در بعضی کتب گفته که بسیار سعی کن
و در جمیع کتب دعا نقل شده پس ده دفعه کمش این عبارت را بگو وعجل لولیک
الفرج والعافیة والنصر تا نذکر نام عصر را و داخل شوی در فرج صاحب نصرت

دیگر درست بعد از نماز عصر **از جمله دعاهای اکرم مناسب که خوانده شود**

دعائی است که در تعقیب نماز عصر وارد شده سید بن طاوس قدس سره و جمعی از علما در کتب خود گفته اند
پس سنت ... از جمله مهمات بعد از نماز عصر دعای مذکور است به مولای ما موسی بن جعفر علیهما
در دعا مخفیان از زبان مولای ما مهدی صلوات الله علیه چنانچه روایت کرده ابو محمد بن بشیر ازدی
از احمد بن عمر کاتب از حسن بن محمد بن جمهور عمی از پدرش محمد بن جمهور از یحیی بن فضل نوفلی گفت
داخل شدم بر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در بغداد در وقتی که فارغ شد از نماز عصر پس دستهای خود را
بلند کرد و گفت انت الله لا اله الا انت الاول والآخر والظاهر والباطن
وانت الله لا اله الا انت الیک زیادة الاشیاء ونقصانها وانت الله

لا اله الا انت خلقت خلقک بغیر معونة من غیرک ولا حاجة الیهم وانت الله
لا اله الا انت منک المشیة والیک البداء انت الله لا اله الا انت
قبل القبل وخالق القبل انت الله لا اله الا انت بعد البعد وخالق
البعد انت الله لا اله الا انت تمحو ما تشاء وتثبت وعندک
ام الکتاب انت الله لا اله الا انت غایة کل شیء ووارثه انت الله
لا اله الا انت لا یعزب عنک الدقیق ولا الجلیل انت الله لا اله
الا انت لا تخفی علیک اللغات ولا تتشابه علیک الاصوات
کل یوم انت فی شأن لا یشغلک شأن عن شأن عالم الغیب
واخفی دیان یوم الدین مدبر الامور باعث من فی القبور محیی العظام
وهی رمیم اسئلک باسمک المکنون المخزون الحی القیوم الذی لا یخیب
من سئلک به ان تصلی علی محمد وآله وان تعجل فرج
المنتقم لک من اعدائک وانجز له ما وعدته یا ذا الجلال والاکرام
یحیی بن فضل نوفلی گفت عرض کردم گفت برای کیست این دعا فرمود برای مهدی است از آل محمد
علیهم السلام پدرم فدای آنکه فراخ شکم است پیوسته ابروان ساقهای باریک دارد
میان دو کتفش دور و رنگش گندم گون که زردی چهره او را از بیداری شب عارض شده

پدرم فدای آنکه در شبش گلاب است ستاره [illegible] که سجده کند [illegible]

قائم [illegible]

از جمله دعاها که مناسب است بعد از هر نماز یا در هر روز خوانده شود

در مضمون است بر شیعیان از درگاه حضرت احدیت بهره‌ای بر رؤیت قائم آل محمد [illegible]

دعائیست که سید بن طاوس در مهج الدعوات در جزو احراز حضرت زین العابدین

و آل جدین علیه السلام ذکر نموده [illegible] بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ

يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا خَالِقَ

الْمَخْلُوقِينَ يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ يَا نَاصِرَ الْمَنْصُورِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ أَغِثْنِي يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

الْمُضْطَرِّينَ أَنْتَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ

الْحَقُّ الْمُبِينُ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى عَلِيٍّ

الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَخَدِيجَةَ الْكُبْرَى وَالْحَسَنِ الْمُجْتَبَى وَالْحُسَيْنِ

الشَّهِيدِ بِكَرْبَلَاءَ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ الْجَوَادِ

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ الْجَوَادِ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ الْهَادِي وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

الْعَسْكَرِيِّ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْهَادِي الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ

صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ وَالْعَنْ مَنْ ظَلَمَهُمْ وَعَجِّلْ

فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَانْصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِكْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ

وَارْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ

وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از جمله دعائیست که در سجده بعد از نماز باید خواند

در مسند است [illegible] دعای فرج [illegible] سید بن طاوس [illegible] از حضرت صادق علیه الصلاة والسلام روایت کرده

[illegible] آن حضرت در سجده [illegible] اول آن این است لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مُقَلِّبَ

الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ [illegible] أَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجِ مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ

وَأَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِهِ تُبِيدُ الظَّالِمِينَ وَتُهْلِكُهُمْ عَجِّلْ ذٰلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

تکلیف ۲۰

از جمله تکالیف [illegible] در غیبت امام علیه الصلاة والسلام آن است که در همه اوقات [illegible]

رای آن حضرت [illegible] بجهت نصرت و ظفر [illegible] آن حضرت در زمان غیبت و ظهور

۱۱۲

را اعادی جن و انس زیرا که اعدا و عدو آن حضرت در هر عصر و زمان شیطان ملعون و اتباع اویند
لعنهم الله و در سایر وسایط و در سایر غیر آن از اسباب عداوت و عناد و از جمله خصوصیات و لداد
خود شان با آن حضرت ظاهر میگردد پس بر هر عبدی از عباد واجب است که در تمام اوقات طلب
تعجیل نصرت و فتح و فیروزی و ظفر آن حضرت بشود بر اعادی دین تا جلد آنچه از ورود کار آن حضرت بر ایشان
شکست یابند و چنان گمان کنند در عقد آن وجود مقدس در گوشه افزوده از ترس اعادی
فریده و مامور برفع و رفع اعادی دین واجب دشمنیان نیستند بلکه در هر روز و شب
آناً فآناً بیرا دوستانشان و عادات و مایه وقتلها و قیدها مشغول میروند مجادله با اعادی ظاهره و باطنه
دین مبین است و ابدا آرام و آسایش نرسد تا ظهور موفور السرور او که یملأ الارض
قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً مگر با پیداری ثمره حرب شیعیان در دشمنی با او
در زمان غیبت کبری که در بحار نقل کرده ملخص آن این است که محی الدین اربلی گفت … حقه
بعضهم و جمعی با او نشسته بودند ناگاه آن مرد را حالت تغیری که گفت عمامه از سر او دستار
و جای ضربتی بود در سر او پیدا شد پرسیدم از او از آن ضربت سؤال کرد آنگاه گفت این ضربت
از صفین است پرسیدم گفتم جنگ صفین در زمان تو نبود گفت در آن زمان جنگی آمد گفت ای
که وقتی سفر کردم بسوی مصر و جمعی از قبیله عنزه با من رفیق گشته پس در میان راه روزی
جنگ صفین را یاد کردیم آن رفیق من گفت اگر من در روز صفین میبودم شمشیر خود را از خون علی

و اصحاب او سیراب میکردم

۱۱۳

و اصحاب او سیراب میکردم من گفتم اگر من در آن روز میبودم شمشیر خود را از خون معاویه و اصحاب او
سیراب میکردم و اینک من و تو از اصحاب علی و معاویه ایم پس با یکدیگر جنگ عظیمی کردیم
و جراحت بسیار بر یکدیگر رسانیدیم تا آنکه من از شدت ضربتها افتادم و از حال رفتم
ناگاه شخصی را دیدم که سر نیزه مرا بیدار میکند چون چشم گشودم آن شخص از مرکب فرود آمد
و دست بجراحتهای من مالید فورا عافیت یافتم فرمود که در اینجا مکث نما پس غایب شد
و بعد از اندک زمانی برگشت و سر آن خصم من با او بود و مرکب او را نیز آورد پس بمن
فرمود که این سر دشمن تست و تو ما را یاری و نصرت کردی ما تو را یاری کردیم و خدا یاری میکند هر که ما را
یاری میکند آنکه او را یاری کند من گفتم تو کیستی گفت م ح م د بن الحسن صاحب الزمان
علیه صلوات الله پس بمن فرمود هرکه ترا از این ضربت سؤال کند بگو ضربت صفین است انتهی
چنانچه حقیر بخاطر معاونت و مساعدت ایشان و بدنی و سیفی و قلمی و جانی و مالی و ذکر آن در
در غیبت کبری تعداد را ذکر کرد که با بسط خارج

تکلیف ۲۱

ر ستار اعظم امام ملاذ الانام عجل الله فرجه و رزق لقائه … در زمان غیبت و جمله تکالیف معتبره را امان
از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه السلام دعا کردن است از برای حفظ وجود مبارک امام عصر
علیه السلام از شرور شیاطین انس و جن و طلب تعجیل نصرت و ظفر و غلبه بر کفار

و ملحدین و منافقین برای آنجناب پس این نوعی است از اظهار بندگی در حضور آنچه خدای تعالی وعده
فرموده و چنین گوهر گران بهائی را که در خزانه غیرت در جهت خود پرورده و در چهره آن
حجاب غیبت و عزت کشیده و تا آن روز وجود مقدسش پنهان دارد پس آن جوهر ثمین را ظاهر و هویدا سازد
از پرتو شعاع آن روشن نماید و با چنین وعده منجز حتمی در دعا جز ادای رسم بندگی
و اظهار شوق در یاد آوری محبت و ثواب در رضا پروردگار ثواب بزرگی خواهد از برای ظاهر نماینده
اگرچه بعید است تاکید و تحریض فرموده در دعا برای آنحضرت صلوات الله علیه در غالب اوقات
سید جلیل علی بن طاوس در فصل هشتم از کتاب فلاح السائل فرموده بعد از ذکر ترغیب در دعای
برای اخوان در هر گاه ابتدا نمودی به نقل دعا برای برادران تو پس چگونه خواهد بود نقل دعا کردن
برای سلطان تو که او سبب وجود تو است و تو اعتقاد داری که اگر نبود آنجناب هر آینه
خلق نمیکرد خداوند احدی از مکلفین را در زمان او و در زمان تو و دیگر آنکه لطف وجود او صلوات الله علیه
سبب است از برای هر چه که تو و غیر تو در آن هستید و سبب است از برای هر خیری که رسید بتو پس زنهار
آنگاه حذر کن از آنکه مقدم بداری نفس خود را یا احدی از خلایق را در ولاء و دعای او برای
آنجناب صلوات الله علیه بلکه بنما آنچه ممکن شود و حاضر کن قلب خود را و زبان خود را در دعا
از برای این سلطان عظیم الشان و حذر کن از آنکه اعتقاد کنی که من این کلام را گفتم
برای آنکه آنجناب محتاج است بسوی دعای تو هیهات که اگر این را معتقد شوی

پس تو مریضی در اعتقاد

پس تو مریضی در اعتقاد و در یقین خود بلکه این را گفتم برای آنچه برای تو بیان نمودم از حق عظیم
آنجناب بر تو و احسان بزرگ او بسوی تو و بجهت آنکه هرگاه دعا کنی برای او پیش از دعا
کردن برای نفس خود و برای آنکه عزیز است نزد تو نزدیکتر خواهد بود باینکه باز نماید خداوند جل جلاله
درهای اجابت را در پیش روی تو زیرا که ابواب قبول دعا را ای بنده بسته بسبب
گناهان پس هرگاه دعا کنی برای این مولای خاص در نزد مالک احیا و اموات امید است
بجهت آن وجود مقدس خداوند ابواب اجابت را باز نماید پس داخل شوی تو در دعا کردن از برای
نفس خود و برای آنکه دعا میکنی برای او در زمره اهل فضل او و فرو گیرد ترا رحمت خداوند
جل جلاله و کرم و عنایت او بتو زیرا که چنگ زدی در دعا بحبل او و گفته که من
نمیگویم فلان و فلان را از آنکه گمان بردی بجهت آنکه ایشان از شیخ خود عمل میکنند بلکه
میگویم و بنا نهادم ذلک الاکرام که نقل از مولای ما که اشاره کردم بسوی جنابش
صلوات الله علیه پس من میگویم تو که عمل کن بآنچه میگویم تو که اوست حق واضح و دیگر
آنکه اگر مولای ما صلوات الله علیه نقل شده چنانچه ذکر نمودیم پس آنرا عمل است واضح الی آخر
و نیز در کتاب مفتاح در عمل ماه مبارک فرموده بعد از ذکر ادعیه سحر از ادعیه
هر شب این است که ابتدا نماید بنده در هر دعای مبرور و ختم کند در هر عمل مشکور بذکر آنکه
اعتقاد کند که او نایب خداوند جل جلاله است در میان بندگان او و بلاد او و ملائکه

اوست قیم آنچه محتاج است ، و این مقام از اعظم حقوق آنجناب و غیر این از مقامات جلیله
او از نسبتهائیکه متعلق است بآنحضرت بنیابت از جناب رب الارباب واینکه دعا کننده
از برای آنجناب این مقام آنچه سزاوار است از شأن آنجناب باشد بآن دعا کنند و معتقد شود
که منت خدای راست در نیابت او علیه السلام و چگونه گوارا است در داشتنش برای این مقام
در رتبه اولو الامر مطلقه تا این محل در شرح بعض از تکلیفات شریفه معلوم شد از پس دعای
برای آنجناب یکی ادای رسم بندگی و تحیت و دعای حق بزرگ و جلالت است
دیگری رفع موانع قبول دعا است و فتح ابواب لطف و غیر آنست انتهی حقیر گوید
در تفصیل مزید بیانیه بعد از این در ذیل تکالیف آتیه خواهد آمد

تکلیف ۲۲

چون دانستی که از جمله تکلیفات دعا نمودن است در حق آنحضرت در اکثر اوقات مخصوصه
و ازمنه مخصوصه بلکه عموم دعاهای خود را در حق آنحضرت از دعا برای خود مقدم داشتن و آن را وجهه
اهتمام نمودن در تمام دعوات و مقاصد مقدم داشتن پس در این مقام ذکر مینمایم بعضی دعوات
مخصوصه جلیل القدر که از اهل بیت عصمت علیهم السلام چنان وارد شده که امر فرموده اند شیعیان
و موالیان خود که دعا نمایند در حق آنحضرت و در حق خود که سبب حصول فرج آنجناب و
تعجیل در آن سبب خواهد بود فلاح و نجات و نجاح را در این اثنا شد **از جمله**

دعائی است که سید بن طاوس رحمه الله از کتاب ابن ابی قره ذکر کرده باسناد خود از علی بن حسن
بن علی بن فضال از محمد بن عیسی بن عبید باسناد خود از صالحین علیهم السلام که فرمودند مکرر کن این را
در شب بیست و سیم ماه رمضان در حالت ایستاده و نشسته و در هر حالتی که باشی و در تمام آن ماه
و به هر قسم که ممکن شود ترا و هر زمان که در هر وقت که حاضر شود بعد از تمجید کردن حق تعالی
و صلوات بر پیغمبر و آل او صلی الله علیهم اللّهم کن لولیک القائم بامرک الحجة بن
الحسن المهدی علیه وعلی آبائه افضل الصلوة والسلم فی هذه الساعة
وفی کل ساعة ولیا وحافظا وقائدا وناصرا ودلیلا ومؤیدا
حتی تسکنه ارضک طوعا وتمتعه فیها طولا وعرضا وتجعله
وذریته من الائمة الوارثین اللهم انصره وانتصر به واجعل النصر
منک له وعلی یدیه واجعل النصر له والفتح علی وجهه ولا توجه
الامر الی غیره اللهم اظهر به دینک وسنة نبیک حتی لا یستخفی
بشیء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انی ارغب الیک
فی دولة کریمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق
واهله وتجعلنا فیها من الدعاة الی طاعتک والقادة
الی سبیلک وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار

وَاجمَعْ لَنا خَيرَ الدّارَيْنِ وَاقْضِ عَنّا جَمِيعَ ما تُحِبُّ فيهِما وَاجعَلْ لَنا
فِي ذٰلِكَ الخِيَرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنِّكَ فِي عافِيَةٍ آمِينَ رَبَّ العالَمِينَ
وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدِكَ المَلاْءِ فَإنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ
وَعَطاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ و کفعمی علیه الرحمه در مصباح دعای از برای سلا
چنین نقل نموده اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الحَسَنِ المَهْدِيِّ فِي هٰذِهِ السّاعَةِ
وَفِي كُلِّ ساعَةٍ وَلِيّاً وَحافِظاً وَقائِداً وَناصِراً وَدَلِيلاً وَعَيْناً
تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيها طَوِيلاً و در کافی نیز بهمین دعا سلا
با جمله اندک در روایت نموده فقط

و از جمله

دعائیست که سید ابن طاوس در جمال الاسبوع باسناد معتبره صحیحه نقل کرده از یونس بن عبد الرحمن
روایت کرده از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام امر میفرمود برای حضرت صاحب الامر
اینطور دعا کنند اَللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ وَلِسانِكَ
المُعَبِّرِ عَنْكَ بِإذْنِكَ النّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ النّاظِرَةِ فِي بَرِيَّتِكَ
وَشاهِدِكَ عَلىٰ عِبادِكَ الجَحْجاحِ المُجاهِدِ العائِذِ بِكَ العابِدِ عِنْدَكَ
وَأعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ ما خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ

جحجاح: بجیم مفتوحه وحاء مهمله ثم الجیم المفتوحه والالف ثم الحاء المهمله بروزن صحصاح یعنی سید بزرگ و جمع او جحاجیح است

واحفظه من بين يديه

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ
بِحِفْظِكَ الَّذِي لا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآباءَهُ
السّادَةَ أئِمَّتَكَ وَدَعائِمَ دِينِكَ وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لا تَضِيعُ
وَفِي جِوارِكَ الَّذِي لا يُخْفَرُ وَفِي مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لا يُقْهَرُ وَآمِنْهُ بِأمانِكَ
الوَثِيقِ الَّذِي لا يُخْذَلُ مَنْ آمَنْتَهُ بِهِ وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لا يُرامُ
مَنْ كانَ فِيهِ وَانْصُرْهُ بِنَصْرِكَ العَزِيزِ وَأيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الغالِبِ وَقَوِّهِ
بِقُوَّتِكَ وَأرْدِفْهُ بِمَلائِكَتِكَ وَوالِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَألْبِسْهُ
دِرْعَكَ الحَصِينَةَ وَحُفَّهُ بِالمَلائِكَةِ حَفّاً اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتُقْ
بِهِ الفَتْقَ وَأمِتْ بِهِ الجَوْرَ وَأظْهِرْ بِهِ العَدْلَ وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ الأرْضَ
وَأيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَقَوِّ ناصِرِيهِ وَاخْذُلْ خاذِلِيهِ وَدَمْدِمْ
عَلىٰ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَدَمِّرْ عَلىٰ مَنْ غَشَّهُ وَاقْتُلْ بِهِ جَبابِرَةَ الكُفْرِ وَعُمُدَهُ
وَدَعائِمَهُ وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلالَةِ وَشارِعَةَ البِدَعِ وَمُمِيتَةَ السُّنَّةِ
وَمُقَوِّيَةَ الباطِلِ وَذَلِّلْ بِهِ الجَبّارِينَ وَأبِرْ بِهِ الكافِرِينَ وَجَمِيعَ المُلْحِدِينَ
فِي مَشارِقِ الأرْضِ وَمَغارِبِها وَبَرِّها وَبَحْرِها وَسَهْلِها وَجَبَلِها حَتّىٰ
لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيّاراً وَلا تُبْقِيَ لَهُمْ آثاراً اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَكَ وَاشْفِ

فيهم عبادك واعز به المؤمنين واحي به سنن المرسلين ودارس حكم النبيين
وجدد به ما امتحى من دينك وبدل من حكمك حتى تعيد دينك به
وعلى يديه جديدا غضا محضا صحيحا لا عوج فيه ولا بدعة معه
وحتى تنير بعدله ظلم الجور وتطفئ به نيران الكفر وتوضح به معاقد
الحق ومجهول العدل فانه عبدك الذي استخلصته لنفسك واصطفيته
على غيبك وعصمته من الذنوب وبرأته من العيوب وطهرته من الرجس
وسلمته من الدنس اللهم فانا نشهد له يوم القيمة ويوم حلول الطامة
انه لم يذنب ذنبا ولا اتى حوبا ولم يرتكب معصية ولم يضيع لك
طاعة ولم يهتك لك حرمة ولم يبدل لك فريضة ولم يغير لك شريعة
وانه الهادي المهتدي الطاهر التقي النقي الرضي الزكي اللهم اعطه
في نفسه واهله وذريته وامته وجميع رعيته ما تقر به عينه
وتسر به نفسه وتجمع له ملك المالك قريبها وبعيدها وعزيزها و
ذليلها حتى تجري حكمه على كل حكم ويغلب بحقه كل باطل اللهم
اسلك بنا على يديه منهاج الهدى والمحجة العظمى والطريقة الوسطى
يرجع اليها الغالي ويلحق بها التالي وقونا على طاعته وثبتنا

على متابعته

وتبين خ
تنير خ

على مشايعته وامنن علينا بمتابعته واجعلنا في حزبه القوامين بامره
الصابرين معه الطالبين رضاك بمناصحته حتى تحشرنا يوم القيمة
في انصاره واعوانه ومقوية سلطانه واجعل ذلك لنا خالصا من
كل شك وشبهة ورياء وسمعة حتى لا نعتمد به غيرك ولا نطلب
به الا وجهك وحتى تحلنا محله وتجعلنا في الجنة معه واعذنا
من السامة والكسل والفترة واجعلنا ممن تنتصر به لدينك وتعز به
نصر وليك ولا تستبدل بنا غيرنا فان استبدالك بنا غيرنا عليك
يسير وهو علينا كبير اللهم نور به كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة
واهدم بعزه كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل
نار واهلك بعدله جور كل جائر واجر حكمه على كل حاكم واذل
بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل من ناواه واهلك كل من عاداه
وامكر بمن كاده واستاصل من جحد حقه واستهان بامره وسعى
في اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى
وفاطمة الزهراء والحسن الرضي والحسين المصفى وجميع الاوصياء
مصابيح الدجى واعلام الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى

وَالحَبلِ المَتينِ وَالصِّراطِ المُستَقيمِ وَصَلِّ عَلى وَليِّكَ وَوُلاةِ عَهدِكَ
وَالأَئِمَّةِ مِن وُلدِهِ وَمُدَّ في أَعمارِهِم وَزِد في آجالِهِم وَبَلِّغهُم أَقصى
آمالِهِم ديناً وَدُنيا وَآخِرَةً إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ سيد بن طاوس قدس سره
در جمال الاسبوع ايده علما روايت كرده از حضرت رضا عليه الصلوة والسلام ذكر نموده با حذف بعض
مضامين آن و در بعضى از نسخ بعد از قسم كه وَهُوَ عَلَينا كَبيرٌ اين قسم مذكور است اَللّهُمَّ صَلِّ
عَلى وُلاةِ عَهدِكَ وَالأَئِمَّةِ مِن بَعدِهِ وَبَلِّغهُم آمالَهُم وَزِد في آجالِهِم
وَأَعِزَّ نَصرَهُم وَتَمِّم لَهُم مَا اَسنَدتَ إِلَيهِم مِن أَمرِكَ لَهُم وَثَبِّت دَعائِمَهُم
وَاجعَلنا اللّهُمَّ أَعواناً وَعَلى دينِكَ أَنصاراً فَإِنَّهُم مَعادِنُ كَلِماتِكَ وَأَركانُ وَخُزّانُ عِلمِكَ مع
تَوحيدِكَ وَدَعائِمُ دينِكَ وَوُلاةُ أَمرِكَ وَخالِصَتُكَ مِن عِبادِكَ
وَصَفوَتُكَ مِن خَلقِكَ وَأَولِياؤُكَ وَسَلائِلُ أَولِيائِكَ وَصَفوَةُ أَولادِ
رُسُلِكَ وَالسَّلامُ عَلَيهِم وَرَحمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ كفعمى در مصباح ايده علما بن رايت نبيك

نقل كرده و خواندن همه خوب است

از جمله دعائيست

سيد بن طاوس نقل كرده از مضمار و مجلسى قدس سرهما در كتاب زاد المعاد فرموده در ماه مبارك رمضان و غير آن بعد از هر نمازى
و غير آن خواندن نيز خوب است در همه اوقات مطلوب و مستحسن است وَالدُّعاءُ حَسَنٌ في كُلِّ حالٍ

اللّهم انى ادينك

اَللّهُمَّ إِنّي أَدينُكَ بِطاعَتِكَ وَوِلايَتِكَ وَوِلايَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَوِلايَةِ
أَميرِ المُؤمِنينَ حَبيبِ نَبِيِّكَ وَوِلايَةِ الحَسَنِ وَالحُسَينِ سِبطَي نَبِيِّكَ وَ
سَيِّدَي شَبابِ أَهلِ جَنَّتِكَ وَأَدينُكَ يا رَبِّ بِوِلايَةِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ
وَمُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ وَجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ وَموسَى بنِ جَعفَرٍ وَعَلِيِّ بنِ موسى وَمُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ
وَعَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ وَسَيِّدي وَمَولايَ صاحِبِ الزَّمانِ أَدينُكَ يا رَبِّ
بِطاعَتِهِم وَوِلايَتِهِم وَبِالتَّسليمِ بِما فَضَّلتَهُم راضِياً غَيرَ مُنكِرٍ وَلا مُستَكبِرٍ
عَلى مَعنى ما أَنزَلتَ في كِتابِكَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادفَع عَن وَليِّكَ
وَخَليفَتِكَ وَلِسانِكَ وَالقائِمِ بِقِسطِكَ وَالمُعَظِّمِ لِحُرمَتِكَ وَالمُعَبِّرِ عَنكَ
وَالنّاطِقِ بِحُكمِكَ وَعَينِكَ النّاظِرَةِ وَأُذُنِكَ السّامِعَةِ وَشاهِدِ عِبادِكَ
وَحُجَّتِكَ عَلى خَلقِكَ وَالمُجاهِدِ في سَبيلِكَ وَالمُجتَهِدِ في طاعَتِكَ
وَاجعَلهُ في وَديعَتِكَ الَّتي لا تَضيعُ وَأَيِّدهُ بِجُندِكَ الغالِبِ وَأَعِنهُ
وَأَعِن عَنهُ وَاجعَلني وَوالِدَيَّ وَما وَلَدا وَوَلَدي مِنَ الَّذينَ
يَنصُرونَهُ وَيَنتَصِرونَ بِهِ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ اِشعَب بِهِ صَدعَنا وَارتُق
بِهِ فَتقَنا اَللّهُمَّ أَمِت بِهِ الجَورَ وَدَمدِم بِهِ مَن نَصَبَ لَهُ وَاقصِم رُؤوسَ
الضَّلالَةِ حَتّى لا تَدَعَ عَلَى الأَرضِ مِنهُم دَيّاراً تمت

از جمله دعائیست

و شیخ کلینی قدس سره در کافی و دیگران در کتب معتبره روایت کرده‌اند از زراره که گفت عرض کردم خدمت حضرت صادق علیه السلام
که فدای تو شوم اگر زمان غیبت حضرت را دریابم چه عمل نمایم فرمود ای زراره
اگر درک کردی آن زمان را پس مداومت نما بر خواندن این دعا اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ
إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ
لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي
حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي الخبر

از جمله دعائیست

که شیخ کلینی رضوان الله تعالی علیه در کافی و صدوق در کمال الدین و شیخ طوسی در کتاب غیبت با سند
صحیح معتبره روایت کرده‌اند از شیخ ابو عمرو عمری قدس سره که نایب اول حضرت صاحب العصر و الزمان
ارواحنا فداه است و مسمی است به عثمان بن سعید عمری این دعا را املاء و تعلیم نمود ابو علی محمد بن همام
و امر فرمود که این دعا را بخوانند در غیبت حضرت قائم علیه الصلاة و السلام و سید بن طاوس قدس سره العزیز
در جمال الاسبوع این دعا را روایت کرده از جماعتی بسیار از شیخ طوسی از جماعتی از ابو محمد تلعکبری
محمد بن همام این دعا را و مجلسی قدس سره این دعا را از آن کتاب ذکر کرده در کتاب دعای ...
ذکر نموده و سید بن طاوس قدس سره در جمال الاسبوع ذکر نموده هرگاه از جمیع دعاهائی که برای ... ذکر کرده

در تعقیب نماز عصر ضروری باشد این دعا را بعد از تعقیب عصر روز جمعه ترک مکن و ...
مهما کرداری خواندن آن را ... بسیار تجربه کرده‌ام اینها از فضل خداوند ... جلیله ...
ما ... آن پس اعتماد کن بر آن انتهی مؤلف گوید سید از جمله کسانی است ... ظاهر ...
در خواب و بیداری ... و آنحضرت ارواحنا فداه ... مشرف شده و ... که حضور آنحضرت ارواحنا فداه
مشرف شده به سعادت و ... داشته و تألیفات خود را بنظر آنحضرت ...
و ... او و آنحضرت ... کلام این است در این ... ارواحنا فداه
شنیده باشد و ... ترک ... که ... و این ... و تعقیبات سید قدس سره
... از این ... پس ... که عموم ... و ... آنحضرت ...
بعد از نماز عصر روز جمعه این دعا را ... که بعد از این ... و سید قدس سره ...
در قرائت آنها بعد از نماز عصر روز جمعه اگرچه در روایت مخصوص ... ترک آنها
نماید و مواظبت ... در قرائت آنها بعد از نماز عصر جمعه ...
عموماً ... اسباب جلب ... ظاهره و باطنه برای داعی ... فضل ...
... ان شاء الله ... العظیم ... ادام الله ظلّه العالی ... در کتب ...
اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ
اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اَللّٰهُمَّ

عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني اللهم لا تمتني
ميتة جاهلية ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني لولاية من فرضت
طاعته علي من ولاة امرك بعد رسولك صلواتك عليه وآله حتى
واليت ولاة امرك امير المؤمنين علي بن ابي طالب والحسن والحسين وعليا
ومحمدا وجعفرا وموسى وعليا ومحمدا وعليا والحسن والحجة القائم
المهدي صلواتك عليهم اجمعين اللهم فثبتني على دينك واستعملني
بطاعتك ولين قلبي لولي امرك وعافني مما امتحنت به خلقك
وثبتني على طاعة ولي امرك الذي سترته عن خلقك فباذنك غاب
عن بريتك وامرك ينتظر وانت العالم غير معلم بالوقت الذي فيه صلاح
امر وليك في الاذن له باظهار امره وكشف ستره وصبرني على ذلك
حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تاخير ما عجلت ولا اكشف عما سترته
ولا ابحث عما كتمته ولا انازعك في تدبيرك ولا اقول لم وكيف
وما بال ولي الامر لا يظهر وقد امتلأت الارض من الجور وافوض — ولي امر الله
اموري كلها اليك اللهم اني اسئلك ان تريني ولي امرك ظاهرا
نافذ الامر مع علمي بان لك السلطان والقدرة والبرهان والحجة

والمشية والحول

والمشية والحول والقوة فافعل ذلك بي وبجميع المؤمنين حتى ننظر الى وليك
صلواتك عليه وآله ظاهر المقالة واضح الدلالة هاديا من الضلالة
شافيا من الجهالة وابرز يا رب مشاهده وثبت قواعده واجعلنا
ممن تقر عينه برؤيته واقمنا بخدمته وتوفنا على ملته واحشرنا في
زمرته اللهم اعذه من شر جميع ما خلقت وبرأت وذرأت وانشأت
وصورت واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله
ومن فوقه ومن تحته بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به واحفظ
فيه رسولك ووصي رسولك عليهم السلم اللهم مد في عمره وزد
في اجله واعنه على ما وليته واسترعيته وزد في كرامتك له فانه
الهادي المهدي والقائم المهتدي الطاهر التقي الزكي النقي
الرضي المرضي العابد الشكور المجتهد اللهم لا تسلبنا اليقين لطول
الامد في غيبته وانقطاع خبره عنا ولا تنسنا ذكره وانتظاره
والايمان به وقوة اليقين في ظهوره والدعاء له والصلوة عليه
حتى لا يقنطنا طول غيبته من قيامه ويكون يقيننا في ذلك
كيقيننا في قيام رسول الله صلى الله عليه وآله وما جاء به من وحيك

وتنزيلك وقو قلوبنا على الايمان به حتى تسلك بنا منهاج الهدى
والمحجة العظمى والطريقة الوسطى وقونا على طاعته وثبتنا على مشايعته
واجعلنا في حزبه واعوانه وانصاره والراضين بفعله ولا تسلبنا
ذلك في حياتنا ولا عند وفاتنا حتى تتوفانا ونحن على ذلك
لا شاكين ولا ناكثين ولا مرتابين ولا مكذبين اللهم عجل فرجه
وايده بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه ودمدم على من
نصب له وكذب به واظهر به الحق وامت به الجور واستنقذ
به عبادك المؤمنين من الذل وانعش به البلاد واقتل به الجبابرة
والكفرة واقصم به رؤوس الضلالة وذلل به الجبابرة والكافرين
وابر به المنافقين والناكثين وجميع المخالفين والملحدين في
مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها
حتى لا تدع منهم ديارا ولا تبقي لهم آثارا واطهر منهم بلادك
واشف منهم صدور عبادك وجدد به ما امتحى من دينك
واصلح به ما بدل من حكمك وغير من سنتك حتى يعود دينك
به وعلى يديه غضا جديدا صحيحا لا عوج فيه ولا بدعة معه

معه حتى تطفئ بعدله نيران الكافرين فانه عبدك الذي
استخلصته لنفسك وارتضيته لنصرة دينك واصطفيته
بعلمك وعصمته من الذنوب وبرأته من العيوب واطلعته
على الغيوب وانعمت عليه وطهرته من الرجس ونقيته من الدنس
اللهم فصل عليه وعلى آبائه الائمة الطاهرين وعلى شيعته المنتجبين
وبلغهم من آمالهم افضل ما يأملون واجعل ذلك منا خالصا من كل شك
وشبهة ورياء وسمعة حتى لا نريد به غيرك ولا نطلب به الا
وجهك اللهم انا نشكو اليك غيبة نبينا وفقد ولينا وشدة الزمان
علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الاعداء وكثرة عدونا وقلة
عددنا اللهم ففرج ذلك عنا بفتح منك تعجله ونصر منك تعزه
وامام عدل تظهره اله الحق آمين رب العالمين اللهم انا نسألك
ان تأذن لوليك في اظهار عدلك في عبادك وقتل اعدائك
في بلادك حتى لا تدع للجور يا رب دعامة الا قصمتها و
لا بقية الا افنيتها ولا قوة الا اوهنتها ولا ركنا
الا هدمته ولا حدا الا فللته ولا سلاحا الا كللته

ولا رايةً الا نكستها ولا شجاعاً الا قتلته ولا جيشاً الا خذلته
وارمهم يا رب بحجرك الدامغ واضربهم بسيفك القاطع وبأسك
الذي لا تردّه عن القوم المجرمين وعذّب اعداءك واعداء دينك
واعداء رسولك بيد وليك وايدي عبادك المؤمنين اللهم اكف
وليك وحجتك في ارضك هول عدوه وكيد من كاده وامكر
بمن مكر به واجعل دائرة السوء على من اراد به سوءاً واقطع عنه
مادّتهم وارعب له قلوبهم وزلزل اقدامهم وخذهم جهرةً
وبغتةً وشدّد عليهم عذابك واخزهم في عبادك والعنهم
في بلادك واسكنهم اسفل نارك واحط بهم اشدّ عذابك
واصلهم ناراً واحش قبور موتاهم ناراً واصلهم حرّ نارك فانهم اضاعوا
الصلوة واتبعوا الشهوات واضلّوا عبادك واخربوا بلادك
اللهم واحي بوليك القرآن وارنا نوره سرمداً لا ظلمة فيه
واحي به القلوب الميتة واشف به الصدور الوغرة واجمع
به الاهواء المختلفة على الحق واقم به الحدود المعطلة
والاحكام المهملة حتى لا يبقى حق الا ظهر ولا عدل الا زهر

واجعلنا يا رب من اعوانه ومقوية سلطانه والمؤتمرين لامره
والراضين بفعله والمسلّمين لاحكامه وممن لا حاجة له به
الى التقية من خلقك انت يا رب الذي تكشف الضر وتجيب
المضطر اذا دعاك وتنجي من الكرب فاكشف الضر عن وليك
واجعله خليفة في ارضك كما ضمنت له اللهم ولا تجعلني
من خصماء آل محمد عليهم السلام ولا تجعلني من اهل الحنق والغيظ
على آل محمد عليهم السلام فاني اعوذ بك من ذلك فاعذني واستجير بك
فاجرني اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلني بهم فائزاً عندك
في الدنيا والآخرة ومن المقربين آمين رب العالمين

از جمله دعوات

دعائیست که سید جلیل ابن طاوس قدس سره در مهج الدعوات ذکر کرده که حضرت ابو الحسن الاصدق
ملک سعید کرا او در خواب دید یا بود شخصی از ثبت دیدار با او گفتم ... وکنی صورت او
بدیدت و بگو یا صاحب القدر والاقدار والهمم والمهام عجّل
فرج عبدك ووليك والحجة القائم بامرك في خلقك واجعل
لنا في ذلك الخيرة نکات چند در این مختصر رعایت شده از جمله اوراد ... شد

الخيرة

قل والمهام

١٣٢

از جملهٔ دعوات

دعائیست قدیر که شیخ ما در کتاب مزبور از محمد بن احمد بن ابراهیم جعفی بسند خود روایت کرده
و محمد مزبور بسند خود در ضمن حدیثی روایت کرده در معلوم نیست سند آن کدام امام است
معین ع که ابن طاوس زیاده ذکر کرده این است قلت کیف یصنع شیعتک
قال علیکم بالدعاء وانتظار الفرج فانه سیبدو لکم علم فاذا بدا لکم
فاحمدوا الله وتمسکوا بما بدا لکم قلت فما ندعوا به قال تقول ترجمه
فارسی آن چنین است راوی گفت گفتم چکنند شیعیان تو فرمود شما را بر دعا بودن
و انتظار فرج بودن پس بدرستیکه زود است که ظاهر شود برای شما علمی پس هرگاه ظاهر شد
پس هرگاه ظاهر شد برای شما پس حمد کنید خدا را و تمسک شوید بآنچه برای شما
ظاهر شده گفتم پس چه دعا بخوانم فرمود بگو اللّهمّ انت عرّفتنی نفسک
وعرّفتنی رسولک وعرّفتنی ملائکتک وعرّفتنی نبیّک
وعرّفتنی ولاة امرک اللّهمّ لا آخذ الّا ما اعطیت ولا
اوقی الّا ما وقیت اللّهمّ لا تغیّبنی عن منازل اولیائک
ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی اللّهمّ اهدنی لولایة من افترضت
طاعته

از جملهٔ

دعوات دعا است که

١٣٣

دعوات

دعائیست که نیز شیخ ما در کتاب مزبور نوشته که در خواب دیدم کسی را که تعلیم می‌نمود
مرا دعائی که شایسته است از برای ایام غیبت بخوانم الفاظ دعا این است
یا من فضّل ابرهیم وآل اسرائیل علی العالمین باختیاره واظهر
فی ملکوت السّموات والارض عزّه واقتداره واودع محمّدا صلّی الله
علیه وآله واهل بیته غرائب اسراره صلّ علی محمّد وآله
واجعلنی من اعوان حجّتک علی عبادک وانصاره

عزّه اقتداره

از جملهٔ دعوات

دعائیست که در کافی است و مسمّی است بدعای غریق و سید مرتضی نیز در منهج از عبد صدوق
رضی الله عنه نقل دعا را نقل کرده عبد الله بن سنان که راوی دعا است میگوید حضرت صادق علیه السلام
فرمود که زود است میرسد شما را شبهه پس باقی میمانید بدون علمی که دیده شود و بدون امام راهنمائی
ظاهرا و نجات نمی‌یابد در آن شبهه مگر کسیکه بخواند دعای غریق را گفتم چگونه است
دعای غریق فرمود بگو یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلّب القلوب
ثبّت قلبی علی دینک پس گفتم یا مقلّب القلوب والابصار
فرمود خدا عز و جل مقلّب القلوب والابصار است ولکن بگو چنانکه من میگویم

۱۳۴

يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك شنيده شد از ثقات که در مهج الدعوات نقل کرده ...
يكي شايد جهة اين باشد که در تقلب قلوب و ابصار در روز قيامت اشاره شده احوال
آن روز هولناک ... از تقلب قلوب و ابصار انتهى
مؤلف گويد در حاشيه مهج الدعوات ... از مجلسي ... اين قسم نقل شده
انه صحيح ويدل عليه ... عبارة الدعوات والذي ذكره السيد رضي الله عنه محمد
وتحتمل ان يكون الغرض الامر بالثبات فقط او يكون له وجه آخر لا يصل عقولنا اليها
والله تعالى يعلم انتهى

از جملهٔ دعوات

دعائی است که مسمی است به دعای حریق که در دعوهٔ مجتبی ذکر کرده ... شریفهٔ مبارک ... قسم ... شریفه
و ... نقصان الا ... از ... دعای مجیر ... است که مقدم آن در مصباح شیخ ... کفعمی
و علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیهم روایت شده ... در صحیفه سجادیه ... در مصباح ... نقل شده
شرح ... و قسم دیگر از اول دعا : اهل المغفرة ... و مجلسی ...
احتمال داده است ... عبارت انی کنت من الظالمین ... از ... محبوب ...
و قسم دیگر ... از کتاب عتیق ... از کتاب دعا ... بحار الانوار و آخر دعا این است فعل ...
حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم و در ...
... اين دعا

۱۳۵

... ختم اين دعا ... از کتاب عتیق از اصول اصحاب ... آیة ... مولای ... کفعمی ذکر کرده ...
: عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ... اعظم امام الله ...
شیخ ... روایت کرده ... از عبدالله بن سنان که گفت داخل شدم ...
علیه السلام پس فرمود چگونه خواهید بود شما هرگاه ... که نیست در آن ...
در آن حال امام هدایت کننده ... و نجات نمی یابد در آن
زمان مگر کسیکه بخواند دعای حریق ... پس مردم گفتند ... پس چه کنیم ...
تو شویم فرمود چون چنین شود ... آن زمان ... پس تمسک شوید بآنچه
در دست شماست ... امر بر شما واضح گردد یعنی در آن زمان ...
... تمسک ... گردید ... از امامان گذشته ... در اصول دین
باشید و عمل ... و ترک نکنید ... ایمان ...
و ... است ... امر امامت ... واضح شود ... معجزات ...
کردن ... عبدالله از دعای حریق که کدام است ظاهر ...
... و آنچه ... بنظر رسید دعای معروفی است که جمله از علما ...
در ادعیه صباح ... شیخ طبرسی صاحب مجمع البیان در کتاب عدة ...
گفته و از جمله دعاها که ... فضیلت آنها بسیار است و ... دعا ...

[illegible]

و در کتاب شغل ... ادعیه که از حضرت امام ... روایت ... و آن دعا ... بعد از نماز صبح ...

بدیت جمع شده و خواندن آن اختصاص بصبح و شام ندارد. و دعائی است که مشهور است به دعای حریق

و از حضرت امام زین العابدین علیه الصلاة والسلام روایت شده است و در دعا این است. اللهم

انی اصبحت اشهدک و کفی بک شهیدا تا آخر دعا که طولانی است و در آخر آن

گفته که از جانب حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه توقیعی بیرون آمد بسوی محمد بن صلت قمی

علیه الرحمه که امید عادل زیادی و تتمه ایست و آن تتمه این است. اللهم رب النور العظیم

الخ. و آن نیز معروف است. و بالجمله چون مطمئن نشدم که مراد همین دعا است و طولانی هم

بود و در بسیاری از کتب ادعیه چون مصباح شیخ و کفعمی و مقباس و بحار و جنة و غیرها موجود بود

لهذا نقل نکردم انتهی

تکلیف ٢٣

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلاة والسلام صلوات فرستادن بآنحضرت است لذا خصوصا

و بر آباء طاهرین آنحضرت علیهم اجمعین و جد مطهر او صلی الله علیه و آله عموما و در خصوص صلوات

فرستادن بشان از تواتر و تعاضد احادیث و اخبار گذشته کتب مبسوطه مخصوصه در رشته

تألیف کشیده اند که در میان فریقین منتشر است اما خصوص صلوات فرستادن بآنحضرت امام عصر

و ناموس دهر ارواحنا فداه که همه جا با اجداد طاهرین خود سلام الله علیهم اجمعین گفته شود و مشارکت است

و در بعض موارد منفرد

و در بعض موارد منفرد ذکر بعضی از آنها که از کلمات معصومین است علیهم السلام میپردازد تیمنا

منها

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ الْمُحْيِي لِسُنَّتِكَ الْقائِمِ بِاَمْرِكَ الدّاعِي اِلَيْكَ

الدَّليلِ عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ وَخَليفَتِكَ في اَرْضِكَ وَشاهِدِكَ

عَلىٰ عِبادِكَ اَللّٰهُمَّ اَعِزَّ نَصْرَهُ وَامْدُدْ في عُمْرِهِ وَزَيِّنِ الْاَرْضَ بِطُولِ بَقائِهِ

اَللّٰهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحاسِدينَ وَاَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكائِدينَ وَازْجُرْ عَنْهُ اِرادَةَ

الظّالِمينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ اَيْدِي الْجَبّارينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ في نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

وَشيعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ وَخاصَّتِهِ وَعامَّتِهِ وَمِنْ جَميعِ اَهْلِ الدُّنْيا

ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ اَمَلِهِ فِي الدُّنْيا

وَالْآخِرَةِ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

منها

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ في اَرْضِكَ وَخَليفَتِكَ في بِلادِكَ الدّاعي اِلىٰ

سَبيلِكَ وَالْقائِمِ بِقِسْطِكَ وَالْفائِزِ بِاَمْرِكَ وَلِيِّ الْمُؤْمِنينَ وَمُبيرِ

الْكافِرينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَمُنيرِ الْحَقِّ وَالصّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

وَالصِّدْقِ وَكَلِمَتِكَ وَعَيْبَتِكَ وَعَيْنِكَ في اَرْضِكَ الْمُتَرَقِّبِ

الخائف الولي الناصح سفينة النجاة وعلم الهدى ونور ابصار الورى
وخير من تقمّص وارتدى والوتر الموتور ومفرّج الكرب ومزيل الهمّ و
كاشف البلوى صلوات الله عليه وعلى آبائه الائمة الهادين والقادة
الميامين ما طلعت كواكب الاسحار واورقت الاشجار واينعت الاثمار
واختلف الليل والنهار وغرّدت الاطيار اللهم انفعنا بحبه واحشرنا
في زمرته وتحت لوائه اللهم صل على محمد واهل بيته وصل على ولي
الحسن ووصيه ووارثه القائم بامرك والغائب في خلقك والمنتظر
لاذنك اللهم صل عليه وقرب بعده وانجز وعده واوف عهده
واكشف عن بأسه حجاب الغيبة واظهر بظهوره صحائف المحنة
وقدّم امامه الرعب وثبّت به القلب واقم به الحرب وايّده بجند
من الملائكة مسوّمين وسلّطه على اعداء الله اعدائك اجمعين

منها

اللهم صل على امامنا وابن ائمتنا وسيدنا وابن سادتنا الرضي الزكي
التقي النقي الامام الباقي ابن الماضي حجتك في الارض على العباد
وعينك الحافظ في البلاد والسفير بينك وبين خلقك

والقائم فيهم بحجتك

والقائم فيهم بحجتك افضل صلواتك وبارك عليهم وعليه افضل بركاتك
اللهم صل على محمد وآل محمد واجعله القائم المؤمّل والعدل المعجّل
وحفّه بملائكتك المقربين وايّده منك بروح القدس يا رب العالمين

منها

صلواتی است مروی از ابو الحسن ضراب اصفهانی از ناحیه بیرون آمده و مشهور است بصلوات ضراب
و ائمه هدی که مخصوص حضرت صاحب الامر صلوات الله علیهم اجمعین و این صلوات را در مصباح متهجد و جمال
الاسبوع و کتب معتبره دیگر ذکر کرده اند و در مصباح مذکور است از صاحب الامر علیه السلام بیرون آمده است
و در ناحیه بیرون آمده برای ابو الحسن ضراب اصفهانی و در جمال الاسبوع و کتب دیگر بسند متصل
از ابو الحسن مذکور و او از یعقوب بن یوسف است روایت کرده اند در سال دویست و هشتاد و یکم هجری ٢٨١
این نسخه صلوات در ناحیه حضرت ... و در هر ... در بارهٔ آن حکایت عجیب است و استاد
اعظم ادام الله ظله العالی در نجم ثاقب از غیبت شیخ طوسی قدس سره روایت کرده از حسین بن
محمد بن عامر اشعری که خبر داد ما را یعقوب بن یوسف ضراب غسانی در زمانی که از اصفهان
برگشته بود در سنه دویست و هشتاد و یک الی آخر خبر و مجلسی قدس سره در کتاب دعای بحار الانوار
همین صلوات را با شرح و حکایت آن از جمال الاسبوع ذکر کرده از یعقوب بن یوسف غسانی
روزن خانه و غیبت ... این جمله را نسخه برگزیده و همین صلوات را نقل کرده

١٤٠

از کتاب عتیق ... نسخه شد این صلوات از کتاب شیخ ابوالحسن علی بن محمد بن یوسف حرانی
در جمادی الآخره سنه چهارصد ٤٠٠ داوده نسخه مقدم این صلوات سید از کتاب شیخ ابوالحسن
علی بن حمزة احمد کاتب بخط خودش در جمادی الاولی سنه سیصد و نود و سه ٣٩٣ هجریه
خبر داده حسن بن محمد بن عامر اشعری قمی که ایشان در سنه دویست و هشتاد و هشت ٢٨٨
زمانیکه در اصفهان برگشته بود خبر داده او را یعقوب بن یوسف صلوات باصفهان
گفت ... در سنه دویست و هشتاد و یک ٢٨١ ذکر کرده تا آخر خبر ... آنجا جمال الدین ابو
پس نسبت یعقوب بن یوسف در این نسخ علما مشتبه شده که یا غسانی است یا ...
و سین مهمله بروزن ... منسوب بآن است ... اسم قبیله است که
منسوب بدان است یا غسانی است بروزن ... تصحیف غسانی است ... او از اعتبار
و نشو و نمای او در اصفهان شد و ... است ... صلوات ... حال
رجوع بکتب رجال ... تحقیق سند این صلوات است و حقیر
روایت میکنم این صلوات را از استاد اعظم ادام الله ظله ... بسیار
مضبوط ... که در ... شرح مذکور که در ... ثابت است ... رجوع نمایند
و استاد اعظم دام ظله پس از ذکر این صلوات ... تعیین ... از راوی
این صلوات ... الا آنکه ... در رجال ... این صلوات

میفرماید اگر ترک کردی

١٤١

میفرماید اگر ترک کردی تعقیب عصر روز جمعه را بجهت عذری پس ترک مکن این صلوات را
هرگز بجهت امری که مطلع کرده ما را خداوند جل جلاله بر آن و استاد اعظم دام ظله پس از
ذکر ... از ... شریف ... مشغول شده که از جناب صاحب الامر
صلوات ... در این باب وارد ... ایشان مستبعد نیست
چنانچه خود تصریح کرده در باب ... در کتاب ... معروف و در باب ... گذشت
انتهی حقیر ... اشاره ... و بعد از این ... نیز ... ایشان ...

نسخهٔ دیگر صلوات ابلیست

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد سید المرسلین وخاتم النبیین
وحجة رب العالمین المنتجب فی المیثاق المصطفی فی الظلال
المطهر من کل آفة البریء من کل عیب المؤمل للنجاة المرتجی للشفاعة
المفوض الیه دین الله اللهم شرف بنیانه وعظم برهانه وافلج حجته
وارفع درجته واضیء نوره وبیض وجهه واعطه الفضل والفضیلة
والمنزلة والوسیلة الرفیعة وابعثه مقاما محمودا یغبطه
به الاولون والآخرون وصل علی امیر المؤمنین ووارث المرسلین
وقائد الغر المحجلین وسید الوصیین وصل علی الحسن بن علی

امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل
على الحسين بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على علي بن الحسين امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة
رب العالمين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على جعفر بن محمد امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على موسى بن جعفر
امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي
بن موسى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة
رب العالمين وصل على علي بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الخلف الصالح المهدي
الهادي امام الهدى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب
العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد واهل بيته الائمة الهادين
العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم دينك واركان

توحيدك وتراجمة وحيك وحججك على خلقك وخلفائك في ارضك
الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك وارتضيتهم
لدينك واختصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك وغشيتهم
برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك والبستهم من نورك
ورفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملائكتك وشرفتهم بنبيك
صلواتك عليه وآله اللهم صل على محمد وعليهم صلوة كثيرة دائمة
طيبة لا يحيط بها الا انت ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها
احد غيرك اللهم وصل على وليك المحيي سنتك القائم بامرك
الداعي اليك الدليل عليك وحجتك على خلقك وخليفتك في
ارضك وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصره ومد في عمره
وزين الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين و
اعذه من شر الكائدين وازجر عنه ارادة الظالمين وخلصه
من ايدي الجبارين اللهم اعطه في نفسه وذريته وشيعته
ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع اهل الدنيا
ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل ما امله

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مُحِيَ مِنْ
دِينِكَ وَأَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ
حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً خَالِصاً مُخْلَصاً
لَا شَكَّ فِيهِ وَلَا شُبْهَةَ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ
اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَهُدَّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَاهْدِمْ بِعِزَّتِهِ
كُلَّ ضَلَالَةٍ وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ
كُلَّ جَبَّارٍ وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ — جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ
اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ
وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ
وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلِيٍّ الْمُرْتَضَى
وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ الرِّضَا وَالْحُسَيْنِ الْمُصَفَّى وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ
مَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ التُّقَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى
وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوُلَاةِ عَهْدِهِ
وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَزِدْ فِي أَعْمَارِهِمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ أَفْضَلَ — أَقْصَى آمَالِهِمْ
آمَالِهِمْ دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

تکلیف از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه السلام

تکلیف ۲۴

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلوة والسلام معنون بکشور است در هر روز که مخصوص
در روز دوشنبه و پنجشنبه که روز عرض اعمال عموم خلائق بحضرت ایشان است ... تعظیم
عبد نسبت بمولای خود آن است که در تمام حرکات و سکنات خود تابع و مطیع اوامر و نواهی مولای
خود باشد بلکه در همه حالات ملاحظه کند ... تمام انس و استغراق برای او
و آنچه ظاهراً و باطناً از جهات ... ببر ... و گمان کند
که مولا و آقای او از انظار غایب است و از اعمال و افعال عبد خود بی اطلاع است بلکه بطور یقین
قطع نماید که مولای او حاضر و ناظر او است و علم او قبل از ... و سایر حرکات
و سکنات و عادات و مقالات ظاهره و باطنه عبد خود را محیط است پس از جمله تکالیف
و فرائض عبد نسبت بامام عصر ... خود آن است که در همه روزه عرض چاکری و جان نثاری
خود را در پیشگاه سلطان حقیقی خود بنماید بحضرت ... سلام عرض نماید و اظهار عبودیت
و رقیت نماید و عرض محبت و خلوص عقیدت خالصانه ... نماید و بزبان حال و قال
عرض و اظهار نماید ای مولا و آقای ما اگر بجهت مصلحت چهره مبارک را از این بندگان
نقاب پوشیده و در بارگاه عظمت و جلالت خود ما را راه نمیدهی ولیکن این بندگان ...
در مقام عبودیت و بندگی و جان نثاری خود ثابت و پا برجا هستیم و حق عبودیت ... ذی حق ...

که همه روزه در آستان مقدست تو حاضر باشیم در عتبه متبرکه تو بسلام و تحیه در انظار چاکری
نمره ملاحظه نمائیم البته ای مولای ما اگر این بندگان ما قابل تو لیاقت ادراک حضور
مرحمت حضرت را نداشتیم ما را راه بیداری و اظهار مرحمت و مکرمت منعم حقیقی و لکن
یقین داریم که در مقام عبودیت و کلام منزلی که عبودیت خود تقصیر در حضور داریم و دستور
باین درجه رسیده ام که درک شرف حضور مبارکت ننمائیم و یقین داریم اگرچه شخص
این بندگان از در آستان ملائک پاسبانت دور است ولکن عرض اعمال و افعال ما به پیشگاه
در حضر حضرتت مسطور است و باز یقین داریم که اگر همه روزه مانند اشخاصی که در آستان
حضرت رضا علیه الصلوة والسلام متصل بدربار آمده در گشته و در حضور انظار راه
و بازدیدت از هر یک و عبودیت بر ... شده این بندگان هم هرگاه برابر رتبه باشیم و
جلوات ... بازدیدت هر یک از ... تولایت ... یقین داریم اگر این شیعیان
تو ... در رتبه اولی ما را راه بیداری ... خود ... دیگر چون از آستان تو ... ستیم
در رتبه شیعیت رسیده ایم ... از زیارت جمال مبارکت محروم و از ادراک حضور
... فریضه ذمت این بندگان است که همه روزه و همه شب خود را ... سلام دل
... با اظهار عبودیت و پیغام فرستادن حضور مقدست ... ما
باشیم شاید در این حاشیه کاری کرده باشیم

تکلیف ... سابقاً مذکور شد

تکلیف ۲۵

سابقاً مذکور شد که بعد از نماز صبح و سایر فرائض مستحب است که صلوات و سلام با امام عصر ارواحنا فداه
بفرستی و به آنحضرت تحیه و سلام و عهد و بیعت و میثاق و تحیت و عبودیت نمائی و ...
از آن گذشته فزون از این مواقع دیگر هم بعضی از فقرات سلامهائی که از خود آنحضرت و آباء گرامش
سلام الله علیهم اجمعین رسیده در بعض موارد مخصوصه و مواضع مخصوصه به آنحضرت سلام نمودن
و زیارت نمائی و اظهار عبودیت کنی و از آنحضرت مسئلت طلب حاجات خود نمائی
شاید آنحضرت نیز در مقام لطف و بزرگی که از شئون ... اگر از روی اخلاص و صمیم قلب باشد
جواب دهد و رستگار دنیا و آخرت شوی خوش بحال کسی که امام عصر ارواحنا فداه توجه
و التفات نموده او منظور نظر التفات آنحضرت گردد و گوشه چشمی بطرف او داشته و از
و کار او را در دو عالم ... (چه شود بچهره زرد من نظری برای خدا کنی) که اگر کنی همه درد من به نگاه کردن ...

از جمله فقرات سلامهائی

که وظیفه عبادت همه روزه ماست ... متوجه بسوی خدا ... در اول ... آنحضرت سلام الله
علیهم اجمعین ... که سابقاً گفتیم در تعقیب نمازهای فریضه بگویند و در ذیل چند فقره
سابقاً تصریح شد

۱۴۸

و از جمله سلامی است

که در ناحیه مقدسه بیرون آمده بسندهای صحیح و معتبر از محمد بن عبدالله حمیری منقول است که
از ناحیه مقدسه فرمان حضرت صاحب الامر بسوی او بیرون آمد که هرگاه خواهید متوجه شوید بما
بسوی خدا و بسوی ما پس بگویید چنانچه خدا فرموده است سلام علی آل یس السلام علیک
یا داعی الله و ربانی آیاته السلام علیک یا باب الله و دیان دینه السلام علیک
یا خلیفة الله و ناصر حقه السلام علیک یا حجة الله و دلیل ارادته السلام علیک
یا تالی کتاب الله و ترجمانه السلام علیک فی آناء لیلک و اطراف نهارک
السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه السلام علیک یا میثاق الله الذی
اخذه و وکده السلام علیک یا وعد الله الذی ضمنه السلام علیک
ایها العلم المنصوب و العلم المصبوب و الغوث و الرحمة الواسعة
وعدا غیر مکذوب السلام علیک حین تقوم السلام علیک حین تقعد
السلام علیک حین تقرء و تبین السلام علیک حین تصلی و تقنت
السلام علیک حین ترکع و تسجد السلام علیک حین تهلل و تکبر السلام علیک
حین تحمد و تستغفر السلام علیک حین تصبح و تمسی السلام علیک فی اللیل
اذا یغشی و النهار اذا تجلی السلام علیک ایها الامام المامون

قال الاحتجاج خرج من الناحیة المقدسة الی الحمیری بعد الجواب عن المسائل بسم الله الرحمن الرحیم لا لامر الله تعقلون و لا من اولیائه تقبلون حکمة بالغة فما تغنی النذر عن قوم لا یؤمنون السلام علینا و علی عباد الله الصالحین اذا اردتم التوجه بنا الی الله و الینا فقولوا کما قال الله تعالی سلام علی آل یس
منه رحمه

۱۴۹

السلام علیک ایها المقدم المامول السلام علیک بجوامع السلام اشهدک
یا مولای انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا
عبده و رسوله لا حبیب الا هو و اهله و اشهدک یا مولای ان علیا
امیر المؤمنین حجته و الحسن حجته و الحسین حجته و علی بن الحسین
حجته و محمد بن علی حجته و جعفر بن محمد حجته و موسی بن جعفر
حجته و علی بن موسی حجته و محمد بن علی حجته و علی بن محمد حجته
و الحسن بن علی حجته و اشهد انک حجة الله انتم الاول و الآخر و ان
رجعتکم حق لا ریب فیها یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل
او کسبت فی ایمانها خیرا و ان الموت حق و ان ناکرا و نکیرا حق و اشهد
ان النشر و البعث حق و ان الصراط حق و المرصاد حق و المیزان حق و الحشر
حق و الحساب حق و الجنة و النار حق و الوعد حق و الوعید بهما حق
یا مولای شقی من خالفکم و سعد من اطاعکم فاشهد علی ما
اشهدتک علیه و انا ولی لک بری من عدوک فالحق ما رضیتموه
و الباطل ما سخطتموه و المعروف ما امرتم به و المنکر ما نهیتم عنه
فنفسی مؤمنة بالله وحده لا شریک له و برسوله و بامیر المؤمنین

۱۵۰

وبکم یا مولای اولکم واخرکم ونصرتی معدة لکم ومودتی خالصة لکم

آمین آمین **بعد از آن این دعا میخوانی** اللهم انی اسئلک ان

تصلی علی محمد نبی رحمتک وکلمة نورک وان تملأ قلبی نور الیقین

وصدری نور الایمان وفکری نور النیات وعزمی نور العلم وقوتی نور العمل

ولسانی نور الصدق ودینی نور البصائر من عندک وبصری نور الضیاء

وسمعی نور الحکمة ومودتی نور الموالاة لمحمد وآله علیهم السلام حتی

القاک وقد وفیت بعهدک ومیثاقک فتغشینی رحمتک یا ولی یا حمید

اللهم صل علی محمد حجتک فی ارضک وخلیفتک فی بلادک والداعی الی سبیلک

والقائم بقسطک والثائر بامرک ولی المؤمنین وبوار الکافرین ومجلی

الظلمة ومنیر الحق والناطق بالحکمة والصدق وکلمتک التامة فی ارضک

المرتقب الخائف والولی الناصح سفینة النجاة وعلم الهدی ونور

ابصار الوری وخیر من تقمص وارتدی ومجلی العمی الذی یملأ الارض

قسطا وعدلا کما ملئت ظلما وجورا انک علی کل شیء قدیر اللهم صل علی ولیک

وابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم واوجبت حقهم واذهبت عنهم

الرجس وطهرتهم تطهیرا اللهم انصره وانتصر به لدینک وانصر به

۱۵۱

اولیائک واولیائه وشیعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه

من شر کل باغ وطاغ ومن شر جمیع خلقک واحفظه من بین یدیه

ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله واحرسه وامنعه من ان

یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولک وآل رسولک واظهر به العدل

وایده بالنصر وانصر ناصریه واخذل خاذلیه واقصم قاصمیه

واقصم به جبابرة الکفر واقتل به الکفار والمنافقین وجمیع الملحدین

حیث کانوا من مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها واملأ

به الارض عدلا واظهر به دین نبیک صلی الله علیه وآله واجعلنی

اللهم من انصاره واعوانه واتباعه وشیعته وارنی فی آل محمد

علیهم السلام ما یأملون وفی عدوهم ما یحذرون اله الحق آمین یا ذا الجلال

والاکرام یا ارحم الراحمین

و از جمله سلامی است

و از ناحیه مقدسه بیرون آمد بسوی عبدالله بن جعفر حمیری ره توقیع مبارک صادر شد و معروف است

بزیارت ندبه غیر دعای ندبه مشهوره و مجلسی قدس سره در کتاب دعای بحار الانوار این زیارت را

از خط شیخ محمد بن علی جباعی جد شیخنا البهائی قدس سرهما باسناد صحیح ذکر نموده از محمد بن

عبدالله بن جعفر حمیری که توقیع مبارک بسوی او بیرون آمد که هر چون اراده نمائید توجه بما بسوی خدا تعالی
و بسوی ما را پس بگوئید چنانکه خدا فرموده سلام علی آل یس ذلک هو الفضل المبین
والله ذو الفضل العظیم لمن یهدیه صراطه المستقیم التوجه قد آتاکم الله
یا آل یس خلافته الخ و در مزار بحار الانوار از سید بن طاوس نقل شده همین زیارت را که
زیارت معروف بزیارت ندبه است که از ناحیه مقدسه بسوی محمد بن عبدالله حمیری بیرون آمد که در آخر آن شرح
در سرداب مقدس خلف اشرف و همین زیارت را بعینها ذکر نماید بعد از آن از قول مؤلف مزار کبیر
و از علم مرحوم مجلسی تقی محمد المشهدی نقل است همین زیارت را ذکر نماید ولی بزیادتی چون الحضرت گفت نماز
و دعا در آن و نسبت آن کتاب الی محمد بن عثمان که از نواب حضرت است ارسال تا خدا یسر و تفصیل آن کتاب
از احمد بن ابراهیم گفت شکایت کردم بمحمد بن عثمان که از نواب حضرت صاحب الامر است علیه الصلاة والسلام
از بسیار مشتاق شدم بدیدن مولای خود گفت با این اشتیاق خواهش دیدن آنحضرت را هم داری
گفتم بلی گفت خدا تورا ثواب دهد بر اشتیاق تو و روی مبارک آنحضرت را بتو بنماید
با آسانی و عافیت پس گفت آرزوی دیدن آنحضرت را در ایام غیبت مکن چون که مشتاق خدمت
آنحضرت باشی و سؤال مکن اجتماع با آنحضرت را این از امور حتمی خداست و تسلیم و انقیاد
امر خدا لازم است ولکن متوجه شو بسوی آنحضرت بعد از دو رکعت نماز در هر رکعت
حمد و سوره بخوانی و بعد از دو رکعت سلام گوئی و صلوات بر محمد و آل بفرستی پس بگو سلام علی آل یس

ذلک هو الفضل المبین والله ذو الفضل العظیم لمن یهدیه صراطه المستقیم قد آتاکم الله یا آل یس خلافته الی آخر
و از این روایت فهمیده میشود که دو رکعت نماز قبل از این زیارت باید خواند ولی حقیر آنکه
زیارت را که در کتاب دعا بحار الانوار ذکر شده ذکر دو رکعت نمازی در آن روایت نیست
در این مولود مرحوم مینویسد سَلَامٌ عَلَى آلِ يس ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ **التوجه** قَدْ آتَاكُمُ اللّٰهُ يَا آلَ يس خِلَافَتَهُ
وَعِلْمَ مَجَارِي أَمْرِهِ فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ
فَكَشَفَ لَكُمُ الْغِطَاءَ وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ وَعُلَمَاؤُهُ وَأُمَنَاؤُهُ
سَاسَةُ الْعِبَادِ وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ وَقُضَاةُ الْأَحْكَامِ وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ
وَسُلَالَةُ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةُ الْمُرْسَلِينَ وَعِتْرَةُ خِيَرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَائِحُ الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَاذُهُ مَحْتُوماً مَقْرُوناً فَمَا شَيْءٌ
مِنَّا إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ خِيَارُهُ لِوَلِيِّكُمْ نِعْمَةٌ وَانْتِقَامُهُ
مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخْطَةٌ فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْزَعَ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ
يَا أَعْيُنَ اللّٰهِ النَّاظِرَةَ وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ وَمَسَاكِنَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ
وَسَمَائِهِ وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ وَيَا حُجَّةَ اللّٰهِ وَبَقِيَّتَهُ كَمَالُ نِعْمَتِهِ وَوَارِثُ
أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَاهُ مِنْ دَهْرِنَا وَصَاحِبُ الرَّجْعَةِ لِوَعْدِ

ربنا آتي بها دولة الحق وفرجنا ونصر الله لنا وعزنا السلم عليك أيها العلم
المنصوب والعلم المصبوب والغوث والرحمة الواسعة وعدا غير مكذوب
السلم عليك يا صاحب المرئى والمسمع الذي بعين الله مواثيقه ويد الله
عهوده وبقدرة الله سلطانه أنت الحكيم الذي لا تعجله العصبية
والكريم الذي لا تبخله الحفيظة والعالم الذي لا تجهله الحمية مجاهدتك
في الله ذات مشية الله ومقارعتك في الله ذات انتقام الله وصبرك
في الله ذات أناة الله وشكرك لله ذو مزيد الله ورحمته السلم عليك
يا محفوظا بالله الله نور أمامه وورائه ويمينه وشماله وفوقه
وتحته السلم عليك يا محروزا في قدرة الله نور سمعه وبصره السلم عليك
يا وعد الله الذي ضمنه ويا ميثاق الله الذي أخذه ووكده السلم عليك
يا داعي الله وديان دينه السلم عليك يا خليفة الله وناصر حقه السلم عليك
يا حجة الله ودليل إرادته السلم عليك يا تالي كتاب الله وترجمانه السلم عليك
في آناء الليل والنهار السلم عليك يا بقية الله في أرضه السلم عليك
حين تقوم السلم عليك حين تقعد السلم عليك حين تقرء وتبين
السلم عليك حين تصلي وتقنت السلم عليك حين تركع وتسجد

السلم عليك حين تعوذ وتسبح السلم عليك حين تهلل وتكبر السلم عليك حين
تحمد وتستغفر السلم عليك حين تمجد وتمدح السلم عليك حين تمسي وتصبح
السلم عليك في الليل إذا يغشى والنهار إذا تجلى السلم عليك في الآخرة والأولى
السلم عليكم يا حجج الله ودعاتنا وهداتنا ورعاتنا وقادتنا وأئمتنا
وسادتنا وموالينا السلم عليكم أنتم نورنا وأنتم جاهنا وأوقات صلوتنا
وعصمتنا بكم لدعائنا وصلاتنا وصيامنا واستغفارنا وسائر أعمالنا
السلم عليك أيها الإمام المأمون السلم عليك أيها الإمام المأمول السلم عليك
بجوامع السلم أشهد يا مولاي أني أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له
وأن محمدا عبده ورسوله لا حبيب إلا هو وأهله وأن أمير المؤمنين حجته
وأن الحسن حجته وأن الحسين حجته وأن علي بن الحسين حجته وأن محمد بن علي
حجته وأن جعفر بن محمد حجته وأن موسى بن جعفر حجته وأن علي بن موسى
حجته وأن محمد بن علي حجته وأن علي بن محمد حجته وأن الحسن بن علي حجته
وأنت حجته وأن الأنبياء دعاة وهداة رشدكم أنتم الأول والآخر
وخاتمته وأن رجعتكم حق لا شك فيها ولا ينفع نفسا إيمانها لم تكن
آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيرا وأن الموت حق وأن منكرا

ونكيراً حق وان النشر حق والبعث حق وان الصراط حق وان المرصاد حق
وان الميزان والحساب حق وان الجنة والنار حق والجزاء بهما للوعد والوعيد
حق وانكم للشفاعة حق لا تردون ولا تسبقون بمشيئة الله وبامره
تعملون ولله الرحمة والكلمة العليا وبيده الحسنى وحجة الله النعمى
خلق الجن والانس لعبادته اراد من عباده عبادته فشقي وسعيد
قد شقي من خالفكم وسعد من اطاعكم وانت يا مولاي فاشهد بما
اشهدتك عليه تخزنه وتحفظه لي عندك اموت عليه وانشر عليه
واقف به وليا لك بريئا من عدوك ماقتا لمن ابغضكم وادا لمن
احبكم فالحق ما رضيتموه والباطل ما اسخطتموه والمعروف ما امرتم به
والمنكر ما نهيتم عنه والقضاء المثبت ما استاثرت به مشيتكم
والممحو ما لا استاثرت به سنتكم فلا اله الا الله وحده لا شريك له
ومحمد عبده ورسوله علي امير المؤمنين حجته الحسن حجته الحسين حجته
علي حجته محمد حجته جعفر حجته موسى حجته علي حجته محمد
حجته علي حجته الحسن حجته انت حجته وانتم حججه وبراهينه
انا يا مولاي مستبشر بالبيعة التي اخذ الله علي شرطها قتالا في سبيله

اشترى به انفس المؤمنين فنفسي مؤمنة بالله وحده لا شريك له وبرسوله
وبامير المؤمنين وبكم يا مولاي اولكم واخركم ونصرتي لكم معدة
ومودتي خالصة لكم وبراءتي من اعدائكم اهل الحردة والجدال
ثابتة لثاركم انا ولي وحيد والله اله الحق جعلني بذلك امين امين
من لي الا انت فيما دنت واعتصمت بك فيه تحرسني فيما تقربت
به اليك يا وقاية الله وستره وبركته اغثني ادنني اعني ادركني
صلني بك ولا تقطعني اللهم بهم اليك توسلي وتقربي اللهم صل على محمد
وال محمد وصلني بهم ولا تقطعني بحجتك اعصمني وسلامك على ال يس
مولاي انت الجاه عند الله ربك وربي انه حميد مجيد اللهم اني اسئلك
باسمك الذي خلقته من ذلك واستقر فيك فلا يخرج منك الى شيء
ابدا يا كينون يا مكون يا متعال يا مقدس يا مترحم يا مترئف مستقدس
يا متحنن اسئلك كما خلقته غضا ان تصلي على محمد نبي رحمتك
وكلمة نورك ووالد هداة رحمتك واملأ قلبي نور اليقين وصدري
نور الايمان وفكري نور الثبات وعزمي نور التوفيق وذكائي
نور العلم وقوتي نور العمل ولساني نور الصدق ودينى

نُورَ البَصائِرِ مِن عِندِكَ وَبَصَرِي نُورَ الضِّياءِ وَسَمعِي نُورَ وَعيِ الحِكمَةِ
وَمَوَدَّتِي نُورَ المُوالاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيهِمُ السَّلامُ وَنَفسِي نُورَ قُوَّةِ البَراءَةِ
مِن أعداءِ مُحَمَّدٍ وَأعداءِ آلِ مُحَمَّدٍ حَتّى ألقاكَ وَقَد وَفَيتُ بِعَهدِكَ وَ
مِيثاقِكَ فَلتَسَعنِي رَحمَتُكَ يا وَلِيُّ يا حَمِيدُ بِمَرأى آلِ مُحَمَّدٍ وَمَسمَعِكَ
يا حُجَّةَ اللهِ دُعائِي فَوَفِّنِي مُنجَزاتِ إجابَتِي أعتَصِمُ بِكَ مَعَكَ مَعَكَ
مَعَكَ سَمعِي وَرِضايَ يا كَرِيمُ

از جمله سلامی است

که سید بن طاوس در کشف المحجه به پسر خود محمد وصیت فرموده در پیش انداز حوائج اکثر سیاله الله جلاله
بر حضرت حجه در وقت نماز حاجت چنانچه ذکر کردیم در کتاب مهمات و تتمات و صدقه از او پیش از
از حضرت و غیر آنست و دعای بلای او پیش از دعای تجه حضرت و پیش انداز او را در هر چیزی
که دعای با او باشد و باعث آمال او باشد و باعث احسان او باشد پس عرض کن حاجات خود را بر او در روز
دوشنبه و پنجشنبه از هر هفته بر حضرت آنچه او بی خضوع را دلیل باشد و بگو در حال خطاب با او
بعد از سلام بر او آنچه ذکر کردیم در اواخر جلد کتاب مهمات و تتمات از زیارت که اول آن این است
سَلامُ اللهِ الكامِلُ الخ انتهى مؤلف گوید مجلسی ره در مجلد نوزدهم بحار الانوار

در بیست و سیم از مزار است

و سیم که مزار است از کتاب قبس المصباح صهرشتی که از جمله شاگردان شیخ طوسی رضوان الله علیه است
از برای این زیارت شرحی نقل کرده که ترجمه آن این است مؤلف گفت خبر داد مرا ابو عبد الله سلمان بن حسن صهرشتی رحمه الله
۴۴۰
که شنیدم از شیخ ابو عبد الله حسین بن حسن بن بابویه رضی الله عنه در سال چهارصد و چهل در شهر ری
روایت کرد از عم خود ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه رحمه الله که بعضی از شیوخ قمیین ذکر کرد که
امری عارض شد مرا که از آن تنگ گشت سینه‌ام و غمگین شدم از برای آن و اظهار آن نکردم برای احدی از اهل و برادران خود پس خوابیدم و از جهت
غمگینی بودم پس دیدم در خواب مردی را با روی نیکو و لباس مرغوب و بوی خوب و خوش
و چنان گمان کردم که او بعضی از مشایخ قمیین باشد که نزد آنها درس میخواندم پس با خود گفتم تا چه وقت
این درد و محنت را متحمل شوم و در دل خود پنهان دارم و اظهار نکنم از برای احدی از جمله مشایخ و علمای شیعه
پس در دل خود گفتم شاید نزد او فرجی باشد ناگاه دیدم که او ابتدا کرد بمن و گفت
در وقتی از سؤال من در جواب که رجوع کن در آنچه در آنی بسوی خدا و طلب یاری کن از صاحب الزمان علیه السلام
و او را مفزع خود قرار ده زیرا که او معین خوبی است و او است عصمت اولیای مؤمنین بعد از آن
دست راست مرا گرفت و گفت زیارت کن و سلام کن بر او و سؤال کن از او که شفاعت کند
از برای تو بسوی خدا در حاجت تو پس با او گفتم مرا تعلیم کن که چگونه بگویم زیرا که از من فراموش شده
هر زیارت و دعائی که میدانستم از خاطرم بسبب آنچه مرا رسیده پس آه از دل خود کشید
و گفت لا حول و لا قوة الا بالله پس دست خود بر سینه من کشید و گفت ...

و تطهیر کن و دو رکعت نماز کن بعد از آن بایست رو بقبله و رو بر آسمان کن و بگو سلام الله الکامل
التام الشامل العام وصلواته الدائمة وبركاته القائمة على حجة الله
ووليه في ارضه وبلاده وخليفته على خلقه وعباده سلالة
النبوة وبقية العترة والصفوة صاحب الزمان ومظهر الايمان
ومعلن احكام القران مطهر الارض وناشر العدل في الطول والعرض
والحجة القائم المهدي والامام المنتظر المرضي الطاهر ابن الائمة
الطاهرين الوصي ابن الاوصياء المرضيين الهادي المعصوم
ابن الهداة المعصومين السلام عليك يا امام المسلمين والمؤمنين
السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع حكمة الوصيين
السلام عليك يا عصمة الدين السلام عليك يا معز المؤمنين المستضعفين
السلام عليك يا مذل الكافرين المتكبرين الظالمين السلام عليك
يا مولاي يا صاحب الزمان يا ابن امير المؤمنين وابن فاطمة الزهراء
سيدة نساء العالمين السلام عليك يا ابن الائمة الحجج على الخلق
اجمعين السلام عليك يا مولاي سلام مخلص لك في الولاء اشهد
انك الامام المهدي قولا وفعلا وانك الذي تملأ الارض

قسطا وعدلا

قسطا وعدلا فعجل الله فرجك وسهل مخرجك وقرب زمانك
وكثر انصارك واعوانك وانجز لك موعدك وهو اصدق
القائلين ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم
ائمة ونجعلهم الوارثين يا مولاي حاجتي كذا وكذا بجای لفظ کذا
حاجت خود را ذکر کند فاشفع لي في نجاحها و بجای هر حاجت که داری را ذکر کن
پس از خواب بیدار شدم در حالتیکه یقین داشتم بروح و فرج چون ملاحظه وقت کردم
دیدم که از شب زمانی وسیع باقیست پس مبادرت کرده این زیارت را نوشتم در ظاهر زدم
بعد از آن تطهیر کرده بر بالای سکان رفته دو رکعت نماز بجا آوردم و در رکعت اول بعد از حمد سوره
انا فتحنا لك فتحا مبينا و در رکعت دوم بعد از حمد سوره اذا جاء نصر الله والفتح
چنانکه یقین که بجا آورد خواندم پس سلام گفته برخاستم و رو بقبله ایستادم و این زیارت را
خواندم و حاجت خود را ذکر کردم و استغاثه بمولای خود حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
کردم بعد از آن بسجده شکر رفتم و طول دادم در دعا آنقدر که ترسیدم وقت نماز شب فوت شود
بعد از آن برخاستم و نماز شب بجا آوردم تا آنکه فجر طالع شد و فریضه صبح را بجا آوردم و مشغول
تعقیب نماز صبح شدم و دعا کردم بخدا قسم که هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که از آن
شدت و حالتی که داشتم فرج در رسید و دیگر در بقیه عمر آن حالت عود نکرد و احدی از اهل

تا امروز بر آن حاشیه اطلاع حاصل نشده والمنة لله والحمد کثیراً مؤلف کوچک دستگاه امام عصر عجل الله تعالی فرجه
در نجف اشرف بعین عبارت شرح مذکور روایت نموده پس از آن در تحفه سید بن طاوس این زیارت
در مصباح الزائر با اختلاف جزئی و بودن تعیین سوره و شیخ کفعمی در بلد الامین بسورتها
نقل کرده و پیش از نماز در زیارت غسل نیز ذکر کرده لیکن در عالم تجربه مرحوم شیخ محمود
عراقی اعلی الله مقامه که از معمرین بوده در دارالسلام خود بعد از ذکر این زیارت مرقوم نموده
که این عمل هم مانند عمل سابق در تجربه چهل و چهارم مذکور شده از مجربات حقیر است و از این هم
آثار غریبه مشاهده کرده‌ام و اول دفعه این عمل در شهر قدیم حقیر که مقارن سال هزار و دویست
۱۲۷۵ و هفتاد و پنج بود ظاهر از نجف اشرف بهمین بلد که دارالخلافه طهران باشد از یکی از علماء عطاء الله
یافته و از مجربات حقه در مهمات کلیه بوده است و در صدد تعلیم نمود از تعلیم آن بغیر اهلش
بر تعلیم حقیر هم اخذ آن عمل ساعی شده در عوض چون مطلع شد بر آن و خواهش نمود حقیر ام
بر این مطلع شده در عوض خواستم و داد ولکن نمی‌دانستند بأین مأخذ نبود بلکه اجماله دانسته
برؤیای بعض صلحا نموده و دیگر نبوده و از بعض اخیار بما رسیده و مجرب گردیده حقیر چون وصل
بمأخذ آن الامید داشتم اعتمادم بر عمل اول در قضاء حاجات بیشتر بود تا اکنون در نجف اشرف
باین مأخذ مطلع شدم و ظاهر این مأخذ چنانکه گذشت تعیین سوره فتح و سوره نصر است
و در آن عالم هم تعیین این دو سوره که فاضل معاصر مذکور هم در کتاب بلکه در زیارت

که خصوص وقت نیمه

و خصوص وقت نیمه آخر شب هم تعیین باشد زیرا که در آن وقت راوی مأمور بعبادت شده
و اطلاق در کلام او نشسته غیر آن وقت نشده نیست و قدر محقق همان وقت است و در آن
عالم هم آخر شب را تعیین نموده بلکه معاصر مذکور از کتاب بلد الامین کفعمی نقل کرده و بعد از
تعیین دو سوره غسل را هم قبل از نماز در زیارت اضافه کرده اگرچه از کتاب مصباح الزائر
عدم تعیین سوره را هم نقل نموده و نشسته اضافه و ذکر غسل در کلام کفعمی شاید لفظ
تطهیر واقع در کلام راوی باشد یا آنکه نشسته دیگر داشته باشد غیر نشسته مذکور چنانکه
نشسته اطلاق سوره در کلام ابن طاوس شاید اطلاق فقره اول کلام راوی باشد
اگرچه در فقره دوم مقید کرده است و مقتضای تعقیب ثانی تقیید اول است پس
اظهر تعیین سوره باشد چنانکه تعیین وقت اگر اقوی نباشد احوط باشد لکن اظهر عدم اعتبار
غسل است اگرچه احوط باشد و در هر حال کلا و از غسل غسل زیارت باشد و عموم اخبار غسل
زیارت بعلاوه فتوای شیخ کفعمی در شرعیت آن کافی باشد پس ملاحظات تعیین سوره
و وقت و غسل را ترک نمایند والله العالم

از جمله سلامی است

که در زیارت روز جمعه گذشت که اول آن این است السلام علیک یا حجة الله فی ارضه الخ
برادوقات که تواند و در تسبیحات اوایل است فلان شد و حقیر عملکه السلام الله را گفته است
در مرقوم مانده و دانسته در ظرف تعلیق سر و تمام حاله ان شاء الله

در تعلیقه شماره نهم ۱۶ گذشته شد

تکلیف ۲۶

از جمله تکالیف انام در حضرت امام علیه الصلوة والسلام توجه بعنوان بوری که مقرر است در عصر روزهای دوشنبه و پنجشنبه بآنحضرت [illegible]
و در عصر این دو روز عرض اعمال خلایق بآنحضرت میشود و مجلسی رحمه الله در جلد سابع کتاب بحار الانوار در عرض اعمال
بحجج طاهرین علیهم الصلوة والسلام بابی منعقد نموده مرحوم و در آنجا احادیث متظافره متکثره بعبارات مختلفه رسیده
در بعض احادیث رسیده که عرض اعمال خلایق در هر روز دوشنبه و پنجشنبه بحجج طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین میشود
و در بعض احادیث رسیده که عرض اعمال در هر پنجشنبه برسول و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم میشود و در بعض احادیث است
عرض اعمال ابرار و فجار در هر صبح بر رسول و ائمه سلام الله علیهم عرض میشود و در بعض احادیث رسیده که در هر روز جمعه
عرض اعمال به پیغمبر صلی الله علیه و آله میشود و در بعض احادیث در هر پنجشنبه عرض اعمال بآنحضرت میشود و فی
بصائر الدرجات باسناده عن ابی عبدالله قال ان الاعمال تعرض علی فی کل خمیس فاذا کان الهلال
اجلت فاذا کان النصف من شعبان عرضت علی رسول الله و علی علی علیه السلام
ثم ینسخ فی الذکر الحکیم انتهی و در آداب حسنه کتاب اقبال نقل کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود [illegible] یا علی اعمال شیعتک تعرض علی فی کل جمعة فافرح بصالح
اعمالهم و استغفر لسیئاتهم انتهی و نیز از بشارة المصطفی نقل میکند که آنحضرت فرمود یا علی
ان اعمال شیعتک ستعرض علی فی کل جمعة فافرح بصالح ما یبلغنی من اعمالهم

و استغفر لسیئاتهم

و استغفر لسیئاتهم انتهی و میتوان از برای اختلاف این احادیث توجیهاتی ذکر نمود و لکن
محتاج بتحقیقات و تحریرات زیاد است و در این مجال مقام تحقیق و تدقیق آن نیست و حقیر در کتاب
ناسخ التفاسیر در ذیل تفسیر آیه شریفه و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون
بیانی در [illegible] بعض احادیث را ذکر نموده هر که خواهد رجوع نماید بالجمله معتقد عرض اعمال است بحجج
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که [illegible] در عصر روزهای دوشنبه و پنجشنبه چنانکه
تصریح شده این دو روز مقتضای اخبار مستفیضه روز عرض اعمال است و در کتاب [illegible]
در ضمن روایت شیخ طوسی در غیبت آورده که حضرت حجة علیه السلام آنگاه بر هر یک از ائمه علیهم السلام
آنگاه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله آنگاه عرض میشود بر خدای تعالی چنانکه در روایت [illegible] ائمه رسیده
ترتیب بعکس است و [illegible] میشود که بحضرت حجه ارواحنا فداه ... میشود در میان خلق [illegible]
و عصر این دو روز هم بحسب تقسیم ساعات روز مخصوص است بآنحضرت ارواحنا فداه و در [illegible]
اختصاص داده که عرض اعمال [illegible] در عصر دوشنبه و پنجشنبه بامام عصر ارواحنا فداه و صریح کلمات ایشان
در غیبت ایشان است و در این دو وقت اعمال عباد عرض میشود بر امام عصر علیه السلام چنانکه در عصر [illegible]
بآنجناب عرض میشد و در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بآنجناب و اخبار در این باب بسیار است [illegible]
تصریح بعضی شده و لکن در بعضی دیگر اشاره شده و مرا کافی است با اعتبار شیخ طبرسی در مجمع البیان
در ذیل آیه شریفه قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون که گفته اصحاب ما روایت کرده اند اعمال [illegible]

عرض میشود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در هر دوشنبه و پنجشنبه پس پاشکسته آنها را در مجلس عرض میشود بر ائمه
هدی علیهم السلام پس پاشکسته آنها را داشته‌اند مقصود از قول خداوند والمؤمنون
دارد غرایب اکثر شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر خود گفته و در اخبار آمده که اعمال امت در هر شب دوشنبه
و پنجشنبه بر رسول خدا و ائمه علیهم السلام عرض کرده میشود و مؤمنان امامان معصوم‌اند دوشنبه پس اولا
چند خبر از سید بن طاوس ... در محاسبة النفس گفته و من دیدم در روایت کردم در روایات
شگفته از ثقات که روز دوشنبه و روز پنجشنبه عرض میشود در آن دو اعمال بر خداوند عز و جل در دنیا
از ائمه صلوات الله علیهم و در روز دوشنبه و پنجشنبه عرض میشود اعمال بر خداوند جل جلاله و بر رسول الله و بر ائمه
صلوات الله علیهم پس از اینجا چند حدیث دیگر در جمعه و سنیه در جمعه و در روایات که ایشان در هر پنجشنبه
و دوشنبه محافظت کند بهر طریقی در طلب توبه و استغفار و اینکه در این دو روز خود را مهمل نگذارد از استغفار
در طاعت و اینکه کوشش کند در سعی از اضاعت بقدر امکان زیرا که عقل و نقل بر او حکم میکند
در وقت عرض عمل بر سلطان متعهد و متحفظ باشد بکلف غیر او از اراده ... فصل هشتم
جمال الاسبوع ... از جهات روز دوشنبه اینکه او روز عرض اعمال است بر خداوند و بر رسول
و خاصان او صلوات الله علیهم آنگاه جمله از اخبار ... در جمعه و روز دوشنبه
از طریق ... وقت عرض اعمال در این دو روز و وقت اقتضاء این دو روز ...
از برای بنده که عارف است بحرمت کسیکه عرض میشود اعمال بر او اینکه تفقد کند

اعمال خود را و اصلاح کند آنقدر که ... آنچه طاقت او میرسد پس از آن ... که آن اعمال
عرض میشود بر خداوند جل جلاله که دانا است بسرائر آنگاه بر خواص او اهل مقام ...
و حاضر کند این صحیفه‌ها در پیش روی خداوند و پیش روی ایشان فضایح گناهان صغیره
و کبیره را پس چگونه سهل است این مطلب در نظر بنده که تصدیق کرده بخداوند ملک عظیم عزیز
... هر دو روز ... پس ... آخر این دو روز ... اخبار مستفیضه ...
عرض اعمال است و ... تقسیم ... روز ... با ... در وقت ...
در ... روز ... در ... شب ... نماز ...
اعمال ... آنچه ... شده ... توجه و تضرع و ...
اهل غفلت ... و استغفار ... با امام عصر علیه السلام ...
و در صحیفه‌ها اعمال و تبدیل سیئات آن بحسنات و تمام ...
حسنات آن ... حسنات ...
خواسته که چنین کند و ... در شب ... شب پنجشنبه سعی کند در ...
خاص ... برکات آن ...
اعمال چنانچه در اخبار ... مستحب ... هزار مرتبه انا انزلناه در ...
و خواندن سوره هل اتی در نماز صبح هر دو روز که هر دو روز ... مخصوص است بامام عصر علیه السلام

جاروب کردن مسجد را برو و خفتن و استغفار نمودن در آخر روز پنجشنبه و غیر اینها از اعمال است در [illegible]

مؤلف گوید [illegible] برای تو که فهمیدی حضرت امام عصر ارواحنا فداه مطلع شد [illegible] تعیین خاطر مبارکش را

که امام علیه الصلوة والسلام قبل از عرض اعمال در محضر مبارک آن حضرت ارواحنا فداه از تمام حرکات و سکنات و احوال

و افعال و افکار تو مطلع است بدانی **بخدا قسم** اگر چه یقین [illegible] که [illegible] کلاً محیط

دارا باشی نمود تأثیرات در وجود تو ظهورات آن در ظاهر و باطن تو بروز و ظهور خواهد کرد و [illegible]

که [illegible] بی‌حیا و بی‌شرم باشی که در حضور [illegible] با اینکه خدا و رسول و ائمه علیهم الصلوة والسلام از [illegible]

افعال و شناعت اعمال و رذالت افکار و احوال تو مطلع باشند و تو باز اعمال را [illegible]

و شنیعه و منکر کنی مگر اینکه نعوذ بالله تعالی معتقد بخدا و رسول و ائمه علیهم الصلوة والسلام [illegible] متصف

بصفات مقرره معتقد نباشی و خدا و رسول را اسما معتقد باشی و از شیعه اثنی عشریه

قائل نیستی **أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلٰهَهُ هَوَاهُ** که هوای نفس را خدای خود قرار داده

و پیغمبر و ائمه را مانند سایر بشر فرض کرده و این احادیث و اخبار و نصوص معتبره و کلمات صحیح

الهیه را سرسری و حکایات و قصص بی‌اساس [illegible] صدق و کذب [illegible] اگر این قسم

عقیده در باطن تو باشد پس چه دلیل داری که ترک شیطان‌پرستی و هواپرستی [illegible] و از خدا و رسول

و ائمه ارواحنا فداهم حیا و شرم نمیکنی و تغییر وضع نمیدهی و در [illegible] خاطر مقدس امام خود [illegible]

نمیکنی از ابتدای عمر تا کنون در قریب مرگ رسیدی که هر روز هنگام عرض اعمال تو عملهای [illegible]

مرضی خدا و رسول و ائمه

مرضی خدا و رسول و ائمه علیهم السلام باشد در صحیفه اعمال تو ثبت نشده و آن به آن لحظه به لحظه بلکه دیگر

روی بارهای گران معاصی خود میگذاری و فریب شیطان را نخواهی خورد [illegible] خدا کریم است ولی [illegible]

خدا عادل هم هست **حکیم و لطیف و خبیر** هم هست گول و فریب شیطان مخور و جنود خبیث

کذاب قسی القلب شیطان‌پرست هواپرست گمراه فاسد العقیده بی‌اخلاص را [illegible]

و این تسویلات و تدلیسات قولی و عملی شیطان [illegible] بهشت [illegible] راه گم کنند [illegible]

باری فکری کن بلای خود را قبل از آنکه کار از کار بگذرد مقام فکر هم برای تو نماند و مهلت فکر هم [illegible]

اکنون حقیر را فکری بخاطر قاصر رسید اگر گوش دهی و عمل کنی خالصاً لوجه الله الکریم

و [illegible] آنست که ما بندگان ضعیف و ذلیل [illegible] که تمام افعال و اعمال ما مرضی خدا

و رسول و ائمه علیهم السلام نیست بلکه در هر نفسی معصیت برای ما موجود است هر نفسی که فرو رود

محرب ذات و چون بر می‌آید همه ظلمات است چنانچه روز دوشنبه و پنجشنبه خصوصاً در [illegible]

امام [illegible] امام [illegible] و اوقات [illegible] معاصی و مناهی و ملاهی که [illegible] عفو [illegible]

و یقین داری که در صحیفه اعمالت تمام آنها ثبت و ضبط شده در آن روز که دوشنبه است تا قبل غروب

صحیفه اعمال تو را میبرند حضور مبارک امام عصر ارواحنا فداه و اسباب [illegible]

یا خدای نکرده سخط و غضب آن حضرت خواهد شد و چاره هم نداری [illegible]

که صحیفه تو را ببرند یا از آنها بگیری در آنها هم مأمور نیستند که اطاعت تو را نمایند

یا صحیفه ترا پنهان کنند یا تو پس پرده از آنها و نیکوای خود مأمورند که بیلاد و نهار دست و قدرت باشند
که طرفة العینی از تو تغافل و تجاهل نورزیده تمام اعمال حسنه و سیئه تو را ثبت کنند و صورت آن را
با آن این خود عرضه بدارند پس خوب است با زراه چاره که خود والیان ما سلام الله علیهم اجمعین فرموده‌اند
از آن رو را در صدد چاره جوئی بر آئیم و دستی ننمائیم لا محاله با اعمال قبیحه و افعال شنیعه ما
که این ما را مطلع نشده که رسوای دنیا و آخرت شویم چاره و تدبیر و فکر و علاجی که حقیر برای تو ۷
از این به عبد پیدا کرده‌ام این است که بعد از نماز عصر روز پنجشنبه بخوانیم این استغفار را
و شیخ طوسی علیه الرحمه والرضوان و سید بن طاوس قدس سره از جمعی از اعیان و اساطین علماء
و محدثین از متقدمین و متأخرین به سندهای معتبره از حضرت صادق علیه الصلاة والسلام روایت کرده‌اند
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرموده هر که هر روز بعد از نماز عصر یک مرتبه این استغفار را بخواند
خدای تعالی دو ملک را امر فرماید در صحیفه گناهان را محو نمایند هر چند بسیار باشد استغفار این است

اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ ذُو الْجَلَالِ
وَالْاِکْرَامِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ یَتُوبَ عَلَیَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِیلٍ خَاضِعٍ فَقِیرٍ بَائِسٍ مِسْکِینٍ
مُسْتَکِینٍ مُسْتَجِیرٍ لَا یَمْلِکُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَیٰوةً
وَلَا نُشُورًا پس بهتر این است که هر روز بعد از نماز عصر از صمیم قلب و کمال خلوص نیت
این استغفار را بخوانیم که آن دو ملک صحیفه ما را پاره کنند دیگر صورت قبایح افعال

و شناعت اعمال ما را

در آن دعا ... بحث نظر ... صحیح ۷

و شناعت اعمال ما را به حضور والیان ما نبرند که روسیاه و نامه تباه و از این شویم و بعد از خواندن
این استغفار مع شرایطه از روی اخلاص و صمیم قلب ملتفت حرکات و سکنات و افعال
و اعمال خود تا غروب شب جمعه باشیم و با خلاف و معصیتی از ما سر نزند زیرا که چنان معلوم است
آن ملکین تا آن حینی که تو این استغفار را میخوانی به شرایط استغفار صحیفه گناهان تو را
پاره میکنند ولکن باز هم از تو غفلت نزاید در هنگام غروب شب جمعه مشغول ثبت و ضبط خلافهای تو
و چنین نیست که از تو درس را بلعید ... فقط آن گناهانی که از طلوع فجر تا حین خواندن این
استغفار نموده پاره شوند و بریخت و خدای تعالی عفو و صفح فرموده و در یک بچه بزرگ است ...
و همانطور که خدای تعالی عفو نموده و دیگر باره قبل از نوشتن این اعمال عالم با آن تحفه و عطاء
فرموده حضرت رسول و ائمه علیهم الصلاة والسلام هم با وجود علم آنها با اعمال تو صرف نظر فرموده
دیگر از ثبت و ضبط خارج است و ترا تحفه نمیدهند ولکن این ملک عدوی است که با مورات تا غروب آفتاب
موکل تو باشد تا تنها روز را در حرکات شد و فعلها و گناهان تو را مانند ملک دیگر که حسنات تو را
مینویسد تا غروب خود نوشته و وقت غروب حفظ است میرود حضرت امام ارواح العالمین له الفداء
ذلک ... تا که نزد یک ... امر حضرت امام ... پس خوب است هم بعد از خواندن این استغفار با شرایط تو را
چند ساعت تا هنگام غروب معصیتی صغیره و کبیره از تو سر نزند لا محاله حضور امام ارواحنا فداه
منفعل و شرمنده نباشی شاید هنگام عرض اعمال در حق تو دعای خیری فرمایند شاید

اعمال حسنهٔ تو زیاد شده و سبب ترتیب حظ مقدس برای آن گردد و شاید اگر گناه صغیره از تو
در این قلیل زمان صادر شده در صدد اصلاح آن بر آید و سیئات صغیرهٔ تو را تبدیل
بحسنات فرماید و آنچه سیئات یا بفضل حسنات خود تکمیل فرمایند و بقدر منزلت و شکوه
حسنات تو از برکت حسنات آنحضرت از دو حسنات افزوده شود اگر خالص باشد و لله
مردود و مطرود خلاص شده این بود که ... در زمین حال اگر کسی بهتر از این داری بگو
و اضطراب ... سری گمان کن و حجت بر تو تمام و تمام ترتیب ... علیه السلام تمام
خواهد فرمود و گوید الآن قد ندمت و ما ینفع الندم و میخواند در آن وقت ... ات
آنحضرت ... و ان رجعتکم حق لا ریب فیها یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن
امنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا

تکلیف ۲۷

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلوة و السلام دعا کردن است که خدا تعجیل فرماید در ظهور آنحضرت و از جملهٔ مرابطان و دشمنان و مقربین رکاب آنحضرت از دو خواص در جهت ظهور قرار دهد چنانکه در عهدنامه که ذکر شد ... که از حضرت صادق علیه الصلوة و السلام فرموده وارد شده و از فقرات آن این بود اللهم فان حال بینی
و بینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتما مقضیا فاخرجنی من قبری

مؤتزرا کفنی شاهرا سیفی

مؤتزرا کفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی فی الحاضر
والبادی باید در این دعوات صادق باشی نه کاذب و مجرد زبان بازی و عبارت پردازی
نباشد و علامت ... تو بعض در این دعوی و سایر دعواها و دعوات تو صادق باشد خدمت
سید بن طاوس قدس سره در کشف المحجة به پسر خود محمد وصیت میفرماید و از جمله آنها که گفتم بعض
که ادعای غلو در محبت آنحضرت مینمایند که اگر ... سوی تو دهند و گویند سلطان ... بعد از این
بعد از این ... هر روزی هزار اشرفی بعد سلطان ... بتو ... با تکرار هر روزی تمام ...
دگویند بر تو حلال در زمان غیبت مهدی علیه السلام بعد بر ... سوی تو و مهدی علیه السلام و گوید
من مرخص شدم از ظاهر شدن و آن عطا منوط باذن من و ... تو مگر با غایب بودن
گردم یک ... پیش تر تا ظاهر شود و قطع نماید آن عطا را و جواب ... ز بر ... اگر
از ... تو و همین ... به آن کار را اگر ... سیداری و از ... تو چه ... است
بین او و بین مهدی علیه السلام ... بیست و پنج ... کدام ... سیداری طول عمر ...
علیه السلام و ... بودن روزی هزار اشرفی در حق تو یا تعجیل ظهور آنحضرت و ... عطا و حساب ...
کردن تو ... آنچه ... بدشمنان آنحضرت ... من اختیار خود ...
و گفتم بعض ... آنکه بعض رجال مهدی علیه السلام کسانی هستند ... آنکه
خدا خواسته جل جلاله چه آنکه این شخص نفع رسان باشد آنحضرت یا نباشد در عالم دنیا

و اخلاص را برده کرد و یاد کردن که از در خفا و تسلیم نفسه لذا نیست حقیر گویا چنانچه دلداری
این قسم از اعتقاد و اخلاص متیقن باشی باز هم نباید مأیوس شوی و ترک این آداب و اعمال را
نمائی بلکه بمولای از خدا تعالی مسئلت نمائی که ترا در زمره آن اشخاص که صاحب رضا و تسلیمند
در امر حضرت حجت ارواحنا فداه قرار دهد بزبان فقط هم در صورت فقدان آن درجات از اعراض
اگر تو بمانی در مقام دعا و ثنا و اظهار بندگی و چاکری برآئی (در دل حالت بصیرت حصول یابی که)
شاید نورانیت این کلمات از سعادت و دعوات نورانیت و بیانات تأثیری از مطلق
تو نماید و در دل تو تأثیری بخشد و ملکه معرفت و یقین و اخلاص مطلق در تو حاصل شود

اُطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ لِغَيْرِ اللّٰهِ فَإِنَّهُ يَجُرُّ إِلَى اللّٰهِ

تکلیف ۲۸

از جمله تکالیف لازم در غیبت امام علیه الصلوة والسلام آن است که حفظ عادات آنحضرت را از طاعات و عبادات
در هنگام بحالت در بعض اوقات مخصوص که دارد و مخصوص است که آنحضرت در آن اوقات مشغول است بجهة طاعت و عبادت
دارد بعض شرعی و نوافل از مستحبات و اعانت ملهوفین و اغاثه مظلومین و تنظیم امورات دینیه و دنیویه
عامه خلق ظاهراً و باطناً که بجهت خود را مشغول کند که خاطر مقدس آنحضرت فارغ گردد
و غیرها شامل شب آخر شب که آنحضرت مشغول تهجد و عبادت و زاری و گریه و دعا و به درگاه الهی است

اگرچه از بعضی اخبار

اگرچه از بعضی اخبار و خصایص آنحضرت ارواحنا فداه استفاده می‌شود که آنحضرت را خوابی نیست و تمام
شب مشغول عبادت و طاعت است مانند آباء کرامش علیهم السلام چنانکه سابقاً گذشت که از جمله خصوصیات
آنحضرت که ندم کردن مایل بر بزرگی از کثرت بیداری شب در جهت طاعات و عبادات است که امام علیه السلام
ارواحنا فداه نظر بآنکه شاید در این موقع آنحضرت ارواحنا فداه مشغول نماز شب و تضرع و زاری است
رجاء در قنوت وتر ترا دعا نماید و نظر رحمتی در حق تو بفرماید و در زمره اسماء آن کسانی
ترا هم ذکر کنند که لعل در فقره اللهم اغفر للمسلمین والمسلمات محسوب شوی یا هنگام
طلوع فجر که وقت احتمال در درود ممکن است و هنگام بسط و نشر فیوضات طاهره
ظاهره است یا بعد از نماز صبح و اول زوال و بعد از نماز ظهر و بعد از نماز عصر
و هنگام غروب آفتاب که مخصوص آنحضرت است و وقت نزول و صعود ملکه است و هنگام
خوابیدن تو که روح تو طیران نموده بعالم بالا و سیر نماید در عالم آفاق و انفس شب یا روزی که اتفاق
روح تو را بطلبد و نسبت بتو اظهار مرحمت و کرم نماید یا روز عرفه که قطع علایق آنحضرت
از ظاهر در عرفات مشغول دعا و مناجات است که دعا کردن در حق برادر دینی در آن روز مبارک
از خصائص و مقدم بر تمام حوائج شمرده‌اند یا در شب قدر که هر سر شب باشد
که ملائکه و روح فوج فوج زمره زمره دسته دسته حضور مبارک آنحضرت مشرف می‌شوند
برای تقدیر امور حکیم یا در روز و شب عاشورا که از ناله جگرسوز که ... هزار

و در تحت شمول زیارت و مصافحه با بیش از صد و بیست و چهار هزار پیغمبر هم چنین در شب
نیمهٔ شعبان و نیز همین اختصاص را دارد و شب مولود مسعود آنحضرت است بعلاوه تشریفات
دیگر در اختصاص بآنحضرت دارد   و روز نوروز که اختصاص بظهور آنحضرت و انتقام از اعدا دارد
و شب جمعه که روح مقدس او بآسمان صعود مینماید تا در زیر عرش و در آن شب
تشریفات و علوم جدیده میابد   و روز جمعه که اختصاص بآنحضرت دارد و
باسم آنحضرت است و متعلق باو است ارواحنا فداه   و سایر ازمنه و اوقات دیگر که واضح است
باید در تمام این مراتب و ازمنه و اوقات با کمال خضوع و خشوع از آنحضرت ارواحنا فداه
مسئلت و خواهش نماید که در نزد خدای تعالی شفیع او شود و شفاعت نماید در قضاء حوائج
دنیا و آخرت او و تقرب بسوی خدای تعالی جوید و بهتر بیابد و دعای آنحضرت در حق او
و اصلاح امور دین و دنیا و آخرت و داخل شدن در زمره اصحاب و دوستان آنحضرت در رجعت
و سلطنت و دولت حقه آنحضرت و اجداد طاهرینش صلوات الله علیهم اجمعین شاید سلام و صلوات
و مناجات و صلوات و تحیات تو از آنحضرت محبوب شود و آنحضرت درحق تو ترحم
و تفضل و تفقد و تصدق نماید و شفاعت نماید نزد خدای تعالی از برای تو و دعای آنحضرت
مستجاب و باعث فوز دنیا و برزخ و فلاح رجعت و آخرت تو خواهد شد

تنبیه

ازمنه و اوقاتی که متعلق بامام عصر ارواحنا فداه

ازمنه و اوقاتی که متعلق بامام عصر عجل الله فرجه و تسهیل مخرجه است بسیار است علماء اعلام ادام الله ظلالهم العالی از جمله
منحصر در هشت فقره نموده اند اول شب قدر که هر سال مکرر میشود که نزول ملائکه و روح بر امام زمان است
دویم روز و شب جمعه سیم روز عاشورا چهارم از وقت زرد شدن
آفتاب هر روز تا غروب آن پنجم عصر دوشنبه ششم عصر پنجشنبه
هفتم شب و روز نیمه شعبان هشتم روز نوروز و لذا از برای اختصاص
هر یک از این ازمنه و اوقات شواهد و دلایلی چند ذکر فرموده اند و در کتاب نجم ثاقب ثبت است
و این حقیر اقتداء و تیمنا بمحمد بعض از آنها را در اینجا ذکر مینمایم در ضمن تکلیفات عدیده بحکم
برادران ایمانی و اخلاء روحانی مرقوم گردید که اسباب تذکر و تنبه آنها شود و بر آن تکلیفات جهد
معمول و مرعی دارند تا از مقصرین محسوب نباشند پس از جمله تکلیفات انام در غیبت امام علیه افضل الصلوات
حفظ حرمت و کرامت این ازمنه و اوقات است و تذکر امام خود ارواحنا فداه گردیده و اسباب تقرب
بآنحضرت را فراهم آورند و در این ازمنه و اوقات بغفلت و عطلت بسر نبرند

تکلیف ۲۹

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلاة والسلام آن است که در شب قدر و روز قدر محزون
و متألم و ملول و مغموم باشند زیرا امام عصر ارواحنا فداه است بسبب نزول روح و الملائکه
بر آنحضرت در چنین شبی تقدیر امور سال بجا آورد چنانچه در اخبار بسیار وارد است

از جمله در تفسیر علی بن ابراهیم است بسند معتبر از حضرت صادق و کاظم علیهم السلام
روایت کرده در تفسیر آیه مبارکه فیها یفرق کل امر حکیم فرمودند که مقدر میکند در آن شب هر امری
از حق و باطل و آنچه میشود در آن سال و از برای خداست در آن بداء و مشیت پیش میدارد
آنچه میخواهد و تاخیر می‌اندازد آنچه میخواهد از آجال و ارزاق و بلاها و اعراض و امراض و زیاد میکند
در آنها آنچه میخواهد و کم میکند آنچه را که میخواهد و میرسد آنها به رسول خدا صلی الله علیه و آله و از رسول خدا
به امیرالمؤمنین علیه السلام و میرسد از امیرالمؤمنین به ائمه علیهم السلام تا آنکه میرسد به صاحب الزمان
علیه السلام و شرط میکند در آن بداء و مشیت و تقدیم و تاخیر را و شیخ روایت کرده که حضرت
تقدیر میکند در شب قدر آجال و ارزاق را و هر امری که حادث میشود از موت و حیات یا ارزانی
و گرانی یا خیر یا شر تا آنکه گفته که نازل میشود ملائکه و روح القدس بر امام زمان و میرسانند به او آنچه را
که نوشته اند از این امور و شیخ صفار در بصائر الدرجات روایت کرده از داود بن فرقد که گفت
سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام از قول خداوند عزوجل انا انزلناه فی لیلة
القدر و ما ادریک ما لیلة القدر فرمود نازل میشود در آن آنچه میشود از امور آن سال
یا مولود گفتم بسوی که نازل میشود فرمود بسوی که شاید باشد بدرستیکه مردم این شب در نماز
و دعا مشغولند و صاحب این امر در شغلی است نازل میشود ملائکه بسوی او بجهت امور سال از غروب
آفتاب تا طلوع و علامه مجلسی رحمه الله در زاد المعاد فرموده که از بعضی احادیث

ظاهر میشود که در سه شب قدر

ظاهر میشود که در سه شب قدر یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در شب اول تقدیر امور میشود
و در شب دویم محکم میشود و بعد از آن محکم است بعضی تغییر یابد و در شب سیم حتم میشود
و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر می یابد و تشبیه کرده اند بارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود
و تغییرش آسان است و بعد از آن ثبت دفاتر میشود و تغییرش دشوارتر است تا آنکه بمهر مهر کار
مزین گردیده است بار محکم است تغییر یابد و چون بمهر اشرف رسید به منزله حتم است
و تغییرش در نهایت صعوبت است و شیخ در مقام ذکر مرغبات علامات در شب قدر گفته
چون حضرت صاحب الامر علیه السلام در تمام این شب با ملائکه مقربین محشورست و فوج فوج
بخدمت او میآیند و بر او سلام میکنند و تقدیرات را برای او و بر خلق است بر او عرض میکنند
سزاوار است در خصوص این شب ... مانند کسانی که بغفلت بسر آمد و شیخ از فوائد عبادت
این شب شمرده که چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال
خیر و سایر امور در این شب میشود و صبح تمام احوال سال خود را در این شب که خداوند بخود
و محکم است که نام او در دیوان اشقیا نوشته باشد در این شب تغییر یابد و از زمره سعدا و نیکان
نوشته شود چنانچه این مضمون در اکثر دعاهای مخصوصه و احادیث معتبره وارد شده است و بنا
بر آنچه ذکر شد در دعای آن جناب بسیار باید مقدم داشت بر دعای نفس خود و در این شب
مشغول است به آن امر عظیم الهی پس بهترین دعاها طلب نصرت و اعانت و حفظ آنحضرت است

۱۸۰

برای او بحجت چنانچه گذشت و در شب بیستم در جمیع صلوات چه ادا کرد چه در سجود چه در نشست
یا السلام در تمام صلوات حلقه ساقات باید حفظ آن دعا را که معروف است پس از حمد
و صلوات این بود که اللهم کن لولیک القائم الحجة بن الحسن المهدی علیهما السلام
و پس از آن توسل و استغاثه به آنحضرت بطلب اعانت و شفاعت و ایام دیگر هر که خواهد باید در شب جمعه که او
جاری شود در نظر او بزرگ بجهت و تضرع و ناله که از نظر لطف و رأفت خود از لطف او سلام
خود را بر سبکی در انوار آنجناب ذکر نماید که آنجه سزاوار است که ادب است و در این شب که در آن روز
مبارک است تا آنکه ادب است باز شار نمایم

تکلیف ۳۰

از جمله تکالیف مردم در نسبت امام علیه الصلوة والسلام آن است که در روز جمعه و شب آن که روز امام است
اختصاص و تعلق بآنحضرت دارد چنانکه از جهت ولادت و ولایت و حالات آنحضرت در طلوع فجر
روز جمعه و ظهور موفور النور در آنحضرت در این روز بلکه چنانچه روز جمعه هم دوران آن سلطان
اعلی است حقیقة جمعه آن وجود مبارک است و لهذا جمعه یکی از اسامی مقدسه آنحضرت است
و کنایه چنانچه در بعض اخبار و احادیث است چنانکه در خصوص تاریخ ولادت جمعه ذکر شده
پس سزاوار است در این روز و شب مبارک کمال توجه به آن امام همام عصر و جهان جهان
اتفاد در شب جمعه از جمله اعمال مبارکه که صبح جمعه زیرا که در شبهای جمعه

۱۸۱

چنانکه در حدیث است از برای امام علیه الصلوة والسلام شأنی مخصوص است هر شب جمعه از عروج
او به آسمان مشهود و غیره باتفاق ارواح تمام انبیاء و اوصیاء در دور عرش آلهی جل جلاله
هفت مرتبه طواف مینماید و نزد هر قائمه از قوائم عرش دو رکعت نماز میگذارند پس
بر میگردد ارواح تمام انبیاء و اوصیاء به ابدان خودشان به فرح و سرور زیاد و برمیگردد ارواح
امامان در حال آنکه علوم و اسرار زیادی به دست شما پس حفظ کن چنانچه روایت
هر که مشغول طاعت و عبادت زیاده و سلام و صلوات و تحیات بامام خود و دعا در طلب فرج او
صلی الله علیهم اجمعین باشی شاید صلوات و سلام بر آنحضرت بفرستی در حالتی باشد که آنحضرت
در خوشی آنکه مشغول عبادات است و در آنکه جواب سلام ترا بگوید یا بر صلوات تو بفرستد و دعا
در حق تو بخواند **والله** در چنان وجود مقدسی در چنان انجمن و مجمع مقدسی در چنان
و مکان مقدسی اگر سلام و صلوات تو بفرستد و دعا در حق تو نماید یقینا مستجاب و منظور
نظر و مشمول الطاف و اعطاف و اکرام و مکارم خفیه و جلیه حضرت رب الارباب
خواهی شد ۷ **اتفاد در روز آن** از طلوع فجر الی الغروب مشغول آداب
مخصوصه این روز مبارک قیام و اقدام نمائی و در خصوص اعمال و آداب شب و روز جمعه علمای اعلام
در دلالت احادیث ائمه کرام علیهم السلام چنین کتب عدیده نوشته تألیف و تصنیف فرموده اند
که بحمدالله در اقطار و اکناف عالم پر است و احدی را از تحصیل آنها حاجت زحمت

[illegible]

۱۸۲

و ضربت بلادی بنیت شده صلوة کبار الانوار و ربیع الابرار و مصابیح علماء و غیرها و این حقیر بعض از آن
آداب و اعمال در وظایف این روز مبارک سیما در خصوص تمامی دا نوادی بوجود مبارک آنحضرت ارواحنا فداه
و الطاف تقریبی ادعیه به ترتیب خاص ذکر مینماید الاانکه مگر بعض از ایراد آن ایما داخلده رد دعاها که
تنذکره و عتبه در جمعه مبارک مفعول تمام شود از وادعیه و غیرها است مسعود معمول و سلوک داشته و حجت برآنها
تمام و حجت برآنها سلام رسانند پس تکلیف تو آن است که چون شمس تابان صبح جمعه از افق
ظلمت شب طالع شد پس از ادای نافله فجر و نماز صبح در رعایت اعمال و آداب و تکالیف
حقوقی که سابقا ذکر شده مراقب و مستراع که سعادات دنیا و آخرت تو قرار داده لاز
رفتار نمائی و آداب و رسومات و سنن و واجبات و مستحبات و دعوات و اذکار را در زیارات
و قرائات و اوراد و صلوات و تحیات و غیرها که از اهل بیت معصومین سلام الله علیهم اجمعین رسیده که
را با وقت از نماز صبح و بعد از نماز صبح و قبل از نماز ظهر و بعد از آن و قبل از عصر و بعد از آن و استقام
غروب آفتاب بجا آوری و عمل نمائی موافق شرایط و آدابی که مقرر فرموده اند عمل کنی و در تمام این اوقات
بلکه اکثر اوراد و عملات و اذکار و تحیات خود را قرار دهی صلوات بفرستی بمحمد و آل محمد صلی الله علیه و علیهم و سلم
عموما و بحضرت صاحب العصر و الزمان ارواحنا فداه خصوصا و این حقیر مجمع از آداب جمعه سلام درطی
تکالیف آتیه ذکر خواهم نمود انشاء الله پس خوب است بعد از نماز فجر ابتدا باین شهادات نمائی
و شهادت بر مضامین عالیه و عبارات و اشارات فائقه رائقه است شاید بکثرت دعای شهادت این

قسم مضامین و مطالب جامعه شهادت

۱۸۳

را این قسم مضامین و مطالب جامعه باشد و اینکه علامه مجلسی قدس سره در صلوة کتاب نقل کرده از ادعیه سید قدم
ذکر به جهت ...از مولفات علمای عظام و چون نماز فجر را ادا نمودی در روز جمعه ابتدا کن
باین شهادات الحقه بصلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین و ابتدای آن این است اللهم
انت ربی و رب کل شیء و خالق کل شیء امنت بک و بملائکتک و کتبک
و رسلک و بالساعة و البعث و النشور الخ چون دعای بسیار طولانی است ترک آن نمود
الله طالب رجوع بکتاب نماید ابتدای آن شهادات است با آنکه میگوید اللهم اکتب شهادتی
هذه باید چون باین موضع رسید توجه نماید که با که سخن میگوید و چه گفته باید ثبت و ضبط
در دفتر الهی شود ساکت اسباب از روی حرکت زبان و عدم اطلاع چنان باشد بر سور زبان
است بعد از آن توجه و اقبال است بمحمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین بعد از آن شهادات است
حضرت رسالت پناهی و آل او است تجدید تمنای مقصد و نفرین بر دشمنان ایشان
تا عبارت انت الواحد القهار پس از آن توجه نامه است بسوی امام عصر و ناموس دهر
ارواح العالمین فداه و استغاثه و دعا و سلام و صلوات بر آنحضرت لکن در ضمن سلام اللهم و کن
لولیک فی خلقک ولیا و حافظا و قائدا بعد از آن نفرین بر دشمنان ایشان
بعد از آن صلوات و سلام و دود و دعا بر سالار تمام انبیا و اوصیاء و بر ازواج و ذریات و دوستان
ایشان از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات پس از آن بملائکه و تمام خلایق عصر

پس چون قریب بختم دعا است ختم شود بصلوات چون دعا باینجا رسید پس در صورت قدرت
هزار مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم پس صد مرتبه بگوید صلوات الله
وملئکته الخ پس از آن بخواند بعض اذکار و اوراد معموله که قبل از نماز صبح هر کدام
چنانکه مذکور خواهد شد

تکلیف ۳۱

ترتیب و آداب بیدار شدن از خواب و توجه بسوی خدا در اول و نیمه شب و دعاها بعد از زوال
سابقا در ضمن بعض تکلیفات گذشته ذکر کردیم و بعضی را وعده دادیم که انشاء الله در این مرتبه ذکر کنیم
از جمله دعائی است که قبل از نماز صبح روز جمعه باید خواند در مصباح کفعمی بروایت انس
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرموده هر که قبل از نماز صبح روز جمعه ۳ مرتبه بگوید استغفر الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه خدا تعالی می آمرزد گناهان
او را اگرچه زیاد از کف دریاها باشد **از جمله دعائی است**
که کفعمی ره ذکر کرده از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در تعقیب فجر ثلاث سیر و وعده داده که هر کس
در روز جمعه قبل از نماز بخواند خداوند گناهان او را بیامرزد اگرچه میان آسمان و زمین را از گناهان
پر کرده باشد و داخل بهشت شود بی حساب و در جوار امن باشد و هر که بوسد با خود نگاه
دارد از هر شری ایمن باشد ابتدای آن این است اللهم انی اسئلک یا مدرک

الهاربین را آخر او این است واکفنی ما اهمنی و ما لم یهمنی من امر دنیای
و آخرتی برحمتک یا ارحم الراحمین مؤلف گوید معلوم نیست که قبل از نماز
مخصوص روز جمعه است یا قبل از تمام نمازهای فریضه جمعه است و لیعلم
این دعای مذکور غیر آن دعای مفصلی است که محمد بن هارون تلعکبری در مجموع الدعوات
از حضرت صادق علیه الصلاة و السلام روایت کرده در صبح خوانده شود که ابتدای آن نیز عبارت
اللهم یا مدرک الهاربین است و آخر آن و لا تقطع رجائی بجودک
و کرمک یا ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین انک علی کل شیء قدیر
و مجلسی در کتاب مقیاس نقل کرده)

تکلیف ۳۲

از جمله آداب روز جمعه بعض آداب و اوراد و اذکاری است که بعد از نماز صبح جمعه باید عمل کرد
منها ۱ سید بن طاوس قدس سره باسنادهای معتبره از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
که هر که بعد از نماز صبح روز جمعه پیش از آنکه سخن بگوید این دعا را بخواند کفاره گناهان او باشد
از جمعه تا جمعه دیگر و بروایت دیگر اگر دعای یکبار یا در سالی یکمرتبه بخواند کفاره گناهان
ما بین باشد دعا این است اللهم ما قلت فی جمعتی هذه من قول او
حلفت فیها من حلف او نذرت فیها من نذر فمشیتک

بَيْنَ يَدَيَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ فَمَا شِئْتَ مِنْهُ اَنْ يَكُونَ كانَ وَما لَمْ تَشَاءْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي وَتَجاوَزْ عَنّي اَللّٰهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلَواتي عَلَيْهِ وَمَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتي عَلَيْهِ **در روایت دیگر**
از حضرت صادق علیه السلام منقول است هر که در روز جمعه بعد از نماز صبح بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ وَجَميعِ خَلْقِكَ وَسَمائِكَ وَاَرْضِكَ وَاَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ در آن روز گناهی بر او نوشته نشود **از جمله** در متهجد و مصباح کفعمی است باسناد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند کسیکه بگوید بعد از نماز ظهر و نماز فجر در روز جمعه و غیر جمعه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ نمیرد تا قائم مهدی عجل الله فرجه را درک نماید **و نیز** در همان کتاب مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که بعد از نماز فجر و بعد از نماز جمعه بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ گناه یکسال بر او نوشته نشود **از جمله** توجه تام نمودن و حضور قلب مخصوص بهم رسانیدن بجهة زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بزیارتی که مخصوص بعد از هر نماز است چنانکه سابقاً گذشت و بزیارتی که مخصوص روز جمعه است هرگاه استعداد داشته باشی بعینه که شیخ طوسی و سید در ترجمه از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده اند هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول و قبور ائمه علیهم السلام را در شهر خود پس باید در روز جمعه غسل کند و دو جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود بسوی بیابانی و صحرا پس چهار رکعت نماز کند بدو سلام و هر سوره که میسر شود بخواند پس بعد از سلام قیام رو بقبله بایستد و بگوید اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضى وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرى وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْراءُ وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ وَالْاَوْلادُ الْاَعْلامُ وَالْاُمَناءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ انْقِطاعاً اِلَيْكُمْ وَاِلى آبائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّى يَحْكُمَ اللهُ لِدينِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ اِنّي لَمِنَ الْقائِلينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لا اُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلا اَزْعُمُ اِلّا ما شاءَ اللهُ سُبْحانَ اللهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللهَ بِاَسْمائِهِ جَميعُ خَلْقِهِ وَالسَّلامُ عَلى اَرْواحِكُمْ وَاَجْسادِكُمْ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ **و** روایت دیگر این زیارت است در بام خود کن **و** بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسیکه راه خانه اش بعید باشد و خواهد زیارت کند ما را پس بالا رود بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بگزارد و اشاره کند بسلام بسوی قبرهای ما که السلام بما میرسد
مؤلف گوید چون بروایت بعض احادیث عرض اعمال در هر جمعه بحضرت رسول صلی الله علیه و آله

میشود چنانکه سابقا از بشارة المصطفی و روض الجنان دو حدیث ذکر شد و در مضمون یا علی اعمال
شیعتک تعرض علیّ فی کل جمعة فافرح بصالح اعمالهم واستغفر لسیئاتهم
پس سزاوار است بعد از زیارت آنحضرت عرض کنی که ای مولای من تو خود چنین فرمودۀ اگر چه من
از شیعیان تو و برادران امیر المؤمنین علیه السلام نیستم و به این درجۀ عظمی نرسیده ام ولکن از دوستان شما
و مسلمانان و از شیعه اثنا عشریه هستم تو را بحق اهل بیت معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
قسم میدهم که از گناهانی که در این هفته کرده ام عفو کنی و طلب مغفرت کنی برای بنده خود از خدا ای جد
و رکنا ان ملائکه نویسنده صحیفه گناه پاره نمایند و حوائج خود سؤال کن که داری از کرم آن امام
و در حدیث معتبر منقول است از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم بخدمت حضرت صادق علیه السلام
عرض کرد چگونه تو را زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن خدمت تو نباشم فرمود هرگاه قادر نباشی
پاکیزه کن چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز کن و توجه کن
بسوی من هر که بسوی من زیارت کند مرا در حیات من چنان است که مرا زیارت کرده باشد بعد از فوت من
و بعد از فوت من چنان است که زیارت کرده در حیات من مجلسی قدس سره بعد از ذکر این حدیث
میگوید که این حدیث دلالت دارد بر اینکه در این زمانها حضرت صاحب الامر علیه السلام را در همه
مواضع زیارت توان کرد و اگر رو بسامره کند در وقت زیارت بهتر است حقیر گوید
هرگاه موفق شدی برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بالای بام بیچاره رفتی

و آنحضرت را زیارت کن

و آنحضرت را زیارت کن و مضمون این احادیث قطع و یقین حاصل نمودی و شک و ریبی در دل راه مده
پس از فریضات یا نوافل و عطیات سبحانی درحق خود نوادم و بخیل مباش فرصت را که مانند
برق خاطف گذران است مغتنم شمار حضرت ابا عبد الله الحسین علیه الصلاة و السلام را نیز در این بام زیارت
مختصر زیارت کن بسندهای معتبر از سدیر صراف منقول است که گفت حضرت صادق
علیه السلام فرمود که چه مانع است تو را از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام را در هر هفته پنج مرتبه
یا در هر روزی یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و آنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود بالا برو
به بام خانه خود پس ملتفت شو بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان
بلند کن پس رو بجانب قبر آنحضرت بگردان و بگو السلام علیک یا ابا عبد الله
السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک و رحمة الله و برکاته تا نوشته شود
برای تو ثواب حج و عمره سدیر گفت بسیار است که من در روزی بیست مرتبه این زیارت بکنم
بعد از آن بر تو باید که توجه کنی بسوی امام عصر ارواح العالمین فداه او را زیارت نمائی
آنحضرت را با زیارتیکه اختصاص بروز جمعه دارد چنانکه ابن طاوس ره در جمال الاسبوع ذکر کرده
و روز جمعه روز حضرت صاحب الزمان است علیه السلام و باسم آنحضرت است و این روزیست که آنحضرت
در آن ظهور خواهد فرمود زیارت آنحضرت در این روز این است السلام علیک یا حجة الله فی ارضه
السلام علیک یا عین الله فی خلقه الخ و تمام این زیارت در زیارات ایام اسبوع

سابقاً ذکر شده ملاحظه نماید قبل از خواندن این زیارت بداند که چه میگوید و ملتفت مضامین
و مطالب و نکات دقیقه آن باشد که با تمام حضور ادای فقرات را نموده و نکته باشی از جمله فقرات
آن این است صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ وَعَلی آلِ بَیْتِکَ الطّاهِرینَ باید معتقد باشی که از آل رسول
ظاهراً آنکه اهل حق است یعنی اهل و عیال و ذراری و فرزند و فرزندزاده و اصحاب مخصوص
و خصوصاً ایشان و خصیصین و ابدال و اوتاد و نجباء و نقباء و ... که همه ... از این
صفت ... وجود دارند چنانکه سابقاً گذشت و دیگر از فقرات این زیارت است در خطاب
وَالمُستَشهِدینَ بَینَ یَدَیکَ فی جُملَةِ اَولِیائِکَ و مراد از این عرض ... صادق
القول و صادق القلب باشی ... [illegible]
حضرت ... [illegible]
... و دیگر از فقرات این زیارت آن است
اَنا یا مَولایَ فیهِ ضَیفُکَ وَجارُکَ باید خود را مهمان آن حضرت ...
آن حضرت ... چنانچه در این روز ... [illegible]
... [illegible]
... ذلِکَ ظَنُّ الَّذینَ کَفَرُوا
فَوَیلٌ لِلظّالِمینَ مِن عَذابِ یَومٍ اَلیمٍ و بعد از آن بخوان سلامی را
که در جزو ششم مهدی

که در جزو سلامهای گذشته ذکر شده و اول آن این است سَلامٌ عَلی آلِ یس الخ که جمل
و راوی آن از ناحیه مقدسه محمد بن عبدالله حمیری رحمه الله است بعد پس از آن متوسل شو
به آن حضرت بدعائی که مجلسی ... در ذیل قصه ابوالوفاء شیرازی در متوسل شدن
به حجج طاهرین سلام الله علیهم اجمعین ذکر کرده ۷ و در خصوص متوسل شدن به حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه
چنین است اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِحَقِّ وَلِیِّکَ وَحُجَّتِکَ صاحِبِ الزَّمانِ
اِلاّ اَعَنتَنی بِهِ عَلی جَمیعِ اُموری وَکَفَیتَنی بِهِ مَؤُنَةَ کُلِّ مُوذٍ وَطاغٍ
وَباغٍ وَاَعَنتَنی بِهِ فَقَد بَلَغَ مَجهُودی وَکَفَیتَنی کُلَّ عَدُوٍّ وَهَمٍّ وَغَمٍّ وَدَینٍ
وَوُلدی وَجَمیعِ اَهلی وَاِخوانی وَمَن یَعنینی اَمرُهُ وَخاصَّتی آمینَ
رَبَّ العالَمینَ و در مزار بحار الانوار توسل به آن حضرت ارواحنا فداه این قسم ذکر شده
وَاَسئَلُکَ اللّهُمَّ بِحَقِّ وَلِیِّکَ وَحُجَّتِکَ عَلی عِبادِکَ وَبَقِیَّتِکَ فی اَرضِکَ
المُنتَقِمِ لَکَ مِن اَعدائِکَ وَاَعداءِ رَسُولِکَ بَقِیَّةِ آبائِهِ الطّاهِرینَ
وَوارِثِ اَسلافِهِ الصّالِحینَ صاحِبِ الزَّمانِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَعَلی آبائِهِ
الکِرامِ المُتَقَدِّمینَ الاَخیارِ اِلاّ تَدارَکتَنی بِهِ وَنَجَّیتَنی مِن کُلِّ کَربٍ وَهَمٍّ
وَحَفِظتَ عَلَیَّ قَدیمَ اِحسانِکَ اِلَیَّ وَحَدیثَهُ وَاَدرَرتَ عَلَیَّ جَمیلَ
عَوائِدِکَ عِندی یا رَبِّ اَعِنّی بِهِ وَنَجِّنی مِنَ المَخاوِفِ وَمِن کُلِّ شِدَّةٍ

۷ در کتب دعا ... صح

وعظيمة وهول ونازلة وغم ودين ومرض وسقم وآفة وظلم وجور وفتنة في ديني
ودنياي وآخرتي بيمنك وبرأفتك وبرحمتك وكرمك وتفضلك وتعطفك
يا كافي موسى فرعون ويا كافي محمد صلوات الله عليه وآله ما أهمه ويا كافي
علي ما أهمه يوم صفين ويا كافي علي بن الحسين يوم الحرة ويا كافي جعفر بن
محمد أبا الدوانيق صل على محمد وآله واكفني ما أهمني في دار الدنيا وكل
هول دون الجنة برحمتك يا أرحم الراحمين يا قاضي الحوائج يا ربّ الرغائب
يا معطي الجزيل يا فكاك العناة اللهم إنك تعلم إني أعلم إنك قادر على قضاء
حوائجي فصل على محمد وآله وعجل يا رب فرج وليك وابن بنت نبيك
واقض يا الله حوائج أهل بيت محمد واقض لي يا رب بمحمد وأهل بيته حوائج
الدنيا والآخرة صغيرها وكبيرها في يسر منك وعافية وتمم نعمتك علي
وهنئني بها كرامتك وألبسني بها عافيتك وتفضل علي بعفوك
وكن لي بحق محمد وأهل بيته في جميع أموري وليا وحافظا وناصرا وكالئا
وراعيا وساترا ورازقا ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن لا يعجز الله
شيء طلبه في الأرض ولا في السماء هو كائن هو كائن إن شاء الله
اقول وأنا الآن الإمام طائف بيت الله الحرام أبو المكارم

صدر الإسلام دبير الدين علي أكبر الهمداني أصلاً والنجفي مسكناً ومدفناً وجدت
صحيفة قديمة عتيقة معتبرة جيدة مشتملة على المطالب الجليلة و
الدعوات النبيلة والحقائق المخزونة والدقائق المكنونة وفيها هذا التوسل
العظيم الجليل النبيل فأحببت إيرادها في هذا المقام لقرائه الأفاهم
في غيبة الإمام عليه ألف التحية والسلام تيمناً وتبركاً لقضاء الحاجات
ونيل الطلبات فواظبها ليلاً ونهاراً وسراً وجهاراً ولا يزيد الظالمين
إلا خساراً

توسل جليل القدر

بسم الله الرحمن الرحيم حسبنا الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير ولا حول
ولا قوة إلا بالله العلي العظيم لا إله إلا الله وحده لا شريك له محمد رسول الله
صلى الله عليه وآله علي ولي الله صلوات الله عليه اللهم صل على النبي
الأمي العربي القرشي المكي المدني الهاشمي الأبطحي محمد اللهم صل
على المرتضى وآله وأولاده اللهم إنا نسألك بحق محمد المصطفى سيد
العالمين اللهم إنا نسألك بحق المرتضى علي أمير المؤمنين إلهي بصدق
علي وصداقته وبرفق علي ورفاقته وبسلم علي وسلامته
وبعلم علي وإمامته وبقوة علي وخلافته وبصيام علي

وصلاته وكرم علي وكرامته وعز علي وشجاعته وصبر علي
وطاعته وحكم علي وعدالته وزهد علي وعبادته وشكر
علي وشهادته وعصمة علي وطهارته وقرب علي وسيادته
وهدى علي وهدايته وحب علي وولايته وتوكل علي
وكفايته وفتوة علي ورعايته ومروة علي وحمايته
وفصاحة علي وملاحته وصفوة علي وصفاوته وعفو
علي ووفائه وتجريد علي وتفرده وتمجيد علي وتوحيده و
تسبيح علي وتهليله وتحميد علي وتكبيره وتعظيم علي وتفضيله
وتكريم علي وتبجيله وورع علي وتقواه وملة علي وفتواه
وخوف علي ورجاه وتنبيه علي وهجوعه وخشوع علي
خضوعه وقنوع علي وجوعه واستقامة علي ورجوعه
وكشف علي وشهوده وعطف علي وجوده وواجد علي و
وجوده وقيام علي وقعوده وركوع علي وسجوده وصلوات
علي وصلواته وصيام علي وزكواته وحج علي وعمرته وفرح
علي ومرته وبسط علي وقبضته ونقل علي وسياسته
وقبضته

وكتاب علي وكراسته

وكتاب علي وكراسته وعقل علي وكياسته وجمال علي وجلاله
وكمال علي ونواله وفضل علي وافضاله وفصل علي واجماله
واسماء علي وافعاله وآثار علي وسماته وذات علي وصفاته
ان تجعلني في الدين والدنيا عزيزا مهيبا في اعين الخلائق اجمعين
وان تقضي لي حوائجي وحوائج المؤمنين والمؤمنات واعصمني
من كل هلكة ونجني من كل بلية وآفة وعاهة واهانة
وكربة وضيق وذلة وعلة وقلة ومرض وبرص وفقر وفاقة
ووباء وبلاء وزلزلة وغرق وحرق وصرع وحر وبرد و
وجوع وعطش وغي وضلالة وغصة ومحنة وشدة
في الدارين انك لا تخلف الميعاد يا مالك يوم الدين اياك نعبد
واياك نستعين وصلى الله على محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين
يا ابا الغوث اغثني يا علي ادركني يا الله يا صمد من عندك
مددي وعليك معتمدي ناد عليا مظهر العجائب تجده عونا
لك في النوائب كل هم وغم سينجلي بولايتك يا علي يا علي
بعد از ان بخوان تعقيبی كه مخصوص بعد از نماز صبح روز جمعه است

و شیخ طوسی رحمه الله روایت کرده است و در شرح آن است این دعا را در تعقیب نماز صبح روز جمعه بخواند اول آن این است

اللهم انی تعمدتُ الیک بحاجتی الخ **چون** در روز جمعه بعلاوه که ملائکه حفظه

و کاتبه ملائکه چندی مخصوص هستند که خدا تعالی ایشان را بزمین میفرستد که مشغول نوشتن صلوات

بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و علیهم اجمعین باشند چنانکه مجلسی رحمه الله از دعائم الاسلام نقل کرده از حضرت

صادق علیه السلام روایت کرده که خدا تعالی ملائکه چندی را مبعوث میفرماید در هنگام انتهای فجر یوم جمعه که

مینویسند صلوات بر محمد و آل او صلوات الله علیهم اجمعین تا شب **و در حدیث دیگر نیز**

از حضرت صادق علیه السلام منقول است در شب جمعه ملائکه از آسمان بزیر می آیند بعدد ذرات

با قلمهای طلا و لوحهای از نقره در دست دارند و تا شب شنبه نمی نویسند مگر صلوات بر محمد

و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین الخبر **و در حدیث دیگر** از آن حضرت است که چون عصر روز پنجشنبه میشود

ملائکه از آسمان بزیر می آیند با قلمهای طلا و لوحهای نقره در دست دارند و نمی نویسند در عصر پنجشنبه

و شب جمعه و روز جمعه تا آفتاب غروب کند بغیر از صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین پس

سزاوار است که اظهار مودت و محبت و عرض اخلاص داشته باشیم با این ملائکه های تازه بنابر این

و بگوئی السلام علیکم یا ملائکة الله الذین یکتبون الصلوات علی محمد و آله

الطاهرین اسئل الله الذی خلقنی و خلقکم ان یوفقنی لطاعته

و عبادته و الصلوة و السلام علی نبیه و اوصیائه المعصومین اکتبوا

رحمکم الله اللهم صل

رحمکم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد افضل ما صلیت علی ابرهیم و آل

ابرهیم انک حمید مجید اللهم صل علی محمد بن الحسن صاحب العصر و الزمان

و عجل فرجه و سهل مخرجه بمحمد و آله الطاهرین و اگر نخواهی قریب باین عبارات

بفارسی بهر زبانی که داری بگو که در دفتر تحفه صلوات تو را ثبت نمایند و بنظر معصومین

علیهم السلام میرسانند

تکلیف ۳۳

بعد از آنکه آفتاب روز جمعه طلوع کرد بهتر توجه بحضرت امام عصر عجل الله فرجه شود و خطاب کند آن روز را که شرح

و با ظاهرا بنام خطاب را و اجابه را سلام دهد بسببی که حضرت کاظم علیه الصلوة والسلام بمحمد بن سنان

تعلیم فرمود و سید بن طاوس در جمال الاسبوع روایت کرده از آن حضرت علیه السلام که بمحمد بن سنان فرمود

در روز جمعه بگو یا خطاب در آن روز دعای واجب است برسید که امام است و در روز جمعه بگو السلام علیک

ایها الیوم الجدید المبارک الذی جعله الله عیدا لاولیائه المطهرین

من الدنس الخارجین من البلوی المکرورین مع اولیائه المصفین من العکر

الباذلین انفسهم فی محبة اولیاء الرحمن [2] الخ و بعد از آن بگو السلام علیک

ایها الشمس الطالعة و النور الفاضل البهی اشهدک بتوحیدی لله

لتکونی شاهدی اذا ظهر الرب لفصل القضاء فی العالم الجدید الخ

[2] تسلیما السلام علیکم سلاما دائما ابدا صح

و مجلسی قدس سره در ربیع الابرار ... در شان امام رضا علیه الصلاة والسلام و اینکه و این ترجمه فیمابین ایشان

بواسطه لفظ العالم علیه السلام است در متن حدیث خلاصه مؤلف گوید باثبات

که یک معنی که در ترجمه از ذخیره شمول ابصار شاید که از عبارت اذا ظهر الرب

ظهور حضرت حجة ارواح العالمین له الفداء رب الارض امام الارض و اشرقت الارض

بنور ربها ای بنور الامام **وفی البحار** باسناده عن امیر المؤمنین علیه السلام

و ساق الحدیث الی ان قال انا الفاروق الذی افرق بین الحق والباطل انا ادخل

اولیائی الجنة واعدائی النار انا الذی قال الله هل ینظرون الا ان یاتیهم

الله فی ظلل من الغمام والملائکة وقضی الامر والی الله ترجع الامور و این حدیث است

در ناسخ التفاسیر و ترجیع القرآن در خصوص تفسیر دو آیه شریفتین کلمات

که رفع استغراب و استعجاب بعضی مستغربین بلا خبر کلماته از عالم جدید هم طلوع

و در ظهور حضرت در زمان رجعت عالم عالم تازه خواهد شد یوم تبدل الارض غیر الارض والسموات

(نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد) (عالم پیر دگرباره جوان خواهد شد)

بعد از آن بخوان دعائی که در ملحقات صحیفه کامله ذکر شده در خصوص روز جمعه

ابتدای آن این است الحمد لله الاول قبل الانشاء والاحیاء **پس از آن**

بخوان دعائی را که حضرت موسی بن جعفر علیه الصلاة والسلام قرائت میفرمود در این روز مخصوص

مرحبا بخلق الله الجدید

مرحبا بخلق الله الجدید وبکما من کاتبین وشاهدین اکتبا بسم الله **پس از آن**

بخوان دعائی که در تهجد شیخ طوسی قدس سره نقل شده در این روز مخصوص ابتدا اللهم انی

احمدک وانت للحمد اهل **پس از آن** بخوان تسبیح مخصوص روز جمعه را که اول

آن این است سبحان من لبس العزة والوقار **پس از آن** بخوان تعویذ روز جمعه را

مراد نقل شیخ طوسی رحمه الله اگرچه اختصاصی از آن نخواهد داشته بسم الله الرحمن الرحیم

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم رب الملائکة والروح والنبیین

پس از آن بخوان دعائی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز جمعه مخصوص قرائت

میفرمود الحمد لله الذی لا من شیء کان الخ **پس از آن** بخوان دعای مخصوص

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها که در روز جمعه قرائت میفرمود اللهم اجعلنا من اقرب

من تقرب الیک **پس از آن** بخوان دعائی که ابتدای آن این است بسم الله

وبالله اخذت الاولین واخذت الاخرین شرح عربی مضمون مجلسی دلکه

خوفا للاطاله ترک شد

تکلیف ۳۴

از جمله تکالیف مردم در غیبت امام علیه الصلاة والسلام خواندن دعای مبارک ندبه است و ناله و ندبه نمودن

برای آن حضرت است اندعای مبارک را سید بن طاوس قدس سره نقل کرده از بعضی اصحاب و گفته است

۲۰۰

و محمد بن علی بن ابی قره گفت نقل کردم این دعا را از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری رضی الله عنه

که دعای مزبور است و ذکر کرده که این دعا است برای صاحب الزمان ارواحنا فداه و مستحب است این دعا خواندن

در اعیاد اربعه که فطر و اضحی و غدیر و جمعه باشد مجلسی علامه ره در زاد المعاد ذکر کرده که این دعا را سید

محمد بن المشهدی در مزار کبیر نقل نموده فرموده که محمد بن علی بن ابی قره نقل کردم من این دعا را

از کتاب ابی جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری پس ذکر کرده مثل آنچه سابقا که سید ره نقل کرده از

۳ ذکر نموده که ایشان سید قده در آخر دعا دو رکعت نماز زیارت ذکر کرده و محمد بن مشهدی نماز را از حضرت

مؤلف گوید این دعای مبارک از کثرت اشتهار کالشمس فی رابعة النهار است خوب است در ایام جمعه و سایر

اعیاد آن حضرت ارواحنا فداه را از حضور در مسجدی از مساجد یا مشهدی از مشاهد اجتماع نموده این دعای مبارک را

با کمال تضرع و زاری و ناله و سوگواری و با نهایت حزن و اندوه و بی قراری بخوانند و گریه کنند

در غیبت آن شمس تابان و فقدان آن جان جهانیان نوحه کنند و نتیجه آن که سرور از دل بزدایند و گشته

و چنین مصیبت عظمی را سهل نشمارند و چنین داهیه کبری را آسان نپندارند که از غیبتش

دین اسلام بکلی از میان رفته و رسمی از او باقی نمانده ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس

کفر و فسق و فجور و عصیان تمام کره ارض را فرا گرفته و آنچه پیدا نیست آثار اسلام است

و آنچه پیدا و ظاهر است آثار شیطانی همه در وادی غفلت حیران و در تیه جهالت و ضلالت

سرگردان و تابع جنود شیطان و دعای حضرت صاحب العصر و الزمان اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه

بمحمد و آله الطاهرين

۲۰۱

بمحمد و آله الطاهرين

(دعای ندبه) با ترجمه آن

الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

تَسْلِيماً اللّٰهُمَّ لَكَ الحَمْدُ عَلى ما جَرى بِهِ قَضاؤُكَ فِي أَوْلِيائِكَ

الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ ما

عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ المُقِيمِ الَّذِي لا زَوالَ لَهُ وَلا اضْمِحْلالَ بَعْدَ

أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجاتِ هٰذِهِ الدُّنْيا الدَّنِيَّةِ

وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها فَشَرَطُوا لَكَ ذٰلِكَ وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الوَفاءَ بِهِ

فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ العَلِيَّ وَالثَّناءَ الجَلِيَّ

وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلائِكَتَكَ وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ

وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرائِعَ إِلَيْكَ وَالوَسِيلَةَ إِلى رِضْوانِكَ فَبَعْضٌ أَسْكَنْتَهُ

جَنَّتَكَ إِلى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْها وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكِكَ وَنَجَّيْتَهُ

مَعَ مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً

وَسَأَلَكَ لِسانَ صِدْقٍ فِي الآخِرَةِ فَأَجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ ذٰلِكَ عَلِيّاً

وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيماً وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِدْءاً وَوَزِيراً

وَبَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبٍ وَآتَيْتَهُ البَيِّناتِ وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ القُدُسِ

بعلمك

الذريعة

وبعض

وكلٌّ شرعت له شريعةً ونهجت له منهاجاً وتخيّرت له أوصياء مستحفظاً
بعد مستحفظ من مدّة إلى مدّة إقامةً لدينك وحجّةً على عبادك
ولئلّا يزول الحقّ عن مقرّه ويغلب الباطل على أهله ولئلّا يقول أحد
لولا أرسلت إلينا رسولاً منذراً وأقمت لنا علماً هادياً فنتّبع آياتك
من قبل أن نذلّ ونخزى إلى أن انتهيت بالأمر إلى حبيبك ونجيبك
محمّد صلّى الله عليه وآله فكان كما انتجبته سيّد من خلقته وصفوة
من اصطفيته وأفضل من اجتبيته وأكرم من اعتمدته قدّمته
على أنبيائك وبعثته إلى الثقلين من عبادك وأوطأته مشارقك
ومغاربك وسخّرت له البراق وعرجت بروحه إلى سمائك
وأودعته علم ما كان وما يكون إلى انقضاء خلقك ثمّ نصرته
بالرعب وحففته بجبرئيل وميكائيل والمسوّمين من ملائكتك
ووعدته أن تظهر دينه على الدين كلّه ولو كره المشركون وذلك
بعد أن بوّأته مبوّأ صدق من أهله وجعلت له ولهم أوّل بيت وضع
للناس للذي ببكّة مباركاً وهدى للعالمين فيه آيات بيّنات
مقام إبراهيم ومن دخله كان آمناً وقلت إنّما يريد الله ليذهب

عنكم الرجس

عنكم الرجس أهل البيت ويطهّركم تطهيراً ثمّ جعلت أجر محمّد صلواتك عليه وآله
مودّتهم في كتابك فقلت قل لا أسئلكم عليه أجراً إلّا المودّة في القربى
وقلت ما سألتكم من أجر فهو لكم وقلت ما أسئلكم عليه من أجر إلّا من شاء
أن يتّخذ إلى ربّه سبيلاً فكانوا هم السبيل إليك والمسلك إلى رضوانك
فلمّا انقضت أيّامه أقام وليّه عليّ بن أبي طالب صلوات الله عليهما وآلهما
هادياً إذ كان هو المنذر ولكلّ قوم هاد فقال والملأ أمامه من
كنت مولاه فعليّ مولاه اللّهمّ وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من
نصره واخذل من خذله وقال من كنت نبيّه فعليّ أميره وقال أنا
وعليّ من شجرة واحدة وسائر الناس من شجر شتّى وأحلّه محلّ هارون
من موسى فقال أنت منّي بمنزلة هارون إلّا أنّه لا نبيّ بعدي وزوّجه ابنته
سيّدة نساء العالمين وأحلّ له من مسجده ما حلّ له وسدّ الأبواب إلّا بابه
ثمّ أودعه علمه وحكمته فقال أنا مدينة العلم وعليّ بابها فمن أراد فليأتها
من بابها ثمّ قال أنت أخي ووصيّي ووارثي لحمك من لحمي ودمك من دمي وسلمك
سلمي وحربك حربي والإيمان مخالط لحمك ودمك كما خالط لحمي
ودمي وأنت غداً على الحوض خليفتي وأنت تقضي ديني وتنجز عداتي

من موسى
از موسى

المدينة والحكمة

وشيعتك على منابر من نور مبيضة وجوههم حولي في الجنة وهم جيراني
ولولا انت يا علي لم يعرف المؤمنون بعدي وكان بعده هدى من الضلال
ونوراً من العمى وحبل الله المتين وصراطه المستقيم لا يسبق بقرابة
في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة يحذو حذو الرسول
صلى الله عليهما وآلهما ويقاتل على التأويل ولا تأخذه في الله لومة
لائم قد وتر فيه صناديد العرب وقتل ابطالهم وناوش ذؤبانهم
فاودع قلوبهم احقاداً بدرية وخيبرية وحنينية وغيرهن فاضبت
على عداوته واكبت على منابذته حتى قتل الناكثين والقاسطين ولما
قضى نحبه وقتله اشقى الآخرين يتبع اشقى الاولين لم يمتثل امر
رسول الله صلى الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين والامة مصرة
على مقته مجتمعة على قطيعة رحمه واقصاء ولده الا القليل ممن
وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل وسبي من سبي واقصي من اقصي و
جرى القضاء لهم بما يرجى له حسن المثوبة وكانت الارض لله يورثها
من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين وسبحان ربنا ان كان وعد
ربنا لمفعولا ولن يخلف الله وعده وهو العزيز الحكيم فعلى الاطائب

من اهل بيت محمد

من مناشب
والمارقين
مبادرته
الاشقى
مصرة
اذ

من اهل بيت محمد وعلي صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون واياهم فليندب
النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ الصارخون ويعج العاجون
اين الحسن اين الحسين اين ابناء الحسين صالح بعد صالح وصادق بعد صادق
اين السبيل بعد السبيل اين الخيرة بعد الخيرة اين الشموس الطالعة
اين الاقمار المنيرة اين الانجم الزاهرة اين اعلام الدين وقواعد العلم
اين بقية الله التي لا تخلو من العترة الهادية اين المعد لقطع دابر الظلمة
اين المنتظر لاقامة الامت والعوج اين المرتجى لازالة الجور والعدوان
اين المدخر لتجديد الفرائض والسنن اين المتخير لاعادة الملة والشريعة
اين المؤمل لاحياء الكتاب وحدوده اين محيي معالم الدين واهله
اين قاصم شوكة المعتدين اين هادم ابنية الشرك والنفاق اين مبيد اهل
الفسوق والعصيان والطغيان اين حاصد فروع الغي والشقاق اين طامس
آثار الزيغ والاهواء اين قاطع حبائل الكذب والافتراء اين مبيد العتاة
والمردة اين مستأصل اهل العناد والتضليل والالحاد اين معز الاولياء
ومذل الاعداء اين جامع الكلم على التقوى اين باب الله الذي منه
يؤتى اين وجه الله الذي يتوجه اليه الاولياء اين السبب المتصل

ويضج الضاجون
الظاهرة
(۱۲

اهل

من الارض والسماء اين صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى اين مؤلف
شمل الصلاح والرضا اين الطالب بذحول الانبياء اين المطالب بدم المقتول
بكربلاء اين المنصور على من اعتدى عليه وافترى اين المضطر الذي
يجاب اذا دعى اين صدر الخلائق ذو البر والتقوى اين ابن النبي المصطفى
وابن علي المرتضى وابن خديجة الكبرى وابن فاطمة الزهراء الكبرى بابي
انت وامي ونفسي لك الوقاء والحمى يا ابن السادة المقربين يا ابن النجباء
الاكرمين يا ابن الهداة المهديين يا ابن الخيرة المهذبين يا ابن الغطارفة
الانجبين يا ابن الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الاكرمين يا ابن الاطائب
المعظمين المطهرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة يا ابن الشهب الثاقبة
يا ابن الانجم الزاهرة يا ابن السبل الواضحة يا ابن الاعلام اللائحة يا ابن
العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة يا ابن المعالم المأثورة يا ابن المعجزات
الموجودة يا ابن الدلائل المشهودة يا ابن الصراط المستقيم يا ابن النبأ
العظيم يا ابن من هو في ام الكتاب لدى الله علي حكيم يا ابن الآيات و
البينات يا ابن الدلائل الظاهرات يا ابن البراهين الواضحات الباهرات
يا ابن الحجج البالغات يا ابن النعم السابغات يا ابن طه والمحكمات يا ابن

يس والذاريات

الذحل بذال المعجمة والحاء المهملة طلب المكافات بجناية صدر

الغراء

المهذبين

يس والذاريات يا ابن الطور والعاديات يا ابن من دنى فتدلى فكان قاب
قوسين او ادنى دنوا واقترابا من العلي الاعلى ليت شعري اين
استقرت بك النوى بل اي ارض تقلك او ثرى ابرضوى ام غيرها
ام ذي طوى عزيز علي ان ارى الخلق ولا ترى ولا اسمع لك حسيسا
ولا نجوى عزيز علي ان لا تحيط بي دونك البلوى ولا ينالك مني
ضجيج ولا شكوى بنفسي انت من مغيب لم يخل منا بنفسي انت من
نازح نزح عنا بنفسي انت امنية شائق يتمنى من مؤمن ومؤمنة ذكرا
فحنا بنفسي انت من عقيد عز لا يسامى بنفسي انت من اثيل مجد لا يجازى
بنفسي انت من تلاد نعم لا تضاهى بنفسي انت من نصيف شرف لا يساوى
الى متى احار فيك يا مولاي والى متى واي خطاب اصف فيك واي
نجوى عزيز علي ان اجاب دونك واناغى عزيز علي ان ابكيك و
يخذلك الورى عزيز علي ان يجري عليك دونهم ما جرى هل
من معين فاطيل معه العويل والبكاء هل من جزوع فاساعد جزعه
اذا خلا هل قذيت عين فتسعدها عيني على القذى هل اليك
يا ابن احمد سبيل فتلقى هل يتصل يومنا منك بعدة فنحظى متى

يرى

ما نزح

يجادي

احار

فنروى

نرد مناهلك الروية فنروى متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى
متى نغاديك ونراوحك فنقر عينا متى ترانا ونراك وقد نشرت
لواء النصر ترى أترانا نحف بك وأنت تؤم الملأ وقد ملأت الأرض
عدلا وأذقت أعداءك هوانا وعقابا وأبرت العتاة وجحدة الحق و
قطعت دابر المتكبرين واجتثثت أصول الظالمين ونحن نقول الحمد لله رب
العالمين اللهم أنت كشاف الكرب والبلوى وإليك أستعدي فعندك العدوى وأنت رب
الآخرة والأولى فأغث يا غياث المستغيثين عبيدك المبتلى وأره سيده
يا شديد القوى وأزل عنه به الأسى والجوى وبرد غليله يا من على العرش
استوى ومن إليه الرجعى والمنتهى اللهم ونحن عبيدك التائقون إلى وليك
المذكر بك وبنبيك خلقته لنا عصمة وملاذا وأقمته لنا قواما
ومعاذا وجعلته للمؤمنين منا إماما فبلغه منا تحية وسلاما
وزدنا بذلك يا رب إكراما واجعل مستقره لنا مستقرا ومقاما وأتمم
نعمتك بتقديمك إياه أمامنا حتى توردنا جنانك ومرافقة الشهداء
من خلصائك اللهم صل على حجتك وولي أمرك وصل على جده محمد السيد
الأكبر وصل على علي أبيه السيد القسور وحامل اللواء في المحشر وساقي

نکته

أوليائه من نهر الكوثر

أوليائه من نهر الكوثر والأمير على سائر البشر الذي من آمن به فقد ظفر و
من لم يؤمن به فقد خطر وكفر صلى الله عليه وعلى أخيه وعلى نجله
الميامين الغرر ما طلعت شمس وما أضاء قمر وعلى جدته الصديقة الكبرى
فاطمة الزهراء بنت محمد المصطفى وعلى من اصطفيت من آبائه البررة وعليه
أفضل وأكمل وأتم وأدوم وأكثر وأوفر ما صليت على أحد من أصفيائك
وخيرتك من خلقك وصل عليه صلاة لا غاية لعددها ولا نهاية
لمددها ولا نفاد لأمدها اللهم وأقم به الحق وأدحض به الباطل و
أدل به أولياءك وأذلل به أعداءك وصل اللهم بيننا وبينه وصلة
تؤدي إلى مرافقة سلفه واجعلنا ممن يأخذ بحجزتهم ويمكث في
ظلهم وأعنا على تأدية حقوقه إليه والاجتهاد في طاعته واجتناب
عن معصيته وامنن علينا برضاه وهب لنا رأفته ورحمته ودعاءه
وخيره ما ننال به سعة من رحمتك وفوزا عندك واجعل صلاتنا
به مقبولة وذنوبنا به مغفورة ودعاءنا به مستجابا واجعل أرزاقنا
به مبسوطة وهمومنا به مكفية وحوائجنا به مقضية وأقبل إلينا
بوجهك الكريم واقبل تقربنا إليك وانظر إلينا نظرة رحيمة

وبينهم

يَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا مِنْ
که کامل گرداند بسبب آن کرامت را نزد تو پس برمگردان آن را از ما بجود خود و سیراب کن ما را
حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رِيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً
از حوض جد او رحمت خدا بر او و آل او بجام او و بدست او سیراب کردنی گوارا
سَائِغاً لَا ظَمَأَ بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
خوش آینده که نباشد تشنگی پس از آن ای مهربانترین مهربانان

و استاد اعظم اطال الله بقاءه فرموده‌اند مستحب است در روز جمعه خواندن دعای ندبهٔ معروفه را که متعلق است بآنحضرت و فی الحقیقه مضامین آن سوزنده دلها و شکافنده جگرها و ریزنده خون از دیده کسان است که آنکه از شربت محبت آن جناب نوشیده و تلخی زهر فراقش بکام او رسیده و در روز جمعه بلکه در شب آن نیز چنانچه در یکی از مزارات قدیمه که مؤلف آن معاصر شیخ طبرسی صاحب احتجاج است مروی است باید خوانده شود **مؤلف گوید** از جمله خواص خواندن این دعای مبارک آنکه هر روز در هر مکانی و موضعی که خوانده شود با حضور قلب و اخلاص کامل و معرفت بمضامین عالیه فائقه و عبارات و اشارات نادره رائقه آن بطوری توجه و التفات مخصوص حضرت صاحب العصر ارواحنا فداه در آن مکان و محل بلکه حضور بهم رسانیدن آنحضرت است در آن مجلس چنانچه در بعض مواضع و محال اتفاق افتاده **از جمله** حضور بهم رسانیدن آنحضرت است در سرداب مطهر که این دعای مبارک را قرائت مینمودند و اجمال قصهٔ آن این است که استاد اعظم ادام الله ظله العالی نقل فرمودند از احدی ثقات که والدهٔ من از صالحات معروفات است در سر من رأی نقل کرد روزی در سرداب شریف بودیم با اهل بیت عالم ربانی و مؤید سبحانی ملا زین العابدین سلماسی

اعلی الله مقامه و آن روز جمعه بود و جناب ایشان مشغول شد بخواندن دعای ندبهٔ معروفه و چون زن مصیبت زده و محب فراق زده میگریست و ناله میکرد و ما با او در ناله و گریه متابعت میکردیم پس در بین این حالت بودیم که ناگاه بوی عطری وزیدن گرفت و منتشر شد در فضای سرداب و پر شد هوا از بوی خوش بنحوی که از جمیع ما آن حالت را گرفت پس همه ساکت شدیم و قدرت سخن گفتن از ما رفت و متحیر ماندیم تا اندک زمانی گذشت پس از آن رائحهٔ طیبه مفقود شد و حال بحالت اول برگشت و عود کردیم بآنچه اول مشغول بودیم از قرائت دعا چون بخانه مراجعت نمودیم سؤال کردم از جناب ایشان از سر آن بوی خوش فرمودند ترا چه کار باین سؤال و جواب نداد و عالم عامل متقی آقا علی رضای اصفهانی اطاب الله ثراه که در نهایت اخلاص بود نزد بزرگوار نقل کرد روزی سؤال کردم از آن مرحوم از ملاقات آنحضرت با حجة علیه السلام را و در او این گمان را داشتم مثل استاد سید معظم بحر العلوم رحمه الله پس [illegible] طائفه برای من نقل کرد بدون اختلاف (خواهش که قصه گفته شد در کلمهٔ [illegible])

وبعد از آن بخوان بعض دعاها که مخصوص ایام غیبت است در خصائص روز جمعه مذکور شد مثل دعای مبارک **اللهم عرفنی نفسک** و غیرها که ملا شیخ عباس در ضمن تعلیقات مذکور(؟) مخصوص که دعا بخوان بلای وجه (؟) که در اول(؟) [illegible] دعوات صحیحه معتبره ذکر شده

(أَيّاً مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى)

۲۱۲

تکلیف ۳۵

از جمله تکلیفات در این روز مبارک بر طبق سخن اعمال و آداب که در تعقیبات وارد است قبل از زوال و بعد از زوال و بین ظهرین و بعد از نماز عصر ملاحظه شد **از جمله** خواندن دعائیست که مخصوص بعد از زوال شمس است محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَسُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً الخ **و** خواندن و اذکار که مخصوص نماز است و تعقیبات بعد از نماز و خواندن دعای مخصوص است که مابین هر یک از رکعتین آن باید خواند **و** خواندن دعای نماز که قبل از زوال **و** خواندن دعای مخصوص بعد از نماز زوال **و** خواندن تعقیبات مخصوص بعد از نماز ظهر و عصر است و سایر نمازها و دعوات مطلقه که آداب تمام آنها در کتب عبادات فقها رضوان الله علیهم ثبت و ضبط است مانند مصباح کبیر از کتب ابن طاوس علیه الرحمة و غیرها از کتب ربیع الابرار جمعی از علما که فارسی است چون این رساله را گنجایش تمام آنها نیست در موضوع این کتاب از برای ذکر آنها فقط مرقوم شد بعضی را تیمنا ذکر خواهیم **منها** ابن ادریس نقل کرده از جامع بزنطی از ابی بصیر از حضرت امام صادق علیه السلام در فضیلت صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد مابین نماز ظهر و عصر روز جمعه بعد از نماز ظهر هفتاد و سه مرتبه دیگر بگوید بعد از عصر روز جمعه اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِیاءِ الْمَرْضِیِّینَ بِاَفْضَلِ صَلَواتِکَ وَبارِکْ عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکاتِکَ وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَعَلیٰ اَرْواحِهِمْ وَعَلیٰ اَجْسادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ میباشد از برای او مثل ثواب عمل ثقلین در این روز **منها**

۲۱۳

خواندن تعقیب مخصوص بعد از نماز ظهر روز جمعه اینست اللّٰهُمَّ یا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطیٰ الخ **منها** خواندن این تعقیب است که مخصوص بعد از نماز ظهر روز جمعه است اللّٰهُمَّ اشْتَرِ مِنّی النَّفْسَ الْمَوْقُوفَةَ عَلَیْکَ الخ **منها** خواندن دعای صحیفه کامله است که ابتدای آن این است بعد از نماز در جمعه اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا یَوْمٌ مُبارَکٌ وَالْمُسْلِمُونَ مُجْتَمِعُونَ **منها** خواندن دعای دیگر از صحیفه کامله است که مخصوص بعد از نماز ظهر روز جمعه است یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لا یَرْحَمُهُ الْعِبادُ الخ **منها گفتن** اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ روایت است که هر که این را بگوید نمیرد تا حضرت صاحب الامر را دریابد **منها** گفتن این صلوات است بعد از نماز جمعه هفت مرتبه اللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِکَ وَصَلَواتِ مَلائِکَتِکَ وَاَنْبِیائِکَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ روایت است که تا یکسال گناهی برای او نوشته نشود **منها** گفتن این صلوات است بعد از نماز جمعه هفت مرتبه اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام شود **منها** خواندن این صلوات مخصوص تعقیب نماز جمعه است که کفعمی ذکر کرده اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّیٰ لا یَبْقیٰ صَلَوٰةٌ اللّٰهُمَّ وَبارِکْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّیٰ لا یَبْقیٰ بَرَکَةٌ اللّٰهُمَّ وَسَلِّمْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّیٰ لا یَبْقیٰ سَلامٌ اللّٰهُمَّ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ حَتّیٰ لا یَبْقیٰ رَحْمَةٌ حضرت صادق علیه السلام فرمودند که هر که این را بگوید صلوات بفرستد گناهان او محو گردد و خدا او را بر دشمن یاری دهد و اسباب خیر را برای او مهیا گرداند و آرزوهای او را برآورد و روز در روز اول انقلاب گرداند و او رفیق محمد صلی الله علیه و آله

باب شد و هشت

۲۱۴

تکلیف ۳۶

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه السلام مراقبت نمودن بعمل و اداء اوراد و ادعیه است که در تعقیب نماز عصر جمعه
و مخصوص بوقت عصر جمعه و مخصوص است از زردی آفتاب تا غروب و مخصوص بغروب است و اکثر این اعمال را
در ضمن تکالیف سابقه ذکر نمودیم پس بر هر عبدی از عباد لازم است در این اوقات محموده که فضیلتش بالاتر
از سایر اوقات است وقت را غنیمت دانسته عبودیت خود را بجا آورد و در خوشنود ساختن خاطر مبارک امام خود
و از اخبار مرویه غایت خوشنودی توسل بدامن ولای آن حضرت و آباء گرامش علیهم السلام نمایند مقاصد و مطالبی
که دارد عرضه نماید انشاء الله مقرون بنجاح و انجام خواهد بود **اما تعقیبات و**
دعوات مخصوصه بعد از نماز عصر روز جمعه
از جمله خواندن دعائی است که شیخ طوسی و ابن طاوس قدس سرهما و کفعمی ره بسند معتبر از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام روایت کرده اند که در روز جمعه بعد از نماز عصر این دعا را بخوانند اللهم انک
انتجبت بسبیل الدلالة علیک الخ **از آنجمله** خواندن صلواتی است که مرتبا
ذکر شده صلوات بر نوزده حجت معصوم است بر این که در سند های صحیح و معتبر از ابوالحسن ضراب اصفهانی نقل کرده
و ابتدای آن این است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد سید المرسلین الخ

ذا کرده ام در سید بن طاوس قدس سره

۲۱۵

و ذکر کرده ام در سید بن طاوس ق ره چه اگر ترک کنی تعقیب عصر روز جمعه را بجهت عذری پس ترک منما این
صلوات را هرگز بجهت امری که مطلع کرده ما را خداوند صاحب جلاله بر آن **منها**
دعائی است که بعد از نماز عصر روز جمعه بخوانند چنانچه سید بن طاوس در جمال الاسبوع و شیخ طوسی ره در غیبت
و صدوق در کمال الدین بسند معتبر صحیح ذکر کرده اند از شیخ ابو عمرو عمری قدس سره نایب خاص اول حضرت است
املاء فرموده بابو علی محمد بن همام و امر فرموده که این دعا را در غیبت قائم آل محمد علیه السلام بخوانند اللهم عرفنی
نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک الخ و تمام این دعا در جزو دعوات
مخصوصه ذکر شده و ما انشاء الله تعالی اشاره کنیم که سید بن طاوس قدس سره در جمال الاسبوع ذکر نموده در حضور این دعا
هرگاه از جمیع دعواتی که بجای آوردن ذکر کردیم در تعقیب نماز عصر معذور شدی این دعا را در تعقیب عصر جمعه
ترک منما زنهار که این را مهمل گذاری خواندن آن را بدرستیکه شناختیم این را از فضل خدا جل جلاله
و حضرت مخصوص روز جمعه ما را با آن پس اهمال کن را آن **منها** خواندن صلوات کبیره است بعد از
نماز عصر روز جمعه چنانکه شیخ طوسی و سید قدس سرهما و غیر ایشان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند
و مستحب است خواندن این صلوات کبیره بعد از عصر روز جمعه اللهم ان محمدا صلی الله علیه و آله
کما وصفته فی کتابک الخ **منها** صلوات کبیره است که حضرت امام حسن عسکری
علیه السلام به عبدالله بن محمد عابد تعلیم فرموده اگر چه اختصاصی بروز جمعه ندارد ولکن از باب اطلاق
اخبار در خصوص صلوات شب و روز جمعه بلکه این صلوات افضل از سایر دعوات و اعمال بر حسب ظاهر بعد

منها خواندن صلوات است که جمیعی [illegible] در زاد المعاد گذشت و بهتر است این صلوات را
در هر روز ماه مبارک رمضان و در هر روز جمعه در تمام سال بخوانند اول آن این است إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ
يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ الخ **از جمله صلوات** ابن ادریس و غیر او بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلاة والسلام روایت کرده‌اند که هر که بعد از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند مثل ثواب عمل
جن و انس در این روز باو عطا کنند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ
بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَعَلٰى اَرْوَاحِهِمْ
وَاَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ **ابن بابویه** بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده است که هر که این صلوات را بعد از نماز عصر روز جمعه بخواند حق تعالی برای او صد هزار حسنه بنویسد
و صد هزار گناه از او محو کند و صد هزار حاجت او را برآورد و صد هزار درجه او را بلند کند و این روایت
در ثواب الاعمال نیز هست ولیکن در آن روایت این لفظ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ و ابن طاوس [illegible] ۷
و بعد از عصر روز جمعه صلوات سابق را که ابن ادریس و غیر او از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده‌اند نقل
از حضرت باقر صلوات الله علیه روایت کرده که [illegible] ثواب بسیار که ذکر شد **و از جمله** صلوات [illegible]
نیز بسند قوی بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که بعد از نماز عصر روز جمعه پیش از آنکه
از جای نماز حرکت کند ده مرتبه بگوید صلوات فرشته برای او طلب رحمت کنند از این جمعه تا جمعه آینده در همین ساعت
و بروایت معتبر دیگر از آنحضرت روایت کرده است که چون نماز عصر روز جمعه را ادا نمودی

هفت مرتبه این صلوات را بگوئی

هفت مرتبه این صلوات را بگوئی و در این روایت چنین است این الفاظ وَعَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
وَعَلٰى اَرْوَاحِهِمُ الخ و بعض صلوات دیگر در روز جمعه و بعد از نماز عصر جمعه [illegible] در کتب
اصحاب مذکور است **از جمله** استغفار در روز جمعه بعد از عصر است ابن طاوس رضی الله عنه
در جمال الاسبوع ذکر کرده باسناد خود از حضرت [illegible] علیه السلام که هر کس استغفار کند روز جمعه
بعد از عصر هفتاد مرتبه بطریق اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ بیامرزد خداوند گناهان او را
که آنچه گذشته و نگاه بدارد او را در باقی عمرش و اگر گناهی نوشته باشد که [illegible]
بیامرزد **و دیگر** خواندن صد مرتبه سوره قدر است بعد از عصر روز جمعه ابن بابویه بسند معتبر
از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده است که [illegible] روز جمعه [illegible] است که هر که
آنچه گفتم [illegible] عطا [illegible] بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ
بخواند حق تعالی [illegible] هزار رحمت [illegible] **و از جمله**
دعوات بعد از نماز عصر روز جمعه خواندن دعای عظیم القدر عشرات است و از برای این دعای
جلیل القدر شش روایات مختلفه ابن طاوس قدس سره ذکر کرده چنانکه در مصباح المتهجد [illegible]
ذخیره‌های بزرگ از اسرار دعوات است و ما هم از برای آن شش روایات مختلفه ذکر کردیم در کتاب
[illegible] از جمله روایات [illegible] یکی در ادا عقیب غروب و یکی در تعقیب صبح و در جزو [illegible]
مهمات روایتی دیگر در تعقیب عصر روز جمعه و در آخر کتاب اغاثة الداعی روایتی دیگر

و ذکر کردیم در این کتاب روایت پنجم و ششم را پس روایت اول دعا را ذکر میکنیم که مخصوص صبح است خلاف آن
در صبح یک مرتبه و بعد از عصر یک مرتبه و در روایت دوم با خصوصیت تعیین وقتی که شیخ و مجلسی نقل فرموده
هم در مصباح و بحار در کتاب دعا بکار بستن دیگر امید عذر ادا کرده ای صاحب از شرح الحدیث معلوم میشود
مدار برای حفظ این دعا سه وقت معین است یکی در صبح دیگری در شب و بهتر از این اوقات بعد از عصر
روز جمعه است که از جمله روزها وقت افضل از سایر ایام در دعوات است و چون این دعای مبارک در شرح آن
در اکثر کتب دعوات مشهور و غیر مشهور بدون خصوصیات ترک آن گفته و ذکر تنبیهات میکنیم

تنبیه ۱

از جمله معجزات شرح این دعا آن است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بحضرت امام حسین صلوات الله علیه اعلام فرمود که
با من رازی که تا تو بگویم بکسی نگوئی تا وارد شده از شهادت من یکسال بعد [illegible] آن زیاده بعد از شهادت من حضرت رسیده
۴۰ آن است در مواقع تواریخ و اخبار معتبره مثل کافی و غیرها شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در سال چهلم
از هجرت واقع شد و بعد از رحلت آنحضرت معاویه علیه اللعنه بر حوزه خلافت با حضرت امام حسن علیه السلام از اهل
معارضه نمود و در مواقع حضرت طرفه منقلب بر آمد معاویه چون بطالت در سرکرده که زیاد ابن ابیه علیه اللعنه
یکصد و پنجاه هزار نفر کوفه مامور نمود بر حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام و سایر اهل بیت و شیعیان
در قتل آنها را و شکر خاطر دار و جمله آنها بیعت بجهة معاویه بگیرند هر کس ابا نماید و تمکین نکند سر از تن او
برگیرند و سر او را برای معاویه بفرستند چون این خبر بحضرت امام حسن علیه السلام رسید در کوفه بالای منبر رفت و بمردم

اعلام نمود و طلب نصرت یاری کرد

اعلام نمود و طلب نصرت یاری از ایشان کرد نمود بجز بیست نفر احدی جواب آنحضرت را نداد پس فرمود اگر
چهل نفر ناصر برای من پیدا میشد بعروة الوثقی رسول الله صلی الله علیه و آله با معاویه قتال میکردم پس حضرت در سال
۴۱ چهل و یکم از هجرت نظر بحکم تقیه با معاویه بیعت کرد با آن شرائط مقرره که از اسباب حفظ جان و مال
و عرض و دین مؤمنان شیعیان و دوستان بود از آنجا است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شرط نمود که این
راز را تو بکسی تا بحکمی نگوئی تا ده سال از شهادت من بگذرد که اوقات رفع تقیه و مصالحه حضرت
امام حسن علیه السلام با معاویه علیه اللعنه بود زیرا که میدانست هر یک از شیعیان قبل از وقوعه بر صلح که برایند یا
واقف میشدند چون شنیدند بشهادت امام امیر المؤمنین و اولاد معصومین او سلام الله علیهم اجمعین نفوذ کرد
قضایا و مناقب ایشان است اسباب صدمه و آزار بلکه ذهاب جان و مال شیعیان بود لهذا تا وقت
گذشتن مدت تقیه از حضرت امام علیه السلام در شرح دعا چنین بر مینگارد و این شرح معوقا ماند تا انقضاء
کمتر از ابراز و اظهار کن و در موضع دیگر سیر عبد کن با من ابتدا تا تعلیم کن تا وقت وفات خود
محمد را است یا تجربه این مطلب است که ذکر کردیم با تجربه اینکه در شرح آن از شهادت حضرت سید الشهداء علیهم السلام
جبرئیل [illegible] بشهادت از دنیا مفارقت کن و سجاده [illegible] تا آخر نوشته که کسی اطلاع نشود
با من امر عظیم در [illegible] شهادت [illegible] تعلیم نمود [illegible] وقت
وفات خود [illegible] در جزو اسرار امامت بهنگام شهادت بحضرت سید الساجدین علیه السلام تعلیم فرمود
و بشیعیان تعلیم شد عجب دارم از بعض اسرار [illegible] دعای عظیم القدر و اشکال آن

۲۲۰

از دعوات مجربه صحیحه که تکرار و تعدد او بعض از کلمات و اسماء الله تعالی در آنها شده و بعضی جاهلین

و متعصبین و اشخاصی که سلب توفیق از آنها شده بواسطه کثرت دلالات و طلب استراحت بعض

بواسطه تکرار این اسماء و اذکار در دعوات و قصور اسباب استدلال و طول وقت خواندن از خواندن

چنین دعاهای صرف نظر نمایند و بدعاهای مختصره می پردازند و تجربه شده همین قدر از وقت

در زمانیکه لازمه خواندن آن دعوات و اذکار است که باید در آن موارد صرف شود چون اغراض دنیاوی

همان وقت در زمان را در موارد دیگر صرف معیشت خود نمود با کمال میل تغییر و عدم اعراض

و دلتنگی از طبع و این مسئله در اکثر افعال و اعمال خیریه و غیرها تجربه شده و بیان آن مسئله

در مسئله راجع و رجوع استاد اعظم امام الله تعالی ... السلام بطریق مستوفی ذکر نموده فلیراجع

تکلیف ۳۷

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلاة و السلام بلکه در حضور او ... اعمال و آداب ... انتظار آنحضرت

الا عزوجل است که ... در خصوص ... آنحضرت ... و در این وقت و موقع ... کمال ...

و توجهات ... امام ... در آن ...

از جمله ... که ابن طاوس ...

در کتاب جمال ... در زیارات ...

و آداب و اعمال ... ذکر شده ... زیارات ...

و ... الآتیه

یا علی القوی ۴

۲۲۱

که جمع ... علما ... مرحوم ... ذکر ... و ... **دعای اول**

یَا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ یَا مَنْ عَرَّفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ

یَا مَنْ سَلَكَ بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتَهُ یَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَی شُكْرِهِ

یَا مَنْ مَنَّ عَلَیْهِمْ بِدِینِهِ وَلَطَفَ بِهِمْ بِنَائِلِهِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْخَلَفِ الصَّالِحِ

عَلَیْهِ السَّلَامُ بَقِیَّتِكَ فِی أَرْضِكَ الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ

وَبَقِیَّةِ آبَائِهِ الصَّالِحِینَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ وَأَتَضَرَّعُ إِلَیْكَ بِهِ وَأُقَدِّمُهُ بَیْنَ

یَدَیْ حَوَائِجِی وَرَغْبَتِی إِلَیْكَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِی كَذَا وَكَذَا

و حاجت خود را بگوید وَأَنْ تُدْرِكَنِی وَتُنْجِیَنِی مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَ

تُلْبِسَنِی بِهِ عَافِیَتَكَ وَعَفْوَكَ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَكُنْ لَهُ وَلِیًّا وَحَافِظًا

وَنَاصِرًا وَقَائِدًا وَكَالِئًا وَسَاتِرًا حَتَّی تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ

فِیهَا طَوِیلًا یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ

فَسَیَكْفِیكَهُمُ اللهُ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أُولِی الْأَمْرِ

الَّذِینَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَأُولِی الْأَرْحَامِ الَّذِینَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ وَذَوِی

الْقُرْبَی الَّذِینَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَالْمَوَالِی الَّذِینَ أَمَرْتَ بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ

وَأَهْلِ الْبَیْتِ الَّذِینَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیرًا أَسْأَلُكَ

بهم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها يا غفار وتتوب
علي يا تواب وترحمني يا رحيم يا من لا يتعاظمه ذنب وهو على كل شيء قدير

دعای دوم در ساعت معهوده جمعه

اللهم يا خالق السقف المرفوع والمهاد الموضوع ورازق العاصي والمطيع
الذي ليس له من دونه ولي ولا شفيع اسألك باسمائك التي اذا
سميت على طوارق العسر عادت يسرا واذا وضعت على الجبال كانت
هباء منبثا واذا رفعت الى السماء تفتحت لها المغالق واذا هبطت
الى ظلمات الارض اتسعت بها المضائق واذا دعيت بها الموتى انتشرت
من اللحود واذا نوديت بها المعدومات خرجت الى الوجود واذا ذكرت
على القلوب وجلت خشوعا واذا قرعت الاسماع فاضت العيون
دموعا اسألك بمحمد رسولك المؤيد بالمعجزات المبعوث بمحكم الآيات
وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب الذي اخترته لمواخاته ووصيته
واصطفيته لمصافاته ومصاهرته وبصاحب الزمان المهدي الذي
تجمع على طاعته الآراء المتفرقة وتؤلف له الاهواء المختلفة وتستخلص به
حقوق اوليائك وتنتقم به من شرار اعدائك وتملأ به الارض

عدلا واحسانا

عدلا واحسانا وتوسع على العباد بظهوره فضلا وامتنانا وتعيد الحق
من مكانه عزيزا حميدا وترجع الدين على يديه غضا جديدا ان تصلي
على محمد وآل محمد فقد استشفعت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين
يدي حوائجي وان توزعني شكر نعمتك في التوفيق لمعرفته و
الهداية بطاعته وتزيدني قوة في التمسك بعصمته والاقتداء
بسنته والكون في زمرته انك سميع الدعاء برحمتك يا ارحم الراحمين

ومنها چهارم دعای سمات است در ساعت آخر روز جمعه و این دعا از دعوات
عظیم القدر جلیل الشأن است بلکه از اسرار مکنونه و ودایع مخزونه است که احتمال شایع و ذایع
در میان نااهلان ندارد ترک آن ضایع کردیده و حقیر در مجلد ششم از کتاب خزائن شرح
مبسوطی برای آن نوشته ام که خلاصه اسرار و دقایق و حقایق و نکات ظاهره و باطنه
بعضی از آن مستنبط از آثار اهل بیت معصومین است سلام الله علیهم مطلع شده بران کتاب رجوع نماید
الحاصل چون هنگام غروب آفتاب شود سزاوار است که بلا واسطه وسیله این دعا [illegible]
خود بسوی خدا در دل وائمه طاهرین سلام الله علیهم قرار گرفته این دعای مبارک را با کمال خضوع
و خشوع بخواند و با نهایت الحاح امام خود را شفیع گرداند در حضرت رب تعالی از برکت این دعای
مبارک و شفاعت امام زمان از فقرا مطالب و مآرب دنیویه و اخرویه ترا البته

دعوت را بکنید در این وقت و ساعت بسا غفلت مبادا بسر بری هم روز جمعه که مخصوص آنحضرت است
و هم وقت در ساعت مخصوص بآنحضرت ارواحنا فداه و عصر روز با امیرونه و عشیه شب زوال ...
لام تر ارواحنا فداه در آنوقت مشغول دعا و تضرع و زاری است تو هم تأسی بآنحضرت کن
اگر خدا نکرده اوقات گذشته این روز را بغفلت و عطلت و شغل و اشتغال صرف کرده
در صدد اصلاح و جبران و تدارک مافات در این ساعت مخصوص تعجیل کن که وقت تنگ
و فرصت کم و حالت حضور طلب مانند برق خاطف در گذران است چون دعای آنروز و ساعت ... آن
ذکر شد انتشار و اشتهار در عموم اعصار و امصار کالشمس فی رابعة النهار است در این مختصر نیاوردیم الا
آنکه گویم دیگر ای کلاه کن جهد کن در دعای سمات آنرا صحیح بخوانند و ... مضامین ادعیه
آن باشی و ... دعای غلط بخوانند در دعای مستجاب نخواهد شد در حقیقت ... خواهد شد

تکلیف ۳۸

سابقا ذکر شد که از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلوة و السلام محزون بودن در غم آنحضرت است
متعلق و منسوب بآنحضرت است ارواحنا فداه از جمله روز عاشورا است که بر اوقات احادیث روز ظهور و خروج
آنحضرت است که به جهت اظهار لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ و انتقام کشیدن
از قاتلین حضرت سید الشهداء صلوات الله علیه وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ
سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِف فِّي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا پس در این روز بر منتظر فرج

علیه بوفور السرور بکنند

علیه بوفور السرور از آنحضرت شده در زیارت حضرت سید الشهداء ارواح العالمین له الفداء در انجمعه در ضمن مطالب دیگر که
در زیارت عاشورا و در نام گرامی آنحضرت ارواحنا فداه بمیر شد ... که در کتب بعد از دعای علقمه بیاید
دعوات متعلقه بزیارات عدیده مختلفه عاشورا که در کتب مزارات ضبط است بجهت آنکه از قبل ادعیه مخصوصه زیارت
در ایام غیبت خوانده شود چنانکه سابقا ذکر شد بلکه زیارت ندبه و دعای ندبه سلام هم در این روز بقصد قربت
محضه بحال حزن و اندوه قرائت نماید در ایام غیبت هم در تمام شیعیان ... بزرگ
داشته نمایند شیعه در رفع این مصائب و محن و این رزایا و حزن بنشینند للا ... بطور ذکر شد بجهت فرج
و تعجیل ظهور حجه الطاهرین وفاضل لوذعی المتقی مولوی ... اعلی الله ...
و جسمانی المؤید من عند الله حاجی میرزا حبیب الله و فقه الله تعالی شرح مختصری برای زیارت عاشورا تحریر نموده
که را جاکدا از او ... مرا ... سوال ... سوالات ... علیهم ... مطالعه آن لازم است الائم ...

تکلیف ۳۹

از جمله از سنه داده شده که اختصاص بحضرت صاحب العصر و الزمان ارواحنا فداه دارد شب و روز نیمه شعبان است
و اختصاص این شب و روز مبارک نسبت بآنحضرت از چند جهت است یکی برای آنکه شب ولادت باسعادت
و شرافت آنحضرت است ارواح العالمین فداه بقول اصح دیگر شب قسمت آجال و ارزاق عباد در این شب
ثبت کردن و نوشتن حاج است همچنانکه در شب قدر تعیین شود و سید بن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال بعضی
احادیث در این خصوص ذکر کرده است که بر او حفظ شود در هر صورت قسمت آجال و تقسیم ارزاق و غیره

۲۷۶

محضوص بوجود مقدس امام عصر ارواحنا فداه است و در روایت است لوح محو و اثبات بنام نامی یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب **ودیگر** موافق حدیثی که در مصابیح الرحمه است که ارواح مؤمنین در شب ... روایت شده که اگر شرک مردم ... است که اعمال عرضه میشود بر من در روز پنجشنبه پس چون ماه تمام میشود کامل میشود پس در نصف ماه شعبان عرضه میشود آن اعمال بر پیغمبر ... صلی الله علیه و آله و سلم پس نوشته میشود در ذکر حکیم انتهی ولا شبهه است چنین امر بزرگی که در این شب مبارک بدون حضور مقدس امام عصر ارواحنا فداه گذارده شده و این خود مطلب عظیم و شرافت جسیمی است از شرافت فخیم که در تمام ارضین و سموات مخصوص آن وجود مقدس مبارک عجل الله فرجه است **ودیگر** شب نزول ارواح یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر است که از آنجمله پنج پیغمبر اولوا العزم است که نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد است صلی الله علیهم اجمعین که بزیارت حضرت سید الشهداء صلی الله علیه و آله می آیند و ... که از جمله زائران حضرت سید الشهداء علیه السلام نیز در این شب حضرت حجت است و تحقیق در فرجه ... در مصافحه امام عصر با یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر خود امری است عظیم که فخری و بکری ... آن ارواح معظم چنین سلطنت اعظم که ولی کاینات و حجت بر تمام ارضین و سموات است ... مصافحه نمایند ... در آن شب در زیارت حضرت ... ارواح انبیاء ... تا مجال چگونگی این مصافحه را ندانسته بلکه شاید این مسئله را تأویل نکنی بلکه شاید عقلا ... باین کیفیت ... باشی **خلاصه** هر در این شب مولود مبارک ...

از طاعت و عبادات

[illegible]

از طاعت و عبادات واجبات آن قدر استطاعت نمائی که مبادا ... خود ... شقی باشی زیرا که رسیده است که فلا یُضعف عن قیام تلک اللیلة الا شقی و در زیارت که از حضرت حجت سلام الله ارواحنا فداه بزیارت که مخصوص شب نیمه شعبان است که اول آن این است اللهم بحق لیلتنا هذه و مولودها و حجتک و موعودها الخ و ... و صلوات ... که مخصوص این شب مبارک است عمل شده اکثر دعوات ... دعای توجه مبارک امام عصر ارواحنا فداه ... دعای کمیل و نمازهای ... مفصله در کتب عبادات عربی و فارسی ثبت و ضبط است که شاید هم تو در ذکر حکیم جزو سعداء ثبت شوی

۸ ۷

تکلیف ۴۰

از جمله زینت دادن ... که ... حضرت ... روز نوروز است اگرچه ... ادام الله ظلاله ... شرعی در این خصوص مقرر فرموده ... روز نوروز ... ۲

تکلیف ۴۱

از جمله تکالیف انام در غیبت امام عصر علیه الصلوة و السلام هدیه فرستادن حضور مهر ظهور آن حضرت ... چون از وظایف عبد نسبت بمولای خود آن است که اگر متاع نفیسی داشته باشد برای مولای خود هدیه میفرستد و این فرستادن هدیه نسبت بعبد است یا بجهة اظهار خصوصیت و حفظ علاقه عبودیت است یا بجهة تذکر نمودن مولا است نسبت بخود که او ...

[illegible]

منظور نظر رحمت و کرامت خود داشته باشد یا محبت آن است که هدیه جمیع انعام و عطیه دارائی
آن مولا را بدو دهد یا محبت رفع کمند و نقاری است که سابقاً در مولای او است تا سخط و رفع
گرانی خاطر مولای خود را نماید یا محض محبت صرفه و مودت محضه است که ابراز ملاحظه
ذلّه و الا مقصد از اهدا محبت و مودت همان ظهور و بروز کمال عبودیت و عبودیت در حضرت
خاطر مولای خود این نوع هدیه محض طمع و جلب منفعت و سایر حظوظ گذشته در آن باشد
افضل و اعظم خواهد بود و قبول کردن آن هدیه نحبه مولا کو اراده و عبد با تر و خوشنودتر است پس
ما بندگان که در غیبت مولا و آقای خود ارواحنا فداه واقع شده ایم و دست رسی بحضور اقدس آن
حضرت نداریم سزاوار است که گاهی اراده بوسیله هدیه حقیر از برای آن بزرگوار اظهار عبودیت
در رقیت خود را نسبت بحضرت بنمائیم شاید مولی برحمت و لطف نگرد تا آن آقای ولی نعمت
و ولی النعم حقیقی شویم و چون تمام موجودات در تحت قبضه و تصرف آن مالک الملوک و صاحب اختیار
در زمین و زمان و تعلق با هم در بلوای نصدق وجود مقدس آن مولای کل کائنات است و چیزی
که لایق و در خور حضور در حضرت باشد نداریم العبد و ما فی یده کان لمولاه الا بعض
اعمال خیریه از قبیل نماز و روزه و حج و صدقات و غیرها خود را که ملاحظه نمودیم هدیه که سزاوار از
شان آن حضرت کل یوم هو فی شأن از قسم اشغال دنیویه باشد چیزی شایسته نیافته بغیر از جنس
و سنخ نورانیت و عوالم ملکوتیه خود جل جلاله لن ینال الله لحومها و لا دماؤها

ولکن یناله التقوی منکم

ولکن یناله التقوی منکم و الصلوة قربان کل تقی پس افضل اعمال عبد صلوة است
و هدیه که لایق حضور مبارک باشد بهتر از انواع و اقسام نفیس دارائی شخص باشد از آنجهت نماز
هدیه ایست مقرر و مخصوص که از آداب اعمال مقرره باین وجه هدیه حضور مهر ظهور السلطان المعظم
و در شب و روز اعظم ارواح العالمین فداه نمائیم (من چه در پای تو ریزم که سزاوار
تو باشد (سر و جان را نتوان گفت که مقداری هست) پس از جمله
تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلوة و السلام آن است که با هر و بواسطه نماز هدیه ترتیبی بحضرت معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین خجسته در هر روزی که موافق تقسیم شرع قویم متعلق باشان است نماز هدیه
با کمال خضوع و خشوع بآنکه مرتب و تقسیم خود آن بزرگواران مقرر و منعقد فرموده اند
بقصد تقرب و حضرت و قربت محضه نماز مقرر را بر طبق اخلاص گذارده بدرگاه جلالت و عنایت
ایشان برسم تحفه و بعنوان هدیه تقدیم نماید شاید این تحفه مقبول درگاه و این هدیه
مطبوع بارگاه ایشان صلوات الله علیهم گردد که صاحب هدیه مورد الطاف و اعطاف ظاهره و باطنه
پس طریقه نماز هدیه بکیفیت بحسب تقسیم ایام هفته است و قسم دیگر بدون تقسیم است که
در هر روز و هر وقت بخواهد جایز و مختار است

اما تقسیم نماز هدیه نمودن بمعصومین صلی الله علیهم اجمعین بحسب ایام هفته

موافق روایت معتبره از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین که در کتب معتبره علمای اعلام و مشائخ کرام رضوان الله علیهم

۲۳۰

ثبت است چنین نقل کرده‌اند در مستحب است آدمی در روز جمعه شش رکعت نماز بکذارد و بعد از هر دو رکعت
سلام گوید و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و آله کرده‌اند و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت
فاطمه زهرا سلام الله علیها نماید و در هر روز شنبه چهار رکعت یکان یکان و هدیهٔ امیر المؤمنین
علیه السلام کرده‌اند و همچنین هر روز چهار رکعت یکان یکان و هدیهٔ امامی کرده‌اند بترتیب تا روز پنجشنبه
چهار رکعت یکان یکان و هدیهٔ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کرده‌اند و باز در روز جمعه هشت
رکعت کنند و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت
فاطمه علیها السلام کرده‌اند و در هر روز شنبه چهار رکعت هدیهٔ حضرت امام موسی علیه السلام
و هر روزی چهار رکعت هدیهٔ امامی نماید تا روز پنجشنبه چهار رکعت را هدیهٔ حضرت صاحب الزمان
ارواحنا فداه نماید و بعد از هر دو رکعت این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلامُ وَمِنْكَ السَّلامُ
وَاِلَيْكَ يَعُودُ السَّلامُ حَيِّنا رَبَّنا مِنْكَ بِالسَّلامِ اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الرَّكَعاتُ
هَدِيَّةٌ مِنّي اِلى وَلِيِّكَ فُلانٍ و بجای فلان اسم آن امام را بگوید که این نماز
هدیه برای اوست فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُ اِيّاها وَاَعْطِني
اَفْضَلَ اَمَلي وَرَجائي فيكَ وَفي رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَفيهِ پس هر دعائی خواهی بکن ان شاء الله تعالی رو آمده است ۷

اما نماز هدیه که بدون تقسیم ایام هفته است

و هر اوقات بخواند مختار است

۲۳۱

و هر اوقات بخواند مختار است در ذیل تکلیف آینده مذکور خواهد شد)

تکلیف ۴۲

از جملهٔ تکالیف لازم در غیبت امام علیه الصلوة والسلام هدیه نمودن ثواب طاعات و عبادات واجبه
و مستحبه خود است بآنحضرت و آباء کرام آنحضرت صلی الله علیهم اجمعین است که از اسباب قبولی اعمال و زیادتی
و باعث تضعیف دارد طاعات عبد خواهد بود چنانکه سید بن طاوس رحمه الله در جمال الاسبوع
روایت کرده بسندی که مرفوع است بائمه علیهم السلام فرمودند که کسیکه ثواب نماز خود را
چه فریضه و چه نافله قرار دهد برای رسول خدا و امیر المؤمنین و اوصیاء بعد از او صلوات الله علیهم اجمعین
خدا در برابر مضاعف میکند ثواب نماز او را اضعاف مضاعف تا نفس قطع شود و باو میگویند
پیش از آنکه روحش از بدنش مفارقت کند ای فلان دلت خوش باد و چشمت روشن بآنچه
خدا گفته الا هو خدا تعالی برای تو و گوارا باد برای تو آنچه را که رسیدی باو راوی پرسید
از امام علیه السلام چگونه هدیه مینماید نماز خود را و چه میگوید فرمودند نیت میکند ثواب نماز خود را
بجهة حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اگر ممکن باشد او را زیاد نماید بنمازهای پنجاه رکعتی چیزی را
اگرچه دو رکعت باشد در هر روز و هدیه فرستد ثواب آن دو رکعت را بسوی یکی از ایشان
سلام الله علیهم پس افتتاح آن دو رکعت نماز را بکند به نیت هدیه کی از کلمه مثل افتتاح نماز فریضه

که بامید یک تکبیر گوید یا سه تکبیر یا یک تکبیر در هر رکعت و بگوید بعد از تسبیح رکوع و سجود سه مرتبه
صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین در هر رکعت پس سلام گوید و چون فارغ شد
و سلام گفت بگوید اللهم انت السلام و منک السلام یا ذا الجلال و الاکرام صل
علی محمد و آل محمد الطیبین الطاهرین الاخیار و ابلغهم منی افضل التحیة
و السلام اللهم ان هذه الرکعات هدیة منی الی عبدک و نبیک و رسولک
محمد بن عبد الله خاتم النبیین و سید المرسلین اللهم فتقبلها منی و ابلغه
ایاه عنی و اثبنی علیها افضل املی و رجائی فیک و فی نبیک صلوات
علیه و آله و وصی نبیک و فاطمة الزهراء ابنة نبیک و الحسن و الحسین سبطی
نبیک و اولیائک من ولد الحسین یا ولی المومنین یا ولی المومنین یا ولی المومنین

مؤلف گوید خلاصه این دعا در صورتیست که چهار رکعت یا زیادتر نماز هدیه کند به
حضرت رسول صلی الله علیه و آله که باید در نماز دو رکعتی ضمیر تثنیه آرند چنانچه دو رکعت شده بگوید
اللهم ان هاتین الرکعتین ... فتقبلهما .... و علیهما را تثنیه باید خواند
در هدیه دو رکعت برای سایر معصومین علیهم السلام بخواند و پس از دو رکعت نماز هدیه به حضرت
امیر المومنین علیه السلام بخواند دعای مذکور را تا افضل التحیة و السلام و بگوید اللهم ان هاتین
الرکعتین هدیة منی الی عبدک و ولیک و ابن عم نبیک و وصیه

امیر المومنین علی بن ابیطالب

امیر المومنین علی بن ابیطالب اللهم فتقبلهما منی و ابلغه ایاه عنی و اثبنی علیهما
افضل املی و رجائی فیک و فی نبیک و وصی نبیک و فاطمة الزهراء ابنة
نبیک و الحسن و الحسین سبطی نبیک و اولیائک من ولد الحسین یا ولی المومنین
یا ولی المومنین یا ولی المومنین و چون دو رکعت نماز هدیه به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها
باید بعد از سلام بگوید اللهم ان هاتین الرکعتین هدیة منی الی الطاهرة المطهرة
الطیبة الزکیة فاطمة بنت نبیک اللهم فتقبلهما منی و ابلغهما ایاها عنی و اثبنی
علیهما افضل املی و رجائی فیک و فی نبیک صلوات الله علیه و آله و زوجها وصی
نبیک و الطیبة الطاهرة فاطمة بنت نبیک و الحسن و الحسین سبطی نبیک
یا ولی المومنین یا ولی المومنین یا ولی المومنین و چون دو رکعت نماز هدیه به حضرت
امام حسن علیه السلام کند باید بعد از سلام بگوید اللهم ان هاتین الرکعتین هدیة منی
الی عبدک و ابن عبدک و ولیک و ابن ولیک الحسن بن علی المرتضی علیهما السلام
اللهم فتقبلهما منی و ابلغه ایاهما و اثبنی علیهما افضل املی و رجائی
فیک و فی نبیک و ولیک و ابن ولیک یا ولی المومنین یا ولی المومنین یا ولی المومنین
و چون دو رکعت نماز هدیه به حضرت امام حسین علیه السلام کند باید بعد از سلام بگوید اللهم ان
هاتین الرکعتین هدیة منی الی عبدک و ابن عبدک و ولیک و ابن ولیک

سبط نبيك الطيب الطاهر الزكي التقي الحسين بن علي المجتبى بن فاطمة تا آخر دعا
و يا ولي المؤمنين سه مرتبه بگويد و چون دو رکعت نماز هديه بجهة حضرت علي بن الحسين عليهما السلام
بجا آوردي بعد از سلام بگو اللهم ان هاتين الركعتين هدية مني الى عبدك وابن
عبدك ووليك وابن وليك سبط نبيك زين العابدين علي بن الحسين عليهما السلام
و بعد از آن تا آخر دعا و يا ولي المؤمنين سه مرتبه بگويد و چون دو رکعت نماز هديه بجهة حضرت
امام محمد باقر عليه السلام بجا آوردي بعد از سلام بگو اللهم ان هاتين الركعتين هدية مني
الى عبدك وابن عبدك ووليك وابن وليك سبط نبيك محمد بن علي الباقر عليك
و بعد از آن تا آخر و يا ولي المؤمنين را سه مرتبه بگويد و چون دو رکعت نماز هديه بجهة حضرت امام جعفر
صادق عليه السلام بجا آوردي بعد از سلام بگو اللهم ان هاتين الركعتين هدية مني الى
عبدك وابن عبدك ووليك وابن وليك سبط نبيك جعفر بن محمد الصادق
عليهما السلام و بعد از آن تا آخر و يا ولي المؤمنين سه مرتبه بگويد و چون دو رکعت نماز هديه بجهة
موسى بن جعفر عليهما السلام بجا آوردي بعد از سلام بگو اللهم ان هاتين الركعتين هدية مني
الى عبدك وابن عبدك ووليك وابن وليك سبط نبيك موسى بن جعفر
عليهما السلام وارث علم النبيين الى آخر دعا سه مرتبه يا ولي المؤمنين و چون دو رکعت
نماز هديه بجا آوردي بجهة حضرت علي بن موسى الرضا عليهما السلام بعد از سلام نماز بگو

اللهم ان هاتين الركعتين

اللهم ان هاتين الركعتين هدية مني الى عبدك وابن عبدك ووليك وابن
وليك سبط نبيك علي بن موسى الرضا بن المرتضين عليهم السلام الى آخر دعا
و گفتن يا ولي المؤمنين را سه مرتبه و چون دو رکعت نماز هديه بجا آوردي بجهة محمد بن علي و علي بن
محمد و حسن بن علي عليهم السلام بعد از سلام نماز همان دعا را بطريق سابق براي هر يک بجا آورد و چون
و چون دو رکعت نماز هديه بجهة حضرت صاحب العصر و الزمان ارواحنا فداه بجا آوردي بعد از سلام بگو
دعاى ... اللهم ان هاتين الركعتين هدية مني الى عبدك و
ابن عبدك ووليك وابن وليك سبط نبيك في ارضك وحجتك على خلقك
يا ولي المؤمنين سه مرتبه **في البحار** عن ابن ... حضرت امام حسن عليه السلام عرض کرده ...

تكليف ٤٣

از جمله تکاليف انام در غيبت امام عليه السلام مقدم داشتن آن حضرت است بر خود در تمام دعوات ...
و تشريع بعنوان حج ... در تمام مطالب ... و مقدم داشتن امام
و حوائج ابن طاوس ... در کشف المحجة ... مقدم داشتن حوائج آن حضرت
بر حوائج خود ... مقدم بدارد نفس خود را ... در دعا
دعاى از براى آن حضرت ... نشود ... خود را و زبان خود را ادعا
از براى اين سلطان عظيم الشأن و حضور کنی ... اعتقاد کن ... براى آن

[illegible]

و از حضرت محتاج نبودی دعای او است بی‌نهایت اگر این مسئله معتقد باشی پس تو بر فیض و الطاف
و دوستی خود بکه این مسئله گفتم بجهة چیزی بود که تو را شناسانیدم از حق عظیم آنحضرت بر تو
و احسان بزرگ او بسوی تو و بجهة اینکه هرگاه دعا کردی برای آنحضرت تبرکا دعا کردن
برای نفس خود برای آنکه عزیزت نفوس نفوس حلال بود با آنکه بازنمایه خداوند جل جلاله ابواب
اجابت را در پیش روی تو زیرا که ابواب قبول دعا را ای بندگی بستی بسبب گناهان پس هرگاه
دعا کردی برای این مولای خاص در نزد مالک احیاء و اموات امیدوارم بجهة خاطر آن وجود
مقدس خداوند ابواب اجابت را بروی تو بگشاید الی آخر کلماته رحمه که از آن را در جزء تکالیف
سابقه ذکر کردیم

تکالیف عدیده

هرگاه استاد اعظم ادام الله ظله العالی در کتاب نجم ثاقب پس از تصنیف بجهة عبادت در عصر غیبت حضرت حجة الله صلوات الله علیه
متعین فرموده‌اند و از برای هر یک از آن تکالیف متعینه شرحی ذکر فرموده‌اند ما اجمال آن را ایشان
۴۴ **اول** مهموم بودن برای آنحضرت بجهة غیبت آن بجهة محروم و مستور بودن و محجوب بودن
از رسیدن دست مهم برادران و خویش و از روشن گشتن دیدگان نور جمالش و نبودنش در میان انام
و اطلاع عیش بر جفاهای کردار عباد و زنگار دل‌های ایشان و بجهة ممنوع بودن آنحضرت از سلطانی
حقیقیه است از حق و حق و اجرای احکام و حدود و اجرای فرامین الهیه و منع تعدی

و ظلم و جور و اقامه حقوق و احقاق حق و ابطال باطل و غیره تفکیر مرتب نمایدن جاده را دیدن
مستقیم و واضحه شریعت مطهره و در کشف راه رسیدن آن در راههای باریک تاریک
متشتته و در مطالب آن جمعی از دزدان راهزن دین بسیار در کمین نشسته و در پیوسته سلوک و شبهات
در قلوب عوام و خواص داخل کنند تا آنکه این فرقه ناجیه و عصابه مهتدیه را با تیه و تکذیب
تکذیب و تکفیر و لعن و توهین کنند و رحی کشند و اعدا را بر خود چیره شده و دیر ببینند و شمرده
از دین خدا بیرون روند و علماء ربانیین از انظار منزوی و عاجز و ملاق شده و عدد صالحین علیهم السلام
در خلق اندک و حتی که نگاه داشتن مؤمن دین خود را مشکل تر است از نگاهداشتن جمرهٔ آتش
در دست الی آخر کلماته رحمه
۴۵ **دویم از تکالیف مقرره**
انتظار فرج کشیدن در هر آن و ترقب بروز و ظهور دولت قاهره و سلطنت ظاهره مهدی آل محمد علیهم السلام
و پر شدن زمین از عدل و داد و غالب شدن دین قویم بر جمیع ادیان تا آنکه معاذ و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرموده‌اند کسیکه بمیرد از شما در حالی که منتظر باشد این امر را مانند کسی است که در خیمه
حضرت قائم علیه السلام است در شرح صدوق در کمال روایت که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده منتظر
امر ما مانند کسی است که در راه خدا بخون خود غلطیده باشد و نیز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
از دین ائمه است ورع و عفت و صلاح و انتظار داشتن فرج آل محمد علیهم السلام الی آخر کلماته رحمه

(سیم از تکالیف مقرره)
۴۶

دعا کردن از برای حفظ وجود مبارک امام عصر علیه السلام از شرور شیاطین انس و جن و طلب تعجیل نصرت و ظفر
و غلبه بر کفار و ملحدین و منافقین بجمیع الحالات چنانکه این حقیر سابقا اشاره نمود

47 چهاردهم از تکالیف مقرره

صدقه دادن است بانچه میسر شود در هر وقت برای حفظ وجود مبارک امام عصر علیه السلام و در محبت او که چون بر
برهان عقل و نقل و وجدان هیچ نفسی عزیزتر و گرامی تر نیست و نباید باشد از وجود مقدس امام عصر علیه السلام
بلکه محبوب تر از نفس خویش که اگر چنین نباشد در ایمان ضعف و نقصان و در اعتقاد خلل و سستی است
چنانچه بسند معتبره از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که هیچ ایمان نیاورده احدی از شما تا آنکه
بوده باشم من و اهل بیت من محبوب تر نزد او از جان و فرزند و تمام مردم و چگونه چنین نباشد و حال آنکه
وجود و حیات و دین و عقل و صحت و عافیت و سایر نعم ظاهریه و باطنیه تمام موجودات از برکات آن
وجود مقدس و از طفیل اوست صلوات الله علیهم و چون ناموس عصر و مدار دهر و مدیر افلاک و ماه
و صاحب این قصر و بارگاه و سبب آرامی زمین و سیر افلاک و رونق دنیا از سمک تا سماک حاضر
در قلوب اخیار و غایب از چشم اغیار در این اعصار حضرت حجة بن الحسن صلوات الله علیه و علی آبائه
و چون صحت و عافیت لازمه ذات است بر وجود آن نفس مقدس و ذات شریفه معتدل آن ذات
اقدس است پس بر تمامی خود پرستان که تمام اهتمامشان در حفظ و حراست و سلامتی نفس خویش است
چه رسد باینکه غیر آن وجود مقدس کسی را لایق هستی و سزاوار عافیت و تندرستی ندانند

لازم و متحتم است که

لازم و متحتم است که مقصود اولی و غرض اهم ایشان از جمیع نفوس بر آن هر وسیله و سببی که برای
بقای صحت و استجلاب عافیت و مقتضای حاجت نفوس مقدسه شمرده شود چون دعا و تضرع
و تصدق و توسل سعی و دقت در حفظ آن وجود مقدس باشد الا آنکه کلمات بالاتر به والا الله العاقبة 48 پنجم و
از تکالیف مقرره حج کردن و حج دادن به نیابت امام عصر علیه السلام چنانچه در میان شیعیان مرسوم بود
در قدیم و در کتاب خرائج راوندی خبری مذکور در شرح ابو محمد دعلجی که او را وجهی دادند بجهة نیابت حج برای حضرت
داد و او مبلغی به پسر شراب خوار خود داد که بجهة آنحضرت حج را بجا آورد و حضرت در موقف او را دیده
فرمودند که چرا این نیابت را به پسر فاسق خود واگذار کردی نزدیک است که چشم او محمد بعد کور شد پس خبر داد
49 ششم از تکالیف مقرره برخاستن بجهة تعظیم شنیدن اسم مبارک آنحضرت خصوص اسم مبارک
قائم علیه السلام باشد چنانچه سیره تمام اصناف امامیه کثرهم الله تعالی بر آن مستمر شده در جمیع بلاد
از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و این خود کاشف شد از وجود ماخذ و اصلی از برای این عمل
اگرچه تاکنون بنظر نرسیده ولکن از چند نفر علما و اهل اطلاع مسموع شد که ایشان دیده‌اند خبری
در این باب بعضی از علما نقل کرده که این مطلب را سؤال کردند از عالم متبحر جلیل سید عبدالله سبط
محدث جزایری و آنمرحوم در بعضی از تصانیف خود جواب داده که خبری دیدم از بعضی نصوص ایشان
که روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام اسم مبارک در مجلس برده شد پس حضرت بجهة تعظیم
و احترام آن برخاست الی آخر کلامه رفع مقامه **مؤلف کوید ۷** از جمله برخاستن اسم مبارک

۷ [illegible]

مخصوص قائم از دیگر ائمه اعصار است که در حقیقت جهانیان مقصود گشته اتّفاقاً در این عصر زبان اسم اصلی او
محمّد بن الحسن است صلوات الله علیهما حق التعدد در مجلس و محافل نیز بزند و لب یاد اسامی و
القاب مقدّسه مبارکه آنحضرت اکتفا می‌نمایند چنانچه اسم مخصوص قائم را علی الخصوص از زبان
اسامی آنحضرت از دیگر اسامی خود یکسان دیگر ذکر نمایند طوعاً او کرهاً ذاکر و مستمع از جای
خود برمیخیزند و خود هم احدی از امامیه از این شرع تقاعد نورزند الّا غافل یا شقی و این
برخاستن یا جهت آن است که ما برای برخاستن در آن گنجه شدن از جای مکان خود برای نصرت
دیاری تو تقاعد نورزیده‌ایم یا جهت آن است که چون اسم مبارک آنحضرت مذکور شود از جا به جهت
دیگر احترام حضور وجود آن وجود مقدّس پا بر جا عدم برخیزند و مقدم آنحضرت نمایند و این
مطلب خود از خصایص آن وجود مقدّس مبارک است هر کس در این که حاضر و در هر مجلس و محفل
برگزاده جزو اسم مبارک آنحضرت است از ائمّه به جهت مخصوص اسم قائم را سطوت قطعی و محل
مخصوص آنحضرت می‌شود اگرچه تمام اشیاء نزد آن وجود مبارک حاضر و آنها ناظر است و تمام کاینات
نزد آن وجود مقدّس مانند درهمی است در کف دست و این مطلب و صف کمترین شئی از مصادر خصایص
آن وجود مبارک است چگونه چنین باشد و حال آنکه این صفت در وجود حضرت خضر علیه السلام که
از جمله تابعان و مطیعان و کارکنان آنحضرت است از آنجا که وجود است چنین صفتی که در وجود
تابع آنحضرت باشد خود متوجّه باش چه شأن و علوّ آنحضرت است آنچه که منظور علوی از حضرت رضا علیه السلام

روایت کرده که آنحضرت فرمود خضر از آب حیات آشامید پس او زنده باشد و نمیرد تا که در صور
دمیده شود و او نزد ما آید و بر ما سلام کند صورت او را می‌شنویم و شخص او را نمی‌بینیم و او
حاضر می‌شود در هر جا که نام او برده شود پس هر کس نام او را برد باید سلام کند و او در موسم حج
حاضر گردد و مناسک حج را بجا آورد و در عرفات بایستد دعای مؤمنین را آمین گوید و در نوبت باشد
که خدا او را مونس قائم نماید در وحشت و در وحدت قائم ما را با او وصل کند و شیخ نعمانی ع
در غیبت خود ذکر نموده که کسی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که آیا قائم متولد شد فرمود نه
و اگر من او را درک کنم خدمت کنم او را تا ایام حیاة خود و واضح است کسیکه افضل از خضر باشد
و آرزوی خدمتکاری قائم را محمد آل فرج را نماید حضرت خضر علیه السلام متابعت و شایعت و عادت
آنحضرت بلا برای خواهش زیارتش چگونه اصرار نماید و حال آنکه آنحضرت از اجداد طاهرین آگاه و مولای ایشان
و آخرت او است وجود او بسته به آن نیز که از ولایت و محبّت آنحضرت و دیدار مبارکش سلام الله علیهم
۵۰ فدا باد **هفتم** تضرّع و مسئلت از خداوند تبارک و تعالی به جهت حفظ ایمان از شر
شبهات شیاطین و ملاحده و مشککین که در این زمانه کفر خود را پوشیده نموده‌اند در پی آن جمله از کلمات حقه
چون دانه که صیاد در زیر دام خوش نشیند رنگی پنهان کنند و به آن گفتار دم کنند در باب
۵۱ و سعید آن خبر کلمه حقه در قلوب داخل کنند الا که کلمه **هشتم**
استمداد و استعانت در شکفتن در سختی‌ها بجا آرد است در هنگام شر ایدا احوال و بلایا دوام

شبهات نیست و از اطراف و جوانب از اقارب و اجانب ذریه ما را چپاه و اموال را از شکنای بغضی در بستن
از جانش مثل شبهه در نفع کرده و در نفع تجبر و سد خلق و نفوس ایشان را محصور بلاها نموده
خود مسیح دارند و لذا بان تمسک کل مستغیث بر ذرات حسب قدرت الهیه و علوم لدنیه ربانیه را که
دارا است و در حال هر کس را در هر جا دارد در اجابت مشورش تا خلقه پیوسته فیضش به هر کس با و از ذره
تا حقیقت و استعداد او و ملاحظات صحیح نظام عباد و بلاد رسیده و بیش از نظر در امور دنیا
از طمع و نفعی عالم و جاهل در شریعت نموده و قوی و ضعیف نفقت نموده میکند الی آخر کلمات نغمه
مؤلف گوید این بود مجمل تکالیف مشکله و بشارات عظم در فقره ها سفر در فقره ها که بر نمائیه
ذکر شده و چقدر در جلد اول این تکالیف سابقه بعض تکالیف که بنظر رسید که با جانب در این کتاب آورده ام

تکلیف ۵۲

از جمله تکالیف امام در عصر غیبت امام علیه الصلوة والسلام آن است که طریق نبوی امام را بر خلاف شرع ...
7 اگرچه باب علوم ظاهره برای بعضی مسدود است و طریق مشروع نبودن طریق نبوی امام را و اخبار را ...
بمعنی آن است که بر موالیان و شیعیان آنحضرت چنان دانند که امام آنها محتجب است در زمره غایب شده
در یکی از بلاد بعیده یا در جزیره از جزایر یا در زندان سلاطین جور محبوس است و بعضی از کلام حضور
آنحضرت تشرف شده و بعضی درس نزد ... و بعضی مکاتبات عرض مقاصد و حاجات خود نموده
میمانند و بعضی توسط کسی در کنج آنحضرت راه دادند چه فقهای خود امیدوار شدند خلاصه

همان قسم که بسیار از ...

همان قسم که بسیار از ائمه هدی در عصر خودشان با شیعیان و موالیان خود سلوک و معامل میداشتند بعضی را
مجبور از تقیه بودند و بعضی را بخودشان احضار نمیفرمودند و بعضی را امر بهاجرت از بلد خود میفرمودند
و جواب بعضی مکاتبات سائلین را نوشته و بعضی مسائل را جواب نمیدادند و بعضی را رجوع
به کتب و ثقات و فقها مینمودند که جمیع کل میفرمودند اکنون حال تو هم در این عصر مانند حال
آنها است و فرقی نمیکند همان سنخ را امام تو است و اخبار را از تو غفلت دارد حاشا که کلام را
در توقیع مبارک در جواب خطاب بشیخ سدید مفید قدس سره که اگرچه ما منزل کردیم در مکان خودمان که دور است
از مسکن ظالمین ... آنچه ما بنا در آن الا خداوند تعالی از صلاح کل ما و برای شیعیان ما مادام که
دولت دنیا برای فاسقین است پس تحقیق علم ما محیط است باخبار شما و غایب نمیشود از علم ما
هیچ چیز از اخبار شما و معرفت ما بلائی که بشما میرسد ... تو خود اگر توانی کتاب دورها
معرفت باطنیه و ظاهره خود را تکمیل کن تا آنکه خود را مرتبه آن اشخاص برسانی که نهایا خود را برای
حاجتی که داری حرکت داده جواب طلبی توانی یا حاجتی که داری خالی جلی در نزد مصطفی خود تکلم داری
جواب تلاوی تر بیرون آید (تو بعقیده خود امثال ارتباط در محضر منزله که فهمیده و در ... حل پیدا داری)
پس طریق نبوی امام را ... را از طرف تو بجهت ظاهر و باطن مشروع است و از برای شک کامل ان
و مستضعفین و بعض موالیان آنحضرت اخبار را که تصوری در آنها است ظاهرا مسدود است
و انفتاح طریق نبوی آنحضرت در هر وقت که نقیب هر مدعی ... در هر نقطه پایه

و هر که بر سر راه تو خفته بود
وَكُلٌّ يَدَّعِي وَصْلاً بِلَيْلَى ۞ وَلَيْلَى لَا تُقِرُّ لَهُمْ بِذَاكَا
إِذَا انْبَجَسَتْ دُمُوعٌ فِي خُدُودٍ ۞ تَبَيَّنَ مَنْ بَكَى مِمَّنْ تَبَاكَى

ابن طاوس قدس سره در کشف المحجة به پسر خود محمد وصیت مینماید و از آنچه به تو میگویم ای فرزند محمد ملأ الله جل جلاله عقلك وقلبك من التصديق لأهل التصديق والتوفيق في معرفة الحق بدرستیکه طریق معرفت اینکه جواب از مولانا مهدی علیه السلام میرسد چندین طریق است از جمله آنها آن است که روایت کرده است محمد بن یعقوب کلینی در کتاب رسائل از کسیکه نام او را ذکر کرده است گفت نوشتم به ابی الحسن علیه السلام که مردی دوست دارد که راز بگوید با امام خود آنچه را دوست دارد که به خدا جل جلاله برساند فرمود بنوشتن برای راوی إِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَحَرِّكْ شَفَتَيْكَ فَإِنَّ الْجَوَابَ يَأْتِيكَ اگر ترا حاجتی است پس حرکت بده لبهای خود را که جواب میرسد ترا ومن ذلك ما رواه هبة الله بن سعيد الراوندي في كتاب الخرائج عن محمد بن الفرج قال قال لي علي بن محمد إذا أردت أن تسأل مسألة فاكتبها وضع الكتاب تحت مصلاك ودعه ساعة ثم أخرجه وانظر فيه قال ففعلت فوجدت جواب ما سألت عنه موقعاً فيه یعنی در کتاب خرایج از محمد بن فرج روایت کرده است که امام علی نقی علیه السلام فرمود براوی هر وقت ترا حاجتی باشد که طلبی مسئله سؤال کنی بنویس و بگذار زیر جای نماز خود و واگذار آن را ساعتی بعد بردار و ملاحظه

ونظر کن در آن

ونظر کن در آن راوی گفت کردم و یافتم جواب آنکه را سؤال کرده بودم توقیع حضرت را بر آن بعد پس مصنف میگوید و اتفاق کردم برای تو ای محمد بر این تنبیه در طریق بسوی امام ترا تشویق است برای اینکه بخواهد که خدا جل جلاله باو عنایتی فرماید در حاجت تمام شد فرمایش او انتهی ما اردت نقله

تفکر کنید پس ترا ای بیچاره اگر با وجود این [illegible] و کلمات سالها پس چه وقت خود را باید به خدمت رسانید و چه هنگام تحقیق انتظار را حاصل میکنی (ترسم نرسی بکعبه ای اعرابی
کاین ره که تو میروی بترکستان است)

تکلیف ۵۳

سابقا تذکر شدی که از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلوة والسلام استغاثه و استغاثه و استکفاء است از آنحضرت در شدائد و نوائب و عرض مطالب و مآرب دنیویه و اخرویه است بسوی آنجناب و رجوع کردن در مشکلات و معضلات امر دین و دنیا و آخرت در غیبت کبری بامام خود ارواحنا فداه و ادا نمودن عرایض بتوسط عرایض و غیرها چند قسم است **اوّل قسم است** که عادت دوستان و موالیان آنحضرت است [illegible] بنویسند **دوم قسم است** که مخصوص کسانی است که در کتب سوره الابرار و امثال آن و در عرض عرایض و حوائج و مطالب و مآرب بسوی سید الله اما قسم اول که وظیفه عامه دوستان آنحضرت است که هنگام اضطرار و اشتداد احوال و اهوال استغاثه و استعانه بآنحضرت مینمایند و آن هم انواعی است نوع اول نوشتن عریضه است که باید در چاه آب

یا گودال عمیق یا غدیر یا دریائی مینماید یا در مجلس دراب عینیت آنحضرت میگذرانند یا شب هر شب بعضی
در ضریح مقدسه انور ازو اَمّا هُمْ دَرَجاتٌ یعنی مخصوص ایشان است و در حالات معرفت
وَوَلا و الا زیاد تر یا حضور آنحضرت توجه مینماید و لبها حرکت میدهد و عرض
مطلب مینماید و جواب میشنوند یا آنکه مطلب بر کاغذ نوشته در زیر سجاده میگذارند و جواب میرسد
یا در خواب حضور آنحضرت میرسند یا در بیداری بمعنی که هر وقت بخواهند بحضور آنحضرت رسند
ملاقات مینمایند و مطالب و مسائل مشکل خود را عرض مینمایند و جواب بگیرند الحال نظر کن
بمراتب معرفت و درجات قرب و جلوت نسبت بمولای خود را و آخر را اگر در زمره ایشان هستی
که بمقام جواب رسیده یا مکاتبات در زیر ضریح و غیره یا قصید جواب نمائی یا درک لقای اقدس
آنحضرت رسیده رزقنا الله تعالی فیما یتم در حالت یا در بیداری هَنِیئاً لِاَرْبابِ النَّعِیمِ
نَعِیمُها سیدانم هر کسی خیالی کرد [illegible] هر کس قدرت دارد که از تو توقع و تمنای چنین درجه
و رتبه را نماید ذلِکَ فَضْلُ اللهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشاءُ وَاللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظیمِ
چنانچه ملاقات قرب و معرفت تو بمیدرجات رسیده پس [illegible] شد و دو ثواب و عرض
مطالب و مآرب بر روی کمتر اکتفا که مولایان تو [illegible] علیهم دستور العمل داده اند و انواع آن بسیار است
که منضبط در کتب ورود دعای علماء ابرار و فقهاء اخیار است و در این مورد حقیر بتوفیق سه طریق
میباشد برای [illegible] ان حضرت [illegible] ذکر مینمایم پس از آن به انواع استغاثات کتب ذوی الالباب [illegible]

طریق اول آن است

طریق اوّل

هر گاه مطلبی و مهمی روی دهد یا در صحرای خلوت یا در مکان خلوتی برو که کسی ترا نه بیند و در هم
کسی نباشد نیز اگر میتوانی غسل کن یا وضوی کامل بطلب و سر را برهنه کن آستین ها را [illegible] بالا
بالا بزن کف ها را [illegible] کن و تقصیرات خود را در خاطر بیاور که با مولای خود محرم نما
قدری خاک بر سر بریز و صدا را بلند کن وا ویلاه و وا غوثاه و وا اماماه
پس از آن متوجه شو از صمیم قلب بآنحضرت و سلام کن بسلامی که اول آن این است سلامٌ
علی آل یس پس از خواندن این سلام و دعائی که بعد از او وارد شده بعد از آن بتضرع و زاری
و ناله و سوگواری بگو اَللّهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ وَبَرِحَ الْخَفاءُ وَانْکَشَفَ الْغِطاءُ (وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ)
وَضاقَتِ الْاَرْضُ وَمَنَعَتِ السَّماءُ وَاِلَیْکَ یا رَبِّ الْمُشْتَکی وَعَلَیْکَ
الْمُعَوَّلُ فِی الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذینَ اَمَرْتَنا
بِطاعَتِهِمْ وَعَجِّلِ اللّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقائِمِهِمْ وَاَظْهِرْ اِعْزازَهُ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ
یا عَلِیُّ یا مُحَمَّدُ اُنْصُرانی فَاِنَّکُما ناصِرایَ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ یا مُحَمَّدُ
اِحْفَظانی فَاِنَّکُما حافِظایَ پس سه مرتبه بگو یا مَوْلایَ یا صاحِبَ
الزَّمانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ اَدْرِکْنی اَدْرِکْنی اَدْرِکْنی الْاَمانَ الْاَمانَ
الْاَمانَ پس از آن آنحضرت را متمثل در برابر خود [illegible] روی خود و بهر بنده که آقا [illegible] تملق

۲ جا ۳ م

هـ۳ (کنوز النجاح)
اُولِی الْاَمْرِ الَّذِینَ فَرَضْتَ عَلَیْنا طاعَتَهُمْ وَعَرَّفْتَنا بِذلِکَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً قَرِیباً کَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ اِکْفِیانی فَاِنَّکُما کافِیانِ وَانْصُرانی فَاِنَّکُما ناصِرانِ [illegible] یا صاحِبَ الزَّمانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ اَدْرِکْنی اَدْرِکْنی اَدْرِکْنی
کنوز [illegible]

۲۴۸

و تخضّع و تخشّع است مطالب خود را عرض کن و قسم بده آن حضرت را بحق آباء گرامش علیهم السلام
که حاجت تو را برآورد و امید دارم که سریعاً حاجت روا شوی و در دست دو دو شهر و این از اسرار
مکنونه و مطالب مخزونه بود که بیادگار گذاشتم و بعضی از آن برداشتم)

طریق دوّیم

که در بعضی کتابی بنظر رسیده و از بعضی استادهای خود شنیده و این هم از اسرار مکنونه مخزونه است که برای دوستان
آنحضرت ارواحنا فداه بیادگار میگذارم و بامانت می سپارم این است هر گاه تو را مهمی و مطلبی روی دهد
بر سطح مکان شریعتی بنویسم به پیغمبر خدا و ائمه هدی مخصوص امام عصر صلی الله علیهم اجمعین مرا اگر خلاصی
چنین بگو اولاً سلام میکنم بر شما ای دو ملک موکل بر من که کاتب اعمال و اقوال کلامی میباشید
و شاهد بر احوال من هستید و سلام مرا برسانید که آنچه من میگویم و عمل میکنم ثبت نمائید و سلام مرا به حضرت
مولا و طالب و مطالب من هستید که اگر خیال شنیده کنم از روی آن مستحضر میشوید و اگر هم نخوشته
نمایم مطلع و مخبر خواهید بود و بنابراین هم میدانم که مرتب و سرکشته میباشید و کشیک گاه
نگاه میکنید و لیکن من چون معصوم نیستم معترف و مقصر میباشم که از سنگهای میباشد از جواب
تا وقت جواب دیگر هر نفسی که میکشم معصیت است و کمال غفلت را دارم از شما ها که مبادا
چیزی ثبت کنید که چون نظر پیغمبر خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین برسد ملول و محزون بشوند
و تاثیر آن ملالت و اشمئزاز در ظاهر و باطن من بروز کند و لیکن چیزی که هست حسن ظن

عن کتاب السید السند الامجد ... العالم الربانی ... العظیم ... محمد ... القزوینی ... السید ... حسین ... خمسمائة و ... نقل ... یا حجة القائم ... ۱۳۱۱ ... ۵۹۵ ...

۲۴۹

واستغفار بکریمه فَاُولئِکَ الَّذینَ یُبَدِّلُ اللهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ واستشهاد اری بحدیثی
که از حضرت برادر خود امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام فرمود که یا علی اَعْمالُ شیعَتِکَ
تُعْرَضُ عَلَیَّ فی کُلِّ جُمُعَةٍ فَأَفْرَحُ بِصالِحِ اَعْمالِهِمْ وَ اَسْتَغْفِرُ لِسَیِّئاتِهِمْ
ثانیاً امروز شما را نفر تازه وارد و شریدم و ملائکه میروی حاجتی است خلاصش میکنم که
این بنده و عرض حاجت مرا بحضور پیغمبر خدا و ائمه هدی صلی الله علیهم اجمعین برسانید تعجیل
حوائج خود را ذکر کن یقیناً جواب آن تو خواهد رسید خُذْ هذا وَ کُنْ مِنَ الشّاکِرینَ

امّا طریقه رقاع استغاثات

و در استشفاع و استغفار و استعانه بحضرت حجت و تمام انبیاء و ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین در بعضی کتب معتبره اهل ...
مصباح کفعمی و مصباح شیخ طوسی و جنة المصباح شیخ ابو عبدالله سلمان بن حسن صهرشتی شاگرد شیخ طوسی
و عوالم سید فضل الله بن علی بن عبدالله راوندی و کلم در دعا و بحار الانوار مجلسی قدس سرهما و وارد است
و استاد اعظم ادام الله ظله العالی ... و غیرها بطرق شتی ثبت است خلاصه از رحوم ...
اکثر سلف در کتب از الانوار ... ذکر شده چون کتاب ... مهنا ... مشهور است
تمام آنها صرف نظر شده الا آنکه ... اختصاص بحضرت حجت ارواحنا فداه ... در این ...

امّا طریق اوّل از رقاع استغاثات

طریقی است که روایت میکنم از استاد اعظم ادام الله ظله العالی که او روایت کرده از کتاب انیس العابدین که ...

۲۵۰

شیخ عالم محمد بن محمد الطیب نقل کرده از کتاب سعادات و عماد توسل از برای امر مهمی و حاجتی

بسم الله الرحمن الرحیم توسلت الیک یا ابا القاسم محمد بن الحسن بن علی بن

محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب النبأ

العظیم والصراط المستقیم وعصمة اللاجین وبامک سیدة نساء العالمین

وبآبائک الطاهرین وبامهاتک الطاهرات وبیس والقرآن الحکیم والجبروت

العظیم وحقیقة الایمان ونور النور وکتاب مسطور ان تکون سفیری

الی الله تعالی فی الحاجة لفلان او هلاک فلان بن فلان و این توسل را در گل

پاک بگذارد و در آب جاری یا چاهی بیندازد و در وقت گذاشتن بگوید یا سعید بن عثمان ویا عثمان

سعید اوصلا قصتی الی صاحب الزمان صلوات الله علیه انتهی

استاد اعظم دام ظله فرموده اند نسخه چنین بود ولکن بملاحظه روایات و طریقه جوهری ارباع

باید چنین باشد یا عثمان بن سعید ویا محمد بن عثمان الخ مؤلف گوید

چون سعید و محمد در کتب شبیهه بهم اند کاتب محمد بن عثمان را سعید بن عثمان

و این تصحیفات در کتب رجال بسیار است چنانکه بر متتبع مطلع است

اما طریق دویم از رقاع استغاثات

طریقی است که روایت کنم از استاد اعظم ادام الله بقاه که او نقل کرده از مفاتیح النجاة سبزواری و تحفة الزائر

مجلسی ... مروی است که هر که را حاجتی باشد آنچه مذکور میشود بنویسد در رقعه و در یکی از قبور

ائمه علیهم السلام بیندازد

۲۵۱

ائمه علیهم السلام بیندازد یا بر بندد و مهر کند و خاک پاک را در گل سازد و آن را در میان گل گذارد و در نهری

یا چاهی عمیق یا غدیر آبی اندازد که بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه برسد و او خود متولی

برآوردن حاجت شود **نسخه رقعه مذکوره** بسم الله الرحمن الرحیم کتبت

یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا وشکوت ما نزل بی مستجیرا

بالله عز وجل ثم بک من امر قد دهمنی واشغل قلبی واطال فکری و

سلبنی بعض لبی وغیر خطیر نعمة الله عندی اسلمنی عند تخیل وروده

الخلیل وتبرء منی عند ترائی اقباله الی الحمیم وعجزت عن دفاعه حیلتی

وخاننی فی تحمله صبری وقوتی فلجأت فیه الیک وتوکلت فی المسألة

لله جل ثناؤه علیه وعلیک فی دفاعه عنی علما بمکانک من الله رب

العالمین ولی التدبیر ومالک الامور واثقا بک فی المسارعة فی

الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لاجابته تبارک وتعالی

ایاک باعطائی سؤلی وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی وتصدیق

املی فیک فی امر کذا وکذا و بجای کذا وکذا نام حاجت خود بنویسد فیما لا طاقة

لی بحمله ولا صبر لی علیه وان کنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی

وتفریطی فی الواجبات التی لله عز وجل فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک

عِنْدَ الْكَهْفِ وَتَدْيِمِ الْمَسْأَلَةِ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ فَبِكَ بُسِطَتِ النِّعْمَةُ عَلَيَّ وَاسْأَلِ اللّٰهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْراً عَزِيزاً وَفَتْحاً قَرِيباً فِيهِ بُلُوغُ الْآمَالِ وَخَيْرُ الْمَبَادِي وَخَوَاتِيمُ الْأَعْمَالِ وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخَاوِفِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ إِنَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَّالٌ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدَءِ وَالْمَآلِ آنگاه بر بالای آن نهر یا غدیر رفته و اعتماد بر یکی از وکلای حضرت نماید، عثمان بن سعید العمری، و ولدش محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد السمری و یکی از این جماعت را ندا کند و گوید يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَكَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللّٰهِ مَرْزُوقٌ وَقَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ وَهٰذِهِ رُقْعَتِي وَحَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلِّمْهَا إِلَيْهِ وَأَنْتَ الثِّقَةُ الْأَمِينُ

پس آن نوشته را در نهر یا چاه، یا غدیر اندازد که حاجت او برآید انشاء الله

اما طریق سیم

طریقی است که نگارنده کتاب روایت میکند از استاد اعظم ادام الله ظله العالی و او روایت کرده از کتاب انوار مجلسی قدس سره و او روایت کرده از کتاب المصباح شیخ حسن سبزواری رحمه الله که شیخ نزد کتاب شنیدم از شیخ ابو عبد الله حسین بن حسن بن بابویه رضی الله عنه در ری سنه چهارصد و چهل ۴۴۰ روایت میکرد

از عم خود ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه رحمه الله که خبر داد مرا بعضی از شیوخ قمیین که ... اندوه سختی و طاقتم طاق و دستم ضعیف شد الی آخر چنانکه تفصیل شرح داده است در جزء ... طلب روا شدن حاجت روایت ذکر شده و ابتدای آن این است سَلَامُ اللّٰهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الخ و ذکر شده در ذیل آن آنچه را که عالم نحریر مرحوم شیخ محمود عراقی معاصر رحمه الله در دار السلام ...

تکلیف ۵۴

از جمله تکالیف انام در عصر امام علیه الصلاة والسلام حاضر شدن در مشاهد مشرفه و بقاع متبرکه که منسوب ... در ایام و لیالی متبرکه و حاضر شدن در تشییع جنازه و حاضر شدن در نماز جماعت خصوصاً اگر در مصلی باشد و حاضر شدن در مجلس درس و حاضر شدن در مجالس مصیبت اهل بیت معصومین علیهم السلام و حاضر شدن در مجلسی که ذکر فضائل و مناقب آنها سلام الله علیهم اجمعین میشود و حاضر شدن در مجلس عقد نکاح سادات و علما و خصوص سادات که اهل علم و زهد و تقوی باشند در این نوع مجالس و مجامع که ذکر شد غرض عرض وجود اقدس صاحب العصر و از آن است اظهار حاضر شوند دوستان و موالیان خود را منظور نظر الطاف خفیه و جلیه میفرماید و فیوضات ظاهره و باطنه از آن حضرت به صاحبان مجلس و حاضرین میرسد و شامل حال ایشان میشود آن موجب و حاجت برآن شد

تکلیف ۵۵

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلوة والسلام آنست که سیره و سلوک و طریقه ایام اوضاع ... بگذارد در حالات

و سیره انبیاء و دینداران است برای که سیره و سلوک و رفتار که پیغمبر خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین

داشتند همواره صحابه کبار و تابعین و اخیار همان سیره و رفتار را پیشه خود کرده و آن تابع ایشان را

پیروی کرده و حتی المقدور جاهد و ساعی بودند در این سیره منظور چنین سلام الله علیهم کشف و تحقق نمایند

و حال آنکه در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همین قسم بود با پیغمبر خدا از روز ... تعلق و ربط

در زمان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اصحابی که ایمان صحیح داشتند و در زمره متقین و اهل ایمان صحیح

همواره سیره ائمه معصومین سلام الله علیهم را داشته با کمال مواظبت و شدت رغبت در عبادات

بسر میبردند و دل را از اعتنا به دنیا و اهل دنیا برداشته و آنها که تارک الدنیا بودند از آن حضرت

ائمه علیهم السلام سبق گرفته بطرف اولیای دنیا پشت کرده و از آخرت روی بر نتافتند و از همین طور را از روی ...

در اعصار خلفای راشدین و ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین تا زمان غیبت صغری که خواص اصحاب

حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه همان سیره و طریقه را مرعی داشته راه میرفتند و تمام اوقات شبانه

روز خود را صرف طاعت و عبادت و ریاضت و زهد میکردند و دل را از چشمی زخارف دنیویه برداشته

۷ و تخم محبت دنیا را در دل نکاشتند و در قالب میل از عبادت پروردگار مستغرق و مشغول بوده اند

چنانچه در اختصاص درحق عمرو بن عبدالله الحبشی مینویسد که از جمله ثقات حضرت علی بن الحسین علیهما السلام

و اعبد اهل زمان خود بود و ... در زمان او کسی اوثق از او در حدیث نبود تمام ... او

در عبادت و ریاضت مرتبه ای بود که چهل سال نماز صبح را با وضوی عشاء بجا آورده و آنکه هر شب

یک ختم قرآن می نمود و نیز روایت است که علی بن مهزیار چون آفتاب طلوع میکرد بسجده می رفت

و سر بر نمیداشت تا آنکه هزار نفر از برادران خود دعا میکرد مثل آنچه از برای خود دعا میکرد

و بر پیشانی او پینه بود مانند پینه زانوی شتر از بسیاری طول سجده ۷ در رجال کشی

روایت است که فضل بن شاذان نقل میکند که ابن ابی عمیر آمد و او در سجده بود و سجده را بسیار طول داد

چون سر برداشت و طول سجده او را مذکور داشتند گفت اگر سجده جمیل بن دراج را میدیدی

از سجده من تعجب نمیکردی و ابن ابی عمیر گفت که اگر طول سجده معروف بن خربوذ را میدیدی

سجده مرا بیشتر نمیشمردی و نیز از فضل بن شاذان روایت کرده است که حسن بن علی بن فضال

به صحرا میرفت برای عبادت و سجده شکر را چندان طول میداد که مرغ گمان میکرد و بر پشتش می نشست

بگمان آنکه جامه ایست افتاده و وحشیان از دور او چرا میکردند و از او وحشت نمیکردند ق

و نیز روایت کرده که ابن ابی عمیر بعد از نماز صبح بسجده شکر سر میگذاشت و سر بر نمیداشت

مگر وقت ظهر خلاصه سیره و رفتار بزرگان علما و فقهاء و اخیار سابقین این بود

چنانچه کلامهم از کلمات عبادات و ریاضات و مجاهدات آن ... معلوم میشود ...

که بی مخصوص هدایت در این سیره و سلوک معمول بود تا آنکه غیبت کبری در آن زمان آمد

۷ در اقبال

از جلد سیم ... روایت ... که محمد بن ذکوان از اصحاب حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام بود و معروف بود ... تعالی ... کثرت سجودش ... که از ... کور شده صح

(۱۳۱

پیوسته علمای اعلام و شهدای کرام رضوان الله علیهم بسیره اهل بیت معصومین صلوات الله علیهم اجمعین سلوک
می‌فرستند و چشم از دنیا و اهل دنیا نپوشیده‌اند و برق ریاست در هر زمانه نمی‌گذاشته‌اند بمولا
مشغول تحصیل علم و عمل و در اجتهادات نفسانیه و تکمیل و تهذیب اخلاق و صفات انسانیه بوده‌اند اگرچه
بعضی از متشبهین بعلماء و متلبسین بفقهاء و ارذال ناس و اشرار از اصحاب دعاوی کاذبه و ابطالات
فوز بمرتبه جهالت و رذالت میشیمهای باطل گرگ و کوچک شیطان و خناس بزرگ مغرور بریشان
بی‌صفا و رشته بنیان پارسا ملاحظه نموده که بواسطه تحصیل علم صوری صاحب ریاسات دنیویه
و ذخایر معنویه شده‌اند و خود را متلبس بلباس علماء و زی فقهاء و عرفاء نموده چه کلمه
از رؤس مسائل اواخر و اوائل فرا گرفته خود را اعلم العلماء و افقه الفقهاء و اعرف العرفاء میدانسته
گشتی از مردمان به سر دریا و چند نفری از هیچ رعاع الناس الطمع که بدور خود جمع نموده خود را
عالم ربانی و حکیم صمدانی نموده تمام اوقات را صرف پوشیدن لباسهای فاخره و بلوتهای ...
و خیمهای عجیب و عمارات عالیه و بساتین و املاک عدیده و قصور مشیده و فرشهای ممهده
نموده چون کسی بآنها الاظهار کرده ای عارف ربانی و ای آگاه وحید العصر و از زمانه این روش
و سیره که شما دارید سیره سلوک ملوک و ابناء ملوک است نه انبیا و ... براق نموده
و صدا را غلیظ در گفتن گردن را ضخیم که من حرّم زینة الله التی اخرج لعباده
والطیبات من الرزق چگونه این آیه را نخوانده و جواب ... را ... و حال آنکه

پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم بهمین جواب داده سؤال آنها را با اسامة بن زید خیر ذلک و آنها را از این سؤال
این آیه و امثال آن تکذیب فرموده چنانکه ابن فهد رحمه الله در کتاب التحصین ذکر نموده که حضرت رسول الله
صلی الله علیه وآله وسلم رو باسامة بن زید فرموده و بیان فرموده که ای اسامه ملازم طریق حق باش
و حذر کن از اینکه حسرت داشتن بغیر او از آرایش خواهشهای دنیا و خوشی نعمتهای او و بپیش
فرخاک بودن در راه طلب زیادتی عیش او پس اسامه گفت یا رسول الله چه چیز است آسانترین
چیزیکه راه حق بسبب او قطع توان کرد فرمود شب بیداری دائم و تشنه بودن در روزهای
گرم بسبب روزه داری و باز داشتن نفس از خواهشهای نفسانی و ترک پیروی هوا و هوس
شیطانی و دوری کردن از اهل دنیای فانی ای اسامه ملازم باش روزه داری را بسبب آنکه
که روزه نزدیک گرداننده است بنده را بسوی خدا تعالی و چیزی خوشتر نیست نزد خدا تعالی از بوی
دهن روزه دار که ترک کرده است خوردن و آشامیدن را از برای رضای پروردگار عالمیان
و اختیار کرده است او را بر حلاوی او و خریده است آخرت خود را بدنیا پس اگر توانی که گرسنگی
در رسد ترا وقتی گرسنه باشی و جگرت تشنه باشد بکن از سبب این پیری ببلندترین منازل
و تعاوم کنی ... و شهداء و صلحاء ای اسامه ملازم باش سجده کردن را که اینها
نزدیکترین است بخدا تعالی از همه اوقات وقتیکه در سجده باشد و نیست بنده که سجده کند
از برای خدا تعالی مگر آنکه بنویسد از برای او حسنه و محو کند از نامه اعمال او سیئه

و جنت کرده‌اند از برای او در جنه درجه‌ای از شهدا حضرت حق و به او مباهات کند با ملائکه
ای اسامه ملازم باش نماز کردن را که نماز رأس این دین و ستون دین و بالاترین مراتب
عالیه است بترس ای اسامه از دعای بندگان خدا تعالی که کاسته‌اند بدنهای
خود را و رضا جسته‌اند با حزن دائم و لاغر کرده‌اند گوشتها را و گداخته‌اند پیه‌ها را
و تشنه گردانیده‌اند جگرها را بسبب روزه‌داری و سوخته‌اند پوستها را بیادهای گرم
در طلب رضای حضرت باری تا اینکه پوشیده شده است چشمهای ایشان از غیر پروردگار
از جهة شوقی که ایشان راست بخدای خود که یگانه و قهار است زیرا که خدا تعالی
هرگاه نظر کند در ایشان مباهات میکند بایشان با ملائکه و میپوشاند ایشان را بجهة رحم خود
و بسبب ایشان رفع میکند سختیها و فتنه‌ها را پس گریست آنحضرت بحدی که آواز گریه‌اش
بلند شد و سخت شد گریه در گلوگاهش و ناله کردن و جنبه نفس زدن او و مردم ترسیدند
که با آنحضرت حرف زنند و گمان بردند که چیزی از آسمان حادث شده پس آنحضرت
سر بالا کرد و آه سردی از دل برکشید و فرمود واه واه و بدا حال این امت که
چه میرسد از ایشان بجماعتی که اطاعت خدا تعالی کنند از چگونه میرانند و میزنند و تکذیب
میکنند و خوار و ذلیل میگردانند ایشان را از جهة آنکه اطاعت الهی کنند الا آگاه
باشید که قیامت قائم نمیشود تا اینکه دشمنی کنند مردم با کسیکه اطاعت خدا کنند

و دوست دارند کسی را که بر خدا عاصی شود عمر گفت یا رسول الله مردم در چنین روزی بر دین
اسلام خواهند بود فرمود کجاست اسلام در چنین روزی ای عمر اسلام در چنین
روزی مثل غریبی است که رانده شده باشد از شهر و دیار خود در این روز برطرف میشود
اسلام و باقی نمی‌ماند از او بغیر نامی و ناپدید میشود از او قرآن و باقی نمیماند از او
بغیر نشانی پس عمر گفت یا رسول الله بچه سبب تکذیب میکنند کسی را که اطاعت
خدا میکند فرمود ای عمر واگذاشته‌اند در آن وقت مردم راه حق را و میل کرده‌اند
بجانب دنیا و ترک کرده‌اند آخرت را و میخورند چیزهای بسیار خوب و میپوشند
لباسهای فاخر و خدمت ایشان میکنند غلامان فارس و روم پس ایشان غذای خود
سازند طعامهای خوب و شرابهای خوب لذیذ و بوهای خوش بکار برند و بناهای
بلند مرتفع و خانه‌های زرنگار بر سازند و مردم غنا بینند مجالس را و خود را آراسته
کنند مردان ایشان همچنانکه آراسته کند زن خود را برای شوهر و زنان خود را آراسته کنند
بزیورها و جامه‌ها و زیّ ایشان زیّ پادشاهان متکبر باشد و مباهات و تفاخر کنند
بایکدیگر بجاه و لباس و دوستان خدا لباس ایشان عبا باشد و رنگهای ایشان شکسته از بیداری
شب و پشتهای ایشان خم است از ایستادن بنماز و شکمهای ایشان بر پشت ایشان
چسبیده از بسیاری روزه گرفتن و مشغول کنند خود را از ماسوای او و کشته نفسها و خوار

بخشیدی از برای طلب رضای آنها و شوق ثوابهای بی‌منتهای و خوف از عذابهای اندوه‌کن جهنم
پس هرگاه یکی از ایشان تکلم کند بحق و دم زند براستی باو گویند که خاموش باش
تو از پس شیطانی و سرگرده گمراهانی و تاویل کنند کلام خدا تعالی را برخلاف تاویلش
و بگویند در جواب اینکه چرا زیورها و لباسهای فاخر خود را ترک کرده‌اید و طعامهای
لذیذ را نمیخورید من حرم زینة الله التی اخرج لعباده والطیبات من الرزق
یعنی کیست که حرام گردانیده است زینتهائی را که خدا از جهت بندگان خود آفریده و همچنین
طعامهای پاک و پاکیزه را بدان ای اسامه بدرستیکه کسی نزد خدا تعالی از همه کس
بیشتر است در روز قیامت و ثواب کسی بزرگتر است و مقام کسی از همه کس گرامی‌تر است
که در دنیا اندوه او بسیار شده از برای رضای خدا این جماعتند نیکان و متقیان و جوانان
اگر حاضر باشند ایشان را کسی نشناسند و اگر غایب شوند کسی طلب ایشان نکند ای
اسامه این جماعت را میشناسند بقعه‌ها و گوشه‌های زمین و میگریند برای ایشان
هرگاه نیابند ایشان را محرابها پس گریه میکند از برای خود [illegible] شاید که نجات یابی
بسبب ایشان از سختی‌های دنیا و هولها و ترسهای روز قیامت و بپرهیز از اینکه واگذاری
طریقه ایشان را که [illegible] در آن [illegible] که بلغزد قدمت و سرنگون در آتش شوی
و بپرهیز ای اسامه که از جماعتی باشی که میگویند شنیدیم و نمیشنوند انتهی

آه آه از این اوضاعی که بوستان فراهم آمده بخدا نمیدانم چگونه اوضاع و لباس و اسباب
دنیویه چشم و گوش بعضی را کور و کر نموده که ابدا فکر زیارت و عبادت و سیره و سلوک
اهل بیت معصومین سلام الله تعالی علیهم اجمعین نمیشوند بلی اند لباس با سلوک و بنابراین ترک
فرق دارند ولی در لباس و اوضاع دنیویه با آنها مماثل و مشارکت نمیدانم این آیه سیره
و سلوک اصحاب صاحب العصر ارواح العالمین فداه نه والله ابدا آن وجود مبارک
راضی نیست و اینگونه اشخاص را بملازمت خود اختیار نخواهد فرمود سیره و سلوک اهل بیت معصومین
علیهم السلام نه این اوضاعی است که اکثر از صاحبان عمامه و ردا و طلاب و مقدسین [illegible]
نموده‌اند و دعوی محبت و معرفت و نیابت امام خود را مینمایند سیره و سلوک امام عصر را [illegible]
اگر طالبی برانه تتبع کن در کتب احادیث و اخبار و مکارم اخلاق و آثار ائمه اطهار و صحابه کبار
تا طریقه سیره و سلوک و اصحاب آنحضرت را بدانی [illegible] عالم جلیل و عامل نبیل
شیخ عبدالله بن نورالله طاب ثراهما که از جمله علمای معاصرین علامه مجلسی است
در کتاب غیبت خود از نفحه چند خبر را که ترجمه آنها این است شیخ کلینی رحمه الله
روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که آنحضرت بحماد بن عثمان فرمود هرگاه قائم ما اهل بیت خروج کند
نمیپوشد جامه علی را علیه السلام در [illegible] میکند بسیره امیرالمؤمنین علیه السلام شیخ نعمانی رحمه الله
روایت کرده از آنجناب که فرمود چه تعجیل میکنند در خروج قائم علیه السلام پس قسم بخدا که نیست لباس او

مرد این زمان [illegible] صح

و استاد علم [illegible] صح

مگر غلیظ و نیست طعام او مگر درشت یا بی خورش و نیست کار او مگر شمشیر و مردن در زیر سایهٔ شمشیر
و در خبر دیگر فرمود نیست طعام او مگر جو جریش و فی غیبة نعمانی روایت شده از خلاد
که گفت ذکر شد قائم علیه السلام در نزد حضرت رضا علیه السلام پس فرمود امروز شما آسوده‌ترید
تا آن روز عرض کرد چگونه است فرمود هرگاه قائم علیه السلام خروج کند نیست مگر علقه یعنی خون
و عرق یعنی از کثرت کشتار کردنش و قوم را بر روی زینهای خیل و نیست لباس قائم علیه السلام
مگر غلیظ و نیست طعام او مگر خشن و از دعوات راوندی نقل کرده که معلی بن
خنیس بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که این امر اگر در شما بشود هرآینه زندگی می‌کردیم با شما
فرمود والله اگر این امر برگردد بسوی ما هرآینه نیست مگر اکل درشت و لبس خشن و هم مفضل
فرمود اگر این امر با ما بشود هرآینه نیست مگر عیش رسول خدا و سیرهٔ امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما
و نیز روایت کرده از مفضل که گفت بودم خدمت حضرت صادق علیه السلام در طواف پس نظر کرد
بسوی من و فرمود ای مفضل چه شده ترا که مهموم می‌باشی و رنگت متغیر شده گفتم برای آنکه
نظر کردم بسوی بنی العباس و آنچه در دست ایشان است از این ملک و سلطنت و جبروت اگر این برای شما
بود هرآینه ما هم با شما بودیم فرمود ای مفضل اگر سلطنت با ما برگردد نیست مگر تعب در شب
و سیاحت در روز یعنی برای عبادت و جهاد و خوردن طعام درشت و پوشیدن خشن
شبیه امیرالمؤمنین علیه السلام و الّا پس آتش جهنم است پس آن سلطنت از ما گرفته شده

می‌خوریم دنیای شما را آیا دیدی ظلمی را که خدا در آن راحت قرار داده باشد مثل این
و نیز در کتاب خرائج روایت کرده از عمرو بن شمر که گفت در خانهٔ حضرت صادق علیه السلام
بودم و خانه پر بود از مردم و همه رو بکثرت بخدمت سؤال می‌کردند از چیزی مگر آنکه جواب می‌فرمود
پس من از گوشهٔ خانه گریه کردم فرمود چه ترا بگریه آورد ای عمرو گفتم فدایت شوم چگونه
گریه نکنم آیا در این امت مثل تو کسی است و حال آنکه در بروی تو بسته و در پس پرده نشسته
فرمود گریه مکن ای عمرو غذای پاکیزه را می‌خوریم و لباسهای نرم را می‌پوشیم و اگر بشود آنچه
که تو می‌گوئی نیست مگر اکل جشب طعام درشت و لبس خشن مثل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام و الّا پس معالجهٔ اغلال است در آتش جهنم (با دو قبله در ره توحید نتوان
رفت راست) (یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن)

تکلیف ۵۶

از جمله تکالیف ایام غیبت امام علیه الصلوة والسلام خواندن کتب و دعواتی است که متضمن ذکر اوصاف و احوال
و دعوت سید ما و صفات مقدسه و سمات مشهوره و شمایل و خصایص و خصوصیات و حالات او
در مصدر است ارواح العالمین فداه اگر کسی است که طالب معرفت ذلک مخلوق از کتب غیبت مانند غیبت
شیخ طوسی و غیبت نعمانی و غیبت شیخ صدوق و غیبت بحار الانوار و جنة المأوی
فیمن فاز بلقاء الحجة علیه السلام فی الغیبة الکبری و سایر کتب مؤلفه در این باب که از حد تجاوز است

واگر عزیمت نمایند از کتب غیبت فارسیه مانند ترجمهٔ بیست و دوم کتاب بحار الانوار و ترجمهٔ کمال الدین
صدوق و نجم ثاقب استاد اعظم ادام الله ظله العالی که امتیاز و خصوصیتی دارند از سایر کتب
در احادیث مندرجهٔ آن و دار السلام فارسی مرحوم شیخ محمود عراقی سلمه و طاب ثراه که التقاط
و اقتباس شده از دار السلام عربیه و سایر کتب استاد اعظم اطال الله بقاه و غیرها پس هر اوقات که
فراغتی بدل ما تردد میسر شد اکثر مطالعه و مذاکره نمایند در خواندن این نوع کتب موجب صفای
و اسباب ازدیاد بصیرت و تهییج محبت و مودت در رسوخ خلوص عقیدت و تولای باطن و ظاهر
خاطر تو خواهد شد و ملاقات و مداومت در قرائت آن تأثیر در عقب زمان دراز
در پوست و خون و اعضا و جوارح تو خواهد کرد بلکه ادراک محبت و مودت آنحضرت
ارادت خود را محکم با باطن تو خواهد کرد و آثار و اطوار و علائم ظاهره عجیبه غریبه در ظاهر تو
بروز خواهد کرد یقین بدار که ذکر فضایل و مناقب و شنیدن احوال آنحضرت ارواح العالمین له الفداء
تأثیرش از کتاب شاهنامه و شهنشاه نامه و سایر کتب رزمیه کمتر نیست که خواندن آنها اسباب
تهییج شجاعت و بسالت تو میشود یا خواندن خمسهٔ نظامی و لیلی مجنون ملاجامی و غزلیات سعدی
و غیره که اسباب فرح و انبساط و بهجت و نشاط تو میشود و کلمات اراجیف و اباطیل آنها
فوراً تأثیر در ظاهر و باطن تو مینماید پس چگونه کلمات و بیانات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
که عسل مصفی شیرینتر و سلاطین کلامند در کتب تفقد و ادوین خود در احوال آن سید زمان و دوران

جمع نموده اند در وجود تو

جمع نموده اند در وجود تو تأثیر ننماید بلکه در این عصر و زمان بر آحاد و افراد مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات
واجب است که هر یک چند جلدی از این نوع کتب غیبیه را در خانهٔ خود داشته باشند
و همیشه مطالعه و مذاکره آن بپردازند و همه روزه اولاد خود را هر چند بصدای بلند بخوانند
و کلمات معرفت آنها را با امام زمان خود ارواحنا فداه تربیت نمایند در عقاید خود نسبت بآن وجود
مقدس مبارک خالص و صاف و راسخ و جازم شوند و از بابت فضایل و خصایل و شمایل و صفات
و معجزات باهره و خصایص و علامات ظاهرهٔ آنحضرت ارواح العالمین له الفدا مطلع و مستحضر گردند
که مبادا تجاهل و تغافل از دنیا بروند بلکه حد اشد است اگر قدرت داشتم و حد اولی
بغیر استطاعتی داشته بعد این دو آیه که از نصف سال قبل الیوم نسخه‌ها را در ایران و توران
و عموم بلاد مسلمانان عادت بلکه جبر آنها را تغییر میدادم که کتاب گلستان و بوستان
و عمل طوطی و حسین کرد و سایر کتب و قصص اراجیف و اباطیل را که مسلمانان ابتداء
باطفال خود در مکتب خانه‌ها و مدرسه‌ها میدهند بخوانند متروک و موقوف میکردم و در عوض
کتب فارسیه غیبت حضرت صاحب العصر و الزمان ارواح العالمین له الفدا را میگفتم باطفال خود
درس میدادند و لکن چکنم که اسباب این ترویج موجود نیست و قدرت بر این تغییرات و تبدیلات
ندارم امیدوارم که خداوند تعالی نفوذ کسی را برانگیزاند قبل از ظهور مولانا امام عالم حاضر گردد
و ترویج نماید که باطن شریعت و طریقت و حقیقت بشود لعل الله یحدث بعد ذلک امرا

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید / که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید
از غم و درد مکن ناله و فریاد که من / زده‌ام فالی و فریادرسی می‌آید

تکلیف ۵۷

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلوة والسلام تعظیم و تفخیم نمودن آنحضرت است از برای هنگام شنیدن اسم مبارک او و القاب او و کنی او و هنگام خواندن و نام بردن و هنگام نوشتن در قلم کردن اسامی مقدسه آنحضرت که تمام این تعظیمات و تفخیمات و ملاحظات این آداب از فروعات ولایت و محبت آنحضرت است ارواحنا فداه البته کسیکه محبت و ولای کسی را داشته باشد از شنیدن اسم او خوشش میآید (آن زلیخا از سپندان تا بعود / نام جمله چیز یوسف کرده بود) و از نوشتن اسم او خوشش میآید و از مذاکره و مطالعه و ملاحظه عادات و صفات و علامات او مسرور و در ولای او علاقتی و کسالتی پیدا نمیکند زیرا که از هر چه بگذری سخن دوست خوشتر است

(ذکر تو از زبان من فکر تو از خیال من) (چون برود که رفته‌ای در رگ و در مفاصلم)

امّا در خصوص نام بردن آنحضرت بنامی که مطابق است با اسم حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله علمای اعلام سلفاً و خلفاً در حرمت و عدم حرمت آن در زمان غیبت و استماع لا اسما در زمان خوف اختلاف است و هر یک دلایل و ظاهر روایات منصوصه و غیر منصوصه که از ما نحن فیه خارج است

ولی آنچه در این عصر و زمانها

ولی آنچه در این عصر و زمانها متداول سیره و دأب و دیدن طایفه امامیه است کثرهم الله تعالی حتی المقدور از ذکر اسم اصلی آنحضرت که **م ح م د** است ارواحنا فداه کف مینمایند و به القاب و اسامی مقدسه آنحضرت اکتفا مینمایند **امّا** در رسم و ترقیم اسامی و القاب و کنی مقدسه آنحضرت ارواحنا فداه از بعض اخبار معلوم میشود و در رسم علمای متقدمین رضوان الله علیهم چنین این بوده که در کتب و دواوین خود اسم **م ح م د** را بحروف مقطعه می‌نوشته‌اند در جای آن یا ابتداء بموقعیت است یا از برای تقیه که از کتب حروف آن کتابت تعمد داشتند و در این عصر و زمان ما که اسم مقدس آنحضرت و اجداد طاهرینش صلوات الله علیهم در بالای منارها و گلدسته‌ها و مساجد و منابر تمام کره ارض در مسلمانان مسکن دارند اعم از اینکه در بلاد اسلام باشد یا در بلاد فرنگستان و ینگی دنیا و غیرها بی تقیه و بی باک از کس مذکور مینمایند دیگر این ملاحظات سابقه که در زمان خلفای جور و تقیه از مخالفین بعمل می‌آمد لزومی ندارد و چه نیکو است هر کس کتابت اسامی هر یک از حجج طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مینماید صلوات و سلام و درود و تحیات وارده را با الفاظ معموله صلی الله علیه و آله و سلم یا صلوات الله علیه یا زادی و سلام علیه یا سلام الله علیه یا علیه السلام یا علیه الصلوة و السلام یا ارواحنا فداه و غیر ذلک بعینها بنویسد و بعض رموزات و اشارات و اختراعات مولده کتبی را ترک نمایند که کمال بی‌ادبی است

شده صلعم عوض صلی الله علیه وآله وسلم و صلوات برایشان صه عوض صلی الله علیه وآله و بعد
چهار نقطه ع عوض علیه السلام و غیر ذلک را می نویسند که این خود کمتر علیه اخراجی است
محدث جزائری رحمه الله روایت کرده باسناد خود از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله قال
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا دَامَ
اِسْمِي فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ یعنی آنکه صلوات فرستد بر من در کتابی همیشه ملائکه از برای او
استغفار میکنند مادامی که اسم من در آن کتاب ثابت باشد ۷ و این حدیث را هم شیخ شهاب الدین
احمد الابشیهی حشره الله مع محبوبه در خاتمه کتاب مستطرف در ذیل جواهر حدیثی که در فضیلت صلوات
ذکر کرده چنین آورده الحدیث الحادی والعشرون قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَيْهِ مَا لَمْ يَنْدَرِسْ اِسْمِي مِنْ ذَلِكَ
الْكِتَابِ و شهید ثانی قدس سره در آداب آن گفته سزاوار است اینکه نوشته شود صلوات بر پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم بلفظ صلعم و مانند آن چنانکه عادت آن جاهلانی که محروم شده‌اند از
الخ پس گفته است بعضی گفته‌اند اول کسیکه صلعم را نوشت دستش بریده شد
مؤلف گوید چون در این خصوص در جلد ثانی از مجلدات اربعه کتاب خرابات بطی
مانده‌ایم آنکه حدیث در این باب مجملی از آن ذکر شد مراکه این از آداب و قاعده کلام در این عصر ما
بقلم در تکلم کردن و کتابت و ارقام و غیرها شیوع شتا عوام الناس که طرف گفتگو هستند

۷ تزیل کتبه

جاهم بعضی از آداب و احکامند اکثر خواص این شیوه در تکلم و تلفظ باسم مقدس رب جلیل جل جلاله
و بهر برکات در اسم مبارک پیغمبر و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در نهایت حرمت و اجلال
و اعظام سلوک مینمایند و در کتابت و مکاتبات بجای خط اختصار اسم مقدس الله را برمز
اه یا ه در اسم مبارک سرور این سلسله علیهم السلام بکمال بی ادبی و بی اعتنائی میرمزند مثلا در کتاب
مینویسند ع البنی ص صلوات را بر مز ص مینویسند ع علی ع ع الباقر ع ع الصادق ع
صلوات و رحمت ایشان را برمز مینویسند شک ملعوظ بچهار نقطه که علامت علیه السلام است غیر ایشان و غیر از این
که از برای اختصار است و حال آنکه فعل او برخلاف قول و غرور او کلاه سیدهم ده ورق
مطلب بکاری و در فصاحت و بلاغت و زبان بی ربطی حرج دارد خود را سخن گستری و سخن پروری
سید نه و هزار بیت کتابت میکنه که نه بکار دین و دنیای خودش و نه دیگران میرسد و لیکن از ذکر
صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و علیهم اجمعین بخیه ریاکه حرف بحرف اسم الله
جلت عظمته برمز و اختصار اقتصار میکند تو که خود میدانی کیستی و چیستی و از کجا آمده
و چه بطن و چه شده و حالا خود را بخیال خود ما فوق همه مخلوق در ربع مسکون می‌پنداری
و می انگاری اگر اسم ترا در لفظ یا کتابت بطور اختصار بزنند حالت منقلب و حشمت
برمیگردد و قلبا بگوینده و نویسنده عداوت و خطابی که که در صدد توهین و تخفیف من
بر آمده بیر پنج سطر القاب و اوصاف در کتابت یا ملاسلات و ثبت یا در دربار که تمها

۲۷۰

برای تو نویسنده که رکت باشی چگونه کس زیادتر القاب و اوصاف دروغ بی اصل و هیچ یک
در وجود حضرت و رگاه و اجداد تست بعضه برای تو نویسد بالمره از صد خوشحال و خرّم و خرسند
خواهی شد و از کمال حماقت و سفاهت که از آن القاب و اوصاف سلامی بندی در خود می بالی
و می نازی و بشبهه می افتی خود را که اگر من چیزی نیستم و این شئونات را ندارم چرا لابد این
این قسم نوشته و دیگر بعضه یا در بالای فلان چیز گلاب آن القاب و اوصاف شمرده لذ
هیهات هیهات کار القاب و اوصاف بجائی رسیده که عالم و جاهل دیوانه و عاقل کهتر
و مهتر را کسی در القاب و اوصاف فرق نباید بکند
این رسم در
نعمله در خاک ایران جاری است و عالم و جاهل و غنی و فقیر در نوشتن این القاب و اوصاف
معمولاً مهمله شایعه متصر و در دروغ نوشتن و دروغ کش لسانا و خطا کمال جهد و ابرام
و در جواب مکاتیب و اشعار طرف مقابل هم در قبول کردن آن القاب و اوصاف مجعوله
مجعوله نهایت اصرار و ابرام را مرعی میدارند و هیچ یک از طرفین هم از این اکاذیب دارد جیف
و نعوت مجعوله و اوصاف مجعوله حیا و خجالت نمیکشند لعل الله یحدث بعد ذلک امراً الآیة

تکلیف ۵۸

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلوة والسلام رقم کردن اسم مقدس آنحضرت است در ابتدای دفاتر

وکتب دینیات

۲۷۱

وکتب دینیات و محترم داشتن اسم مبارک آنحضرت را در نوشتن و تکلم کردن و حفظ کردن در اوراد
و خواتیم و طلسمات و الواح مقدسه و در هر چیزی که اسم مقدس او و اجداد طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین در آنها ثبت و رسم شده و با طهارت استعمال نمودن و ندیده در زیر پا و مواضع
غیر معظم نگذاشتن و ذکر نمودن آنحضرت را در ابتدای مواعظ و خطب و در دروس و مناجات
و مطالب و در مناجات و تعازی و ابتدای اذان و آخر آن و ابتدای قرآن و ختم آن و در ابتدای
دعوات و ختم دعوات و نو خطبه نکاح و عقود و ایقاعات و اکل و شرب و قیام و قعود
و ذهاب و ایاب و سفر و حضر و ترویج و غیر ذلک از حاجات بلادی و شهرهای نزاعه و آنچه من گفتم
بقدر قطره ایست قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر الآیة

تکلیف ۵۹

از جمله تکالیف انام در غیبت امام علیه الصلوة والسلام در گنج از دو خزانه و انگشت تحسّر و تحیّر
بدندان گزیدن و شربت ترک خروج و ظهور را با اهل باطل نرسیدن و غصص و محن و قصص و نقش
ناملایمات و محذورات دینی و ایمانی را در خزینه سینه انباشتن و در دین و ایمان خود سلا
لذ شیاطین انسی و جنی نگاه داشتن و بتوسل نمودن به خدای قهار و رسول مختار و ائمه ابرار علیهم
صلوات الملک الجبار شدن و مانند پلاس و احلاس در خانه خود فرش نمودن
و مشق ظهور آنحضرت را مجدانه ورد نمودن و مستعد سفر مرگ بودن است)

وفي الصحيفة الكاملة

عن ابي عبدالله عليه الصلوة والسلام ما خرج ولا يخرج منا اهل البيت الى
قيام قائمنا احد ليدفع ظلما او ينعش حقا الا اصطلمته
البلية وكان قيامه زيادة في مكروهنا وشيعتنا الخ اگرچه ظاهر از
ذکر منا اهل البيت مستفاد میشود که امام یا اولاد امام علیهم السلم هر گاه بخواهد
خروج کنند و احقاق حق یا ابطال باطلی نمایند منکوب و مخذول و منتهی خواهند شد
و تا ظهور دولت حقه اهل حق مقهور و مستور خواهند بود و تا خروج و ظهور حضرت بقیة الله
في الارضين والسموات صاحب العصر والزمان ارواح العالمين فداه دولت مرتب اهل باطل
و کفر خواهد بود چنانکه در احادیث عدیده رسیده ولکن بحسب تاویل و تفسیر بعض از آیات
و احادیث که از اهل بیت معصومین سلام الله علیهم اجمعین رسیده چنانکه فرموده اند السلمان منا
اهل البيت شیعیان و موالیان و شیعیان اهل بیت علیهم السلم هم از اهل بیت محسوب میشوند
علماء و فقهاء که نواب امام علیه السلم حقیقة الاسلام هستند که بجای خود دانند چنانکه در این زمان
در حضرت حجة عجل الله فرجه در غیبت کبری فرموده اند اگر احدی از شیعیان اعم از علماء
و فقهاء و حکماء و عرفاء و امراء و اعیان و اشراف و رعایا و برایا و غیرهم بخواهم
خروج کند و امر بمعروف و نهی از منکر نماید و مذهب جعفری و حقه و آئین و احکام

شیعه اثنا عشریه را رواج دهد بر سایر ملل و ادیان حتی بر اهل التسنن و غیرهم صحیح نیست
و بنابراین حدیث شریف و سایر احادیث متظافره منکوب و مخذول و مقهور خواهد شد
بلکه جان او معرض تلف است پس در این صورت سکوت و تقیه در این ازمنه در حق ایشان
عالم عامل مرحوم حجة الاسلام و کهف الانام حاجی شرفی رضوان الله تعالی علیه در بعض تحریرات
خود نوشته اند ما هذا لفظه ممکن است تاویل آیه مبارکه انما یرید الله لیذهب
عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا در باطن باطن به داخل کردن جمیع
اهل ایمان در اهل بیت نبوت و حصول طهارت تامه و قابلیت تعاون ایشان از برکت
توسل ایشان سلام الله علیهم الخ و همین کلام ایشان شاهد بزرگ صحیحه ذکر کردم که به تبعیت
از اینکه گفتم دوستان و شیعیان اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین تیراوان در جزو اهل بیت محسوب میشوند
و مصداق بعضی از فقرات احادیث را استیعاب نمایند پس در این عصر و زمان که دولت بر اهل
کفر و ضلال و غیره است صحیح نیست احدی از علماء و فقهاء و حکماء و عرفاء و امراء و سلاطین
و غیرهم بجهة امر بمعروف یا نهی از منکرات خروج نمایند یا جنگ و جدالی کنند الا در بعض مواقع
و جهاد عمومی واجب خواهد شد و حکم آن بسته بفتوی و حکم مجتهد جامع الشرائط است
چنانکه در کتاب جهاد از کتب فقهیه مفصلا مسطور است پس موالیان و دوستان حقه
اثنا عشریه باید تا بظهور امام علیه السلم مانند پلاس در خانه های خود پهن شده

و بهر وجهی که بتوانی آنرا اختیار نمایند و از درگاه حضرت احدیت عز شأنه و بهر بارگاه آستانهای
تعجیل در ظهور و فرج حضرت حجة الله ارواح العالمین فداه را مسألت نمایند و مداومت بر بعض
دعواتیکه ولادتشرا در غیبت آنحضرت ارواحنا فداه قرائت شود بنمایند و دین و ایمان
خود را حفظ کنند که شیاطین انسی و جنی از آنها نربایند)

(از حال خود آگه نیم لیک اینقدر دانم که تو — هرگه بخاطر بگذری اشکم ز دامان بگذرد)

(تکلیف ۶۰ خاتمه شصتم)

بدانکه این تکالیف مذکوره و عقایدیکه باید تو دارا باشی نسبت بموالیان خود علیهم السلام ایرادهای استبعاد
و استعجاب ندارد نسبت بآن ذوات مقدسه و اشخاص مطهره که قوام و دوام تمام از جن و انس و سموات
باتفاق مؤالف و مخالف از برکت وجود مقدس مطهر منور آنها است و از ممتنعات نیست زیرا که بعض
از اهل سنت و جماعت همین عقاید را نسبت بادنی مخلوقی از مخلوقات خدا که آنها را رئیس و بزرگ
خود میدانند دارند و این عقاید حقه که تو نسبت بموالیان خود داری آنها نیز همین عقاید را بعینه
ثابت نموده برای شخص خودی ثابت و برقرار کرده در وضع شیئی را در غیر ما وضع له خود نموده اند که اثبات
امکان و ثبوت و استقرار چنین عقایدی را از برای تو در آنها که حضرت سلام الله علیهم اجمعین خلاف نمود
پس از این صورت تو اولی و احری هستی باینکه این عقاید حقه را که لازمه شئونات آنها است

من غیر استحقاق
صح

علیهم السلام در خصوص موالیان حقه

علیهم السلام در خصوص موالیان حقه دارا باشی و اعتنا بمعارضات و مجادلات خصم از تعارض نمائی
و درست توجه نمائی در این بیاناتی که از برای تو نمودم داخل اظهار آنکه بیدارم و خرافات و خزعبلاتی
که خصم در مقابل تو نشسته آمدانی که اثبات این نوع شئونات و درجات و عوالم و مراتب
و بلند و تاکید که از اظهار حقیر در حفظ کلمات و مقامات از نسبه و اوقات و دقایق و ساعات
ایام و لیالی و تکالیف مقرره و عقاید حقه و توجهات تامه کامله بسوی امام عصر و زمان خود و
و غوث اعظم و قطب دایره عالم صاحب العصر و الزمان **محمد بن الحسن** صلوات الله و سلامه
علیه و علی آبائه الطیبین الطاهرین اند که دست از بیشمار و خردلی است از خردلها و قطره از بحار
خدای واحد احد شاهد است چنانچه میخواستم تکالیف مقرره متعینه صوریه و معنویه و ظاهریه و باطنیه
تو را کما ینبغی بنویسم بایام تو از اول تا آخر اشرها مینوشتم کفش و کلاه خود را فرو ریزم و مینمایم اختیار
و سر و پای برهنه بکوه و صحراها میگریختم و برق و ابلاغی در میان مخلوق میانداختم و لکن
آنچه من گفتم بقدر فهم تو است بل بقدر ظرف تو است (پس بیا دامن هوش خود را جمع کن
و این علاقه از باطن خود قمع کن) و ملاحظه بنما شئونات خصم در مقابل موالیان تو را که خود را بشنیده اند
بشنو که چگونه بمجرد این دعاوی بیپا گروه گروه با آنها گرویدند و خرافات آنها را
بگوش جان خود شنیدند و جان و مال و هستی خود را با آنها بخشیدند و از حضور موالیان تو
رمیدند و لب طعن و مخالفت و سعی مذمت را چیدند و از حرارت ظاهری او علمی

کردند آنچه کردند و شنیدند آنچه شنیدند و جادوش آن دهند آنکه دهند)

الشیخ عبد القادر الجیلانی

كل ولي على قدم نبي وانا على قدم جدي ما رفع المصطفى قدما الا وضعت في
الموضع الذي رفع منه الاقدام من اقدام النبوة فانه لا سبيل الا ان يناله غير نبي

ومن كلماته ايضا

انا نار الله الموقدة انا سالب الاحوال بحر لا ساحل له انا المحفوظ انا الملحوظ يا قوام
يا صوام يا اهل الجبال دكت جبالكم يا اهل الصوامع هدمت صوامعكم اقبلوا
الى امر الله انا امر من الله يا رجال يا اوتاد يا ابدال يا اطفال هلموا وخذوا
عن البحر الذي لا ساحل له انا الناظر في اللوح المحفوظ انا الغائص في بحار
علم الله ومشاهدته انا حجة الله انا نائب رسول الله ووارثه في الارض

ومن كلماته ايضا

انا افضل مشائخ الجن والانس جميعا بيني وبين الخلق بعد بعيد كما بين السماء والارض

ومن كلماته ايضا

انا من وراء امور الخلق وعقولهم رجال الله اذا وصلوا الى القدر امسكوا فانا
وصلت اليه ودخلت فيه فنازعت اقدار الحق بالحق للحق

ومن كلماته ايضا سلمت

ومن كلماته ايضا

سلمت لي الارض شرقا وغربا سكنى وغير سكنى برا وبحرا سهلا وجبلا كلهم
يخاطبوني بالقطبية

ومن كلماته ايضا

انا سيافا انا قتال انا اعلم ما في بطنكم وظاهركم وانتم في نظري كالقوارير

ومن كلماته ايضا

اعطيت الان سبعين بابا من العلم اللدني سعة ما بين السماء والارض

شیخ ابو الحسن خرقانی

صعدت ظهيرة على العرش لا طوف به فطفت عليه الف طوفة او كما قال ورايت
حواليه قوما ساكنين مطمئنين متعجبا من سرعة طوافي وما اعجبني طوافهم فقلت
من انتم وما هذه البرودة في الطواف فقالوا نحن ملائكة ونحن انوار وهذا طبعنا
لا نقدر ان نجاوزه فقالوا ومن انت وما هذه السرعة في الطواف فقلت
انا ادمي وفي نور ونار وهذه السرعة من نتائج نار الشوق

للشیخ محیی الدین فی فتوحاته

انا ختم الولاية دون شك . يورث الهاشمي مع المسيح

ومنها ایضاً

ولما اتانی الحق لیلاً مبشراً ‌‌ بانی ختام الامر فی غرة الشهر
وقال الحق قد کان فی الوقت حاضراً ‌‌ من الملأ الاعلی ومن عالم الامر
الا فانظروا فیه فان علامتی ‌‌ علی ختمه فی موضع الضرب بالظهر
انا وارث لا شک علم محمد ‌‌ وحاله فی السر منی وفی الجهر
وانی ختم الاولیاء محمد ‌‌ ختام اختصاص فی البداء والحضر

ومن کلماته

الله اکبر والکبیر ردائی ‌‌ والنور بدری والضیاء ذکائی
والشرق غربی والمغار مشرقی ‌‌ وخفایا الحلق الجدید امائی
والنار عینی والجنان شمائلی ‌‌ والبعد قربی والدنو تنائی
واذا اردت تنزها فی روضتی ‌‌ ابصرت کل الخلق فی مرائی
واذا انصرفت انا الامام ولیس لی ‌‌ احد اخلفه یکون ورائی

فی کتاب مقامع الفضل لابن الاوقا الطاب ثراه

شیخ محیی الدین در فصوص و فتوحات کیدر بلکه بت پرستیدن همان خدا را پرستیده باشد
وچون سامری گوساله را ساخت که مردم را بعبادت او خواند حق تعالی یاری نکرد هارون را بر سامری
از برای آنکه میخواست که در هر صورتی پرستیده شود حق تعالی نصاری را تکفیر نمود بسبب آنکه

الوهیت عیسی علیه السلام قائل شدند بلکه بسبب آنکه خدا را منحصر در عیسی دانسته چنانکه فرموده لقد کفر الذین قالوا ان الله هو المسیح **و خود را** خاتم الاولیاء دانسته و گفته ختم ولایت بود شرا و بعضی ان نقاد و مصر شده بجهت تهنیت و مبارکبادی ختم ولایت **و نیز گفته** که جمیع انبیاء اقتباس علم می کنند از مشکوة خاتم انبیاء و جمیع اولیاء اقتباس علم می کنند از مشکوة خاتم اولیاء **و گفته** که خاتم اولیاء افضل است از خاتم انبیاء در ولایت چنانکه خاتم انبیاء افضل است از سائر انبیاء در رسالت **و نیز گفته** که اهل آتش در دوزخ تنعم می کنند و با آتش راحت می یابند و لذت می برند و عذاب کافر منقطع خواهد شد و عذاب مشتق است از عذب بمعنی شیرینی انتهی کلامه فی کتابه المذکور

شرح دیوان میبدی

مؤید الدین جندی در شرح فصوص گفته که شیخ یعنی شیخ محیی الدین عربی در اول محرم از اشبیلیه از بلاد اندلس بخلوت نشست و نه ماه طعام نخورد در اول عید فطر مأمور شده بیرون آمدن و مبشر شده بآنکه خاتم ولایت محمدیه است صلی الله علیه و آله

و هم در شرح فصوص گوید

من دلائل ختمیته انه کان بین کتفیه فی مثل الموضع التی کان لنبینا صلی الله علیه و آله علامة مثل زر الحجلة ثابتة تقعیر مثل زر الحجلة اشاره الی ان ختمیته النبوة

ابجد هوز حطی کلمن

انه اسبیلیه از بلاد اندلس است بلاد عرب را

ظاهره فعلیة وختمیة الولایة باطنه انفعالیة تا آنکه محمد یعنی در تصنیف دیگر فرموده
شیخ بسیار مبالغه کرده والاذا الکفر کفره ونبد لله درچاره این مردم در غیبت تا آخر شور و فصوص
خلاشری حافظ . بمدعی مگوئید اسرار عشق و مستی تا بیخبر بمیرد در درد خودپرستی
عاشق شو ارنه روزی کار جهان سرآید ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی تا علم و عمل بینی
باموزه نشینی یک نکته ات بگویم خود را مبین که رستی انتهی . یقول المؤلف وفقه الله ۷

یقول المؤلف وفقه الله

بر عارف بصیر و ناقد خبیر و اهل انصاف خالی از جزاف و اعتساف واضح و لایح است که تمام
این اقوال سراسر از روی کذب و بهتان و غرور و طغیان و دعوای نفس و خودنمائی و محض شهرت بین الانام
و گول زدن و فریب مومنان عوام کالانعام گفته اند واکثر این کلمات سراسر ابلهانه گفته اند محض لجاجت
و عناد و خصومت و لداد و ضدیت و ضدیت و معارضه و مناوله با شیعه اثنا عشریه است چون
شنیده اند که شیعه گویند ختم ولایت بوجود مبارک حضرت بقیة الله عجل الله فرجه در تهدد محرحه شده است
محیی الدین در مقام معارضه بر آمده که دعوی ولایت و خاتم الاولیائی نماید وچون
شنیده اند که شیعه گویند حضرت امیرالمومنین علیه السلام در بالای منبر سلونی قبل ان تفقدونی
فرموده مقاتل بن سلیمان نیز بر منبر سلونی قبل ان تفقدونی و سلونی عما دون العرش میگوید و از او
سؤال میکنند اول حجی که آدم کرد آورد سر او را کی تراشید فرو ماند و جواب نمیدهد

۷ نقل در کشف الظنون
گفتار بالجملة قال کتاب و
مناقب محیی الدین ابن عربی اندلسی
من الیعات سید علی بن میمون المغربی
الشرقی و الفتحی فی تنزیه ابن عربی و الشبان فی دعوای نسیاه
تنبیه الغبی فی تنزیه ابن عربی للسیوطی انتهی
التعریف ۱۱۱۱ ؟ احدی
عزم و تعیاها و الشیخ ابراهیم
بن محمد الحلبی سماه تنبیه
الغبی فی تکفیر ابن عربی
وطلب الجواب عن الذی اورده
الحلبی و دفع شبهاته
ت ۱۱۱۱ ؟

ابن جوزی هم سر ابعه بالای منبر این دعوی را بجا بالای منبر در این عبارت سلونیکه وضعانه که از بعدای جمله
ما ادراک جواب میرسیده دعوی او را بالای منبر چنانکه ۷ عمر بن الخطاب میگوید چهبد خاتم الدرکوع
ب سؤال بخشیم که آنکه هم در حق من نازل شده چنانکه برای حضرت امیرالمومنین علیه السلام نازل شده
لهذا نازل شد عجب تر آنکه در کتاب خصایص محمد بن جریر طبری که از علماء اهل سنت و جماعت است
در جهوکه نام او عمر بن الخطاب این کار را کرده در وای اوآیتی نازل شد میگوید چهل مرتبه من در وقت
رکوع انگشتری خود را در راه خدا این آرزو و تمنا تصدق نمودم تا در شأن من آیتی نازل شود نازل نشد
و شنیده اند که شیعه میگویند از معراج حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله همه جا حضرت امیرالمومنین
علیه السلام را با خود دیده و خود اهل سنت هم اقرار دارند چنانکه در ملا حسین مناقب و بحر المعارف سطور است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده در شب معراج خداوند تعالی بمن فرمود یا محمد صلی الله علیه و آله که را در خلق
دوست بیشتر داری گفتم علی را علیه السلام پس فرمود نگاه کن بجانب چپ خود چون نگاه کردم دیدم علی علیه
السلام صلی الله علیه و علی اولاده الطاهرین اهل سنت هم در معارضه میگویند ملای رومی و جمعی دیگر
از شیخ سالکی بسیر ملکوت آسمانها رفت چنانکه در سفینة الاولیاء محمد داراشکوه قادری است
و شیخ ابوالحسن خرقانی میگوید بوش رفتم در اطراف عرش دیدم دیگری میگوید از آسمانها
رفتم مرتبه علیه السلام را دیدم پیش تر از من رفته بود و نیز شنیده اند حکایت شقیقه
میگویند حضرت امیرالمومنین علیه السلام در وقت نماز پیکان از پای مبارکش کشیدند و پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت را

۷ وقتاده در سکه گونه نیز
این دعوی را نموده و میگفت
از ادرال سکنه از شعور که
با سلیمان علیه السلام تکلم کرده
ز نمیه یا باله در جواب
عاجز شد و قادر آنکه
تأنیث او را از لفظ حمیر
که در قرآن ثبت است
صح

نمایند جهت این بیوتر ساد و حکومت بر جن و انس شد اهل سنت در مقامات میگویند شیخ عبد القادر جیلانی
امام بر جن و انس بود و جن و ملک مانند انس پیش او می آمدند و کلمات اولیا شنیدند و حکم ایشان
انهم میکرد و غوث الثقلین او را بجهت گویند که امام بر انس و جن و ملک بود و شنیده ام
و شیعه میگویند آفتاب بر حضرت امیر المؤمنین علیه السلم سلام میکرد و میگفت السّلامُ علیکَ
یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن الخ شیخ ابو السعود میگوید حضرت غوث الثقلین شیخ عبد القادر
میگفت و آفتاب و ماه بر من آمدند تا بر من سلام میگویند و شنیده ام شیعه میگویند
و سال و ماه و ایام و هفته آمده ایشان سلام الله علیهم و عرض اعمال آنها میشود اهل سنت گویند
شیخ عبد القادر گفت سال و ماه و هفته و روز آمده بر من سلام میکنند و آنچه از خیر و شر در ایشان
مقدر شده خبر میدهند چنانکه محمد دارا شکوه قادری در سفینة الاولیا نوشته و کتاب مذکور نزد حقیر
مؤلف حاضر است بخط یکی از اهالی اش بهجان آباد و تاریخ تالیف کتاب مذکور در سنه
۱۴۹ یکهزار و چهل و نه هجریست در آن کتاب میگوید که شیخ سیف الدین عبد الوهاب ولد غوث اعظم فرموده اند
که هر ماهی از ماهها قبل از آنکه بیاید پیش از نو شدن ماه میآید پیش والد من اگر چنانکه در آن ماه
بدی و شری مقدر شده بصورت [illegible] ناخوش آمدی و اگر خیری مقدر بود بصورت نیکو آمدی
آخر روز جمعه سلخ جمادی الاخری سال پانصد و شصت جمعی از مشایخ نزد شیخ نشسته بودند جوانی
خوب روی در آمد و گفت السلم علیک یا ولی الله من ماه رجبم آمده ام تا ترا تهنیت گویم

و در این سال بدی و شر

و در این سال بدی و شری مقدر نشده و از آن ماه رجب سلخ [illegible] محرم [illegible] خبر [illegible] چون [illegible] که
سلخ رجب بود شخصی کریه المنظر آمد و گفت السلم علیک یا ولی الله من شهر شعبانم آمده ام
که ترا تهنیت گویم مقدر شده است در من موت و فنا و خلق در بغداد و گرانی در حجاز و قتل
در خراسان چون ماه شعبان آمد همه واقع شد و شیخ عبد القادر در ماه رمضان
چند روز بیمار شده بود روز شنبه سلخ رمضان جمعی از مشایخ چون شیخ علی هیتی و شیخ
نجیب الدین سهروردی و غیرهما پیش او نشسته بودند شخصی با بها و وقار تمام در آمد و گفت السلم علیک
یا ولی الله من ماه رمضانم آمده ام که اعتذار کنم از آنچه بر تو مقدر شده بود در من و وداع کنم ترا
که این آخر اجتماع من است با تو پس باز گشت شیخ در ربیع الآخر سال [illegible] وفات کرد و رمضان دیگر را
در نیافت انتهی و نیز شنیده ام شیعه میگویند ائمه علیهم السلام اجمعین فرموده اند
اسامی شیعیان ما نزد ما در صحیفه ثبت و ضبط است همچنین اسامی اعدای ما اهل سنت میگویند
شیخ عبد الرزاق فرزند شیخ عبد القادر گفته شیخ گفت کاغذی بمن دادند بقدر مد البصر
انتهای نظر دیدم که نام اصحاب و مریدان من که تا قیام قیامت خواهند بود در آن
ثبت شده اند و حکم شد که اینها را بتو بخشیدم و شیخ گفت قسم بعزت و جلال خدا
که قدم برندارم از پیش پروردگار حق تا داخل نشوند مریدان من با من بسوی بهشت و
شنیده ام شیعه میگویند ائمه علیهم السلام در حین موت و حیات حاضر اند

چنانکه در حال حیوة ظاهری تصرفات در عوالم امکان داشتند در صورت ظاهری هم تصرفات تمام
عوالم دارند اهل سنت و جماعت نیز گویند چنانچه شیخ عبد القادر را در ایام حیوة بر تمام عالم
تصرف بود بعد از وفات در قبر نیز همان تصرفات را خدا داده است و نیز چون
شنیدی که اهل ... شیعه اموات خود را در روضات متبرکه و مشاهد مشرفه ائمه طاهرین
سلام الله علیهم اجمعین دفن می کنند و میگویند عذاب از ایشان برداشته میشود شیخ ابو بکر بطایحی
میگوید ما از حق تعالی عهد گرفتیم هر جسدی که در روضه من درآید آتش آن سوخته نشود و عذاب
از او برداشته میشود و قبر ابو بکر بطایحی در بطایح است علاوه معارضات و مناقضات و جدل ترهات
اهل طایفه سنت و جماعت ... در تعصب شیعه اثنا عشریه از هر یک بر یک از مقامات و درجات و خرافات
مجالس بشمارم فتور کرده ام کتاب بدرازا کشد شهد الله تعالی هر تمام این تشبثات و انحاء شبهات
در تعصب ائمه صلوات الله علیهم اجمعین که نموده اند یا دیگران از ایشان نسبت داده شده کذب محض
و محض کذب و شهرت و ریا و سمعه و غرور و طغیان و عدوان است و بس مقصودی از این ترهات
و خرافات ندارند الا اطفاء انوار مصابیح هدی علیهم صلوات الله ملک ... یریدون
ان یطفئوا نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون

تمت فی صبیحة یوم الاربعاء من شهر ربیع الثانی فی بلدة ... ... تعالی عن الحدثان
علی ید ... ... ابو المکارم صدر الاسلام ... علی
... سنة الف و ثلثمائة و سبعة عشر من الهجرة ...
سنه ۱۳۱۷

(صورت بعض اجازات و تالیفات مؤلف این کتاب مستطاب ادام الله ایام افاداته)

و هو العالم العامل الفاضل الکامل جامع المعقول و المنقول عمدة العلماء العاملین و زبدة الفقهاء و المحدثین ملاذ الانام الحاج میرزا علی اکبر صدر الاسلام الهمدانی اصلاً و النجفی مسکناً و مدفناً

اما صورت بعض اجازات از علماء اعلام و فقهاء عظام

(صورت اجازهٔ اولی از عالم عامل کامل ثقة الاسلام و المسلمین رئیس الفقهاء و المحدثین ثالث الطبرسیین المبرز من کل زمان و شین آقا حاجی میرزا حسین نوری طبرسی غروی قدس الله سره العزیز

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و السلام علی محمد و آله المصطفین الاخیار و بعد فان العالم الفاضل الصالح التقی الصفی الحاج میرزا علی اکبر الهمدانی النجفی بلّغه الله تعالی ما یتمناه سألنی ان اجیز له ان یروی هذا الکتاب المسمی بدار السلام و سائر مصنفاتی و کل ما اجاز لی مشایخی العظام روایته عنی عنهم عن مشایخهم بطرقی المعروفة المثبتة فی مواقع النجوم فاستخرت الله تعالی و اجزته ان یروی جمیعها عنی مشترطاً علیه ما اشترط علیّ من التقوی و سلوک جادة الاحتیاط فلیروِ عنی ما احب کیف احب حرره العبد المسیئ حسین بن محمد تقی النوری الطبرسی فی شعبان سنة (۱۳۱۲)

(صورت مهر مبارک قال محمد صلی الله علیه و آله حسین منی و انا من حسین)

(صورت اجازهٔ ثانیه)

از حضرت مستطاب حجة الاسلام غوث الانام کهف الخواص و العوام اعلم العلماء العاملین و افقه الفقهاء و المجتهدین آقای حاجی میرزا محمد حسین اعلم دام ظله العالی علی رؤس الادانی و الاعالی نجل نبیل مرحوم مبرور عالم عامل حاجی میرزا خلیل طهرانی طاب الله ثراه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی رفع درجات العلماء بان جعلهم ورثة الانبیاء الخ تمام آن در اوایل این نسخه نوشته شده از آنجا نوشته شود

(صورت اجازهٔ ثالثه)

از عالم ربانی و حکیم صمدانی سند العلماء و سند الفقهاء المجتهد المحدث البارع المؤید الی الثقة العادل الفقیه النبیه الممجد آقا سید محمد المجتهد الهندی النجفی دام ظله العالی

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله علی تواتر نعمائه و تظافر آلائه و الصلوة و السلام علی محمد سید انبیائه و علی آله و امنائه علی وابنائه و بعد فان

فان نعم الله لا تحصى والآئه لا تستقصى واول هاتيك النعم ابرازنا الى
اوج الوجود من حضيض العدم ثم نعمة العقل الذى به للتكليفات
الربانية تأهلنا وبه للالطاف الرحمانية توصلنا ولا نعمة
بعد ذلك افضل ولا اكمل ولا اجزل من نعمة العلم بالاحكام ومعرفة
الحلال والحرام وحسب العلماء قول الله تعالى هل يستوى الذين يعلمون
والذين لا يعلمون وقال تعالى انما يخشى الله من عباده العلماء وامر
عباده بالرجوع اليهم فقال واسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون
وورد والنظر الى وجه العالم عبادة والنظر الى باب العالم عبادة
والعلماء ورثة الانبياء ومداد العلماء كدماء الشهداء وفى بعض
الاخبار افضل من دماء الشهداء وان ممن انتظم بهذا النظام
وبحث عن الحلال والحرام وهاجر لطلبه عملا بالوارد اطلبوا العلم
ولو بالصين جناب العالم اللوذعى والعارف الالمعى المصباح
الازهر والكوكب الانور صدر الاسلام الحاج ميرزا على اكبر
بن الميرزا شير محمد بن الحاج كل محمد بن محمد طاهر الهمدانى وفقه الله
لمرضاته وجعله من اهل الدين وحماته وحيث انه يميل الى
طريقة السلف ولا يقنع بقليل الشرف استجازنى فى الرواية
فاجزته ان يروى عنى جميع مروياتى ومصنفاتى وجميع مسموعاتى
ومقرواتى وما رويته عن مشايخى العظام واساتيدى الكرام
رضوان الله عليهم اجمعين بطرقى المعلومة المثبتة فى رجالى
المسمى بنظم اللئال فى علم الرجال واسانيدى المتصلة بالنبى
واهل بيته المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين فمنها

عن شيخنا

عن شيخنا المرتضى الانصارى التسترى مرجع الامامية فى دينهم
ودنياهم قدس سره من غير واسطة وقد اجازنى من غير واسطة
فى الحرم العباسى على مشرفه الصلوة والسلام يوم الجمعة فى النصف
من شعبان سنة ست وسبعين بعد الالف والمأتين بعد
فراغه من الطهر عن جميع مشايخه بطرقهم المختلفة
واعلاها عن التقى الزكى العالم العامل ملا احمد النراقى
رحمه الله عن السيد مهدى الطباطبائى بحر العلوم قدس سره
عن شيخه الشيخ يوسف صاحب الحدائق والاستاد الاكبر
الاغا البهبهانى قدس سرهما وطرقهما بعد ذلك معلومة وله
قدس سره طرق اخر غير هذا الطريق عن السيد على
صاحب الرياض وغيره ومنها عن العالم الربانى
والفقيه الصمدانى المولى على بن الخليل بن محمد ابراهيم بن
محمد على الرازى الطهرانى وهو الثقة الجليل والعالم النبيل
علامة ثبت ورع محيط بالمعقول والمنقول سليم الجنبة وله
من العلم والفضل ما لا يسعه شرحه وقد رايت صاحب الامر عليه السلام فى عصره
مرتين على صورته الشريفة فانتبهت فعلمت ان ذلك لعظم
شانه وقد اجازنى جميع ما يرويه حتى كتب النحو ونحوها يوم
الجمعة رابع صفر سنة ست وسبعين بعد الالف والمأتين
عن شيخنا الشيخ مرتضى الانصارى قدس سره عن مشايخه
ومنهم العالم الفاضل المولى احمد النراقى عن ابيه العالم
العامل مولى مهدى عن مشايخ متعددين وعن

شيخنا الشيخ محمد حسن بن باقر قدس سرهما صاحب التصنيف المشهور
المسمى بجواهر الكلام والشيخ العالم الثقة الورع التقي النقي
الشيخ جواد بن الشيخ تقي ملا كتاب والشيخ الجليل الشيخ رضا
بن زين العابدين والسيد محمد بن السيد جواد العاملي جميعا
عن السيد جواد العاملي عن السيد مهدي بحر العلوم قدس
ويتصل روايته بالمجلسي ره مصنف بحار الانوار بطرق مختلفة
في بعضها الشيخ يوسف البحراني واجازاته مذكورة في كتابه
واجازات المجلسي ايضا مذكورة مسطورة في اربعينه وكتاب
الاجازات من بحاره ويتصل بالشهيد الثاني وغيره وعن
العالم الفاضل العامل الشيخ عبد العلي الرشتي عن
السيد مهدي الطباطبائي وهو اعلى طرقه ومنها
عن سيد الفقهاء وسند العلماء العالم العامل الكامل السيد
مهدي القزويني الحلي والطرق بعد ذلك معلومة لديه
افاض الباري نعمه عليه واوصيه بلزوم التقوى والاحتياط
ومجانبة التفريط والافراط وان لا ينساني من الدعاء
في مظان استجابة الدعوات فانه قاضي الحاجات ومنجح
الطلبات وصلى الله على محمد وآله الطاهرين وكان ذلك
في يوم الجمعة الخامس من شهر ربيع الثاني في السنة الثالثة
والعشرين بعد الالف والثلثمائة هجرية على مهاجرها
الاف التحية في الغري على مشرفه افضل الصلوة والسلام الاقل
محمد الموسوي الهندي (عبده محمد الموسوي)

واما صورة

(واما صورة تأليفاته دام ظله العالي)

کتاب ناسخ التفاسير شامل بر تفسير آيات عربي وفارسي كشف الآيات بطرزي عجب بيت چهار كتاب است

تفسير توضيح القرآن فارسي وعربي

مثنوي صد ترجمه در عقايد ومقالات اصولي وشيخي وصوفي قريب سه هزار بيت

مثنوي آب حيوة در سلوك ظاهر وباطن در طهران بطبع رسيده

کتاب اخوان الوفاء في معرفة الاحباء والاعداء

کتاب تكاليف الانام في غيبة الامام عليه الصلوة والسلام

کتاب عين تمنا در كشف مكاشفات يوحنا در رد بابيه عليهم اللعنة والعذاب

کتاب كشف الحجاب في الرد على الباب المرتاب

کتاب دعوة الحسنى في ادعية الحسناء در بمبئي مكرر بطبع رسيده

رساله در خصوص جواز سجده با عتاب مقدسه معصومين سلام الله عليهم اجمعين

رساله جواهر الايمان في آداب تلاوة القرآن

کتاب خرابات چهار مجلد قريب صد هزار بيت

رساله دم عيسوي در جواب مسائل نصراني همداني

تحفة المظفرية در طهران نوشته شد

شرحي در خصوص دعاء سمات

شرحي در خصوص دعاء صنمي قريش لعنهما الله تعالى

شرح مختصري در خصوص زيارت عاشوراء

رساله يد بيضاء در رد حركت ارض وسكون شمس

رساله سيف الدين على رقاب المبتدعين در رد بر رساله ملا ابو الفضل
گلپايگاني بابي عليه اللعنة ابد الآبدين

رسالهٔ ایقاظ النائمین

رسالهٔ تحفة الحجة فی آداب الجمعة

رسالهٔ فهرست الصدریة فی الاجازات العلیة

رسالهٔ مختصره مسمی بانیس النوان

کتاب کاسهٔ درویشان

بعضی نسخ و حواشی در اصول و فقه و حکمت و غیرها

سؤالات عجیبه که از کرمان شده و جوابهای آنها

بعض سؤالات که در نجف اشرف از حضرت عالم ربانی و فقیه
صمدانی الذی لیس له ثانی الشیخ عبدالله بن العالم الفقیه
الجلیل الشیخ حسن المامقانی شده و جوابهای بعض آن

اشعار و قصاید و غزلیات و غیرها در موعظه و نصیحت و مصیبت
و غیرها از رسائل متفرقه که هنوز از سواد به بیاض نیامده

تمت — فی ذی القعدة الحرام

۱۳۲۳